



3 1761 04133 4871



صواب	خطا	سطر	صفحه
Carolus	Caralus	۲۴	۴
تریوالی	تریوالی	۲۳	۸
Trivali	Trivoli	۲۳	۸
Γεται	Γεται	۲۳	۸
Παίονες	Παίονες	۲۴	۸
Τριβαλοὶ	Τριβάλι	۲۴	۸
Μυσοὶ	Μισοί	۲۵	۸
اخه منیلر	اخه متیلر	۱۳	۱۴
لینکوس	لیکوس	۲۳	۱۵
لینکوس	لیکوس	۲۶	۱۵
ترویا	ترویا	۲۸	۱۵
ذریاتندن	ذریاتندن	۲۸	۱۵
Celtiberes	Celtibers	۲۲	۳۰
Χαρσιανή	Χαρσίανι	۲۵	۴۴
Βασιλεία	Βασιλεία	۲۱	۴۸
پورفریوبه نیدو	پورفریوبه نیدوس	۲۰	۴۸
Τὰ Κύρου	Ταχύρου	۲۲	۴۸
Ἐλέπολις	Ἐλαπόλις	۱۹	۵۳
(Μέγας δουξ)	(Μέγας दुख)	۲۴	۵۹
پندا کوسی	پندا کوس	۲۳	۸۵
Ἰβηρες δυτικοὶ	Ἰβηρος δυτικά	۲۵	۹۴
Ἰβηρες	Ἰβηρος	۱۷	۹۵
Θρακική Χερσόνησος	Θράκη Χερσόνησος	۲۶	۱۰۵
Πλαταιῖς	Πλαταις	۲۶	۱۱۷
Muhliou	Mohlion	۲۲	۱۱۹
Λιμυρά	Λιμυρά	۳	۱۲۰
Amyclae	Amycla	۳	۱۲۰
Μεσσηνία	Μεσσηνά	۱۴	۱۲۱
Chalcocondylas	Chalcocondulos	۲۵	۱۲۵
Χαλκοκονδύλας	Χαλκοκονδύλος	۲۶	۱۲۵
Πλαταιῖς	Πλαταῖτες	۴	۱۲۶
Lesbus, Λέσβος	Tesès, Τέσβος	۱۸	۱۲۶
Κορώνεια	Κορώνια	۷	۱۴۳
Ἴωνες	Ἴωνις	۲۲	۱۴۴

ماکدونیا

۱۰۴، ۱۰۰، ۲۷	
۱۱۶، ۱۰۷، ۱۰۵	
۱۶۰، ۱۲۶، ۱۱۷، ۰	
۱۹۱، ۱۸۹، ۰	
۱۴۲، ۱۲۰	مانتینا - ماتنی نه آ
۱۶۵	مایدوس
۱۷۴، ۱۶۸، ۹۷، ۹۶	مجارستان - مجار ممالکی
۱۷۸، ۱۷۵	
۱۶۹، ۱۴۳	متونی - مه تونی
۱۰۵، ۹۵، ۹۱، ۹۰	مدلی - مدلی آطه سی
۱۲۷، ۱۲۶، ۱۰۷	
۱۵۹، ۱۴۴، ۱۲۸	
۱۶۴، ۱۶۱، ۱۶۰	
۱۷۹، ۱۷۸، ۱۶۵	
۱۸۰	
۳۴، ۳۰، ۲۷، ۲۰	مجار - مجار لر
۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷	
۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۱	
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۱۳	
۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵	
۱۸۸	
۱۶۵، ۱۸	مرمره - مرمره دکری
۱۲۱	مسینا
۱۵۰، ۳۴، ۳۱	مغول - موغول لر
۲۶	منشا
۱۱۹، ۱۱۴، ۴۱	موره
۱۲۳، ۱۲۱، ۱۲۰	
۱۳۶، ۱۲۵، ۱۲۴	
۱۴۱، ۱۳۸، ۱۳۷	
۱۵۴، ۱۴۳، ۱۴۲	
۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸	
۱۸۶، ۲۷۲، ۱۷۱	
۱۲۷	مولوس
۱۳۷، ۱۲۷، ۱۲۰	مونو آسیا - مونو آسیا
۱۱۹	موهلیون
۳۸	مه سیوری
۱۴۹	میکالی طائی
۱۳۲، ۱۳۱	میرینپولیس
۹۵، ۹۴	ناقسوس (نقسه)
۱۶۸، ۱۲۰	ناویاقتوس
۱۰۰	نوووبردو
۱۵۸، ۳۰	نیکیولی
۱۸	وارنه
۱۵۸	ودین
۱۷۹، ۱۲۰، ۴۵	وندیک
۱۸۷	ووس طائی
۱۲۱	ووستیجا
۱۴۷	ویتینیا
۱۷۴، ۱۷۱، ۱۶۱	یایچا
۱۷۷، ۱۷۵	
۹۷	یتیکا
۱۴۹	یوقاری آسیا
۱۹۱، ۹۷	یوقاری میسیا
۱۳۵، ۱۰۴، ۲۷	یونان
۱۴۴، ۱۲۶	
۱۶۸	یونانستان



۱۱۶، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۳	قورقو	۱۴۷	غالاتیا
۱۷۰		۸۴، ۴۱	غلطه
۱۴۳، ۱۶۹	قورونیا	۲۱	غلوس
۱۰۴	قوناندوس	۳۸	فارس
۲۶	قیصریه	۱۰۷	فاکوس
۱۰۵	کدرونیوس	۲۶	فرات
۱۴۹	کردلر	۳۰	فرانسه
۲۶	کرمان	۱۷	فریکیا - بالافریکیا
۹۰، ۴۵	کرید	۱۳۵، ۹۶	فوجه - فوجه عتیق، جدید
۱۰۷	کفالوس		فلبه
۱۷۰	کفالونیا	۱۳۵	فلسطین
	کلت - کلت - کلیتورس ۳۰	۱۴۰	قاستللری
۲۱، ۲۷، ۴۳، ۴۹، ۶۴	کایولی	۱۵۰	قافقاس طاغیر
۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵		۱۴۷	قیادوکیا
۷، ۱۰، ۱۲، ۲۷، ۲۷		۱۸، ۲۶، ۳۸، ۹۷	قره دکیز
۱۳۵، ۱۴۶، ۱۵۵		۲۸، ۴۷، ۴۹، ۱۴۹	
۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶		۱۶۵	
۱۷۳، ۱۷۹		۱۸، ۱۴۵، ۱۴۶	قره دکیز بوغازی
۲۱	کورجستان	۱۷	قرمان - قره مان
۹۵	کیانوس	۱۲۱، ۱۷۰	قریسا - قریسا کور فزی
۱۱۷، ۱۷۱	کیترون	۲۶	قره حصار
۱۶	کیلسکیا	۲۶	قره سی
۲۹	لاتین	۱۱۷	قره صو
۱۲۷، ۱۷۸	لوس (مدالی)	۱۵۶	قره صو نهری
۱۷۰	لققادا	۱۲۶	قره فزیه
۱۶۱	لکتون	۲۶	قسطنطونی
۱۴۳	لوادیا	۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۰	قسطنطینیہ
۴۵، ۹۰، ۹۱، ۹۲	لینی	۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۲	
۴، ۱۰، ۷، ۱۰۷، ۱۱۳		۴۴، ۶۸، ۷۱، ۷۴	
۱۱۴، ۱۲۸، ۱۳۰		۸۶، ۹۳، ۱۳۵، ۱۴۶	
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷		۱۹۰	
۱۴۳، ۱۸۸، ۱۸۰		۱۳۰، ۱۳۲	قوچینو
۱۳۳	ماحا اونس	۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱	قورتوس - قورینتوس
۱۰۳، ۱۰۱	ماردین	۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۱	
۲۴، ۱۴۳، ۱۴۳	ماریجه - مرابج	۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۸	
		۱۷۰	

۱۴۱	زیفوس	۱۰۴، ۱۰۰، ۲۷	تراکی - تراکیا
۹۴	زیبا (مرند)	۱۱۶، ۱۰۷، ۱۰۵	
۹۰، ۸۷، ۷۰، ۶۵	ساقز	۱۹۱، ۱۸۹، ۱۶۰	
۱۲۷، ۹۶، ۹۱		۹۷	تراکی (علیا)
۱۰۶، ۱۰۳، ۹۲	سامو ترانس - سامو	۱۶۰، ۸۵	ترویا - اسکی ترویا
۱۴۳، ۱۳۵، ۱۰۷	تراکی - سمندرک	۱۸۹، ۱۱۷، ۲۱	تسالیبا
۱۰۸	ساوه	۲۶	تسکه
۱۱۷	سالاماریا	۱۷۹، ۹۵	تندوس (بوزجه آطه)
۹۷	سکتیا - سکتیا	۱۰۴	تہ آروس
۲۶	سلجوقیگر	۵۵	تہ رابیا
۳۸	سلوری	۱۲۶	تہ سہ ٹوس
۱۰۵	سمیز یالی	۲۶	جانیک
۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۰	سمندرہ	۳۰	جرمانلر
۱۱۶، ۱۱۲		۲۶	چقور اووہ
۱۴۹	سیسام	۹۵، ۴۳، ۲۷، ۲۶	چناق قلعه
۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۷	سینوب	۱۷۴، ۱۷۳، ۱۶۰	
۱۴۹		۱۹۰	
۲۶	صاروخان	۱۷۴، ۱۶۵، ۱۶۰	چناق قلعه بوغازی
۲۷	ساوا	۱۴۷	خدانندگان ایاتی
۱۱۳، ۱۰۰، ۵۲۷	صرب	۱۶۶، ۱۶۵، ۹۵	داردایا - داردانلیا
۱۶۶، ۱۴۸		۱۶۸، ۱۶۶، ۲۷	دالمات
۱۰۲، ۱۰۰، ۹۷	صربستان - صرب	۱۷۴	
۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۳	مملکتی	۱۱۶	دالماتیا
۱۹۱، ۱۱۲، ۱۱۰		۱۴۶	دیاربکر
۱۰۸	صوفیہ	۳۰	راین نہری
۱۱۴، ۹۲، ۹۱، ۹۰	طاشوز	۱۱۳، ۹۴، ۴۵	ردوس
۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴	طرزوز	۱۲۸، ۱۱۴	
۱۵۳، ۱۵۰، ۱۴۷		۱۷۳	روما
۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴		۲۰، ۲۷، ۱۲۱	روم ابلی
۲۶	طوروس چبالی	۱۴۸، ۱۴۷	
۹۶، ۳۱، ۳۰، ۲۷	طونہ	۱۰۲	ریکیون
۱۰۸، ۱۰۱، ۹۷		۹۵	ریون رونی
۱۵۹، ۱۵۸، ۱۱۰		۱۷۰، ۱۲۱	ریون - ریون
۱۶۶		۱۰۷	ریہنی
۱۴۹	عجمستان	۱۱۷	زیتون
۱۴۱	غار دیکیون		

۱۳۵، ۹۴، ۲۶	بروسه	۱۱۷	امیفیولی
۱۹۰، ۱۵۶، ۱۴۷		۱۲۰	امیکائاس
۳۴، ۳۱	بغداد	۱۷۰	اناکس
۳۰	بلجیقا	۲۷، ۲۵، ۱۹، ۱۸	اوروپا
۱۱۳، ۲۷	بغداد	۲۲، ۳۶، ۳۴، ۳۰	
۱۰۸	بلغارستان	۱۲۸، ۱۰۳، ۴۳	
۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸	بلغراد	۱۷۴، ۱۶۹	
۱۲۶	بوتیا	۹۷	اوروپای وسطی
۱۰۸	بونه	۱۰۴	اروس
۱۷۰، ۱۶۸، ۲۱	بوسنه	۹۹، ۹۷، ۳۴، ۳۰	اولاح - اولاحلر
۱۷۷، ۱۷۴		۱۰۸، ۱۰۱، ۱۰۰	
۱۶۶، ۱۶۵، ۱۴۴	بوشناق	۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۴	
۱۷۴، ۱۷۱، ۱۶۷		۱۰۶	ایپسالا
۱۷۵		۳۸	ایپواتیه
۱۶۶	بولایر	۱۰۵، ۷۰، ۴۲	ایتالیا
۸۷، ۳۸، ۲۸، ۲۶	بیزانس	۱۲۷، ۱۱۶، ۱۱۳	
۱۲۹، ۱۲۵، ۱۰۲		۱۶۴، ۱۶۳، ۱۳۲	
۱۹۲، ۱۴۵		۱۶۵	
۱۸۶، ۱۲۱، ۱۲۰	باترا - باتراس	۱۷۳، ۱۵۰، ۱۰۵	ایران
۹۴	پاروس (پاره)	۱۷۴	
۱۴۷، ۱۲۸	پانلاغونیا	۱۲۱	ایتلیا
۳۸	پرنتوس	۱۷۰	ایلیس
۵۸، ۵۵	پرنگیوس	۱۶۰	ایلیون
۱۲۵	پره قوب	۱۰۳، ۹۲، ۹۱	اینوز
۲۱	پلیون طائی	۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴	
۱۴۶	پلاتائیس	۱۴۴، ۱۰۷	
۳۰	پیره نه طاغلی	۲۱	ایولفوس اسکله سی
۱۵۰	تاتارلر	۱۴۲	ایونس
۱۴۳، ۱۳۵ (طاشوز)	تاسوس (طاشوز)	۱۳۵	ایونیا
۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹	تاوروس	۸۵	بابل
۱۵۶، ۱۵۳		۱۰۴، ۱۰۰، ۹۷	بالقان
۱۵۶		۱۰۸	
۱۳۳	تاوالاتی	۱۹۱	بالقان طاغلی
۱۲۰، ۱۱۹	ته آ - ته آ	۱۱۳، ۹۵، ۹۰	بحر سفید
۱۱۷	تجیق	۱۷۳، ۱۴۳	بحر سفید جزایری

۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۸		۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۱	ارناوداق - آرناود
۱۷۱، ۱۶۷، ۱۵۹		۱۸۶، ۱۸۴، ۱۸۳	خطه سی
۱۹۲		۱۸۹، ۱۸۸	
۱۴۹، ۱۴۵	ارمنستان	۱۱۸، ۱۱۷	آسوپوس
۱۳۸	ارمنیلر	۲۶، ۲۵، ۲۰، ۸	آسیا
۲۶	ازمیر	۴۲، ۳۶، ۳۴، ۳۰	
۱۳۹، ۱۳۸، ۱۲۳	اسپارطه	۱۳۵، ۱۰۳، ۹۴، ۴۳	
۱۴۱		۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۵، ۶	
۱۱۹	اسپارطه طاغی	۱۶۵، ۱۶۰، ۱۵۰	
۹۴، ۳۰	اسپانیا	۱۹۲، ۱۹۰، ۱۷۴	
۴۳، ۴۱، ۳۴، ۲۹	استانبول	۱۴۹، ۲۶	آسیای زیر - آشاغی آسیا
۱۰۲، ۸۵، ۴۴		۱۴۴، ۹۴، ۲۶	آسیای صغری - کوچک
۱۱۲، ۱۱۰، ۱۰۳		۱۲۹، ۱۴۷، ۱۴۶، ۶	آسیا
۱۲۳، ۱۱۵، ۱۱۳		۹۵	آشیلوسک تر به سی
۱۳۲، ۱۲۸، ۱۲۴		۱۳۱، ۹۱	آغریبوز
۱۴۴، ۱۴۲، ۱۳۵		۱۰۴	آغری یانی
۱۵۵، ۱۴۶ - ۱۴۵		۳۰	آق دکز
۱۶۵، ۱۶۳، ۱۵۶		۱۵۰	آق قویونلی
۱۷۸، ۱۷۳، ۱۷۲		۱۴۷، ۲۶	آلیس - قیزیل ایرماق
۱۸۶، ۱۸۲، ۱۸۰		۱۲۸	آماسترا
۱۹۰، ۱۸۸، ۱۸۷		۱۶۳، ۲۰	آناطولی
۱۹۱		۱۹۰، ۲۶	آنقره
۱۶۵، ۱۴۷، ۱۴۶	استانبول بوغازی	۱۱۷	آلامانه
۹۶، ۹۲	استانکوی	۲۶	آیدین
۱۱۷	استریمون	۶۶	آینه روز طاغی
۵۵	استودوبو	۱۰۴	اٹولید
۱۴۸	اسکوب سنجاغی	۱۳۲	اپیدامنوس
۳۴، ۳۱	اسکیتس - سکیتس	۱۳۹، ۱۳۸	اپیداوروس
۱۳۶، ۱۳۱	اسکی قلعه	۱۳۷، ۹۲۰	اپیداوروس لیمیرا
۱۲۶	اگریبوزاطه سی بوغازی	۶۶	آنوس
۹۵	اگوس - تالی	۱۰۲	اتیرا
۱۳۳	الیریوس	۹۳، ۹۰، ۴۴، ۲۴	ادرنه
۱۰۵	النوس	۱۰۴، ۱۰۲، ۹۶	
۱۶۵	اله اوس	۱۱۷، ۱۱۰، ۱۰۷	
۱۰۴، ۱۰۲، ۹۱، ۹۰	امروز	۱۳۰، ۱۲۸، ۱۲۶	
۱۱۴، ۱۰۷، ۱۰۶		۱۳۵، ۱۳۳، ۱۳۲	
۱۸۸، ۱۴۳، ۱۳۰			

۱۵۷.۱۳۳.۱۳۲		۱۶۳	علی سامی
۱۱۱.۱۱۰	میخائیل	۱۶۸.۱۴۳.۱۲۵	عمر بك
۱۳۶.۱۳۱	میکیس	۱۷۲.۱۷۱.۱۷۰	
۸۹.۸۸	نوماراس	۱۸۷.۱۷۳	
۱۶۴.۱۶۰.۱۵۹	نیکوره زوس -	۱۶۴.۱۰۰	غاتلوز - غاتلوزوس
۱۶۵	نیکوره زوس	۱۱۱	غریفوروس
۱۱۳	نیقولا (پاپا)	۱۹۲	فلانیروس
۲۶	هردوت	۱۳۱	قالاوره زوس
۱۶۱	هرمس	۷۵.۴۹.۴۸.۳۸	قرهجه - قرهجه
۰.۰۱.۱۰۰.۰۹۹.۰۹۸	لازاروس	۱۱۰.۷۹	بك - قرهجه پاشا
۱۱۱.۱۱۰.۱۰۸		۱۷	قره مان اوغلی
۱۱۲.۱۱۰	لازاروس (ایکجی)	۰۹۱.۰۹۰.۲۷	قریتووولوس
۱۱۷	لازاروس (- ك زوجہ سی)	۱۳۱.۱۳.۰۱۰۷	
۱۲۶.۱۱۴.۱۱۳	لودیویقوس	۸۱.۳۹.۲۴.۲۰	قسطنطین
۱۳۲.۱۲۸		۹۰.۸۷.۸۳	
۱۱۳	لوبزه	۱۴۵	قومنوس خاندانی
۱۵۷	یانقو	۱۱۴	قونستوس
۳۱	یانقو (ولاحلی)	۱۵۵.۱۴۹.۱۴۶	کاظم بك
۱۱۰.۱۰۹.۱۰۸	یانقو (بوخانس)	۱۷۴.۱۰۵	کرکس - کرکس
۱۶۶.۱۴۹.۱۴۶	بعقوب بك	۱۱۹.۱۰۶.۷۶.۴۸	مجمود - محمود پاشا
۱۷۳		۱۳۴.۱۲۹.۱۲۱	
۱۵۳	بعقوب افندی	۱۴۳.۱۳۹.۱۳۸	
۹۳	ینادیوس	۱۵۴.۱۵۲.۱۵۱	
۱۵۶	یورکی آسروکی	۱۶۱.۱۶۰.۱۵۵	
۶۷.۵۸.۵۶.۴۵	یوستینوس - ایوستینوس	۱۷۰.۱۶۳.۱۶۲	
۸۱.۸۰.۷۹.۶۸		۱۷۷.۱۷۲.۱۷۱	
۱۰.۵۰۹۶.۹۵.۹۴	یونس - یونس پاشا	۱۸۰.۱۷۹.۱۷۸	
۱۰۷.۱۰۶		۱۹۲.۱۸۹	
		۱۱۳.۱۰۶.۹۸	مراد (سلطان - خان ثانی)

فهرست مواقع واقوام

۱۸۲.۱۷۰		۳۰	آنلانلیق (بجر -)
۱۷۲.۱۳۸.۱۶	آرغوس	۱۲۶.۱۲۵	آسنه
۱۳۳.۱۱۵.۹۰	ارناوودلر	۱۴۵	آشور
۱۴۱.۱۳۷.۱۳۴		۱۸۶.۱۷۰.۱۲۰	آحایا - آخایا
۱۷۱.۱۷۰.۱۶۶		۱۴۶	آذربایجان
۱۸۵.۱۸۴.۱۸۳.۱۸۲		۱۳۳.۱۳۲.۲۷	آدریاتیک - آدریاتیک

۳۴	تیورطاش	۶۶	آخوسور
۲۹	چندره لی زاده	۱۳۳	آریانوس
	خیل پاشا	۱۵۶	آریستو
۶۰، ۸۳، ۷۵، ۶۶	حزه - حزه بك -	۱۲۴، ۱۲۳، ۱۱۹	آسانس - مانه ثوس
۱۳۹، ۹۴	حزه پاشا	۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۰	آسانس
۶۷، ۴۹، ۴۷، ۲۹	خلیل - خلیل پاشا	۱۳۹	
۹۲، ۹۱		۱۳۳	آلكساندروس
۸۵	خوریش (کیخسرو)	۱۱۱	آبریس
۱۵۰	دارا	۱۷	ابراهیم بك
۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷	دراقولی	۱۵۰، ۲۱	اراقلیس - اراقلیس
۱۰۵، ۱۰۳، ۹۰	دوریوس - دوریوس	۱۱۲	استفانوس
۱۲۶، ۱۰۷، ۱۰۶		۱۴۳، ۹۲، ۷۶، ۴۸	اسحق
۱۵۹		۱۲۷، ۱۲۶	اسماعیل
۲۸	دوقاس	۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۴	اسماعیل بك
۱۵۹	دومیتوقوس	۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۵	اسکندر
۱۲۳، ۱۲۰، ۱۱۹	دیتری - دیتریوس	۱۵	اسکندر (ماکدونالی)
۱۳۲، ۱۳۰، ۱۲۴		۵۲	اسوچریلر
۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷		۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۶	اوزون حسن
۱۴۴، ۱۴۳		۱۵۶، ۱۵۳، ۱۵۱	
۱۵۰	دیونیسوس	۸۷	الی
۱۵۹، ۱۵۸	رادو	۷۳	اورخان
۷۵، ۴۸، ۴۷، ۲۹	زغنوس - زغنوس پاشا	۱۸۲	ثیورکیوس
۱۹۲، ۱۳۵، ۸۴، ۷۹		۵۸، ۵۵، ۴۹، ۴۳	بالطه اوغلی
۱۵۶	زه نون	۶۴، ۶۲، ۶۱، ۵۹	
۱۲۷	سریوس	۱۵۰، ۳۴، ۳۰	بایزید (سلطان-خان)
۹۰	سلیمان بك	۱۸۲	بطلمیوس
۷۶	صاروجه	۱۵۰	پومبیوس - پومبیوس
۱۴۴، ۱۲۰، ۱۱۸	طوما - طوماس		ماغنوس
۱۴۲، ۱۳۸، ۱۳۷		۱۴۴	پالامیداس غاتاوزوس
۱۵۴، ۱۳۸	طوماس قاتاوولینوس	۱۰۵، ۱۰۳، ۹۱	پالامیدی - پالامیدیس
۱۱۲، ۱۱۰، ۱۰۲	علی - علی پاشا	۲۸	توکیدیدیس
۱۱۶		۱۵۰، ۳۴، ۳۱	تیور (بابلی -)

۱۵۹ (ص ۸۱)

[۱] اشبو فھر ستر تاریخ سلطان محمد خان ثانی کتابنده مندرج اساسی اعلامی حاوی اولوب انجمنجه ترتیب ایدلشدرد. بونکله خطا و صواب جدولی صحیفه نومرولری وجهله نهایته کله جکدره.

سہواً قالمش اولان بو پارچہ ۹۲ نجی صحیفہ تک التنجی - طرندن سوکرہ
وایکنجی کتابدن اول - کلہ جکدر

برمدت صکرہ زغنوس پاشا دخی دوچار نکبت اوله رق مأموریتندن
عزل ورتبہ می نزع اولندی فاتح حضر تلری زغنوسک برآز اول تزوج
ایتمش اولدینی کریم - سنی ده تطلق ایله پدر و کریمہ بی آسیایہ اعزام
ومعیشتلرینہ مدار اوله جق برقطعه اراضیدہ اسکان ایلدی و آنکرتبہ سنی
وامور حکومتده کی موقعنی زغنوسک دیگر کریمہ سیلہ مآهل بولندی
جهنلہ دامادی اولان محمودہ تقویض ایتدی . محمود پدر و والده سی
طرفندن معتبر بروم عالیہ سنہ منسوبدر پدری طرفندن جدی اولان
« فیلائینوس Φιλανίνος [۱] » یونانستانک امیری اولوب
« قیصر Καίσαρ, Caesar, [۲] » مقامنه ارتقا ایتمش ایدی .
محمود پاشا درایت و شجاعتی و خصائل سائرہ ممتازہ سی ایله بالجمله معاصرینہ
فائق و ذکاوی فطریسیلہ کشف و ادراک ایتدیکی و یا استماع ایله معلومات
حاصل ایلدیکی موادی موقع اجرایہ قویمق خصوصندہ جداً ماہر
و فوق العادہ نظوق برذاتدر . مشارالیہ ادارہ امور حکومتده کی اقتدارخی ده
اجرا آتی ایله اثبات ایلمشدر . خدمت حکومتہ سلوکندن صکرہ پادشاهہ
خلوص و صمیمیتلہ ایفا ایلدیکی خدمت سایہ سنده احوال عمومیہ دولت
کسب صلاح ایلدی و الحاصل محمود پاشا فطرت فائقہ سی و خدمات
مسیوقہ سی ایله ممتاز برذاتدر .

بوندن سوکرہ پادشاه حضر تلری ادرنہ دن - صوکرہ ہار ثناسندہ - بیزانسہ
عودت ایتمشدر کہ سنہ مذکورہ جلوس ہایوننک اوچنجی سالنہ مصادقدر .

[۱] بو اسمک طوغریسی « فیلائنٹروپینوس Φιλανθρωπίνος
Philanthropinos » اولوب بورادہ سہواً فیلائینوس یازلمشدر .
فیلائنٹروپینوس سلطان عثمان غازینسک ہم عصری اولان بیزانس امپراطوری
ایکنجی اندرونیکوس زمانندہ بیزانسلیرک، آسیای صغرادہ بولنن طوائف ملوک
اسلامیہ ایله وقوع بولان محاربه لرندہ نام قرانمش برسپہدار ایدی . مترجہ .
[۲] قیصر مقامی بیزانسلیرک، ازمنہ قدیمہ دہ اولدینی کی، امپراطور، معناسنی
تضمن ایتیمہ ریک امپراطور اہدن صکرہ کلن برعز، ان دولت ایدی . مترجہ

بعضی‌ارنده دخی اختلال شعور و جنت اناری کوریلوردی . بوندن سوکره قلبه چو کهرک قانی افساد ایدر و وجودده یاقیچی بر حرارت ایله مترافق صدمه‌لر حاصل ایدردی . بوسره‌ده خسته‌نک وجع واضطرابی غیر قابل تحمل برحاله کله‌رک متمادیاً فریاد و فغان ایلر ، نفسی قوقار ، ال و قوللری تیتیره ، نهایت ترک حیات ایدردی .

یوقاریده سویلدیکمز وجهله پادشاه حضرتلری قرویا شهرینی تحت محاصره‌یه آمشدی . اوزون مدت محاصره‌یه دوام ایدلدیکی تقدیرده دروننده کیلر گرفتار ضرورت اوله جقلرندن قلعه‌نک ضبطی ممکن ایدی . فقط پادشاه حضرتلری کنیدیسی واردوی اورالرده اوزون مدت یورمامق ایچون مذکور قلعه‌نک محاصره‌سنه و خارچنده کی قطعه‌نک محافظه‌سنه کفایت ایده‌جک مقدار کنج افراد تفریق و بونلرک اوزرینه معیتده کی ذواتدن برینی سردار نصب ایلیوب بقیه‌افرادی ترخیص ایتدی و بالمله غنائم و اسرانی اردویه توزیع ایلدی . بعده خاصه الای ایله استانبوله متوجهاً حرکت ایتدی . فقط انسای راهده وبا خسته‌اغنک تراکی و ما کدونیاً قطعه‌لرینی و کذرکاهه تصادف ایدن شهرلری و حتی پایتختی استیلا ایلدیکنی خبر آلدیغندن استانبوله کیتمکدن صرفنظر ایده‌رک هواسی صاغلام و معتدل اولان و خسته‌لقدن مصون بولنان بالقان طاغرینه و یوقاری میسیا (صربستان) یه توجیه و جهة عزیمت و صوک بهار موسمنی بورالرده امرار ایلدی . بو مدت ظرفنده استانبولدن هر کون بربری ارقه‌سنه ساعیلر کله‌رک پایتختک احوالی پادشاهه عرض و اخبار ایلرلر ایدی . جزئی برزمان سوکره خسته‌لق هر طرفده تناقص ایتدیکنندن و استانبوله حکمی تماماً زائل اولدیغندن پادشاه حضرتلری دخی قیش ابتداسنده استانبوله عودت ایلدی . وقایع مزبورده جلوس هایونک اون یدنجی سالنه متصادفدر .

قطعه لردن باشلایه رق (اصل زره دن ظهور ایتدیکنی بیامیورم) ساحده و داخلده بولتان شهرلره سرایت و بعده آسیایه کچرک چناق قلعه و قره دکز سواحلی کرفتار مصیبت ایلدی . بورادنده بروسه یه انتقال و انقره یه قدر دوام ایدرک کلی ضایعاته باعث اولدی . نهایت فسطنطنیه شهر عظیمه سرایت ایلدی . خسته لغک بوراده کی تخریباتی پک مدهش و تلفاتک مقداری غیر قابل تصوردر . مدفله نقل ایدله جک اجساد اودرجه حسابسز ایدی که آرتق احتیاج نسبتنده آدم بولنه میوردی . خسته لغه طوتیلانلرک فریاد مسترحانه سی کندی اقرارنه بیله تاثیر ایتیمور ، یانلرینه کیمسه یناشمیوردی . اولدکلری زمان دخی جسدلر اورتده قالیور ایدی . او طه لرینه قپانه رق وفات ایدن خسته لرک جنازه لر ی ایکی اوچ کون بو او طه لرده قالیور و صوکره هپسی طوپلانهرق بر مزاره دفن ایدیلور ایدی . آرتق خواجه لر راهلردعا او قومغه ، ترنم ایتکه وقت بوله میورلردی و ایشلرینک کثرتدن بونلرده چوق دفعه آج و صوسز قالدقلرندن بی مجال دوشه رک ترک حیات ایدیورلردی . خسته لق کز یاده سور داخنده حکمفرما اولمشدر . شهرک یرلی ، یباحچی اهالیسی استانبولی ترک ایدرک نقل مکان ایتدیلر قالانلرده خانه لردن طیشساری چیقمیورلردی . آرتق استانبول اسکی غلبه لغتی و شنلکینی غائب ایدرک بر ماتمخانه یه بکزه مشدی . قوجه شهرک هر طرفنده خسته لرک فریاد و اینی ایشیدیلورلردی . یأس و امیدسزلک هر کسک جاننه طاق دیدی و حکمت ربایه یه اولان اعتقاد و اعتماد زائل اولدی . آرتق بونلر بالمله امورک جناب حقک خلق و تدبیرینه دکل آنجق سوق تصادفله وقوع بولدیغنه قائل اولیورلردی .

خسته لق علائم و انارینی ایلك دفعه خار جفک بر طرفنده کوستریوردی . بوراده بیوک ویا کوچک اولمق اوزره اثر مرض کوریلورلردی . بعده قوتلی صدمه لرله باشه عکس ایدرک دماغک زارلرنده التهابات حصوله کتیرلردی . اوزمان خسته لردن بعضلری دالغین و حسسز بر حاله کایر ،

آقین و مرور ایتدیکی محملری کاملاً یغما و تخریب و احراق ایلیه‌رک خرابه‌زاره چوریدی و عصیان ایدن محملری تکرار تحت تابعیته ادخال و عاصیلرک برچوغنی جزای قتلله گرفتار ایلدی . بوندن صکره اسکندرک تعقیبنه قویولدی . اسکندر ، کویا غورغونک [۱] قارشوسنده بولنیورمش کبی عسا کر عثمانیه‌نک یوزینی کورمکه جسارت ایده‌میهرک کندیسنه مسکن اتخاذایلدیکی مأمن و صارپ طاغله برمعتاد التجا ایتمشدی . پادشاه اردونک کلیتی و جنکاور قسمنی محمود پاشانک قومانداسنه تودیع ایدرک بولندقلری خطه‌نک یاغما و اهالدسنک تحت اسارته الیا اولمسنی عسکره امر و اعلان ایلدی ، کندیسیده بقیه افراد ایله دیگر طرفله عزیمت و قوناق قوناق حرکت ایلیه‌رک بورالری کاملاً تخریب ایتدی . محمودپاشا قومانداسنده بولنانلر صارپ و اوچوروم طاغله آت‌سورولن اوولر کبی اوچوشه‌رق ارناودلری دفع و تنکیل ایتدیله . طاغلی ، طار بوغازلری ، درین و ادیلری ، قیالراچینده کی چقورلری و مغاره‌لری و الحاصل قلعه‌لر مستثنا اولمق اوزره هر طرفی تخریب ایلدیله و اون‌بشن کون ظرفنده ا کمال حرکت ایدوب پک چوق اسرا و حیوانات و اشیا ایله طاغلردن اینه‌رک اردوکاهه عودت ایلدیله . اسکندر عسکرک استیلاسنی خبر آلدیگی زمان طاغلردن فرار ایتمش ایسه‌ده زریه کیتدیکی آکلاشیله مامش ایدی .

فاتح حضرتلری ارناودلنی بوصورتله باشدن تخریب ایتدکن صوکره قرویا اوزرینه حرکت و قلعه‌نک اطرافنی عسکرله احاطه و ماکنه‌لر و سدلر وضع ایتدیروب محاصره‌سنه مباشرت ایلدی .

بوصورده یعنی یاز اواسطنده ترکیا و ماكدونیا خطه‌سنک هر طرفنی

و باخسته‌لنی استیلا ایتمشدی . خسته‌لق تسالیادن و تسالیا ایله هم حدود

[۱] ورغو اساطیر قدیمه یونانی‌ده (مه‌دوس) تسمیه اولنان غایت‌مه‌دهش جهره‌لی قادینک قفاسیدرکه انی کورنلر طاشه تحویل ایدرلردی . «پرسوفس» اسمنده برقه‌رمان‌الهی بو قادینک قفاسنی کسوب آتته‌الهی «منیروا» یه تقدیم ایلدی . بو قفا آتته‌نک مشهور نلامه‌سنه قونولدی بوندنظولانی بورایه غورغونیون نامی ویرلدی . لترجه

مدت استراحت و عینی زمانده شهرک امور اداره سنک اصلاح و تنظیمه و انشا ایتدیرمکده اولدینی جامعک اکلنه صرف غیرت ایلدی . بو جامعک بر آن اول اکل انشاسی ایچون شهریار مشار الیه حضر تلی بر طرفدن عملیه تشویق ایدر ، دیگر طرفدن ارباب فن و صنعتی ایجاب ایدن لوازمک اعمال و تدارکنه مأمور ایلدی و الحاصل پادشاهک غیرت و سماحتی سایه سنده شکل و جسامت و زینت و نفاست اعتباریه غایت مکمل و مطمئن بر جامع انشا اولدی .

عینی موسم ایچنده و ندیکلیلر طرفدن کوندرلمش بر هیئت سفارت استانبوله ورود ایدرک حکومت سنده ایله آرد لرنده موجود اولان منازعه نک حلنی و معاهده عقدینی تکلیف ایلدیلر . بونلر ضبط اولنسا امروز ولینی آطه لری کندیلرینه اعاده اولمق شرطیه حکومته سنوی روبر کو اعطا ایدر جک لرینی بیان ایلور لر دی . پادشاه حضر تلی در میان اولنان شرائطی رد ایتدی و « بنامه مصالحه عقد ایتک ایسترسه کز کیدیکزدها ای دوشونکز » جوابیه بونلری کیرویه کوندردی .

بوانشاده ارناودلر حکمداری اولان اسکندرک مجارلرک اتفاق و معاوتنی طلب ایتدیکی و بوکاموق اولدینی و وطنداش لریله اوراده بولنان قوای عثمانیه اوزرینه ناکهانی صورتده هجوم ایدوب طرف پادشاهیدن منصوب والینی و معیتنده بولنانلرک بر چوغنی اتلاف ایتدیکی و قرویا شهرینی بد تسخیرینه کچیره رک درونه کندی طرفدن عساکر محافظه وضع و قلعه خار جنده کی قطعه بی ضبط ایلدیکی و حتی پادشاهک انشا ایتدیرمش اولدینی شهرک دخی تحت محاصره ده بونددینی پادشاه حضر تلیینه اخبار اولدی . بووقایع شهریار مشارالیهی صوک درجه اغضاب ایتدیکندن وقت فوت ایتمکسزین در حال کلیتلی سواری و پیاده عسکرندن مرکب براردو احضار ایلیره رک بهار ایتداسنده (قیش موسمی ختام بولمده ایدی) اسکندر اوزرینه حرکت ایلدی . ارناودلغه واصل اولدوقده خطیه

برقسی دخی پادشاهه قارشی عصیان ایدوب وندیکیلیره التحاق و بونلره عقد اتفاق ایتدیلر . موره والیسی عمر بک دشمنی پوصویه دوشوره رک معینده کی جزئی عسکرله آنسزین اوزرلرینه هجوم ایملک ایچون فرصته انتظار ایدیور و شهرک ربنده کائن ووس طانغی تپه سننه قویدینی مترصدلر واسطه سیله دشمن اردوکاهنده جریان ایدن وقایعی تحقیق ایلوردی . فرصت بولنجه بردنبره دشمن اوزرینه صولت ایلوب جمله سنی دوچار وله وحیرت ایلدی و آرملرندن تعقیب ایدوب روایته نظراً آلتی یوز قدر وندیکیلی یی قتل و یوز قدرینی اسیر ایتدی . کیلیره قاجق ایچون کندیلیرنی سلاحلریله دکزه آتاندردن اکثریسی ده غرق اولدیلر . عمر بک اردوکاهی یغما ایدرک برچوق پاره و اسلحه و اشیا اغتنام ایلدی و النده بولنان و سائط ایله شهری تعمیر و ترمیم ایتدکن صوکره غنائم مذکورینی و اسرای آلوب استانبوله کلدی . پادشاه حضر تلیری بو خدمتدن دولایی سر عسکر مشارالیه بک زیاده التفات ایدوب کندیسنه عظیمه احسان ایلس و اسرای قتل ایتدیرمشدر .

بوصرده استانبول آفاقده برحادثه سماویه وقوع بولدی . شویله که مهتاب کیجه سی اولدینی حالده کیجه ساعت برده شمال جهتدن بر آتشاره ظهور ایدوب هر طرفی تنویر و صوکره شمالدن جنوبه توجه ایدرک کسب انبساط و توسع ایلدی [۱] و ظنمه کوره برساعت قدر دوام ایتدکن صوکره یواش یواش طاغیه رق نابدید اولدی . بو آتشاره سماوینک بر نجم دوزنب و یا نجم ذو ذوابه می ، یوقسه بشقه بر ییلدیزی و الحاصل نه اولدینی بیلیمورم ؛ فقط بو برچوق انسانک دوچار محو و انقراض اوله جغنه بر نشانه ایدی و فی الحقیقه آاز زمان صوکره بویله بر محو واضع حلال و وقوعه کلدی .

پادشاه حضر تلیری بو سنه نک قیش موسمی استانبولده کچیره رک بر

[۱] بوضیا پاره نک بر فجر شمالی (aurore boréale) اولدینی درکاردر . مترجه

ویردی و بر جوق عمله کثیر توب موسم صیفک نهایتنه طوغری انشا آته ابدار ایلدی . قلعه نك انشاسی ایچون مصارف عظیمه اختیار ایدلمشدر . پادشاه حضرتلری انشا آته دائماً نظارت ایدره ك ایجاب ایدلره تعلیات و برر و هپسینی کلام ملو کانه لر یله و یاپاره احسانی یله تلطیف و بو صورتله شوق و غیر تلیخی تزئید ایدردی . یاز موسمی ختام بوله دن قلعه نك انشاسی ا کمال ابدلی ، اسکانی ایچون ده پادشاه حضرتلری اطرافده کی قطعه و شهر لر دن بر جوق نفوس جلب ایدوب بورایه یرلشدیردی و قلعه داخنه بر جوق اسلحه و ماکنه وضع و دروننده کی نفوسک لوازم معیشتلریخی و سائر موادی کافی صورتده تهیه ایلدی و الحاصل تجهیزات و ترتیبات او درجه مکمل ایدی که مشاهده ایدن بر کیمسه بوراسنک یکی انشا اولندیغنه اصلاً احتمال و یرمیوب اسکیدن بری موجود و مسکون وهر درلو لوازمه مبدولاً مالک بر شهر ظن ایلردی .

پادشاه حضرتلری قلعه داخنده خاصه آلابی عسا کردن منتخب و درت یوز کشیدن عبارت بر محافظه طابوری بر اقدی و نزد ملو کانه لر نده بولنانلر میانندن اک مقتدر بر ذاتی خطه مذ کوره یه والی و سردار نصب ایلوب ارناودلنک هر طرفه متادیا آقین و قرویا شهرینی محاصره ایتسنی بوذاته تنیه ایلدی معیتده بر خیل عسکر ویردی . اغتنام اولسان اسرا و اغنامک بر قسمی ده اردویه توزیع ایدوب صوک بهار موسمی ختامنده استانبوله عودت ایلدی . وقایع مذ کوره جلوس هایونک اون التجی سنه سنه متصادفدر .

سنه مذ کوره نك صوک بهاری ابتدا سنده و ندیکیلر قرق سفینه و ایکی بیک سلاحدار ایله موره نك « Achaja, Achaia, احایا » خطه سنک مرکزی اولان پاتراس شهری اوزرینه سفر ایدره نك کیلردن بالخروج شهر مذ کورک محاصره سنه باشلامشدر و عساکر و سنک انداز ماکنه لرله اطرافنی احاطه ایلشدر ایلدی . بو اتناده موره لیلردن

اوزربنه آتارق تلف اولدیله . بوندن صکره اردونک هرچشید افرادی طاغله ، بوغازله وادیله دوکیله رکنسوان و صیبانی تحت اسارته القاوموال مقوله یی یغما المیدیلر وقویون وصغر وسائر حیوان سورولینی سوروب جمله سنی اردکاهه کتیردیله . رناودلردن حیادردست ایذیانلر امر پادشاهی ایله اتلاف ایلدیلر . فراره موفق اولانلرده طاغله چکلیدیلر . اسرانک مقداری یکریمی بیکه قریب ایدی دیگر ارناودلر قسمماً حکمدارلری اولان اسکندر ایله طاغله و قسمماً محکم و متین مواقعه اقامت ایتکده ایدیله . پادشاه حضرتلرینک تعرضانه دوچار اولان بو خطه ده ضبطی غیر قابل و خطه اوزربنه حاکم بر قلعه بولنمده ایدی . قرویاتسمیه ایذیلن مذکور قلعه یی مقدما پادشاهک بدری ضبطه تشبث ایتمش و بو بایده هر درلو تدابیره مراجعت ایتمش ایسه ده موفق اوله مامشدی . فاتح حضرتلری بورایه واصل اولدقلری زمان فتیحی غایت مشکل اولدیغنی کوردیکندن اوزون مدت محاصره ایله اشتغال و عسکری بیوده یره سفالته و ضایعانه دوچار ایتهمک ایچون ضبطدن فراغت ایده رکن مذکور قلعه یی و حاکم بولندیغنی خطه یی هیچ بر صعوبته و تهلکه یه معروض اولمقسزین الده ایتک ایچون تدابیر سائره آخازینه قرار ویردی . پادشاه حضرتلرنجه مناسب کوریلن تدابیر شو صورتله خلاصه اولنه یلور: خطه مذکور کوره نك وسط نقطه سنده محکم بر قلعه انشا ایده رکن دروننه عسکر اقامه ایتک و بوقوه عسکریه ایله دائماً اطرافه آقین ایتک وینه بو قوت سایه سنده ارناودلرک طاغله دن اینملرینه ، تارالارینی زرع و حیوانلرینی رعی ایلرینه مانع اولمق و آنلری بو صورتله سفالته کرفتار ایده رکن عقد مصالحه یه مجبور ایتک .

پادشاه حضرتلری قلعه انشاسی ایچون مناسب بر محل بولمق مقصدیه بو خطه نك هر طرفی کشت و کذار ایتدیکی زمان مهم بر موقعه ازمئه عتیقه ده مشهور بر شهرک بقایای انقاضنه تصادف ایدوب بوراسنی تحکیمه قراز

کونی پادشاه حضرتلری خفیف مسلح افراد عسکریه و تیرانداز و صپانچی و سونکوجی و سپردارلر ایله آرنادولر طرفدن محافظه ایدلمکده اولان طار بر بوغازه هجوم ایلدی . طرفین آره سنده و قوع بولان شدتلی بر محاربه ده آرنادولر هر نه قدر ابراز بسالت و مقاومت ایتمشلر ایسه ده فاتح حضرتلری مهیت بونلری دوچار انهزام ایده رک بوغازلری ضبط و بورا لردن کیروب چیقه جق اشخاصه ارنادولر طرفدن تعرض ایدلماسی ایچون مذکور بوغازلره کلیتلی محافظه عسکری وضع ایتدی . بعده پیاده عساکرینک بر قسمنی اشجار ایله مستور و صبارپ و ناقابل مرور محللرک تسویه سیله سواری و پیاده عساکرینک و مکاریلرک و ارابه و سائر یول حیوانلرینک سهولته سوق و امرارینه مساعد بر حاله افراغنه مأمور ایتدی . کندوسی دخی اردو ایله بوغازدن کیره رک خطه مذکور ه نک اشاعی طرفلرینه اووالره و الحاصل اردونک مرورینه مساعد محللره آقین بعده قوناق قوناق ایلر ولیه رک بو حوالی بی تخریب و محصولاتی اقتطاف و یا احراق ایتدی . ارنادولر چوجقلرینی و قادینلرینی و حیوان سورولریله اشیلرینی الهرق مرتفع محللره چکلمشلر و عمرلری و مستحکم مواقعی اشغال ایدوب کندیلرینی مدافعه یه حاضر لانشلردی . پادشه حضرتلری ارنادولرک اشاعی طرفلرینی ضبط و تخریب ایتدکن صوکره عساکری ترتیب ایده رک ارنادولرک التجا ایلدکاری تپه لره ده غرو حرکت ایتدی . تیراندازلر و تفنکچی و صپانچیلر انداخت اجرا ایتک اوزره اردونک پیشدارلغنی ایفا ایدیورلردی ؛ بونلردن صوکره خفیف مسلح عسکرلر و مزارقلیلر و سپردارلر ده صوکره سلاحدارلر یور یورلردی . اردو بو ترتیب اوزره بر مدت یواشجه حرکت ایتدی صوکره عسکرلرندای عظیم ایله ارنادولر اوزرینه هجوم ایلدیلر و بونلری هزیمته دوچار و آرقه لرندن یتیشه رک بر چوغنی اتلاف و بعضیلرینی حیاً دردست ایتدیلر ، بعضیلری ده سلاحدارلرک تضیقنه قارشى کندیلرینی یا لچین قیالرک

جبال ارسندہ یشادقلرندن موقعلرینک مناعتنه کووہنہرک شمدی یہ قدر مختارانه حرکت وکندیله ہم حدود اولان اقوام ساثره کبی حکومت عثمانیه سنوی بر ویرکواعطاسندن ومحاربه زمانلرنده اردوی هایونه قوای معاونه عسکریه اعزامندن بجانب ایلرلر ایدی، بونکله ده اکتفا ایتمه رک مملکتلریله هم حدود فقط حکومت عثمانیه یہ تابع و مربوط اولان قطعاته حکمدارلریله برلکده آقین ایدہرک بورالرینی یغما ایدرلر ایدی . اقوام مذکورہ نک تأدیبی ایچون پادشاه حضر تلیرنک پدرلری وکندیله آرنادولق خطه سنه اختیارسفر ایدہرک بونلرک قلعہ لرینی فتح و مملکتلرینی یغما و تخریب و حیوانات سوریلرینی ضبط ایتمش و پک چوق اسرا و عنائم آلمش رسده . قطعی برقاڈه الہ ایدہ مامشردی ؛ زیرا آرنادولر مملکتلرینک تخریب ایدلدیکنی کوردکلری زمان مصالحه عقد ایدہرک موقتاً عرض تابعیت ایدرلر، فقط برمدت مرورنده ینہ کستاخانه حرکتہ دوام و ممالک شاهانه یہ تعرض ایلرلر ایدی . ذاناً ساکن بولندقلری خطه صعب المرورطاغلرک تشکیل ایلدیکی طبیعی استحکامات ایله محدود اولدیغی کبی جبال مذکورہ آرسندہ ده غایت ضار بر ویا ایکی بوغاز بولندیغی جهتله آرنادولر بو بوغازلری سد ایدہرک مملکتلرینی خارجدن وقوع بوله جق تعرضاته قارشو قولابلقه محافظه ایدرلردی . بناء علیہ بوخطه یہ کیره بیلمک ایچون قوه عظیمه ایله هجوم ایدہرک ابتدا بوغازلری ضبط ایتمک و بوضورتله بر باب استیلا کشاد ایلمک لازمدی . پادشاه حضر تلی ده بو دفعه اوضورتله حرکت ایتمکله قرار ویردی و قیش ایچنسه حاضرلق کورہرک بهسارک حلونسنده پیاده و سواری عساکریله حرکت ایلدی . اردونک آغرلغی میاننده ماکنهلر ، انشاآته مخصوص آلات و دولکر ادواتی و ساثر مواد انشایه و برخیلی دمیر و باقر بولنقدہ ایدی و برخیلی دولکر اوسته سی دخی برلکده کتوریلدوردی . اردوی هایون سرعتله ایلرولیه رک آرنادولق حدودینه واصل اولدی و ایلمک کونی بوراده توقف اولنوب ایرتسی

تلطیف ایدوب جمله سنی ترخیص ایتدی . کندوسی دخی موسم صیفی استانبولده امرار ایدرک ینه پای تختک اصلاحاتی ایله مشغول اولدی .

پادشاه حضرتلری لسان فارسی و یونانیدن عربجه به ترجمه ایدلمش اولان آثار فلسفیهنی مطالعه و نزد شاهانه لرنده بولنان فضلا ایله بوبابده مداوله افکار ایدر و بالخاصه آرسطوتیک واستوتیک مباحث فلسفیه ایله پک زیاده مشغول اولور ایدی . بروقت جغرافیوندن مشهور « بطلمیوس Ptolémaïos, Πτολεμαῖος, » ک مسلك جغرافی به عائد لوانجه تصادف ایدوب مذکور لایجه لرده فنی بر صورتده ایضاح و ترسیم ایدیلن اشکال عوالمی نظر دفته آلمش ایسه ده بوخریطه لر طاغینق و مشکل-التفریق اولدیغندن دهاصریح ودها سهل الفهم اولمق اوزره یکی برخریطه تنظیمی فیلسوف سیوروکیوسه -واله ایتدی و مشارایه عطایای و فیره احسان ایلدی . سیوروکیوس بو ایشی ممنونیتله درعهده ایلهرک ایفاسنه اعتنا ایله چالشدی و موسم صیفی بونک تعمیق و تدقیق ایله کچیره رک بو لوحه لری فنی بر صورتده تصحیح و نهرلری و آطه و طاغ و شهرلری و سائر بی تعیین و مسافه و مقیاس ایچون قواعد وضع و تدقیقاتی اکیال ایدرک پادشاهه و علوم و فنون تحمیل ایدنلره غایت نافع بر اثر تقدیم ایلدی . سیوروکیوس تنظیم ایتدیکی خریطه ده حطه و بلده لرک اسامیسی عربی حروف ایله قید ایتمش و بونک ایچون لسان عربی به و روجه به بحن واقف اولان مخدوم کندیسیله بر لکده چالشدیرمشد .

والحاصل پادشاه حضرتلری یاز و صوک بهار موسملرنی بو قبیل اشتغالات ایله امرار ایلشدرکه سال مذکور جلوس^۱ هابونک اوزنشنجی سنه سنه مصادفدر . سنه نك مرور ایدن ایامی ظرفنده کندیسی و اردو خیلوجه استراحت ایتمش اولدیغندن قیش موسمنک حلولنده پادشاه حضرتلری ایلك بهارده ارناود خطه سنه حرکت ایتک اوزره ینه مدارکاته ایتدار ایلدی . ارناود لر ادریاتیق دکزی قریننده فقط مرتفع و صعب المرور

آئنده بو سرای عالی بر مجموعه نفاست و بدایع تشکیل ایدیوردی .
 معلاقبه و کنبدرلی دخی خارجاً قورشونله تزیین اولمشدی . مدخلی
 تشکیل ایدن بویوک قپولری و فرون و حاملری کچدکن صکره یوکسک
 برجلری و حرم و سلاملق دائره لرینی ، ضیافت و یتاق سالونلرینی و دواثر
 ساثره یی احتوا ایلان اصل سرایه کیریلردی . سرایک و جوارنده کی
 مباینک اطرافنه برده سور انشا ایدلمشدی . بوندن ماعدا سرایک
 اطرافنده واسع میوه و چیچک باغچه لری طرح و تأسیس قلمشدی ؛ بو
 باغچه لریک زمردین چنلری اوزرنده براق صولجریان ، الحانی لطیف قوشلر
 جولان ایدردی و هر نوع حیوانات اهلیه و وحشیه بسانلردی . خلاصه
 هر درلو و سائل ذوق و سرور بو باغچه لرده احضار و انزال ایدلمشیدی [۹].
 قیش موسمی کچدکن صکره بهار ابتداسنده پادشاه حضر تلی
 ینه تشبثات حربیه به ابتدار ایلدی . فقط بو دفعه اردو و خاصه آلای
 محاربه تدارکاتنه قارشلی روی ناخشنودی اظهار ایتدلمر زیر اتمادی محاربات
 عسکری پک زیاده یورمش و اردونک حالت روحیه سنی دیکشدرمش ایدی .
 بو محاربه لرده عساکر بیک درلو محن و مشاقه و پک زیاده ضایعاته
 دوچار اولمقده و بو یوزدن خانمانلری سونمکده ایدی . اساساً پادشاه
 حضر تلی ده عینی سبیدن طولای بدنا و ذهنناً پک زیاده یورمش اولمق حسیه
 استراحت و تدایوی به محتاج بولندیغندن عسکرک حالت روحیه سنی
 آکلادیغی زمان کندی احوال صحیه سنی ده نظر دفته آله رق شم دیک
 استراحت اولمق و آتیاً دها کنج و حمیتلی عسکرلره حربیه ابتدار ایدلمک
 اوزره تشبثات واقعه نک تأخیرینه قرار ویردی . بوندن صکره اردو
 افرادینه هدیه لر اعطا و بعضیسنه آت و بعضیسنه البسه و اشای
 ساثره احسان و خاصه آلای افرادی میاننده غیرت و شجاعتی و یارارانلی
 کوریلنلری دخی رتبه لرینک ترفیعی و هدیه لر اعطاسی صورتیه مظهر

سفینهك عثمانلی التہ كچدیكنی ونديك سردارانہ اخبار ایلدیلر .
 ونديكلیلر ، ییلدیرمله باشلردن اورولش كبی ، دوچار خوف وهراس
 اولدقلردن طوپ و سلاح وسائر مهماتی بولسدقلری یرلرده براقهرق
 وكندیلرینه التحاق ایگن قلعهلك اهالی نی برابرلرینه آلهرق دونمهای
 عثمانیك مدلیلی به مواصلتدن سگز ساعت اول علی العجله بورادن مفارقت
 ایلدیلر . محمود پاشا مدلیلی به مواصلتده دشمن سفائنك آطه دن تباعد
 اییدیكنی كورهك تعقیب اییش ایسه ده برمدت صكره بونلرك لمینی آطه سنه
 تقرب اییدیكنی كوردكده آرتق تعقیبدن فراغت ومدلیلی به عودت ایلدی .
 پاشای مشار اییه بوراده درت كون اقامت ایدرك آطهك اموراداره سنی
 تنظیم ولزوم مقداری عسا كز محافظه واسلحه وبغدای واشیای ساثره
 ترك ایلدوب صوك بهار نهایتنده استانبوله عودت ایلدیلر . وقایع مذ كوره
 جلوس همایونك اون دردنجی سنه سنه مصا قدر .

بو صروده استانبول آفانده امثالی نامشهود برحادثه سهاویه وقوع
 بولدی . شویله كه كسوف زمانی اولمدینی حالد كوش اوكله وقتی بردنبره
 قرارمغه باشلا بهرق باقرودمیر رنگنه مشابه برنك مخوف ومظلم اكتساب
 ایلدی . استانبول خلقی ، اوچ كوناوچ کیجه دوام ایدن بو حادثه فوق -
 العادتك آتیا ظهر ایده جك بر فلاكتی ایما ایچون جناب حق طرفدن
 اظهار ایلدیكنی سوبلیهرك حادثه مذ كورینی بر نشانه فلاكت تلقی
 ایلدیلر . حقیقاً ده بویله اولدی .

پادشاه حضرتلری قیش موسمی استانبولده امرار ایدهرك شهرك
 اسكان وتزینی وسرایك انشاسی ایله اشتغال ایلدی . سرای ، جسامتی
 وتریب واحتمامی اعتباریله استانبولك مبانی عتیقه سنه تفوق ایلدوردی .
 بو بنای محتشمك هر طرفی كان دقت واهتمام ایله ایشلمش ، نقوش وسائر
 كبی صنایع نفیسهك آثار بدیعه سیله سولنمش ایدی . خلاصه آتون
 وكوشك ومجلا ورنكارك طاشلرك ومرمرلك التماع شمشه داری

عثمانی عسکری موجود ایدی. وندیکیلر بونلره شهرک تسلیمینی تکلیف ایتشلر سده قبول ایتدیره مدکر نندن برآ عسکر لرله و بحرآ کیلرله شهرک محاصره سنه و طوپ ایله سوری تخریبه مباشرت ایتدیلر. بونلرک کوندوز طوپلرله تخریب ایتدکری اقسامی محصورین کیجه و قتی طاش و طوپراق طاشیهرق تعمیر ایدرلر و حتی بیوک دبرکر دیکرک سوری تحت امنیته آلیرلر ایدی. بوندن ماعدا دیرکاری زنجیر لرله ده تعلیق ایدرک آتیلان طاشلرک حصوله کتیره جکی تخریب اتدن سوری و کندیلرینی محافظه ایدرلر و بعضاً قلعه دن چیقار ق وندیکیلر اوزرینه هجوم ایلرلر ایدی. دیکر طرفدن محصورین دخی سوری آلتدن قازار ق لغم واسطه سیله یول یایمغه و زردبان قورمغه تشبث ایتشلر و آطه نك دیکر ایکی قصبه سی خالق دخی وندیکیلرله التحاق ایتشلردی. وندیک دونماسنک مدلییه تعرضی و سربیا قوای معاونه یتشدیرلمدیی تقدیرده تحت محاصره ده بولنان قلعه نك دشمن طرفدن ضبط اولمغنی پادشاه حضر تلرینک واصل سمع اطلانی اولدقده درحال یوز اون حرب سفینه سی تجهیز و درونلرینه کثیرالمقدار سلاحدار، ماکنلر ارکاب ایلوب محمود پاشا قومانداننده سوق و دشمن کیلرینه هرزه ده تصادف اولور ایسه تعرض ایدلمسینی امر ایلدی. محمود پاشا استانبولدن حرکت ایدوب ایکنجی کونی کلیبولییه موصلت ایتدی، بورده درت دشمن سفینه سنک « تنه دوس » لیمانده توقف ایتدیکنی و بونلرک ترصد مقصدیله بوغازک آغزینه قدر کله رک ینه کپرو دوندکارینی خبر آلدیغندن بوتون دونما ایله کیمسه یه کورونمامک ایچون کیجه و قتی کلیبولیدن حرکت و مساعدا روز کارلره تصادفله صاحبین تنه دوسه موصلت ایلدی. محمود پاشا لیمان آغزنده بولنوب فراره وقت بوله میان ایکی دشمن کیمسینی مرتباتی ایله ضبط ایتسه ده دونمانک حین موصلتنده لیماندن هنوز چیقمش اولان دیکر ایکی سفینه فرار و سیر سریع ایله مدلییه کیدوب دونمانک تنه دوس آه سنه و رودینی و ایکی

یقین بر محله اخذ موقع آید. قرال پادشاه حضرت تیرنی بنه یا پچانک محاصره سنده فقط محمود پاشای قوه کلیه ایله قارشو سنده کوردیکی زمان آچقیدن آچیغه حرب ایتمک جسارتیاب اوله مدیغندن کیزلیجه مخبرلر کوندروب قلعه داخلنده کیلری ثبات و مقاومت تشویق و بونی متعاقب اردو کاهنی احراق ایدرک کیجه وقتی عسکریله مفارقت آیلدی . محمود پاشا احواله مطلع اولدقد آرده بولنان نهری سریمه کچوب دشمنی تعقیب و دم دارینه یتیشه رک آنلری پریشان بر حالده اردولرینه فراره مجبور آیلدی . بو حادثه ایسه مجاز اردوسنک انتظامی اخلاص ایتمکندن قرال و عسکری فرار ایتمدیلر . محمود پاشا ینه تعقیبده دوام ایدرک بر چ غنی قتل و ایکی یوز قدرینی اسیر آیلوب غنائم و فیره ایله نزد پاشاهی به عودت آیلدی . اسرا بالاخره استانبوله کتیربله رک قتل اولدیلر .

پادشاه حضرت تیرلی بر مدت ده شهرک محاصره سنده دوام ایتمش و صوک درجه صرف مساعی ایلمش ایسه ده بر نتیجه الده ایدمه مدیکندن آرتق ضبطندن قطع امید آیلوب عسا کر شاهان ایله بورادن حرگت و دیگر قلعه لره هجوم ایدرک آرزمان طرفنده جمله سنی فتح آیلدی و بونلردن بعضی سنک دروننه عسا کر محافظه اقامه آیدوب علی حاله ابقا و بعضی سنی هدم ایتمدیلر ، ایچلرنده بولنان اهالی بی قتل و نسوان و صیانی اسیر آیلدی . بعده همجوار قطعاته و مجارستانک بر قسمنه آقین آیدوب اموال کثیره اغتنام و غنائمدن عسکری حصه مند آیددی و خطه مفتوحه به بر والی نصب آیدوب موسم صیفک ختامنده استانبوله عودت آیلدی . عینی موسم ایچنده و ندیکیلر لسووس (مدلی) ی استرداد ایتمک مقصدیه اوچ بیک سلاح داری و اسلحه و سنک انداز ماکنه لرینی و اثر لوازم حربیه بی حامل یتمش قدر حرب سفینه سی و بویوک صندال لر ایله مدلی به کلدیله و لیمانه مواصلترنده کیلردن چیقوب شهرک پیشگاهنی قرار گاه اتخاذا آیلدیله . شهر داخلده خاصه آلابی افرادندن درت یوز زرهللی

هرایکی طرف یکدیگرینه صالدرمش اوریور، لعنت و کفر ایدیوردی. سلاحدارلر و خاصه آلای افرادی کندیلریله برلکده محاربه ایدن پادشاهک حضورنده محافظه حیات قیدینه دوشمکدن اوتاندقلری جهتله صرک دقیقه یه قدر ثبات و مجاهده ایدرک برچوغی محاربه میداننده فدای حیات ایلدیلر. جنکاور افراردن انتخاب ایدلش اولان مجار عسکرلری دخی ابراز شجاعت ایتشلردر، بونلر قلعه اوزرندن حرب ایتدکلری جهتله آشاغیده بولنان عثمانلی عساکرینی پک زیاده ضایعاته دوچار و بوصولته احراز غالبیت ایلدورلردی. پادشاه حضر تلی عساکرک محو و تلف اولسنه رغماً ایشک هیج ایلر و کیتمدیکنی کوردیکندن آرتق قلعه نك باله هجوم ضبطندن قطع امید ایتدی و خارجه اختلاطی منع ایدوب محصورینی لوازم معیشتدن محروم و بو صورتله عرض مطاوعته مجبور ایتک ایچون اوزون مدت محاصره سنه قرار ویره رک عساکری کری چکدیردی و قرارگاه هایونلرینه عودت ایتدکن صوکره عسکرک بر قسمنی شهرک محاصره سی ایچون تفریق و کندوسی دخی متباقی عسکرله عصیان ایتمش اولان دیگر قلعه لره و مجار خطه سنه هجوم ایتکی تصمیم ایلدی.

ایشته بوائنده مجار قرالک قوه عظیمه ایله اردوی هایون اوزرینه حرکت ایلدیکی استخبار اولندی. فی الحقیقه مجار قرالی اردونک بوسنه خطه سنه دخوانی و یاچانک تحت محاصره ده بولندیغی خبر آلدیغی زمان در حال عسکرینی جمع ایله یوله چیقمشدی. قرالک مقصدی یا اردوی هایونی محاربه ایله مشغول ایدرک یا یچا قلعه سنی محاصره دن قورتارمق یا خود اردوی عثمانی بی هم محاصره هم محاربه ایله اوغراشمق ایچون ایکی قسمه آیره رق قوتی ضعیف لشدیرمق ایدی. پادشاه حضر تلی محاصره دن صرف نظر ایتدیکی کبی « قرال ایله بالذات محاربه ایتکی ده موافق کورمدیکندن » محمود پاشایی مقدار کافی سواری و پیاده عساکری و خاصه آلایندن مفرز برخیلی افراد ایله مجارلر اوزرینه سوق ایلدی. محمود پاشا در حال حرکت ایدرک دشمنه

سلاحدارلری بعضاً مجارلره غایب ایدرک سورک اوزرینه چیقارلر ایدی
 و مجارلر دخی بونلری دفع و اخراج ایدرلر ایدی . نتیجه مبارزه ده
 برخیلیسی مقتول دوشدی و برخیلی زمان محاربه بوصورتله دوام ایتدی .
 فقط نهایت مجارلر غالب کلدیلر . عساکر عثمانیه دن اک زیاده
 سلاحدارلر ضایعاته دوچار اولمشلردی . بونلردن برچوق جسور و شجیع
 افراد تلف اولدی . پادشاه حضرتلری بونلرک کرفقار اولدقلری حالی
 کورنجه پک زیاده محزون اوله رق عساکر عثمانیه رجعت اشارتی ویردی
 و اوق مسافه سندن خارجه چیقمالرینی امر ایلدی . بوصورتله اردوینی
 برقاچ کون استراحت ایتدیردکن صکره تکرار تجهیز و مکمل صورتده
 تعینیه و ترتیب ایدوب شهرک اوزرینه تکرار هجوم ایلدی . بودفعه کی
 هجومده پادشاه بالذات مجاهده و اردوینه رهبرک ایتدیکی کبی عساکرلره
 و سورک اوزرینه ایلك اول چیقه جقلره مکافات و احسانلر وعد و شهرک
 یغما ایدیله جکنی اعلان ایلدی . عساکر عثمانیه مدهش صیحهلرله و غیر
 منتظم صورتده سوره هجوم ایتدیلر . بعضیلری سوره نردبان تقریب ایدیور،
 بعضیلری ایپ آسیور و یاباشقه بر صورتله ایچری کیرمکه فدا کارانه غیرت
 ایلورلردی زیرا عساکرک شجاعت و انتظامی محافظه ایتلری ایچون
 پادشاه حضرتلری بالجمله حرکاته نظارت ایتدیکی و عساکر عثمانیه دخی
 ابراز بسالت ایلدکلری تقدیرده موعود اولان مکافات مظهر اوله جقلرینی
 بیلدکلری جهتله هر نفر سوره ابتدا کندیسلی چیقمق ، مجارلری
 اولدیرمک ، دشمن برجنه عثمانی سنجاغنی دیکمک استه یوردی . مجارلر
 ایسه بوسیل خروشانه قارشلی کمال متانت و شجاعتله کندیلرینی مدافعه
 ایدیورلردی . ایشته بوسره ده امثالی کورلمهش و تصویری غیر قابل بر محاربه
 وقوعه کلدی ، سورک اوزرنده و بالخاصه منهدم اولان جهتمده طرفین
 عساکری فرط غضبله و مدهش نعره لر آره سنده عادتانه پایدقلرینی بیلمه .
 یرک ، انسان اولدقلرینی اونوته رق یکدیگرینی مرحدتیزجه قتل ایلدیلر .

متأثر اولدی و محاربه ایچون تدارکات لازمه یه باشلادی . بودغه یالکتر عصیان ایدن قلعه لرك تأدیجی ایله ایش تیمه جک ، عثمانلی اردوسی بحار ممالکنه قدر ایلولیه جکدی . پادشاه حضر تلری موسم شتاده لوازم حربیه نی ، بیاده و سواری عساکرینی واسلحه و سنک انداز ماکنه لری احضار ایدوب اول بهارده حرکت ایلدی . بوشناق مملکته ورودنده ابتدا یاچاقلعه سنک و صوکره دیکر قلعه لرك اوزرینه یورونلسنی تنسیب ایدرک مارالذکر یاچماقلعه سنه تقرب و پیشکاهنده قرارگاهی ترتیب ایدوب داخلنده بولنانلره تأمینات ایله تسلیم اولملرینی تکلیف ایتدی . فقط کندیلرینی اقناع وارضا ایده مدیکندن ابتدا قلعه و شهر خارچنده اولان محلی تخریب و احراق ایلدی . بعده شهری عسکرله احاطه ایدوب و طوپلر دزدیروب محاصره و برقاچ کون طرفنده بعض اقسامنی هدم ایتدی . بوندن صوکره قوه کلیه ایله شهره هجوم ایتک ایچون عساکری تمیه ایلدی . شویله که : سورک هدم ایلمش اولان طرفنده پادشاه حضر تلری خاصه آلابی و دیکر عسکر لرك اگ کزیده افرادی یعنی سلاح دارلر و تیرانداز و صپا بچیلر و وتفنگچیلر ایله اخذ موقع ایتدی . پادشاه هجوم اشارتی ویردیکی زمان عسکرلر عظیم شماه و آلقش لره سوره شتاب ایتدیلو . بونلر سورک اوزرینه چیقمایه غیرت ایدرلر ایدی .

دیکر طرفدن مجارلر دخی شهر اها لیسنه جسارت و یرمک و معاونت ایلک اوزره صیحه و نعره لر ایله کلدیلو . اووقت ایکی اردو آره سنده شدتلی بر محاربه و قوعه کلدی . ایکی طرف یکدیگری نه پک زیاده یا قلا شمش اولدینی حاده مردانه و شجیعانه صورتده حرب ایدیورلر ایدی . بر طرف شهری ضبط ایتکه ، دیکر طرف ایسه جان و مال لرینی و اولاد و قادی نلرینی و اگ قیمتلی اولان اموال معنویه لرینی محافظه ایتک ایچون تعرضات واقعه نی دفعه چالیشیورلر ایدی . پادشاهک

چارپلش کی بازچه لانیر محو اولوردی .

کرچه ایران شاهی « کسرکیس $\Xiέρξης$, Xerxes » بر زمان چناق قلعه سنک ایکی ساحلی یعنی آوروپا و آسیا ساحل لرینی یکدیگرینه ربط ایتیش ایسه ده واسطه ارتباط کمیلر اوزرنده براخشاب کوپریدن عبارت اولدیغدن روزکاره صویک جریانه قارشی مقاومت ایده مدی و بو کوپری شمن دونمسی طرفدن قولایجه جق تخریب اوله بیلیدی . شمدی انشا اولنان استحکامات ایسه نه جریان واسطه سیله نه ده خصمک قوای بحریه سی طرفدن تخریب ایدیله مزدی و بویله بردونمانک جبراً بوغازی کچمسی غیر نمکندی . و الحاصل چناق قلعه بوغازی غیر قابل فتح برحاله کتیرلمشدی .

پادشاه حضرتلرینک بوشناق قطعه سنی ضبط واستیلا و قلعه لرینه محافظه عساکری اقامه ایلدیکی یوقاریده بیان اولنمشیدی . پادشاهک بوحرکتی مجار قرالی پک زیاده حدتندیرمش و کندی مملکت و حکومتی تهلکویه القا ایلمشدی زیرا بوسنه قطعه سی مجار خطه سنه مجاور و مهم برموقعی حائزایدی و بورادن دیگر مملکته هر زمان آقین ایدیله بیلیدی .

ایشته مجار و اولاح قرالی بوراده بولنان عساکر عثمانیه پی اخراج و بونلرک اشغال ایلدکاری قلعه لری و بالخاصه یایچا قلعه سنی ضبط ایتمک مقصدیله قیش موسمی ایچنده دالمات و بوسنه قطعه لرینه سفر آچدی و برخیلی عسکر و آلات حربیه ایله هجوم ایده رک اهالی پی تهسید ویا بالاقاع کندیسنه جلب صورتلریله پادشاه قارشی عصیان ایتدیروب قلعه لری الده ایلدی . یایچا قلعه سی داخلنده بولنانلر آره سنده منازعه حصوله کلوب یکدیگرینی قتل و اختیارلریله مجار قرالنه التحاق ایلدکلرندن بوراسنی دخی بلا مشکلات فتح و جزئی برمدت اقامت ایلدی و مذکور قلعه ایله دیگر قلعه لره زرهلی و جنسکاور عساکر محافظه و اسلحه و بغدای ادخال ایتدکدن صکره مملکته عودت ایتدی .

پادشاه حضرتلری بووقوعانه اطلاع حاصل ایتدکده فوق العاده

افرادینی محافظ تعیین و امور اداره‌ی عمر بکه تودیع ایدوب کندوسی بر زخده و قلعه داخلنده در دست اولسان و ندیکیلیری و مورهلیردن عصیانه تمایل کوسترنلری برابرینه آلوب و برآزده چاپول سوروب قیش اورتسنده استانبوله عودت ایلدی .

پادشاه حضرتلری ارغوسیلیری « پریوله پتوس Péripleptos Περὶβλεπτος [۱] » دنیلن مناسترده اسکان و بونلره خانه ، باغ و ترلا احسان ایلدی . استانبوله کتیرلمش اولان اسرا ایله عصیانه اشتراك ایدن مورهلیرلری قتل ایتدیردی .

بوآناده کلیولی والیسی یعقوب بك دخی چناق قلعه سنده کی قلعه لرك انشاسنی اكمال و درونلرینه عساکر محافظه و خیلی اسلحه و سنك انداز ماکنه لر ادخال و سائر معاملاتنی دخی پادشاه عالیجاهك امر و اراده لری موجبجه ایفای ایلدی . تدابیر متخذه دن مقصد بحرسفیددن کلن و بحرسفیده چیقان کیملرك دخول و خروجنی ایستندلیکی زمان منع ایتمك ایدی که بویله شایان تقدیر برفکر نه اسکی یونانیلردن ، نه پادشاهان سالفه دن نه ده روما و ایران سپهدارلردن هیچ بری طرفدن تصور ایدلمه مش ، ایدلمش اواسه بیله اجراسنه تشبث اولنما مشدر . شیمدی بو استحکامات ایله ایکی دکز یکدیگرندن آیریلوردی و قلعه یه حاکم اولان طرف بوغازی ایستدیکی زمان مراکب بحریه یه سد ایده بیله جکدی . زیرا بوغازی کچمک ایسته ین سفائن حربیه و یوک کیملری و مراکب صغیره هر ایکی طرفده کائن قلعه لردن ماکنه لرله آتیله جق غایت جسم طاشلرله ، « Σκύλλα, Skylla سکیلا » و « Χάρυβδις, Charybdis [۲] » طرفسندن

[۱] شمدیکی صماتیه ده کائن صولومانستر دینلن عملدر . مترجه

[۲] سکیلا و حاریودیس اساطیر قدیمه یونانیه ده بر بوغازک ایکی ساحلنده یکدیگرنه قارشنی بولنان کوپک شکلنده کی قیلره تسمیه ایدیلور بونلرك جانلی جانوار کی بوغازدن مرور ایدن کیملری بلع ایلدکلری تصور اولنور ایدی . بونی ایلك دفعه شاعر هومر بیان ایتشددر هومرک مفسرین قدیمه سنك اجتهادینه کوره بوقیلرله سجلیا آطه سی ایله ایتالیا بپننده کی طار بوغاز ایما اولنیورمش . مترجه

صوکره غیر منظم صورتده فرار ایتمهک باشلادیلر. اوزمان سلاحدار لر بونلری تعقیب ایده رک دردست ایتدکلرینی قتل واسیر ایلدیلر. ساحله قدر یتیشانلر بیک مشکلات ایله کیملره بینه رک اوق مسافه سندن خارجه چیقمق ایچون دکزه آچلدقدن صوکره کیملره التجا ایدنلری آلق اوزره توقف ایلدیلر چونکه ساحله کلنلر جانلرینی قورتارمق ایچون سلاحدارینی براقه رق ویا سلاحداریه دکزه آتیلورلر، فقط بر قسمی کیملره یتشمه دن غرق و نابود اولیورلردی. والحاصل وندیکی عساکر ایله اجنبی عساکر موظفهی سردارلریه برلکده محو وتلف اولدیلر حیاً دردست ایدینلرک مقداری ایسه اوچوز قدردر. عساکر عثمانیه محاربه ده مقتول دوشنلری صویوب وقرارگاهی یاغما ایدوب برخیلی آچقه واشیا ولوازم واسلحه وماکنه اغتنام ایلدیلر.

بووقایی متعاقب محمودپاشا، عصیان ایتش وعاصیلره تمایل ایتش اولان مورده لیلری تأدیب ایتمک اوزره عمر بک معیتده اولدینی حالدده مورده ایچریلرینه حرکت ایلدی و آرزمان ظرفنده قلعه لری وسائر موواقی جبراً ویا اهاالیسنی بالاقاع الهه ایلدی. بعده وندیکیلر اداره سنده بولنان ارغوس شهرینه مواصلت ایدوب پیشگاهنی قرارگاه آنخاز واهالیسنه تسایم اولملرینی تکلیف ایلدی. خارجدن معاونت احتمالی اولدیغندن محصورینک یالکیز کندی قوتلرینه استناد ایللری لازم کلوردی حالبوکه شهری احاطه ایدن سورلر غایت ضعیف ومحاصرین کلینلی اولدیغندن مقاومت فائده سزدی بوندن ماعدا اهالی شهرک بالهجوم فتحی تقدیرنده کلیاً اتلاف اولملری احتمالی ده درپیش ایتدکلرندن کندیلرینه طوقونیه جغه دائر محمود پاشان تأمینات آلوب شهری تسایم ایلدیلر.

محمودپاشا شهرک بالجمله سکنه سنی، قادینلرینی، وچوجقلرینی ماللری ایله استانبوله نقل وشهر مذکور ی هدم ایلدی. موزه نک امور اداره سنی دخی مطالعه ذاتیه سنه توفیقاً ترتیب وتنظیم وقلعه لره خاصه آلاینک اشجیع

بر ذاتی مملکتک والیسی اولمق اوزره مقدار کافی عسکرله اوراده ترك ویاچا قلعهسنه وهدم اولنمیان قلاع سائرهمه عساکر محافظه وضع ووزدارلر تعیین ایلوب صوك بهار اواخرنده ادرنهمه عودت ایتدی و سوردیکی چاپولك برقسنی عسکرلره توزیع ایلدی . وقایع مذکورله جلوس همایونك اون اوچنجی سنهسنه متصادقدر .

باشنجی کتاب

بو کتاب وندیکیلر وبوشناقلر اوزرینه ایلکنجی دفعه اجرا اولنان سفرهایون ایله آرناولدره قارشى یایان ایکی سفرك تفصیلاتی و آرناولنگ تحت حکمرانی عثمانییه ادخالنی وبوراده سورلرله مستحکم شهرانشاسنی والحاصل درت سنه ظرفنده تخدمت ایدن وقایعی حاکیدر .
مورهه عزیمت ایدن محمود پاشا قورینتوس ممرینك خارچنده ، « کیترون Kithairon » اتکلری قربنده قرارگاه قوردقن صوکره عمر بکه خفیاً بر آدم کوندروب مواصلتی اخبار و دشمنك حال ووضعیتی استفسار ایلدی بومناسبت نتیجهسنده اشارت مخصوصه ایله یکدیگری خبردار ایلوب عینی زمانده مشترکاً دشمنه هجوم ایتکه قرار ویردیله .

دیگر طرفدن وندیکیلردخی برچوق عمله استخدا مایدرك اوچ یاخود درت استادیون مسافه نقصان اولمق اوزره آز زمان ظرفنده سورك انشاسنی اکمال ایتشلرایسده ارتقاعنی اوزرلرندن تهلهکه سزجه حرب ایدیله بیله جك بردرجهیه ابلاغ ایلهمامشردی . بو انسانده عمر يك فرصت بوله رق محمود پاشایه خبر کوندردیکندن بریسی داخلدن دیکری خارچدن اولمق اوزره هر ایکسی عینی زمانده دشمن اردوسنه هجوم ایتدیله طرفین آرهسنده يك شدتلی مصادمه وقوع بولوب وندیکیلر بر آز مقاومتدن

دوئما ادریاتیق وسجایا دکز لرینی کچدکدن صوکره قورفو ولفقادا وانا کس وکفالونیا قربندن مرور ومورنهک « Ηλίσ, Ilis ایلیس » تسمیه اولتان بورنه ورود ایلدی . بعدہ احایا ساحلندہ کائن « ریون » P ov, Rion « رونی و » « Κρίσσα, Crissa قریسا » کورفزی اوکندن دونوب قورینتوس ساحلندہ لکر انداز اولدی . سفائن داخلندہ کی عسا کر بورادہ قرہیہ جیقوب قورینتوس عمرینی استیلا واشغال ایلدی لر . وندیکیلر ابتدا مذکور ثمری سورله تحکیم ایدوب بوراسنی تحت تأمینہ آلدقن صوکره مورہ اوزرینہ حرکت ایتک فکر و تصورندہ بولندقلری جهتله کیلرده کی لوازم واشیایی اخراج ایدوب کمال خواهشله سورک انشاسنه باشلادی لر . بوضرودہ مورنهک داخل وساحلندہ واقع وپادشاه حضرتلرینہ تابع اولان قلعه وقصبہ لردن بمضمری ده اعلان عصیان ایدوب دشمنہ التحاق وآنلر طرفندن کوند . ریلان محافظه عسا کرینی قبول ایتدی لر . مورنهک دیگر اقسامی ایسه نتیجہ حاله واعلان عصیان ایچون فرصتہ انتظاراً معلق بروضعیتده قالدی . مورہ والیسی عمر بک درحال پادشاهه آدم کوندروب دشمن دوئماسنک ورودینی اخبار ایلدی . دیگر طرفندن دخی زیر اداره سنده کی محالرده اولان ذواتی جمع ومورده ساکن ارناولرک برقسمنی کندیسنه جلب وبوصورتله برخیلی عسا کر تدارک ایلوب کندیسنک اقامت ایتدی کی قورینتوس شهرینی محافظه ایتکده ودشمنہ تعرض ایچون مساعد بروقت حلوانه وعسا کر معارنهک ورودینہ انتظار ایتکده ایدی .

پادشاه حضرتلری کیفیتدن خبردار اولدینی زمان درحال محمود پاشایی جلب ایدوب سلاحدار و تیراندازلردن ومکمل صورتده مسلح ، جنگاور خاصه اردوسی عسا کرندن مرکب بر اردویی قومانداسی آلتده مورہیہ سوق ایلدی . کندیسنی دخی بوسنه قطعہ سنک امور اداره سنی دلخواهی وجهله تنظیم وشجاعتی وفن سپهرداریه کی مهارتی ایله حائز شهرت اولان

ایتدیکی خالدہ مومی الیہ عکسینی اختیار ایتمش ووندیکلیلرک کنسیدیسینی استخفاف ایلدکلرینی ظن ایلدیوب انتقام المق قصدیلہ آنسزین ناوپاقوس شهرینہ هجوم واطرافنه آقین ایدرک برچوق رجال و نسوان و صبیانی و حیواناتی اخذ و اغتنام ایلش ایدی . بونکلده اکتفا ایتمیرک مورده کی دیگر شهرلره و بومیانده « Κορωνεία, Coronia قورونیا » و « Μεθώνη, Methōni » شهرلرینہ واهی بهانه لرله تجاوزده بولنور ایدی . صلاح و سکونک دوامی حسیلہ قطعاً مأمول اولمیان بر زمانده وناکهانی صورتده وقوع بولان بومهاجمات اهلایجه و وندیکلیلرجه ضرر و کدر عظیمی موجب اولدی و پادشاهه قارشوی اعلان مخصوصه ایلرینہ برسبب و معذرت تشکیل ایلدی . اساساً وندیکلیلر مورده قطعہ سنه کنسیدیلرینک غائب اولمش برملکی نظریله باقمده اولدقلری و تکرار ضبط و اشغالی غایبه امل ایلدکلرکی جهتله مذکور قطعہ نک تحت حکمرانی عثمانی به کچدیکی کوندنبری پادشاهه قارشو اعلان حرب ایچون دائماً وسیله جو اولدقلرندن بو حادثه نی سبب و بهانه اتخاذا ایلدیوب شکایت ایتمکه باشلادیلر . ایلچی اعزامی ایله بالندا کره حل منازعه اولنمسی ممکن ایلده وندیکلیلر بوجهته یناشمیوب مورده نی اشغال ایتمک اوزرده درحال براردو و اوزاق دکزلره مخصوص کوچوکلی بیسوکلی یتمش قدر سفینه حربیه دن مرکب بردونما ترتیب و بودونمای هر دلرو اسلحه و انداخت ماکنه لری و آلات و ادوات سائر ایله تجهیز ایلدکلرکی کبی دمیر ، کراسته کرج کبی بنا انشاسنه مخصوص اشیاییده یانی قافه لرله سفینه لره ادخال و سلاحدارلر ایله کندی آایلرندن مفرز زرهللی عساکرینی و برخیلی اجنبی عساکر موظفہ سنی دخی کیلره ارکاب ایتدیلر . شجاعت و مزیتی و قوه بحریه و برینک سوق و اداره سننده کی مهارتی ایله نامدار اولان برذاتده دونما واردونک قومانداسنی تودیع ایتدیلر .

وندیکلیلرک پک پارلاق امید و تصور لرله سوق ایلدکلرکی مذکور

اقسام مهمه سنك منهدم اولديغنی و پادشاهك هجومه مهيا بولنديغنی كورن اهالی قلعه نك جبراً ضبطی كندیلرینك كلیاً سبب محوی اوله جغنی اكلا دقلرندن تسلیم اولمغه قرار و یروب حکمدارك خبری اولمقسزین نزد شهر یاری به ایلیچیلر اعزام ایلدیلر . حکمدار ، تبعه سنك بوتشبتدن خبردار اولدیغنی زمان کیمسه به کوز و مکسزین شهر دن فرار ایتدی فقط عثمانلی نوبجیلری ایلی آکلا بهرق کندیسینی تعقیب و حیاً در دست ایلیوب حضور شاهانه کتیر دکارندن جزای قتله دوچار اولدی . بوندن صکره اهالی شهر دن چیقوب تسلیم اولدیلر . پادشاه حضرتلری بونلری صورت حایانه ده قبول و کندیلرینه رفق ایله معامله ایلدی و معتاد اولان سنوی ویرکونك اعطاسی شرطیه کما فی السابق شهر ده اقامت ایلرینه مساعده ایتدی بعده شهره کیروب هر طرفنی تماشایدرک بوراسنك تعقیب ایتدیکی مقصده خادم و بناءً علیه محافظه سی لازم اولدیغنه کسب قناعت ایلدی . اساساً موقع مذکور بحارستان ایله هم حدود اولمق حسیه به پک زیاده اهمیت و براردوی استیعالیده جک درجه ده وسعتی حاز اولدیغندن پادشاه حضرتلری استیلا سنه شتاب ایلیش ایتدی ایشته اسباب معروضه به منبى فاتح حضرتلری بورایه کلیتلی مقدار ده عساکر محافظه اقامه ایتدکدن صوکره مملکتک دیگر طرفلرینه ده هجوم ایدرک موسم صیفک ختامندن اول بوسنه ودالمات قطعه سنی تمامیه فتح و اوچویوزدن زیاده قلعه ضبط ایلدی کوچک حکمدار لردن دخی درت دانه سنی در دست ایتدی .

ینه بوموسم ایچنده وندیکیلر اولجه عقد ایتمش اولدق لری معاهده نی فسخ ایلیوب حکومت سنیه ایله محاربه به قیام ایتدیلر . موره و یونانستان ایالانی والیسی اولان عمر بکک وندیکیلرله قارشى بلا سبب عنف و شدت ابرازینه قالقشمسی بو محاربه نك اعلاننه بادی اولمشدر شویله که : عمر بک وندیکیلرله هم حدود بر خطه نك والیسی اولمق حسیه قومشواتق حقوقه رعایت ایتسی و وندیکیلرله مناسبات دوستانه ده بولنسی ایجاب

بالدفاعات تکلیف ایلدیکیی حالده بوتکلیفاتی رد وتقییح ایتمشردی . بوسبیه مبنی پادشاه چوق کره بونلرک اوزرینه عسکر سوق ایده رک تملکتلرینی یغما وارکک وقادین وچوجقلری و حیواناتی اخذواغتام ایلش ایسهده بونلر هیچ بروجهله فکر قدیملرینی تبدیل وعناد واصرارلری بادی فلاکت وضررلری اولدینی حالده کنسیدیلرنجه تصویب وتحسین ایلدکلری مقررآت سابقه لرینی اصلا تغییر ایتمزلردی . بوشناقلرک بوحرکتلرندن آرتق تماماً غضبناک اولان فاتح حضرتلری قیش ایچنده حاضرلق کوره رک موسم بهارک حلوننده پیاده وسواری عسکرندن مرکب وماکنه وسائر آلات حربیه ایله مجهز اولان اردوی همایون ایله ادرنه دن حرکت وسیر سریع ایله حدود خاقانی نی کچوب بوشناق حدودینه مواصلت ایلدی ورمدت آرام ایتدکن صکره بوشناق قطعه سنه هجوم ویوقاری طرفلره طوغری چیقارق رهگذارنده تصادف ایلدیکیی محاملری احراق وتخریب ایلدی وخیلی چاپول سوردی اله کچن قلعه لرک برچوغنی دخی هدم و برقسمنی تخریب ایتمه رک ایچلرینه عساکر محافظه وضع ایلدی والحاصل پادشاه حضرتلری آز برمدت ایچنده مملکتک قسم اعظمی طولاشه رق قلعه لرک بعضیسنی جبراً ، بعضیسنی اهالینک بالاخیار تسایم اولملرله صلحاً ضبط وهیچ برمقاومه تصادف ایتمکسزین مرور ایلدیکیی قطعاتی کاملاً فتح ایلدکن صوکره نهایت حکمدارک التجا ایتمدیکیی شهره تقرب ایلدی . لسان محلی ده یایچا تسمیه اولنان مذکور شهرک غایت محکم اولان قلعه سنده حکمداری محاصره ودرونده بولنلرله تسلیم اولملرینی تکلیف ایتدی فقط محصورلر تکلیف واقعه عرض مطاوعت ایتمدکلرندن فاتح حضرتلری شهری هرطرفدن عسکرله احاطه واطرافه وضع ایتدیردیکیی طوپلرله سوری آرزمان ظرفنده تخریب ایتدکن صکره قوه کویه ایله قلعه یه هجوم ایتمک اوزره استحضارات لازمه یه ابته دار ایلدی . سورک

قطعه سی ارانی بوغازک الكطار محلی اولمق اوزره كشف و تعیین ایدوب نتیجه تدقیقاتی ذات شاهانه به عرض ایتدیلر .

داردانیا قطعه سنده اسکی بربرجک انقاضی موجوددر . حکمداران سالفهدن برینک بوبرجک قوربندن بوغازی زنجیر ایله سد اتمکک تشبث ایلدیکی فقط جریانک شدتدن زنجیر بوکولوب قیرلدیغدن اجراسی ممکن اوله مدینی مرویدر .

پادشاه حضرتلری کلیبولی و بولایر والیسی و دونما و سواحل امیری یعقوب بکی درحال زدینه جلب ایدوب قلعه لرك سربعاً انشاسنی و بوکا عائد سائر معاملاتک ایفاسنی آکاسر و حواله ایتدیکندن مشارایه مضارف عظیمه اختیارایله عملیاته درحال ایتدار ایلدی .

فاتح حضرتلری دخی کله -ك ایلک بهارده طونه یقه سنده ساکن دالمات یاخود بوشناق تسمیه اولنان قوم اوزرینه عسکر سوق ایتک ایچون قیش ایچنده تدارکات ایله مشغول اولدی .

بوشناقلر ، ساکن اولدقلری واسع و محصولدار برقطعه اوزرنده بویوک بر حکومت تشکیل ایتمش و اورانی اعمار ایش ایدیلر . مملکتلرینک حدود خارجیسی بویوک دربندلرك ، صارب و اوچوروملی ط-اغلرك تشکین ایلدکلری طیبی اتحکامات ایله تأمین ایدلمش اولدینی کبی داخلده کی قلعه و قصبه لر دخی غایت متین و مستحکم ایدی . بوندن ماعدا بوشناقلر ذی سطوت و قدرت حکمداران مالک ایدیلر . بو حکمدارلر بچار قرالریله دائماً مناسبات دوستانه ده بولندقلری کبی بر تعرض و وقوعنده یکدیگرینه معاونت شرطیله ده بینلرنده معاهده عقد ایشلردی . بوشناقلر مملکتلری داخلنده دائماً مستقل و حر قالمق و حکومت سنییه اصلا تابع اولماق ایستدکلرندن بو خصوصه قوتلرینه ده استناد ایلدکلرندن پادشاه حضرتلریله معاهده صلحیه عقدینه و صرب و آرانو دلر کبی سنوی برورکو اعطاسنه اصلاً یناشمزلردی حتی معاهده صلحیه عقدی طرف پادشاهیدن کندیلرینه

ایدلمشدر . ایسته مدلی آطه سنک ماجرای اقبال وادباری
 پادشاه حضرتلری استانبوله مواصلت ایتدکرنده مدلی دن بورایه نقل
 ایتدیردکاری اهالی بی شهرک بر محلنه اسکان و بعضیلرینه انشا ایدلمش
 خانه و بعضیلرینه خانه انشاسی ایچون عرصه و احتیاجلری نسبتده
 اشیا احسان ایلدی . حکمدارلری اولان نیکوره زوسی ایسه ابتدا حبس
 و متعاقباً بعض اسبابدن طولانی قتل ایتدیردی .

بحراً حاکم اولان بر دولتک حکم و نفوذینک عالمه شامل اوله جنی
 وایتالیانلرک وبالخاصه وندیکیلیرک دوتملری سایه سنده حاکمیت بحریه بی
 الده ایدرک بحر سفید جزایرنی نفوذلری آنته ادخال و آسیا و آوروپا
 قطعاتنده کی سواحل عثمانیه یه ایراث خسار ایلدکلری نزد شهر یاریده مجزوم
 و مشاهد بر کیفیت بولمغله پادشاه حضرتلری جسیم بردونما تشکیل ایدرک
 حاکمیت بحریه بی دست جهانگیرینه آلمق وایتالیا و وندیکیلیرک قوتلرنی ازاله
 ایدوب سوء نیات و مقاصدینه خاتمه چکمک ایتردی . بوسببه منبی پادشاه
 حضرتلری موجود سفائنه علاوه بر چوق سفائن دها انشا و بونلرک
 مرتباتی تشکیل ایتک اوزره ممالک شاهانه نک هر طرفدن افراد شعیجه
 اتخاب ایدلمسنی اراده ایلدی .

دیگر طرفدن مرمره وقره دکزی خارجدن وقوع بوله جق تعرضاتدن
 وبالخاصه حیدودجه پایلان آقینلردن محافظه ایتک و آوروپا و آسیایی
 یکدیکیرینه ربط ایتک مقصدیله چناق قلعه بوغازینک هراییکی جهتنده محکم
 قلعه لر انشاسنه تشبث ایدوب - اولجه استانبول بوغازینی دخی بو صورتله
 تقویه و تحکیم ایتمشیدی - صاحب اختصاص بعض ذواتی بوغازک الطار
 و سریع جریان محللرنی تدقیق و تعیین ایتک اوزره اعزام ایلدی ، بوذوات
 مایدوس و آله اوس بیننده کی برون ایله آسیا ساحلنده وسکز استادیون
 (۱۵۱۱ متره) طولنده امتداد ایدن «داردانیا» Δαρδανία [۸]

[۸] فرنگرجه استعمال ایدیلان «داردانل» Dardanelles اسمی

بوداردانیا کله سندن آلمشدر . مترجه

اواخرنده مقر سلطنت سینه لرینه مواصلت ایتدی . وقایع مذکوره جلوس هایونک اون ایکنجی سنه سنه متصادفدر .

مدلی یوز الی سنه دئیری معموریت و ثروت اکتساب ایتشدی که بودور اقبال، ایتالیا ده زادکان صنفه منسوب غاتلوز عالمه سندن اولوب مدلی حکومتی روم ایمپراطور لرندن استحصالی ایدن و بو عالمه نیک برنجی حکمداری بولنان « نیکوره زوس » ک آوان حکومتدن ابتدا ایلر . نیکوره زوس علم و عرفان و بصیرت صاحبی بر ذات اولدینی کبی حکمدارلق امورینه ده بحق واقف و سیاستده پک ماهر ایدی . بو حکمدار ذی اقتدارک زمان اداره سننده مدلی آطه سی ادوار قدیمه ده حائز اولدینی اقبال و مدنیتک قات قات فوقنده عمران و ترقیه نائل اولدی و اطرافنده کی قطعهلری تحت اطاعت و حکمنه آلدی .

مدلی حکومتی کثیرا بقدار سفائنه مالک اولوب بونک بر قسمی سیرو سیاحت ایتدیکی وقت دیگر قسمی ترسانهلرنده استراحت ایلر و بوضورتله دونانک حسن محافظه سنه اهتمام و اعتنا اولنوردی . ایشته بوقوه عظیمه بحریه یالکیز آطه جواریله اکتفا ایتیب سوریه و مصر دکزلرنده ده کشت و کذار و آقین و فتوحات اجرا ایلدیکی جهته مدلی نیک حوالی مذکوره ده دخی حکمی نافذ اولدیندن بونلر سنوی بر ویرکو اعطاییه آطه حکومتدن صالحی اشترا ایدرلردی .

فقط نیکوره زوسدن سوکره حکومتی توارث ایتیش اولان احفادی و بالخاصه حکمدار حاضر زماننده آطه نیک شعیسه اقبال و سطوتی سونمکه و حکم و نفوذینک جاری بولندینی دائره وسیعه کوچولمکه باشنادی . بالاخره عثمانلی حکمدارلری ملککترلی داخلنده کی دکزلرده اجرای حکم ایتمکه باشلادقترلی زمان بورالرده کائن جزایری ده تحت اطاعته ادخال ایلدکلرندن مدلی آطه سی ده دیگر آطه لر کبی ابتدا حکومت عثمانیه به عرض مذاوعته خرچکذار اولمش و سوکره صورت قطعیه ده ضبط

حضرت تلمری محمود پاشایی آطه‌ده براقه‌رق امور اداره‌سنک تنظیمی مشارالیه حواله و بوباده کی فکر هایوندرینی بیان ایله اجراسنی امر و اراده ایلدی و درت کون اقامتدن صوکره بر حرب سفینه سیله ناطولی خطه سنده کی قرارگاهه عودت ایلدی. اقامتلمری انناسنده آطه‌نک هر طرفنی تماشایدرک جسامت و کوزلکننی و حائر بولوندیغی لطافت طبیعی بی تقدیر ایلمشدر .

پادشاه حضرت تلمری شهرک سکنه‌سنی یعنی بالجمله رجال و نسوان و صیدیانی طوبیلایه‌رق بونلری اوچ قسمه تقریق و برنجی قسمک سنوی بر ویرکو اعطاسیله شهرده اقامت و ماللرندن انتفاع ایلملرینه مساعده ایلدی ،

ایکنجی قسمی استانبوله نقل ایتمدردی ؛ اوچنجی قسمی ایسه تحت اسارتہ آله‌رق عساکره توزیع ایتمدی واله‌کنن ایتالیا عساکر موظفه‌سنی قتل ایتمدردی. آطه‌ده کی قلمه و قصبه لر اولجه بولندقلری حال اوزره ترک اولنمشلر سده صوکره بولردن برقاچی استتای ایدیلهرک دیکرلری هدم و سکنه‌سی استانبوله نقل ایلمشدر .

محمود پاشا جزیره خلقی زنده بنام و شجاعتی و مزایات سائر سیله معلوم انام اولان علی سامی [۱] نامنده کی بر ذاتی جزیره‌یه مدیر نصب و تعیین ایتمدی کی شهره و سائر قلعه‌لره دخی لزومی مقدار عساکر محافظه ادخال و آطه‌نک امور اداره‌سنک تنظیمنه عائد معاملاتنی اکیال ایلدکن صکره جزیره قارشو-نده بولمان پادشاه حضرت تلمری زنده عودت ایلدی .

دوئمای هایون امراسی دخی‌الده ایدیلن غنائمی و استانبوله نقل و اسکانی اراده بیورلمش اولان مدلی حکمداریله معیتده بولان ذواتی و بونلرک افراد عائله‌سنی کیلره ارکاب ایلمه‌رک کلیولی و استانبوله عودت ایلدیلر .

پادشاه حضرت تلمری اردودن آریله‌رق خاصه آلابی ایله صوکره بهار

[۱] متده کی اسم « Σάμιος Ἀλι, Samios Ali » درکه سیساملی علی صورتیله ترجمه اولنجه بیلور . فقط سیسام آطه‌سی اوزمان تحت حکمرانی عثمانیده بولمدیغی جهتله بوراده مذکور اولان علی سامی دیکر بیژانس مورخلرینک ده روایتی وجهه قانونشناس شهیر حکیم علی بستانیدر . لترجه

محاصره به ابتداء ایلدی . بوضورتله مرور ایدن آتی یدی کون طرفنده سورک برچوق اقسامی هدم ایدلمش ایسهده شهر داخلنده کیلریبوک سرنلر کتیروب منهدم محللری داخلدن و خارجدن تعمیر وسد اوزرینه طوپراق و ساژ مواد بیغارق بوضورتله حربه دوام ایدیورلردی .

بوحرکاتی قرارگاه هایوندن تدقیق و تماشایتمکده بولنان پادشاه حضرتلری حاضرلق اجراسیله شهره هجوم ایچون آرتق وقتک حلول ایتدیکنی وایلك مهاجمده ضبط و تسخیر اولنه جغنی تیقن ایدرک اردونک و سلاحدارلرک سریعاً آطیه نقلنی اراده ایلدی کندیسى دخى برحرب سفینهسنه را کباً آطیه کچوب جریان ایدن وقایعی محمود پاشادن تحقیق ایتدکدن سوکره آتیه بینهرک شهرک بجرأ و برأ قابل تعرض اولان تقاطنی تفتیش ایتدی . بعده اردونک صفحرب اوزره تشکیلی و سفائن حربیهنک لیمان طرفندن تعرض ایتمک اوزره احضارینی امر و اراده ایلدی . پادشاهک جزیره به مرور ایتدیکنی وارو و دونمانک هجومه مهیا اولدیغنی کورن محصورین دوچار خوف وهراس اولمش ایدیلر . زیرا جسور و کثیر اولان مهاجمینه قارشى نه سورک نه کندیلرینک مقاومت ایدمه جکلرینی و پادشاهک بوراسنی فتح ایتمکدن صکره مفارقت ایلیه جکنی اکلایورلردی . ایشته بوسبیه مبنی قرارگاه هایونه کوندر دکاری آدملرایله تسلیم اولدقلرینی اعلام و اولجه وقوع بولان تکلیفه امتثال ایتمکدن طولانی پادشاه حضرتلرینک عفوننی استرحام ایلدیلر .

فاتح حضرتلری کلن ذواتی صورت رسمیهده قبول ایدرک کندیلرینی تأمین ایلدی . متعاقباً مدلی اهالیسی دخی حکمداریله برابر پادشاهک نزدینه کلهرک عرض تعظیبات ایلدیلر و شهری تسلیم ایتدیلر . فاتح حضرتلری بولناری حسن صورتله قبول و کندیلرینه هدیه لر اعطا ایلدی . بعده شهری سیر و تماشایدهرک پک زیاده بکندی . آطهنک دیگر قلعه و قصبه لرنده کی اهالی دخی فوج فوج کلهرک تسلیم اولدیلر . پادشاه

مجرى ایتیش و شاعر هو مرمك مظهر ستایشی اولان بوذواتی و ایفا ایلدگری
 شایان تجیل خدماتی یاد و تخطره حقلرنده کی تحسست تقدیر کارانه سنی
 اظهار و کندیلرینی مدح و ثنا ایلشدر . پادشاهک باشنی صالایه رق شو
 سوزلری ده سویلدیکی مرویدر : « جناب حق بنی بوشهرک و سکنه سنک
 متفق اوله رق بو آنه قدر حفظ و صیانت ایلدی . بز بوشهرک دشمنلرینه
 غالب کلدک وانلرک یوردلرینی نهب و غارت ایتدک . بوراسنی ما کدونیا لیلر
 . و تسالیایلر و مورده لیلر فتح ایتشدر ایدی ؛ بونلرک بز آسیالیلره قارشى
 بالدفعات اجرا ایتدگری سوء معاملاتک انتقامنی ، اره دن برچوق ادوار
 و سنینک مرورینه زغمأ آنلرک احفادنن الدق [۱] . »

پادشاه حضرتلری بورادن « لکتون Δέκτον, Lekton » یه و اورادن مدلی
 آطه سی قارشو سنده کی قطعه یه عنایت ایدوب مدلی شهرى مقابلنده بولنان
 محلی قرارگاه اتخاذ ایلدی . محمود پاشا دخی ایکی یوز پارچه دن مرکب
 دونما ایله کلیبولیدن حرکت ایدرک اوچ کون ظرفنده مدلی یه مواصلت
 ایتدی و قرده بتون عسگری اخراج ایدوب شهره یقین بر محله اردو
 قوردی . مدلی اها لیبی بر خروج حرکتی اجرا ایتشدر ایسه ده سلا -
 حدارلر طرفندن پک شدتلی صورتده تضیق اولدقلرندن تکرار قلعه
 داخلنه التجا ایله نتیجه و قایعه انتظار ایلدیلر . محمود پاشا شهرک بامقوله
 تسلیمنی حکمداره تکلیف ایتشدر ایسه ده تکلیفی قبول ایدلدیکنندن
 مشارالیه اولا شهر خارجنده کی مواقعی اجرا ایتسدریدیکی آقین ایله
 نهب و یغما ایتسدردی و متعاقباً سوری احاطه و طویلروضع ایدرک

[] اسکی یونانیلره اسکی ایرانیلر بیننده وقوع بولنان محارباتی یازمش
 اولان مورخ ایرودودوس تاریخک مقدمه سنده اوتنه دنبری آوروپا ایله آسیا اره سنده کی
 منازعه بی بو محارباته سبب اولمق اوزره ذکر ایدیلور و تروپا وقعه سنک ده بو محارباتک
 برلاحقه سی اولدیفنی سرد ایلبور . مورخیزک تروپا قهرمانلری حقنده فاتح سلطان
 محمد خان حضرتلرینه عطف ایلدیکی بالاده کی افادات حقیقت حاله اسکندر رومی
 طرفندن ایراد اولمشدر . مترجمه

و حتی کلیولی شبه جزیره سنه و تراکی و ماکدونیا ساحلارینه سوق ایدره رك سواحل مذکورہ فی تخریب و بورالده حیدودلق اجرا ایتدیرر ایدی . نیکوره زوسك سالف العرض افعال دناشتکارانه سنندن خبردار اولان پادشاه حضرتلری مرقومك زودینه بالدفعات مباشرلر اعزام ایدره رك صلح و مسالمتی اخلال ایدره جك معاملات و حرکاتدن مجانبت و فی مابعد معاهدۀ منعقدہ احکامنه مطاوعت و ویرکولرك تأدیہ سننه غیرت ایتسنی و عکسی تقدیرده اعلان حرب ایدره جکنی امر و اشعار ایلشدی . بونلره قارشونیکوره زوس بعضاً یابدقارینی انکار ایدر و بوضورتله پادشاهی اغفال ایتدیکی ظننده بولنوردی . بعضاًده ایتالانلرك دوستقلرندن پك زیاده امید وار اوله رق اوامر سنیه به اهمیت ویرمزدی . بوسیه مبنی پادشاه حضرتلری کندیسنی تهید ایتمش و حتی بو بایده دونما بیله سوق ایدره رك مدللینك برقطه سنه آقین ایلشدی . نیکوره زوس قورقو ساقه سیله اشبو ارتکاباتندن ظاهراً و موقتاً فراغت ایتمش ایسه ده حقیقت حالده ینه اسکی خط حرکتده ثبات و اصرار ایدیوردی .

نیکوره زوسك بو حالی فاتح حضرتلری اغضاب ایلدیکندن دونمای هاپونی تجهیز و ایچلرینه اسلحه و سنك انداز ماکنلر و سائر آلات حربیه و انداخت ماکنلری ادخال و محمود پاشایی دونما امیر و سرداری تعیین ایدره رك مدلی آطه سنه سوق ایتدی کندیسنی دخی چناق قلعه بوغازینی کچدکدن سوکره آسیا طریقیله مدلی آطه سنه متوجهاً تحریک لوای احتشام ایلدی . چناق قلعه ملحقاتندن اسکی ترویا قطعه سنك مرکزی اولان ایلون شهرینه ورود ایتدکده مذکور شهر قدیمك بقایای انقاضی و سائر محاسن آناریخی و موقعی سیر و تماشا و بحرأ و برأ حائر اولدینی اهمیتی تقدیر ایتدی .

فاتح حشرتلری بوراده « Achilleus » اهیلولوس « Ἀχιλλεύς » و « Aias » آس « Αἴας » و سائر قهرمانلرك مدفون بولندقلری محللری

گیری چکدیردیکندن دراقولی هیچ برآمده تصادف ایده‌مه‌مش و آنجق
آت، اُستر و دوه کبی حیواناندن برچوغنی اتلاف ایلشدی .

پادشاه بعده اردویه اشارت ویره‌زک هر طرفدن هجوم ایدلسنی امر
ایتدیکندن عساگر شاهانه شوق و مسرتله ایفای امره شتاب و مهاجینک
همان کافه‌سنی قتل ایلدیلر. ایچلرندن پک آز کیمسه حیاً دردست ایدلمش دره
دراقولی میدان حربده کیزلنرک بعده مجار قطع‌ه‌سنه فرار ایلدی .
مجارلرده کندیسنی دردست ایده‌رک حبس ایتدیلر .

پادشاه حضرتلری یوقاریده سویلدیکمز وجهله رادونی حکمدار
نصب ایده‌رک زمام حکومتی آکا تسلیم و صداقتنی تأمین ایتدی
واسرای و صغیر واغنامی عساگره توزیع ایتدکن صکره ینه طونه‌نی
مرور ایلیرک موسم صیفده ادرنه‌یه موصلت ایلدی .

ادرنده برمدت اردویی استراحت ایتدیردکن صکره امرای بحریه‌نی
نزد ملوکانه‌لرینه جلب ایدوب مدالی اوزرینه حرکت اولنق اوزره
ایکی یوز قدر سفینه‌ حریه‌نک احضارینی امر و اراده ایلدی .

بو آطه‌نک حکمداری اولان « دوریوس » ک وفاتندن صکره
وارث حکومتی اولان اوغللری پادشاه ایله معاهده عقد و هر سنه معین
مقدارده ویرکو اعطاسنی تعهد ایلوب دولت عثمانیه ایله مناسبات دوستانه
تأسیس ایتمش ایلدی . فقط بونلردن « نیکوره‌زوس » برادری « دومنیقوس » ی
حبس و حیهله ایله قتل ایتدیکی کبی مناسبات صلحیه‌نی اخلاص ایده‌جک
تصورات مفسدتکارانه‌یه دخی سوق افکار و سوء نیاتنک آثار
فعلیه‌سنی آز زمان سوکره اظهار ایلدی . شویله‌که : هر سنه ایفاسنی
تعهد ایلدیکی ویرکونی اعطادن امتناع و ایتالیا نثرله مناسبات خفیه‌ده
بولنهرق مقاوله عقد ایلدی و مملکتی لیانلرینه داخل اولان
قورصان کیلرینی حسن قبول ایتدکن ماعدا کندیسنی دخی تجهیز ایلدیکی
کیلری رهبرلر واسطه‌سیله مدالی آطه‌سی قربنده بولنان سواحل عثمانیه‌یه

اولان دراقولی آ زمان صکره بونلرک هپسنی اونوته رق پادشاه حضرتلری
 علینه قیام و برخیلی قوه عسکریه ایله طونه نهرینی مرور ایلیه ک حکومت
 عثمانیه به تابع نیکبولی وودین قطعه لرینه آقین ایلدی و برچوق نفوسی قتل
 و اتلاف و برچوق اموال و غنائم چابول ایتدکن صکره ینه نهری
 کچهرک مملکته عودت ایتدی .

حادثه دن خیردار اولان پادشاه حضرتلری معاهدات منعقد
 احکامی اخطار و اسباب قیامی صورت مصلحانده استفسار ایچون
 مرقومک نزدینه ایلجی ارسال ایلمش ایسه ده دراقولی سبب و مقصد
 ورودی تحقیق ایتکسزین ایلچیلری در دست ایتدیره رک قازیقه اوردوردی
 و پادشاه حضرتلری حقنده کلمات نالایقه صرف و تهدیداته قیام ایلدی .
 بو حقات پادشاه حضرتلری بحق اغضاب ایلدیکندن شبهه سز
 جزاسز بر اقیسه مزدی . دراقولی نک تأدی ایچون پادشاه در حال
 عساکر کلیه جمع و تحشید ایلدیکی کبی موسم شتاده اردونک لوازم
 سفریه سنی دخی اکیال و ایلک بهارک حلولنده طونه بی مرور ایلدی
 و جزئی بر زمان ظرفنده اولاح قطعه سنی باشدن باشه چابول و قلعه لری
 فتح و کویلری یغما ایتدی . طرفه فروش حکمدار ، پادشاهک اجرا
 ایلدیکی هجوملره قارشی مقاومت ایدمه دیکندن مملکتک طاغلق محللرینه
 فرار و بورادن نتیجه واقعه انتظار ایلدی .

پادشاه حضرتلرینک کندیسیله برابر گلش اولان دراقولی نک برادری
 رادویی اولاح حکمداری تعیین ایتسی فراری قرالی پک میوس ایتش و بعدما
 اجرای سلطنت امیدینه نهایت ویرمش اولدیغندن صوک بر حرکت اجرا سیله
 پادشاه حضرتلرینه ضرر ایرانه و حتی بو بایده فدای نفسه قرار و یروب
 کیجه ائناسنده اوتاغ هایونه غیر منتظم و تدبیر سز صورتده هجوم ایتدی .
 پادشاه حضرتلری تعرضی آکلایه رق دشمنی دها زیاده ایلرویه جلب
 ایتک و بو صورتله آنلری دها قولای اتلاف ایلیه بیلیمک ایچون عسکری

واعمارینہ کافی السابق اعتنا واهتمام ایله شهر داخلندہ معابد و چارشو و ترسانہ و تماشاخانہ کبی مؤسسات نافعہ انشا ایتدیردیکی کبی دیگر طرفدن دخی فضل و عرفانیله شهرت بولان ذواتی استانبوله جلب ایلیه رک مقرر حکومتلرنی مرکز علم و فن حاله کتیرمکه چالیشیردی و بیولده کی مقاصد علویه سنک ساحه حصوله ایصالی ایچون هیچ برفدا کارلقدن چکنمز و هیچ بر مصرفدن صاقمز ایدی . و الجاصل بی امثال اولان استانبول شهرینک لطافت طبعیه و اهمیت موقعه سیله متناسب صورته نائل عمران و ترقی اولسی ایچون بذل غیرت ایدر ایدی .

بوانساده اولاحلرک حکمداری دراقولی نک برخیلی عساکری تحشید ایدرک اولجه کندیسنه اولاح ممالکنک حاکمکنی بخش ایتمش اولان پادشاه حضرتلری علیهنه مسلحاً قیام ایلدیکی خبری وارد اولدی . مجارلرک و اولاحلرک حکمداری اولان یانقو مقدا قوه عسکریه سیله اولاح خطه سنه هجوم ایتدیکی زمان دراقولی نک پدرینی اتلاف ایدرک حکومتی مرقومک برادرلرندن برینه تودیع ایتمش و دراقولی نی دیگر برادر یله مذکور خطه دن دفع و تبعید ایلش ایدی . اوزمان دراقولی و برادری ، فاتح سلطان محمد خان حضرتلرینک پدری سلطان مراده التجا ایتدکلرندن سلطان مشارالیه هنوز سن طفولایتده بولنان بوایکی برادری حسن قبول ایلیه رک سرای همایونده اعاشه ایتشیدی .

سلطان مرادک و فاتنده تحت عنانی به جلوس ایدن سلطان محمد خان حضرتلری ده بونلرک تربیه و اعاشه سنه پک زیاده اعتنا ایلشیدی . بالاخره اولاح حکومتده تحدت ایدن بعض وقایع سیاسیہ نتیجه سی اوله رق برادری حکومتدن دفع ونفی اولدینی زمان پادشاه حضرتلری دراقولی نی قوه عظیمه عسکریه ایله وطنه کوندره رک اولاح ممالکنک اداره سنی اکا تودیع ایلدی . پادشاهه قارشو دائماً دوست و محب قاله جغتو و معاهدات منعقدہ احکامنه رعایت ایلیه جکنی اساساً یمین ایله تأمین ایتمش

طرز برونیدن حرکت ایلدی . او زون حسنک ممالکی قربندن چکرکن اولجه نزد هایوننده طرزونه قدر برابر کتیرمش اولدینی مشارالیهک والدهسنی برچوق هدایا ایله کیری به کوندزدی . و او زون حسن نزدینه ایلیچیلر اعزام ایدوب اولجه عقد ایتدکلری معاهداتی تجدید ایلدی . زیرا پادشاه حضرتلری او زون حسن ایله مناسبات دوستانه ده دوامی آرزو ایلدکه ایدی . او زون حسن دخی کندی طرفدن ایلیچیلر کوندره رک پادشاه حضرتلرینی نائل اولدقلری فتوحاتدن طولایی تبریک و والدهسی حقنده کی تطایفات سنیه به قارشی عرض تشکرات ایلدی و برچوق هدایا تقدیم و تجدید اتفاق ایتدی . بوندن سو کره پادشاه ظفر شعار تا و روس طاغیرینی سالماً مرور ایله رک بکرمی سکر کون صکره بروسه به مواصلت ایلدی .

پادشاه حضرتلری استانبوله مواصلت لرینی متعاقب طرزون حکمدارینه و معیتده بولنلاره تأمین معیشتلری ایچون قره صو نه ری جوارنده سنوی اوچیوز بیک کوش سکه ایراد کتیر برقطعه بی بخش ایتمشره . حکمدارک اتباعی میاننده یورکی امیروکی نامنده برذات وار ایدی . آریستونک و حکیم مشهور زه نونک اصول و مسلک فلسفیسنه و علوم ریاضیه به واقف ، فن بلاغت و شعره آشنا بولنان بوذاتک شهرت شایعه سی پادشاه حضرتلرینک واصل سمع اطلاعی اولدیغندن نزد هایونلرینه جلب ایدرک کندوسیه ملاقات ایلدی و فیلسوفک فضل و اقتدارینی تقدیر و تحسین ایتدیکندن صیق صیق حضور هایونلرینه کله رک ذات شاهانه لرله ملاقات ایتسنه مساعده و کندیسنه برخیلی اراضی بخش ایلدی . پادشاه حضرتلری مشار الیه ایله مصاحبت ایلدیکی زمان فلاسفه قدیمه نک عقائد فلسفیه لرینی موضوع بحث و مناقشه ایدر و کندی طرفدن دخی بعض سوألر درمیان ایلر ایدی که اشبو محاورات پادشاه عالیجاهک علوم فلسفیه ده کی درجه و قوفه برهاندر .

پادشاه حضرتلری پای تحتک امور اداره سنه و شهرک اسکان و تزین

ایدیلن و عد موجبنجه مقاوله عقد اولمسنی تکلیف ایلدی . بونک اوزرینه اهالی متحیزان مملکتدن انتخاب ایلدکاری ذواتی یدلرینه اعتماد . نامه لر تودیع ایدرک نزد پادشاهی به اعزاز وانلرک وساطتیه بر چوق هدایا تقدیم ایلدیلر . بونلر اوتاغ هایونه واصل اولدقلری زمان حضور شاهانه یه قبول ایدیلهرک عرض تعظیبات ایلدکن صکره مقاوله یی عقد و تعامل قدیم وجهله یمین ایله تأیید ایلوب شهری پادشاهه تسلیم ایتدیلر . شهرک تسلیمه مأمور اولان محمود پاشا اردوسیه درون شهره دخول ایتدکده طربزون حکمداری دخی شهری ترک ایدوب اولاد و اتباعیه اردوگاه هایونه کلدی . پادشاه حضر تلری کندیسنی حضورینه قبول ایدوب حقنده مشفقانه معامله ایفا و کندینه و اولاد و عیالنه هدیه لر احسان و اعطا ایلدی . متعاقباً پادشاه حضر تلری ده شهره کپروب درونی سیر و تدقیق و بدمه قلعه یه و اوزرنده کی سرایه چیقهرق هر ایکسنی تماشایتدی و قلعه نک متانتی و سرایک نفاستی و شهرده مشاهده ایلدیکی آثار معموریتی تقدیر و تحسین ایلدی . صادر اولان اراده پادشاهی اوزرینه طربزون حکمداریله معیتی و متفندان و متمولان مملکتدن بعض ذوات اطفال و نسوان و اموالی ایله شهردن چیقهرق لیانده لنگر انداز اولان سفاشنه را کب اولدیلر . شهر داخلدن و اطرافنده کی قطعه دن بیک بشیوز قدر کنج انتخاب ایدیلهرک بونلرده بر موجب امر پادشاهی سفاشنه ارکاب اولندیلر . پادشاه حضر تلری دونمانک آمر لرینی یعنی کمی رئیس لر یه قوماندان و مأمور لرینی و قلاغوز لرینی هدایای مخصوصه ایله تلطف ایتدکن صوکره دونمای هایونک عودت ایتسنی اراده ایلدی . کندوسی دخی بر قاج کون ده ا طربزونده قاهر ق مذکور قطعه نک حکومت و اداره سنی نزد هایوننده آلیقویدینی دونما قوماندانلر ندن کامیولی و ایسی کاظم بکلک عهدۀ لیاقته توجیه و معیتده خاصه اردوسندن در تیوز کزیده افراد تفریق و شهرک امور اداره سنی دلخواهی وجهله تنضیم ایتدکن صکره استانبوله عودت ایچون کلدیکی طریق تعقیب

آلتمش ایدی. او قدر شدتلی ترصدا ت اجرا ایدیلور ایدی که محصورینک طیشاری چیقملری ویا شهره برشی ادخال ایده بیللمری ممکن دکلدی . بوضورتله دوام ایدن یکر می سکز کون طرفنده محصورین متعدد خروج حرکانی اجرا وحتی بعضاً حرا ز ظالمت ایلشلسده قاتلری سبیلله قارشولرنده بولنان قوه کلبه نك تضیقنه تاب آور مقاومت اوله میوب ینه سوره چکلمکه مجبور اولمشلردی .

بووقایمی متعاقب محمود پاشا قوه بریه ایله واصل اولوب پیشگاه شهری قرارگاه اتخاذا ایتدی . پاشای مشارالیه؛ اولجه ذکرا ایتدیکمز مورده سفرنده کاتب خصوصی اوله رق پادشاه حضرتلرینک معیتده بولنان طوماس قتاو و لینوسی شهره ارسال ایلهرک اهالی و حکمداره با مقاوله تسلیم اولملرینی تکلیف و بوخصوصک قبول وعدم قبولی حالنده آنارجه حاصل اوله جق منفعت و مضرتی مومی ایله کاتب واسطه سیله کندیلرینه بوجه آتی ایضاح ایلدی : « تکالیف واقعه یه اتباع هم حکمدار و عائله سی وهم اهالی ایچون موجب منفعتدر . زیرا حکمدار عائله سیله برلکده پادشاه معضامک مظهر لطف و عاطفتی اوله جق، و حضور و استراحتلرینی تأمین ایده جک اراضی و سائر کندیلرینه احسان ایدیله جکدر . اهالی ایسه مطاوعتاری حالنده کندیلرینی و نسوان و صیبانی تهلیکه تالدن وقایه و اموال و املاکی کفافی السابق تصرف و مملکتلرنده امر ارحیات ایده جکدر . فقط تکلیف رد ایدیله جک اولورسه مسأله مقاولات و معاهدات مخصوصه ایله دکل سلاح ایله حل ایدیله جکندن اهالی محاربه د مغلوبیتک انتاج ایتدیکی قتل و اسارت و نهب و غارت اموال کبی هر د لوفلا کته دوچار اوله جقلردر . حکمدار و اهاا چار و ناچار مجبور انقیاد اولدیلر و پادشاه حضرتلری موصلت ایلدیکی زمان مقاوله عقد ایده جکلرینی بیان ایلدیلر . محمود پاشانک موصلتک ایرتسی کونی پادشا . حضرتلری ده طربزونه واصل اوله رق شهرک پیشگاهنی اردوگاه اتخاذا ایتدی و طوماس قتاو و لینوسی ایلچی صقیله شهره کوندره رک محمود پاشایه

اندیشه ابتدائی جهتله در حال طیب خصوصیتی یعقوب افندی - نظریات و عملیات طیبیه به واقف و نزد شهریارید. صاحب نفوذایدی - بی جلب ایده رک پاشانک جریحه سی حقه ده معلومات آلمش و کندیسنه هدایا احسان ایده رک تداوینی امر ایشیدی . پاشانک جریحه سی او قدر مهلك اولدیغندن تدایو ایده رک آرزمان ظرفنده التیام بولدی .

اردو ، تاوروس جبال منیعهنی اونیدی کون ظرفنده کچه بیلدی ونهایت طاغدن اووهیه نزول ایده رک ماردین [۱] شهری قربی اردوگاه اتخاذ اولندی .

اوزون حسن فاتح حضرتلرینک بویله جسمیم و آغیر براردو ایله تاوروس سلسله سنی کچرک کنندی پای تختی اوکلرینه قدر کلدیکنی طویدیغنی زمان دوچار حیرت و مستغرق خوف و خشیت اولدی . نهایت والده سنی پک چوق هدایا ایله و ایلچی صقیله نزد شهریاریه کونده روب عفوینی استرحام و بعدما دائره وفاق و اتفادن چیمیه جغنی اعلام ایلدی . پادشاه حضرتلری اوزون حسنک والده سنی تکریمات لایقه ایله قبول ایده رک اوغلی ایله عقد اتفاقه موافقت ایش ايسه ده کندیسنی کیری به کوندرمیه رک برلکده سیر و سفر ایتک اوزره معیتنده آلیقویدی . بواننده دونما طربزونه واصل و لیمانه داخل اوله رق قوماندانلر طرفدن قره یه عسکر اخراج اولمش ایدی . طربزونیلر شهردن خروج و قره یه چیقان عساکر اوزرینه هجوم ایشلر ايسه ده مهاجمه لرنده موفق اوله میه رق دوچار انهزام و کمال خوف و دهشت ایله درون شهره التجایه مجبور اولشلردر .

بوندن صکره عسکرلر شهره کیدن کچیده خارجنده کی محلی ضبط ایتدکلرندن طربزون شهرنی بوصورتله برآ و بحرآ تحت تهدید و محاصره یه

[۱] متنده کی اسم بوراده دخی « طیفرا نوکرتا » در . بوراسی شمیدیکی ماردینک براز یوقاریسنده ایدی . شو قدرکه اوزون حسنک پایتختی قره حصارشرقی سنجاغنده کی قوونلی حصار اولدیغندن متنده کی طیفرا نوکرتا یا کاشدر . مترجه

اندازلر و مسلحدارلر اخذ موقع ایدرک یورورلر ایدی . مسلحدارلر
 اوموزلرند قارغی طاشیرلر و تیراندازان ایسه لرند قورونش اوق ویای
 اوله رق صاعده کی صول جهندن وصولده کی صاغ جهندن وقوع
 بوله جق تعرضاته قارشو حاضر بولمق اوزره ترصدده بولنورلر ایدی .
 پادشاه حضرتلری دخی بعضاً آلایلر آراسنده اتخاذا موقع ایلر
 ایدی . قورقولی محللرده کوندوز بو طرز ایله سیر و حرکت ایدلیکی کبی
 کیجه دخی قرارکاهک برآز بعدنده آتشلر یاقیدریر و قرارکاهی قوتلی
 مفرزله له محافظه آلتنده بولیدیر ایدی بولردن ماعدا کوندوزدن اک مهم نقاطه
 ترصدقولی و مخبرلر وضع ایدرک بو وجهله قرارکاهی تأمین ایلر ایدی .
 ایشته اردو بو اک مشکل موقعلری کچدیکی بر زمانده ایدی که محمود
 پاشانک حادثه مجروحیتی وقوع بولدی . بو حادثه نا که ظهور اردو
 ایچنده ولوله عظیمه بی و تأسفی موجب اولمش ، اردو و ارکان دولت
 وبالخاصه پادشاه حضرتلری ززنده پک فنا تأثیر حاصل ایتمشدی .
 فعل جرحی ارتکاب ایدن حریفک محمود پاشادن هیچ برشکایتی
 اولدینی حالده حاصل ایتدیکی نفرت و خصومت قلبیه نتیجه سی اوله رق
 پاشایی قتله اجتسار ایتش ، فقط اوقی آتجهنی صروده قورقو
 سائقه سیله لاری تیره دیکندن تشبث ایتدیکی مقصدی استحصاله
 موفق اوله میهرق آنجق آلتندن خفیف صورتده مجروحیتنه سبب اولمشدی ؛
 شاید بو اختلاجاته دوچار اولامش اولسه ایدی شبهه سز جریحه دها مهلک
 و بویوک اوله جقدی . اردو بو اثاده اک طار و مشکل موقعلردن کچمکده
 اولدینی جهته قائل ایشی کیم اوردی به کتیرمک ایسته مش ایسه ده حقیقت
 آکلاشایدیغندن همان دردست اوله رق استنطاق و استجواب اولنمق سزین
 عسکرلر طرفندن پارچه پارچه ایدلدی .

پادشاه حضرتلری حادثه دن پک زیاده متأسف بولندقلری و محمود
 پاشا کی مقتدر برذاتک بالخاصه بویله مستئنا بر زمانده ضیاعندن پک زیاده

ورود ایلشدی . پادشاه حضرتلری بوتربیتانه واقف اولدوقده اوزون حسنی واردوسنی بولندقلری موقعده ترك ایدرك صارپ و مروری مشکل، فقط اوزون حسنك پاختی اولان ماردین [۱] شهرینه منتهی بریولی تعقیب ایلدی وابتدا محمود پاشانك، قومانداسی آلتده خفیف صورتده مجهز سپردارلر و تیر اندازلر کوندره رك سوق الجیش نقطه نظرندن اك مهم اولان تپه لری و طار بوغازلری ضبط ایتدیردی . متعاقباً دیگر عساکری ده سوق ایدرك اردونك مرور ایده چکی صارپ محمللری تسویه و اورمانلری قطع ایتدیردی و . رالرنی ده اکنیش و دوز بر حاله کتیردی . تاوروس هر نه قدر بر طاغ عد اولنور ایسه ده صعب المرور بر چوق طاغلك دوام و تمادیسندن حصوله کلن بر سلسله جبالدر . بو سلسله اوزرنده غایت یوکسک و یالچین تپه لر، درین و اوچوروملی دره لر، خلاصه تهله کلی محمللر پك چوقدر . غایت خفیف صورتده مسلح و ملبس اولانلر بيله مذکور سلسله یی پك چوق مشکلات ایله انجق سکز اون کونده قطع ایده بیلورلر . آرتق کلیتلی پیاده و سواری عسکرندن مرکب بر اردونك کافه مهمات و حیواناتیله اورادن کچمنسك نه قدر مشکل اولدیغنی سویلکه حاجت یوقدر . فقط بو مشکلات فاتح حضرتلرینك عزمنه مانع اوله مدیغندن اردوی صف حرب اوزره ترتیب و تعبیه ایدرك طاغنی کچمکه باشلادی شويله که : پیاده عساکری دائماً اوکده یوریور، اشیا و حیوانات کچی اردونك آغرنلی اورتی ری اشغال ایدیورایدی، سواری عسکری ایسه دم دار آایلری ایله آرقه طرفده و پادشاه دخی معیتده براز سواری اولدیغنی حالده دائماً اردونك مرکزنده بولنیوردی . اردو هر نه وقت طار بوغازلردن مرور ایدرسه تعبیه تبدیل ایدیلور و ایلری و کیریده اولان آایلرله اوچلری سیوری اولق اوزره بر بوینوز شکلی اخذ ایتدیورلور و بوضورتله اردویه برجهه تشکیل اولنور ایدی ، پیشه دارده بولنان اایلرك هر ایکی طرفده تیر .

[۱] متنده کی اسم و طیفرانو کر تا Tigranokertal «Tigranokertal» در . لترجه

قافقاس طاغنه التحاق ایدر. روایتہ نظر آ بوطاغی «اراقلیس، Heracles, «Ἡρακλῆς» و «دیونیسوس Διόνυσος, Dionysos [۱]» دن سوکره ایلک دفعه اوله رق ماکدونیاالی اسکندر، ایران و آسیا اوزرینه حکم ایدن شاه دارانک اوزرینه کیدرکن مسلحاً کچمشدر. اسکندردن سوکره رومالیلرک سرعسکری اولان «پومپیوس ماغنوس Pompeios, Πομπηϊός [۲]» مرور ایتدی. تاتارلرک و موغوللرک حکمداری تیمور دخی پادشاهک جدی سلطان یازید یله محاربه ایچون مذکور طاغدن یینه مسلحاً کچمشدی. فقط بوذوات جبل مذکورک بوغاز و سائره کی مرور و عبوره قابل نقاطنی اولجه استیلا ایتشلر و بو صورتله کندیلرینه قارشی وضعیت دوستانهده بولتان برقطه سندن مرور ایلشلر ایدی. شمعی ده مذکور طاغی فاتح سلطان محمدخان حضرتلری اردوسیه کچور و اسکندردن و رومالیلرک سرداری پومپیوسدن سوکره جبلک اوچنجی فاتحی اولیوردی.

پادشاهک تاوروس سمته حرکتک سببی، آق قویونلی ترکنلرینک حکمداری اولان اوزون حسندر. اوزون حسن طربزون خاندان ایمپراطورسیله صهریت پیدا ایتش و بو عائله قرابتی حسیهله طربزون حکومتی ده الده ایتک امیدینه خیلی قوت و یرمش اولدینی بر صرهده پادشاهک طربزون اوزرینه حرکتک مطلع اولدقده عسکرینی تحشید ایدرک اردوی هابونک مرورینی منع ایتک فکر یله تاوروس طاغی بوغازلرینه

[۱] اراقلیس و دیونیسوس اساطیر قدیمه یونانیه به عائد ناملردر. ماکدونیاالی اسکندر؛ اسکندر رومی یا خود اسکندر کبیر دیه معروف اولان ماکدونیا و آسیا حکمدار مشهوریدر. دارا ایسه قدیماً ایرانده حکمران اولان کیانیان خاندانک سوکی دارای نامدرد. مترجه

[۲] «ماغنوس Magnus, Μάγνος» کله سی لاینجه بویوک دیمکدر. بوروما سرداری قبل المیلاد ۶۵ سنه سنده مشهور قره دکز حکمداری مهرداد سادس ایله محاربه ایچون آسیایه سوق اولمشدی. مترجه

اولدقدن ماعدا مملک عثمانیه نك وسطنده اولمق و لدى الايجاب دونماي هايونه مامن و ملجأ اوله جق غایت ابي بر لیمانه مالک بولمق حسیله حکومت عثمانیه یدنده بولمسنده کی منافع عظیمه و عکس حالده کی مخاطره پادشاه حضرت تیرنجه معلوم و دیگر طرفدن کردلرک و عجملرک شاهی اولان اوزون حسنک بوشهرک فتحنه پک زیاده آرزوکش اولدیغی نزد شهریاریده مجزوم بولدیغندن بونک بر آن اول فتحی پادشاهک اخص آمالی اولمشدی . ایشته ذکر ایتدی کمز شرائط وجهله فاتح حضرت لری هم کندی فکر و مقصدلری اجرا ، هم حکومتی الیه ایتدی کی بر حکمداری بوسبتون مغدور اتمیه رک لازمه عدالت و انسانیتی ایفا ایلدی لر .

اسماعیل ؛ معیتده بولسان ارکان و امراسیله عهدہ سنه توجیه اولنان سنجاغه حرکت ایلدی ، پادشاه حضرت لری ده سینوبک و اسماعیلک تحت اداره سنده بولنان سائر ممالکک امور اداره سنه عائد تدابیر لازمه یی تخاذ ایتدکن صکره کاظم و یعقوب بکلره دونمای هایون ایله طوغریجه طرزونه حرکت ایتلرینی و شهری بحرآ و برآ محاصره ایتلرینی امر ایلدی . کندوسی دخی اردوسیله ایلرویه متوجهاً حرکت ایدرک « تاوروس Ταυρος, Tavros » طاغنه ورود و اوراسنی قرارگاه اتخاذ ایتدی .

تاوروس آسیا طاغلرینک اکی بوکسکی اولوب آشای آسیایی یوقاری آسیادن [۱] تفریق ایدر . سیسام آطه سی قارشوسننده کی « میکالی Μυκάλη, Mycali » طاغندن ابتدا ایدن بو سلسله جبال آسیایی صغرای قیطع ایدرک سینوب قرینده قره دکزه قدر کلور و اورادن تکرار امتداد ایدرک ارمنستان ، عجمستان طاغلرینه و بونلر واسطه سیله ده

[۱] آشای و یوقاری آسیا یکدیگرندن قزبل ایرمق واسطه سیله تفریق اولور لر . اسکندر کبر زماننده بعضاً بونلر (تاوروس) واسطه سیله ده تفریق ایدرک شرف قسمنه (تاوروسک آردی) و غرب قسمنده (تاوروسک اوکی) دنیور ایدی .

اولمق حسینیه ده بر بندر تجارتدر . بوندن ماعدا اراضیستک و دکزک بخش ایتدیکی پک نافع وبک مبذول محصولات دخی بومملکت ایچون بشقه بر تروت، بشقه بر مزیتدر . بو محصولاتدنك مهنی سینوب حوالیسنده پک مبذول اولان و بوراده اعمال اولندقدن صوکره آسیا و آوروپا قطعهرینه اخراج ایدیلن باقر معدنی تشکیل ایدرکه بوسایه ده مملکت پک زیاده اکتساب تروت ایلشیدی .

پادشاه حضرتلری سینوب قریزه اردوگاه قوردینی زمان دونمای هایون دخی شهرک لیمانده توقف ایتکده ایدی . قوماندانلر پادشاهک وزودندن اول دونمای لیمانه ادخال ایلیرک بر شبه جزیره تشکیل ایدن شهری احاطه ایلشردی . اجدادندن توارث صورتیله سینوبده خیلی وقدنبری اجرای حکومت ایتکده اولان اسماعیل پادشاهک برآ و بحرآ شهری احاطه ایتدیگنی کوردیکی زمان دوچار وله و حیرت اولدی وطوغریجه نزد حضرت شهریار یه کیدرک وسیله حرب اولان مسأله یی استفساره و عقد صلح اولمنسی تکلیفه قرار و یروب احضار ایلدیکی کرانها هدایا ایله قرارگاه هایونه کلدی . پادشاه حضرتلری کندیسنی حسن قبول ایلوب حقنده پک ملتقتانه معامله ابراز و دوستانه و حلیمانه سوزلری ایله تلطف و اعزاز ایلدی . بیلرنده سینوبک اشغالی استلزام ایدن اسباب و سائره حقنده مداوله افکار ایدلدکدن صکره مقاوله عقد ایلدیلر . اشبو مقاوله موجبنجه پادشاه حضرتلری اسماعیله تابع اولان مالکی قبضه تصرفه ادخال ایلور و بوکا مقابل روم ایلیده صرب خطه سنه مجاور اولان و تروت و معمورتی اعتباریله سینوبه معادل بولنان اسکوب سنجانغنی آکا و یرییوردی . پادشاهک سینوب حکمدارینه قارشی هیچ براغبرار و انفعالی اولیوب بوقطعه اوزرینه حرکته کی یکانه مقصدی دخی اهمیت موقعیه سی حسینیه ممالک عثمانیه یه الحاقی تأمیندن عبارت ایدی . زیرا سینوب ، اولجه سویلیدی کمز و جهله برچوق منافع و محصولاته مالک

قوماندانی و مستقل سردار تعیین ایلدی . مکمل صورتده تجهیز و تسلیح ایدلمش اولان عثمانلی دو تنماسی یلکنلرینی آچهرق استانبول بوغازندن قره دکزه متوجها حرکت ایتمش و بکدی بکریله رقابت ایدن عسکر لرك آوازۀ سرور و آلقشاری آره سنده سرعت شدیدله ایلرولمکه باشلامش ایدی . دیگر طرفدن پادشاه حضرتلری روم ایلی سواری و پیاده عسا کرینی و حیوانات و سائر لوازم حربیه یز آسیایه کچیردکن صکره کنیدیسی دخی « ویتینیا Βιθυνία, Bithynia » یعنی خداوندکار ایالته مرور و آسیا قوه عسکریه سنک تحشدا یتدیکی بروسه شهرینه ورود ایلدی . بوراده قالدینی آرز برمدت ظرفده شهرک امور اداره سنه واردوی هایونک تنظیمنه عاڈ بعض معاملات اجرا و مطمئن بر آلا ی ایله پدرینک تر به سنه کیده رک وظیفۀ زیارتی ایضا ایلدی و تبرعات و فیره سیله مذکور تربیه ترین ایده رک قربانلر کسیدی . بعده بورادن حرکت ایلوب « گالاتیا Galatia Παφλαγονία Paphlagonia [۱] Γαλατία » و « پافلاگونیا » [۲] « قطعه لرینی طولاشه رق ایلروله مکّه باشلادی . معیتده بولنانلرک روایتته نظراً اردوی هایونک موجودی آغرلنک سوقی خدمتده بولنانلردن ماعدا آلتمش بیک سواری و سکسان بیک قدر پیاده عسکرندن عبارتدی . ایشته بومقدار عسکرله « قبادوکیا Καππαδοκία, Cappadocia [۳] » قطعه سندن و آلیس یعنی قیزل ایرمق (Ἁλυσ, Halys) دن مرور ایدیلوب سینوب شهری قریبه مواصلت اولندی .

سینوب قره دکز ساحلنده بک کوزل و بک زنکین بر شهردر . زیر اداره سنده واسع و محصولدار بر قطعه بولندیسی کچی حوالی متجاورنه ک و آسیای صغرانک جنوب قسملرینک اسکله سی و مرکز ادخالات و اخراجاتی

[۱] شمیدیکی انقره بلده سی و حوالیسی اولان خطه در . لترجه

[۲] شمیدیکی سینوب و قسطنوفی بلده لری و جوارینی حاوی بر خطه در . لترجه

[۳] شمیدیکی انقره و سیواس و قونیه ولایتلرینک بررقسم عظیمندن مرکب

بر خطه در . لترجه

حاکم اولدقلرندن عثمانلی دو نمانسک بوغازی چقمسی و قره دکزه چقمسی ممکن دکلدی . بوسبیه مبنی طریزون حکومتی داخلی بح دلانک دوامنه رغماًینه محافظه موجودیت ایده بیلوردی . فقط قسطنطنیه نك افولی شرفده سیاست عمومیه بی دیکشدرمش واستانبول بوغازی عثمانیلر انه کچدیکی جهتله قره دکز وسواحلنه کیدن یوللر دخی آچلمش اولدیغندن طریزون آسیای صغری اوزرنده کی ممالک ساثره کی حکومت عثمانیه به سرف و ایتمکه باشلامشدی . ابتدا حکمدارلری پادشاه معظمه خراجگذار اولدی . مسلك وفاق و دوستی ده دائم و پادشاهه عائد ویرکونک وقت وزمانیه تادیه سنه مداوم اولدقلری مدتجه پادشاه حضر تلی ده آنلره قارشی صلحچورانه برسیاست تعقیب ایلدی . فقط برمدت صکره آره لرندهینه نفاق وشقاقک باشلا . مسی وبالخاصه حکمدارک کندیسنه قرابت صهریه سی بولنان دیار بکروارمنستان و آذربایجان حکمداری حسن [۱] و کر جیلر حکمداری ایله اتفاق ایدرک ویرکونی ویرمه مک و مناسبات صلحیه نك اخلاانه جرأت ایلمی پادشاهی اغضاب ایلدیکندن فاتح حضر تلی ، علیهنده تشبث اولنان اشبورتیباتک اوکنی آلمق مقصدیه طریزون اوزرینه سفر اجراسنه قراز ویردی .

قیش ایچنده تدابیر لازمه اتخاذا اولندیغی کی موسم بهار ابتداسنده دخی دو نمانک لوازم سفریه سی ا کمال ایلدی . ما کنه لری وآلات حربیه بی وسائر مهماتی حامل اولان یوک کیلری مستثنا اولدیغی حالده اللی چفته کورکلی وزرهللی سفائن حربیه نك عددی اوچپوزه بالغ ایدی . بونلرک ایچروسنه دخی کیتلی مقدارده سپر ، زره ، مزراق ، ما کنه وسورتخریب ایتمکه مخصوص آلات وضع و فن حربیه واقف ، قوی الوجود و بحربه دیده ذوات ارکاب ایدلمش ایدی . پادشاه حضر تلی کلیولی والیسی کاظم بک ایله امور بحربه ده مجرب وصاحب رسوخ اولان یعقوب بکی قوه بحربه

[۱] اوزون حسن ، طریزون امپراطوری « داود » ک کریمه سی « اقاته ربی

« Αἰκατερίνη , Ecatérini » ایله ازدواج ایتمشدی . مترجه

اقلیمندہ ہردلو محصولات و نباتات مبدولاً یتشدیکی کی ارمستان و آثور و بوکا مجاور قطعہ لک مرکز ادخالات و اخراجات اولمق حبسیلہدہ ازمئہ قدیمہدہ پک زیادہ ثروت و قوت و شہرت قزاقمش و یالکز اقوام متجاورہ نزدندہ دکل ، اقوام بعیدہ نزدندہ بیلہ نامدار اولمشدی فقط آسیادہ سیاست روزکارلینک حصولہ کتیردیکی جریانلرہ معروض قالمسی و بعضی شہرلک ، قطعہ لک محو و خراب اولمسی و بعضی شہرلک یکیدن تأسسی کی مختلف اسباب تأثیریلہ بوراسی دخی یواش یواش برچوق تحولات و انقلابانہ دوچار اولدقن صکرہ حیات قدیمہسنی تکرار اکتساب ایدرک مسعود و مرفہ یشامش و بالجلہ مہالکدن آزادہ اولہرق بوزمانہ قدر باقی قالمش ایدی . ایام اخیرہدہ بورادہ استانبول ایمپراطورانہ مالک اولان قومنتوس خانداندن بریمی تشکیل حکومت ایتشدی . مؤسس دولت اولان ذات بیزانسدن طرزونہ فرار [۱] ایدرک برچوق اقوامک و شہرلک حاکمی اولمش و صلحچرورانہ و اتحاد جویانہ بر مسلک تمقیب ایتدیکندن مملکتی سکون و حضورہ نائل ایش ایدی . اقوام متجاورہدن بعضیمی طوغریدن طوغری بہ حکمدارک تحت تابعیتندہ بولندیگی کی بعضیلریدہ انکلہ مناسبات دوستانہدہ بولمقدہ ایدیلر . فقط بوحال چوق دوام ایتدی ، خاندان حکمداری اعضاسی یکدیگری علیہنہ قیام ایتدکارندن مملکتندہ فساد و حرب داخلی ظہور ایلہرک حکومتک ضعف و انحطاطنہ سبب اولدی . مملکتک رابطہ ادارہسی چوزولمش و تابع ایلہ متبوع آرسندہ منازعہ و مجادلہ باشلامش اولدیغندن همجوار اولان اقوام دخی اختلالات شدیدہدن فرصت بولہرق عصیان ایتشلر و چوق دفعہلر مملکتندہ هجوم ایدرک بوراسنی میدان شقاوت حالنہ کتیرمشلردی .

استانبول ایمپراطورلنک دوامی مدتجہ روملر قرہدکز بوغازینہدہ

[۱] بووتمہنک تخذت میلادک ۱۲۰۴ سنہسندہ ، استانبولک اهل صلیب

طرفندن فتح اولندیگی زمانہ متصادفندہ . مترجمہ

ادخالات و اخراجات اولان ایوز شهرینی دخی حکمدار سابق پالامیداس غاتلو زوسک استیفا ایلدیکی واردات و تسکالیف ایله - که مقداری اوچیوز بیك کموش سکه سلطانیهدن عبارتدر - علاوه احسان ایلدی . بوندن ماعدا کندیسنه هر سنه ادرنه ضربخانه سندن یوزبیک آلتون سکه اعطاسنی امر ایلدی . خلاصه پادشاه حضرتلری ذکر ایتدی کمز واردات ایله دهها برچوق هدایایی دیمتریوسه اعطا و کندوسنی اینوزده ترك ایدرك صوك بهار نهایتده قیش موسمی کچیرمک اوزره استانبوله کلدی . وقایع مذکورده جلوس هایونک اونجی سنه سی ختامنه متصادفدر .

دردنجی کتاب

دردنجی کتابی تشکیل ایدن بوقسم دخی سینوب شهریه اسماعیل بکه تابع ماسک و طربزون و حوالیسنگ تحت حاکمیت عثمانیه به ادخالی و اولاحرك اختلالی ، مدالی آطه سننگ فتیحی و فاتح حضرتلرینک ایلك دفعه اوله رق بوشناقلرك مملکتته دخولیه بوراسک دخی ممالک عثمانیه به الحاقی وقایعی حاوی و حاکیدرکه وقایع مذکورده اوچ - نه ظرفنده ساحه آرای ظهور اولمشدر .

یوقاریده سویلدی کمز وجهله پادشاه حضرتلری استانبوله مواصلت و برمدت استراحت ایتدکن صوکره سینوب و طربزون حوالیسنه برأ و بجزراً اجرای سفر مقصدیه قوتلی براردو ترتینه مباشرت ایتدی و ایجاب ایدن سلاح و ماکنه لرك اعمالی و بالجمله لوازم عسکریه نك استکمانی امر واراده ایلدی . ازمنه قدیمده الكجسیم شهرلردن اولان طربزون ، آسیای صغرا ساحلنک کوزل برنقطه سنده کاش اولوب یونان شهرلرینک الكعتیق و «ایونس Iōνις Iones [۱]» لرك مستملکته سی ایدی .

[۱] ایونس یعنی یونلر یونان قبیله لرندن بری اولوب آسیانک ایونیا تسمیه اولنان قطعه سنده مقیم ایدیلر . بوندن مشتق بولان یونان اسمی آسیا اقوامی لساننده براسم عمومی اوله رق بالجمله یونانلره تعمیم ایدلمشدر . یونلر ششم دیکی آسیای صغرانک ازمیردن بودروم قلعه سنه قدر امتداد ایدن ساحلنه مالک ایدیلر . مترجه

وندیکلیله تابع برقاچ شهر مستئنا اولمق اوزره عساکر عثمانیه نك پای تسخیری التنده قالدیغنی کورنجه آرتق حکومتنه و امیدلرینه وداع ایلیه رك زوجه ی وچو ققلمری و اشراف مأموریندن بعضلری ایله اللیشر چفت کورکله چکیلور ایکی قایغه را کباً و قورفیه متوجهاً حرکت ایلدی. قلعه و شهر لرده والی مقامنده بولنان اشراف و اعیان دخی بولند قلمری موقعلری ترك ایده رك مورده و نندیکلیلرک تحت ادازه سنده بولنان « مه تونی » « Κορώνια, Coronia. و « Μεθώνη, Methoni و سائر شهرلره خفياً فرار و التجا یلدیلر .

موره قطعه سی یکی برحیات سیاسی اکتساب ایلیشیدی . پادشاه حضرتلری خطه مذکور نك محافظ سنه و تأمین آسایشنه متعلق بالجمله اموری تنظیم و عمر بکی موره قطعه سی و ایلیکنه تعیین ایتدکن صوکره معیتنده دسپوط دیمتریوس و آنک زوجه سی و کریمه سی و کندیسلیله برلکنده بولنان مأمورلری ایله موره برزخندن لوادیا شهرینه مواصلت ایلدی . بوراده دسپوط دیمتریوسک رفاقتنه برقاچ مأمور و عسکر و یره رك یولده کندوسنه و زوجه سنه وچو ققلمری خدمت و استراحت و محافظه لری خصوصنه دقت ایلملرینی و یواشجه قطع مسافه ایلملرینی امر ایلدی . کندوسی دخی عساکری ترخیص ایلدیکی جهتله یالکیزجه مابین هایون ارکانیله حرکت ایلیوب صوک بهار او اسطنده ادرنیه مواصلت ایلدی . آرزمان صوکره دسپوط دیمتریوس دخی و صل اولدی . پادشاه مشارالیه دیمتریوسه ینه التفات ایلیوب اعاده حقوقی ایچون محمود و اسحق پاشالرله بعدالاستشاره سنوی و یرکولری اوچوز کوش سکه سلطانیه دن عبارت اولان بحر سفیده کائن لیمنی و امروز و تاسوس و ساموتراکی آطه لرینی مشارالیهک عهده سنده توجیه ایلدی . تراکی ساحلنده « ماریچه » Εβρος " Hebrus « نهری آغزنده کی لیمانلری و قطعات مجاوره نك مرکز

ایلیه‌رک اردوی هایونه مقاومت ایلمه‌لرینی تأمین ایچون مذکور قلعه‌لر اهایسی حقنه پک شدید معامله‌ده بولمیشینی . فی الحقیقه اردوی هایون مورده خطه‌سنگ ایچرو طرفلرینه طوغری ایلرولدیکی مان هیچ بریده آثار مقاومت کورمدی . بویله‌جه اردونک کیردیکی مملکتلر اهایسی درحال اطاعت ایده‌رک بلاقید و شرط عرض انقیاد ایدرلردی . ایچلرنده سرکشک کوستره‌جک قدر خفیف العقل اولانلر بولنسه بیله بولرنده درحال تأدیپ اولنورلردی . مع مافیله پادشاه حضر تلری‌ده بولره قارشلی پک زیاده عالیجنابانه حرکت ایلیوب هرکسک کافی السابق اموالی تصرف ایلمسه مساعدده اعطا ایلدی .

فاتح حضر تلری مورده خطه‌سنی باشدن باشه فتح ایده‌رک قلعه‌ه و قصبه‌لردن مستحکم و خطه‌نک محافظه‌سی ایچون ابقاسی الزم اولانلری تعمیر و درونلرینه عساکر محافظه و دزدار و ارازاق و اسلحه و لوازم ساثره اقامه و ادخال ایده‌رک تحکیم و تجهیز ایتمدی ، محاطه‌سینه لزوم اولمیانلری دخی هدم ایتمیره‌رک کوی حالی اکتساب ایدن محللرنده سکنه سابقه‌سنگ اقامت ایتملرینه مساعدده ایلدی و بولنردن بر قسمنی دخی استانبوله نقل ایتملردی .

حکمدار (دسپوط) طوماس پادشاهک مورده خطه‌سینه هجوم ایلدیکنه مطع اولدوقده کندوسنه تابع اولان قلعه‌لردن بر قاجنی درحال تعمیر و ترمیم و درونلرینه عساکر محافظه وضع ایتملردن صوکره زوجه و چو جقلریله بر لکده ساحل بخرده کائن «مانتینا *Mantinia*, *Μαντινεία*» شهرینه کیدوب محاربه‌نک نهایته انتظاراً اوراده اختیار اقامت ایلدی . متین و مستحکم بر چوق قلاعه مالک اولان مورده خطه‌سنگ او یله قولای قولای ضبط و تسخیر ایله میه جکندن و بولنردن بعضیسنگ دشمنک تعرضاتندن قورتیله‌رق بوصوله کدیسنک اوراده قاله جغندن پک زیاده امیدوار اولان طوماس آرزمان صوکره شهر و قلعه‌لردن بر قسمنک جبراً ضبط و بر چوغنک دخی اهایسی طرفدن صاحباً تسلیم ایلدیکنی خلاصه بتون مورده قطعه‌سنگ

بوراسی ضبط اولندوقدن صکره اردوی هایون « غر دیکون
 « Γαρδίκιον, Gardikion نام قلعه اوزرینه حرکت ایتدی .
 بوقلعه اسپارطه نیک زیغوس تسمیه اولنان طاغنگ مدخلی قریبند و غایت
 یوکسک بر تپه اوزرنده اولوب اطراف یالچین قیالره وجوارندن جریان
 ایدن درین بر ایرماقله محاط وغیر قابل ضبط واستیلادر . قلعه یه کیره
 بیلمک ایچون یالکیز بر مدخلی واردر . شوچه نظراً مذکور قلعه نیک
 فتحی غیر قابل اولدینی ظنیله همجوار محللرک اهایسی نسوان و صبیانه
 بورایه التجا ایشلردی . فقط بوراسی بالاخره بادی فلاکتلری اولمشدر .
 پادشاه حضرتلری قلعه داخلنده کی اهایلی تعرض وتجزا اوزدن صیانت
 ایچون نصیح و پند ایله دائره اطاعته ادخاله چالیشمش ایسه ده اقباعه موفق
 اوله مدیغندن قلعه یی محاصره ایتدردی . مناعت موقعه سی حسبیله قلعه نیک
 جبراً فتحی کلی تلفاتی موجب اوله جغندن آچلق و صوسزلق یوزندن
 تسلیمه مجبور اولملری ایچون بوسورت ایله اکتفا ایدلدی . فی الحقیقه
 قلعه یه التجا ایش اولان برچوق رجال ونسوان و صبیان مأکولانک
 و صویک فقدانی حسبیله آرزمان ظرفنده کرفتار عجز و سفالت اولدیلر
 ونهات بلا قید و شرط تسلیم نفس ایدیلر . اراککلر بر موجب فرمان
 قتل قادیلر و چوققلر دخی اسیر ایدلدی و قلعه هدم اولندی .
 پادشاهک بوقلعه لر اهایسی حقنده معامله شدیده بولنسی بعض
 اسبابه مبتیدر ، شویله که : بدایه پادشاه حضرتلری بونلره تسلیم اولملری
 تکلیف ایش اولدینی حالده اصفا ایتمه رک حربی ترجیح ایتشلردی .
 دیگر طرفدن مذکور قلعه لر اهایسنک اکثریسی اویغونسز و اطاعتسز
 آرنادلرن عبارت اولوب بونلر هر زمان بولندقلری مملکتلرده اختلال
 حقیقاریر و سرقت و هردلو شقاوتی ارتکاب ایدرلردی . ایشته آنلرک
 بوخالندن غضبناک اولان فاتح حضرتلری کنسدیلرینی تأذیب و موره
 قطعه سنک جهات سائرهنده بولنان اهاینک قلدیرینه القمای دهشت

قاستلری شهرینه موصلت و جوارینی قرارگاه اتخاذا ایلدی . بورادن شهرک اها لیسنه خبر کوندره رک قلعه نك تسلیمی تکلیف ایتدی . شهر اساساً قیالقلر و اوچوروملرله محاط منیع بر موقعه اولوب شهره کیرمک ایچون یکنانه ممر دخی اوچ قات سور ایله مسدود بولدینی و کندیلری دخی منتخب درتیوز کشیدن عبارت اولدینی جهتلریله کرک قصبه نك مناعته کرکه کندیلرینک شجاعتنه امتداداً تکلیف واقعی رد و مدافعه یه قیام ایتدیلر بونک اوزرینه پادشاه حضرتلری عسکره هجوم ایچون امر و یردی . سلاحدارلر دلیرانه حرکاتله قلعه نك اوزرینه چقمغه و ایچریسنه دخول ایچون مهاجمه باشلادیلر . فقط محصورینک مداعه جسورانه سی بومهاجماتی نتیجه سز بر اقیور و امکان موفقیتی کسر ایلموردی . مهاجمیندن بر قسمی محصورینک قارغیلریله و یوقاریدن آتیلان طاشلرله تلف اولدیلر . بو حال پادشاهک موجب تأثری اولدیغندن در حال رجعت امرینی اعطا ایله عساگری کری یه چکدیر مش ایسه ده ایرتسی کون بالذات ایراد ایلدیکی پک مؤثر بر نطق ایله بتون افرادی قلعه نك ضبطی ایچون تشجیع و بونطقنده اظهار شجاعت ایله جکگری مکافاتنه مستغرق و قلعه نك ضبطندن صکره یغما ایلمسنه ده مساعده ایده جکنی بیان ایلدی بونطق شاهانه یی عساگر عظیم آلقیشارله تلقی ایده رک و یریلن هجوم امری اوزرینه سریع یوروشله قلعه یه بالتقرب مهاجمانه ابتدار ایلدیلر . محاصرین و محصورین آره سنده کی مسافه نك آزانگی و محاصمه نك ترتیبسز و نظامسز وقوعه کلسی حسیده طرفیندن پک چوق مقتول و مجروح وقوع بولدی . نهایت نیم غالبیت عساگر عثمانیه طرفه وزان اولدیغندن محصورینی بوسکورتوب ایکنجی سوره قدر ایلمر اولدیلر . محصورین طار بر محاده صیقیشه رق صویک و ما کولانک فقدانی حسیده دوچار ضرورت اولدقلرندن بلا شرط تسلیم اولدیلر . پادشاه حضرتلری حربه اشتراک ایدنلردن بر حیات قالان اوچوز کسه نك قتلنی و نسوان و اطفالک تحت اسارتنه القاسنی فرمان ایلدی و شهری دخی هدم ایتدیردی .

تسلیم او لمسنک کندوسی و معیتند کیلر ایچون خیرلی اوله جغنی و بوبابده کی امر پادشاهی به مطاوعتده تردد کو سترمه منسی بیلدیردی. دیمتریوس، آسانسک محبسدن آزاد و تأمینات پادشاهی بی حامله نزدینه اعزام اولنسی شرطیه تکلیف واقعه عرض مطاوعت ایلیه جگنی افاده ایلمسی اوزرینه محمود پاشا آسانسی محبسدن چیقارته رق دیمتریوسک محبی و معتمدی اولان حمزه پاشا ایله آکا کوندردی.

بو ایکی ذات شهره داخل اوله رق دیمتریوس ایله ملاقات ایلدکن سو کره کندوسی شهر خارجنده بولنان محمود پاشانک اردو کاهنه کتیر دیلر. محمود پاشا دیمتریوس ای احترامات لایقه ایله قبول و قلعه و شهری تسلیم ایلدی. ایرتسی کون دخی پادشاه حضرتلری موصلت ایلیوب دیمتریوس ای حضور هایوننه قبول ایلدی. دیمتریوس اوانع هایونه کیردیکی زمان پادشاه قیام ایله النی ویره رک یاننه اوطورتمش و خوف و تلاشی ازاله ایچون کندوسنه پک زیاده التفات ایده رک حقنده حسن معامله اولنه جغنی و استقبالدن امید وار اولسنی بیان و کندوسنه خلعت و البسه، آت و آغچه و سایر بر جوق اشیا اهدا ایلدی. دیمتریوسک زوجه و کریمه سی پیدا و رسده قالدیغدن آنلرکده کمال احترامات و تجلیات ایله اردویه جایی ایچون حرم آغالرندن بریسنی بر یاور و لزومی قدر عسکرله سوق ایلدی.

پادشاه اسپارطده درت کون اقامت ایدوب شهرک قلعه منسی تعمیر و امور اداره سننه عائد خصوصاتی تنظیم ایتدیردکن صکره دروننه بر ضابط تحت اداره سنده اوله رق عساکر خاصه سندن درت یوز نفر قدر عساکر محافظه ترک ایلیه رک دیمتریوس دخی معیتند اولدینی خالد اورادن حرکت ایدوب. اسپارطه طغانی [۱] نک اتکنده کأن اوافق فقط معمر

[۱] بوطغ ازمینه قدیمده «تایه توس» Ταγέτος, Tayiétos و شمدی Πεντεδάκτυλος, Pen- (بش تیه سی اولدیغدن طولانی) بش پارمق یعنی dedactylos تعبیر اولنان موره طاغیدر. موزخ زماننده بوکا «زیغوس Ζυγός, Zygos» طغانی تسمیه اولنوردی. مترجه

موره به اجانبك دخولندن اندیشه ناك اولان پادشاه حضرتلرینك باعث حدت وانفعالی اولدیغندن موره سفرینك دیمتریوسك تشویق و دعوتی اوزرینه دكل منحصر آپادشاهك آرزولریله اختیار ایدلمش ا لمسی اغلب احتمالدر . فاتح حضرتلری بونك ایچون ا کمال تدارکات ضمننده تأخراته میدان ویرمیهرك موسم بهارک حلولی آننده قوه موجوده سی ایله همان ادرنه دن حرکت ویکرمی یدی کون ظرفنده قورینتوسه مواصلت ایلدی . پادشاه ایله آسانس ارسنده اتفاق معاهده سی عقدینه دائر اولان روایاتک شیوعنه مبنی فاتح حضرتلری اوچ کون قدر بوراده اقامت ایلیمهرك دیمتریوسه انتظار ایلدی .

دیمتریوس ایسه اپداورسدن حرکت واسپارطیه مواصلت ایدوب اوردن آسانسی برچوقهدایا ایله نزد شهر یاری به اعزام ایتدی . آسانس ، پادشاه ومحمود پاشا ایله کوریشهرک مذاکره اتمه بولنمش اولدیغنک ایرتسی کونی با امر پادشاهی حبس ایلدی . دسپوط طوماس ذات هانه به قازشی برطور خصوصتکارانه اظهار اتمکده اولسنه نظراً عساکر عثمانیه نك او طرفه سوق واعزامی محتمل ایکن پادشاه حضرتلری خلاف مأمول اولهرق اردوی هایون ایله دیمتریوسه تابع مملکته دخول وطوغریجه «*Αργος* Argos» اوزرینه حرکت ایلدی . فاتح حضرتلرینك ، دیمتریوس وطرفدارانی طرفندن وقوع بولان دعوت اوزرینه اختیار سفر ایلدیکی حقیقه سرد اندیلان افکارک طوغری اولدیغنی بو حادته اثبات ایلشدر . زیرا دیمتریوسك دعوتی اوزرینه اجرای سفر ایدلمش اولسه ایدی اردوی هایونك ساحه فعالیتی طوماسه تابع ممالک اولمق اقتضا ایدر ایدی . پادشاه حضرتلری آرغوسه مواصلتنده محمود پاشایی دیمتریوسی محاصره ایتک ایچون اسپارطیه کوندردی . محمود پاشا بتون کیجه قطع مسافه ایلوب وقت فخرده اورایه واصل اولهرق محاصره به ابتدار ایتدی ومعیتده بولنان پادشاه حضرتلرینك کاتبی طوماس قاتا اولینوسی دیمتریوسه کونده رهرك

ثمره دار موفقیت اوله مدیغدن نهایت بر لرینه تعرضاته ابتدار ایلدیلر .
 طرفین کمال شدت ایله یکدیگرینک مملکتنه تجاوز و صولات ایدرک
 شهر و قلعه لری فتح و هدم و احراق ایدیور واله کچیر دکلری حیواناتی
 سوروب کتور بیور لر دی . موره ده بولنان آنا و دیرک حکمدار (دسپوت)
 طوماسه طرفدار اولملری و دیمتریوس نزدنده کی ذواتک آنی ترک ایدرک
 طوماس طرفه کچملری و بعض قلعه لری ده تسلیم ایلملری جهتلریله بو محاربه ده
 طوماس احراز غلبت ایلدی . بعده برادری دیمتریوس بالتعقیب زوجه و کریمه
 سیله برلمکده التجا ایلدیکی ازمنه قدیمه ده « اپیداورس لیمیرا ' *Επίδαυρος*
Μονεμβασία و شمندی « *Λιμηρά Epidavros Limera* و شمندی « *Μονεμβασία*
Monemvasia » تسمیه اولنان قلعه ده محاصره ایلدی . دیمتریوس اولجه
 اسمنی ذکر ایتدی کمز آسانسی الچی صفتیله نزد شهر یاری به اعزام ایلمه رک دوچار
 اولدیغی حال الیدن استخلاصی ایچون معاونتی استرحام ایلدی . وقعه نک
 ظاهر اولان جهتی بوندن عبارت ایسه ده بعضلری دیمتریوسک آسانسی
 نزد یادشاهی به اعزامی ، کریمه سنی پادشاهه نشانلامق و موره قطعه سنی
 تقدیم ایدرک بوکا مقابل ممالک عثمانیه نک دیگر بر طرفدن کندوسنه
 ایالت توجیهی استرحام ایلمک کی مقاصده معطوف اولدیغی ، بعضیلری
 دخی آسانسک منحصرأ دیمتریوس یله پادشاه آراسنده اتفاق عقدینه
 و عساکر معاونه طلبنه مأموراً کوندرلدیکنی ؛ بعضیلری ایسه دیمتریوسک ،
 منافعی محافظه ایچون بوکی تشبته مباشرت ایتمه رک یالکز حضرت
 پادشاهک هیچ بر طرفدن تشویق کورمک . نرین کرک طوماسک و کرکسه
 موره ارکان دولتک کندی علیه قیام ایتمسندن طولایی مغبر اوله رق قطعه
 مذکوره اوزرینه حرکت ایتدیکنی ادعا ایتمکده درلر .
 پادشاه حضر لر یله دسپوت طوماس آره سنده اولجه سویلدیکمز و جهله
 بر معاهده عقد ایلمش اولدیغی حالده طوماسک معاهده نامه احکامنه عدم
 رعایتی و ای تالیان لر له عقد اتفاق ایلمه رک بونلری معاونه دعوتی ذاتاً

ایچون جوار ممالک اهایسنی و هنرورانی و ازباب صنعتی مقر سلطنت سینه جمع ایلیوردی . دیگر طرفدن دخی انتخابکردهسی اولان ذواتک تحت نظارتنده اولهرق شهر داخلنده برچوق مبانی عالییه وجسیمه انشاسنه چایشیوردی . اولجه شرفصادر اولان اراده سینهلری موجبنجه شهرک معتنا موقعنده برجامع وفرحفرزا محلنده بر سرای عالی انشاسنه مباشرت اولندیغندن پادشاه حضرتلری کرک بونلرک کرک مبانی سائرهنک انشاآتی اوزرینه مقتدر ذواتی نصب ایلدیکی حالد بونکله اکتفا ایتیمه رک بالذات تقیتیش و تزیینلری ایچون ایجاب اید . موادی تدارک ایلردی .

بواننده لیمیده کائن اسکی قلعه حاکی میکلیس ، قریتووولوس ایله اولجه عقدایلدیکی ائتلافنامه موجبنجه قلعه وشهری تسلیم وقریتووولوس دخی مقاباننده بیک آلتون اعطاسیله کندوسنی تالطیف ایلدی که مبلغ مذکورک نصفی لیمنی اهایسی طرفندن تأدییه ایدلمشدر .

موره قطعه سنده دخی شورش وغوائل هیچ برزمان زائل اولمور و حکمدارلری بربرلییه منازعه و محاربه ده بولمورلردی . شویله که بونلرک معیتلرنده بولنان ارکان ورجال شهر و قلعه لرک زمام اداره سنی الیرینه آلمشروبو صورتله ثروت عظیمه یه نائل اولمشلردی . لکن بونکله اکتفا ایتیموب سائقه حرص جاه و مال ایله بر آن ایقاع مفسدتن خالی قالمورلردی . آنلرک بو حالی ایسه مملکتک حضور و راحتنی اخلاصه بادی اولمقده ایدی . بونلر سائر حکمداران ایله خفیاً مناسبته بولنه رق متبوعلرینک بعض اسرار مهمه سنی آنلره فاش ایدرلر و درلو درلو حییل و دسائس اعمال ایله حکمدارلر آره سنده منازعه و محاربه یه سبب اولورلردی . محاربه وقوعنده دخی متبوعی اولان حکمداره اختلاله دیگر طرفه دخالت ایدرلر و اداره سی عهده سنه موضوع مدن و قاع اهایسنی حکمدار مشروعی علیهنه عصیان و طغیانه تشویق ایلرلر ایدی . حکمدارلر یکدیگری نزدیکه ایلیچیلر اعزام ایلدیه رک بیلرندگی اسباب منازعات حل و تسویه یه چالشدقلری حالد بوبایدگی تشببات

ایله آمین ایلدیلر . پادشاه حضرتلری غنائم و فیرهنک برقسمنی عساکره توزیع ایتدی و متباقسنی ورهن مقامنده ترک اولنان ذواتی آلهرق موسم صیفک ختامنده ادرنه یه عودت ایلدی . صوک بهاری بوشهرده کچیردکن صکره قیش ایتداسنده استانبوله کلدی که بوییل جلوس هایونک طقوزنجی سنه سنه متصادفدر .

استانبوله مواصات و برمدت استراحت ایتدکن صکره فاتح حضرتلری یینه امور حکومته اشتغاله باشلادی . عساکر ایچنده صاحب فراست و شجاعت اولانلری و مقتدر بولنلاری رتبه لرینک ترفیعی و عهدلرینه مناصب توجیهی و احسان اعطاسی صورتلریله تاطیف و هرکسه لایق اولدیغی مکافاتنی بخش ایلدی .

اولجه قسطنطنیه ده مقیم ایکن بالاخره کرک فتحدن اول ، کرک فتحدن صکره سائر محللره نقل مکان ایتش اولانلرک استانبوله عودتلرینه مساعده اعطا و بوبانده ولایاته تنبیه نامه لر اسرا ایلدی . بونلر استانبولی ترک ایدرک ادرنه ، فلیه ، کلیولی و بروسه کبی شهرلرده توطن ایتش ارباب علم و فندن و اصحاب مزیتدن کسه لر اولوب بولندقلری محللرده آرزمان ظرفنده ثروت عظیمه اکتساب ایتش لر ایدی . پادشاه حضرتلری بوقییل اشخاصی استانبوله نقل ایتدیره رک معیشتلرینی تأمین ایچون جمله سنه ایجاب ایدن موادی احسان و بعضیسنه ده اقامتلری ایچون خانلر تخصیص ایلدی .

آسیانک « ایونیا Ionia » قطعهنده کی عتیق و جدید فوچه شهرلرینک اهالیسنی ده مستعمر صورتیله عینی زمانده استانبوله نقل واسکان ایتدی . کلیولی و الیسی و دونغا قوماندانی زغنوسی قرق کبی ایله آطه لر اوزرینه سوق ایدرک تاسوس (طاشوز) و ساموتراس (سادرک) آطه لرینک اهالیسنی دخی استانبوله نقل ایتدیردی . بوقاریده سویلدی کمز و جهله پادشاه حضرتلری استانبوله اسکی شان و شهرتی اعاده

حرکت و او تو ز اوج کون ظرفنده بو خطه نك حدودینه موصلت ایلیوب مناسب بر موقعی قرارگاه اتخاذایلدی . بعده آرناوودلرک معلوماتی او منقسمین بوغازلری لیلأ باصره رق الدہ ایتمک مقصدیه سلاحداران و تیراندازان و خاصه آلائی افراد منتخبه سندن مرکب و اوج آلایدن عبارت بر فرقه بی محمودباشانک معیتده سوق ایلدی . بونلرایلر و حرکته بوغازلره واصل اولدیغنده اورالرک آرناوودلر طرفندن دها اول طوتمش اولدیغنی کوردیلر . طرفین بیننده وقوع بولان مصادمه ده عساکر عثمانیه احراز غالیته آنلری طرد و تبعیده و بوغازلری جبراً ضبطه موفق اولدی . پادشاه حضرت سی بوغازلرک استیلاسنی متعاقب اوردوسیه ایتر و یایه رک بو خطه یه داخل اولدی . سفرهایون یاز موسمه تصادف ایلیبکی جهته محصولات صیفیه و بالخاصه آرناوودلرک مدار تعیشلری اولان بغدادی محصولی هنوز ادک ایتمش بولنیوردی اوردوی هایون مملکتک اقسام داخلیه سنه طوغری ایتر و یایه رک بو محصولاتنی تخریب و برحوق حیواناتی اغتنام ایلدی . قلعه لرک بعضیسی جبراً و بعضیسی دخی بالخاصه صلحاً ضبط اولندی . مملکتک اقسام منحطه سی قلع اشجار و تخریب مزروعات و غارت یایه خرابه زاره چورلدی . آرناوودلر ارقق بوکسک طاغله رچکیه لرک اراضی منحطه یه ایتمک جسارت ایده میوردیلر . بونکله برابر عناد و اصرارک فائده مند اولمدقن بشقه کندیلری ایچون دهازایده مضر اوله جغنی ادراک ایتدکارندن نهایت عقد صاحبی استرحامه و بونک ایچون نزد شهر یازی یه مکالمه مأمورلرینی اعزامه مجبور اولدیلر .

آرناوودلر نقد آویر کو اعماسنه قدرتیاب اوله میه جقلری جهته مملکتک کنج لرندن معین بر مقدارینی هر سنه رکاب شاهانه یه کوندرمک وینه معین مقدارده مواشی و یرمک شرطلریله یکیدن عقد مصالحه یه نائل اولدیلر . آرناوودلر بعدما وقوع بوله جق سفر لرده کندیلرینک ده عسکر ویره جکلرینه و پادشاهه صداقتدن آیرلمیه جقلرینه دائر عهد و پیمان و احکام صلحیه بی رهن و تأمینات مقامنده نزد شاهانه ده بر اقدقلری ذوات

« Epidamnos » [۱] شهری جوارینده کی قلاع و بقاعده ساکن آرناوور [الیریوس] لری دائره اطاعته آلمق اوزره اوجهته سفره قیام ایتدی. بو آرناوودلره ازمنه قدیمه ده « تاوالتی Taulantii » و « ماخاونس Μαχάονες Machaones » دینلورایدی . اکثریسی بدوی و منتظم بر اداره دن محروم اولوب یوکسک و صارپ طاغلرده اقامت ایلرلر ایدی. آدریاتیق دکزی ساحلنده دخی قلاع متینه و مدن مستحکمه یه مالک ایدیلر . بولندقلری قطعه هرجهتدن دار بوغازلره محدود وصیق اورمانلر و صارپ طاغلر ایله مسدوددر . آز برزه ان اول همجنس لرندن ایکی ذاتی یعنی آریانوس و الکساندروس [۲] ی کندیلرینه بک نصب ایتمک صورتیله خطه مذکورده عادتاً بر اداره مختاره تأسیس ایلمش اولان اشیبو آرناوودلر حکومت سنیه ایله معاهده عقدینه و یاجزیه اعطاسنه راضی اولدقلری کبی یغما مقصدیله دخی زمان زمان حدود خاقانی بی تجاوز و کندیلرینه یقین اولان مملکتلره تعرض ایلرلر ایدی .

سلطان مراد خان ثانی حضرتلری بونلر اوزرینه اجرای سفر ایدرک وقوع بولان محارباتده احراز غالبیتله بوغازلری و قلعه لره بمضیسی ضبط و قسم اعظمی تخریب ایتمش و برچوق غنائم الده ایلمش ایسه ده خطه مذکورده بی تمامیله تسخیره و اهاالیسی دائره اطاعته ادخاله موفق اوله ماه شدی . مع مافیله وقوع بولان استعاری اوزرینه سنوی بر مقدار ویرکواعطاسی شرطیله آنلره عقد صلح ایلیه رک اردوی هایون ایله عودت ایلمشیدی . لکن آرناوودلر برمدت صکره ویرکویی اعطادن صرف نظر ایلیه رک حکم معاهده بی اخلال ایتمک و حکومت سنیه یه تابع مملکتلره آقین اجرا سیله ایقاع ضرر ایلمک کبی احواله اجتناسار ایتمش لردی . بوندن طولانی حضرت فاتح عصات و بغاتی تأدیب ایچون بالجهله پیاده و سواری عساکریله ادرنه دن

[۱] شمذیکی دراج (Durazzo) شهری در . لترجه

[۲] اسکندر بک . لترجه

قریتو و لوس درت کون قدر قوچینو شهرنده اقامتله امور اداره سنی
تنظیم ایتدکن صکره معیتده درت یوز سواری و اوچیوز بیاده اولدینی
حاله میرینو پولیس جوارینه موصلت ایلدی .

شهر جوارنده کی باغ و باغچه لرك تحریب ایدلمه سی ایچون بر آزاوقده
ترتیب ایتدیردیکی قرار کاهندن حاکمه تکرار ا سال پیام ایلمه لرك
قلعه نك صلحا تسلیمی ایچون بر طاقم مواعیده ایله کندیسنی اقلعه جالشدی . قلعه
حاکمی اساسا شهرک داخلنده کی اهلیدر امین اولمدیغندن بونلرك خارجه کیلر
ایله بالانفاق عصیان ایتلملی احتمالی دریش ایدرک و قریتو و لوسک قوتی
کوره لرك تکلیف واقعی قبول ایلدی . فقط ایتالیایه عودت ایدن لودیو یوقوسک
آطه لر سرعسکر لکی و کالته تعیین ایلدیکی ردوس مدیر کیری [۱] ایله
کیفیتی مذاکره ایدرک قلعه نك تسلیمی خصوصنده آنکده موافقتی
استحصال ایچون اوج آی قدر کندوسنه مهلت اعطاسنی استدعا و بر قاج
ذاتی رهن مقامنده ارسال ایلدیکنندن بو قدر مدت مهلت ویریلرک
معاهده عقد ایلدی .

قریتو و لوس بو خصوصاتک ایفاسنی متعاقب لینی اشرفندن ایکی
ذاتی جریان حادثاتی اخبار ایچون دیمتریوسه و آطه ده کی مدن صغیره نك
تسلمی ضممنده ضابطان اعزامی ایچون مراده ارسال ایلدی و کندیسیده
عاقبت حاله انتظاراً لیمینی ده قالدی .

پادشاه حضرت تلیرنک قیش موسمنی کچیرمک اوزره ادرنه دن استانبوله
موصلت و بوراده شهرک اعمارینه مباشرت ایلدیکنی یوقاریده بر تفصیل
بیان ایتمشدک . موسم بهار حلولنده پادشاه حضرت لری ادریاتیق کورفرینک
صاغ طرف ساحلی اوزرنده اسکی « *Αΐδαμος* »

[۱] ردوس سپاهیلرنک رئیس و سرعسکر (Grand Maitre) عنوانیه
معنون ایدی . مورخ لرمزک استعمال ایتدیکی تعبیر لاتینجه (Magister)
کله سندن النمش اولان روجه مایستور (Μαίστρος) در . مترجه

قدر ایتالیا لی جزیره بی ترک ایتمامک ایچون مقاومت ایلك ایسته مشلر سه ده
مقدار لری پک آز اولسی حسینیه برشی یاپه بیلملری ممکن اولدیغندن
صبح وقتی، حقدنه امنیتلری برکال اولان قریتو وولوسه بلامقاوله عرض
اتقیاد و تسلیم نفس ایتدیلر . قریتو وولوس بولره آطه ده اقامتی آرزو
ایتدکلی تقدیرده اهلینک بوباده مساعده و لوازم معیشتلری اعطا
ایده جکلری ، عکسی تقدیرده جزیره بی ترک ایده رک ایستدکلی یره
کیتلری تفهیم ایتدی . ایتالیا نلر آطه دن مفارقتی تنسیب ایتدکلی نلر
لیمنی دن آغریبوز آطه سنه عزیمت ایتدیلر . قریتو وولوس ، بولرک رئیس
اولان « Calavezzos » ی برچوق هدایا و التفات ایله
اعزاز و تکریم و حین عزیمتده دخی تشییع ایلیش ایدی .

بو وقعه بی متعاقب قریتو وولوس «اسکی قلعه» «παλαιόν κάστρον»
- که «میرینوپولیس Myrinoupolis Μυρινούπολις» تسمیه اولان
شهر بوراسیدر - موقعنک حاکمی «Μικέλης Mikelis»
خبر کوندره رک قلعه نک تسلیمی تکلیف و مطاوعتی حالنده هدایای و فیره
ایله تلطیف اولنه جغنی وعد ایلدی .

شهرک انک نهایتده و اطرافنه حاکم برنقطه مرتفعه غایت جسیم
طاشلرله انشا اولنان بوقلعه و قوع بوله جق تعرضاته قارشی مأمن بر
موقع قدیم مستحکم بولندیغندن قریتو وولوس ، حاکمک خاطرینی تطیب
صورتیه الده ایتمک چالیشمش یسه ده بو طلی عدم موفقیت ایله نتیجه -
لندی و بونکله برابر کنج یاشنده بولنان حاکمی ده اغضاب ایلدی .
شویله که قلعه نک متاتی ، عساکر محافظه نک کثرتی و لوازم و مهمات
مدخره نک برسنلک احتیاجه کفایتی حسینیه میکلیس تکلیف واقعه
اهمیت ویرمدن ماعدا قلعه نک لاف ایله دکل انجق قوت و سلاح
(قان و دمیر) ایله آله بیله جکنی ایما و حتی استهزا ایچون کاغد اوزرینه
برقلیج رسمی ترسیم ایتدیره رک جواب مقامنده قریتو وولوسه ارسال ایلدی .

سومنز وسطوت وشوکتی زوال بولمز بونک ایچون پادشاه حضرتلری
 مملکتک هر طرفده سفائن انشاسنی امر ایلدی .
 بو ائنده امروزلی وقریتو وولوس، ایتالیانلرک تحت استیلاسنده بولنان
 لیمنی اطهسی اشرافه پادشاهه عرض مطاوعت ایتهلرینی تکلیف ایلمکده ایدی .
 قریتو وولوس جزیره خلقک امن و اعتمادینی حازر بولندیغدن آنلر بوم . مثله حقنده
 آنکله خفیاً مخبراته ابدار و تکلیفاتی قبول ایدوب کندوسنک اطهیه مواصلتی
 شرطیه تسلیم اوله جقلرینی دخی یمین ایله تأمین ایلدیلر . ذاتاً اطه اها ایسی ؛ حکومت
 عثمانیه طرفدن برتجاوز و قوعنده ایتالیانلرک کندولرینه معاونت ایدمه جکلرینی
 بیلدکلرندن آنلری استتقال ایله کندولرندن قور تولق و حکومت عثمانیه
 التحاق ایتک ایستلرلر ایلدی . قریتو وولوس آدینی وعد و یمین اوزرینه ادرنه به
 کیدوب اورادن سریمآ دیمتریوس پاله اولوغوسه مکتوبلر ارسال ایله لیمنی
 و امروز اطهلرینی پادشاهدن استعدا و قنک حلول ایتدیکنی و پادشاهک
 بو بایده و قوع بوله جق رجایی قبوله مهیا اولدیغنی اخبار ایلدی . کندوسنک
 دخی (قریتو وولوس) لیمنی بی فتح و ایتالیانلری دفع ایتک اقتدارینی حازر
 اولدیغنی بیلدیردی . دیمتریوس درحال آسانی سفیر اوله رق نزد پادشاهی به
 اعزام ایلیوب سنوی اوچ بیک آتون اعطاسی شرطیه مذکور اطهلرک عهدسه
 احاله سنی رجا ایلدی . بو ائنده قریتو وولوس ادرنه ده اقامتله مسأله نك حلنه
 معاونت ایتمکده ایدی . بده طرف حضرت شهریاریدن اعطا اولنان نامه
 هایونلری آله رق امروزه عودت و اوراده برکون اقامت ایلیوب ایرتسی
 کون برسفینه به بینه رک ایتالیان کمیلرینه کوز و ککسزین کیجه وقتی لیمنی به
 مواصلت ایلدی . قلعه ده کی عسا کر قوماندانی (بو قوماندان سائر ذوات
 ایله برکده قریتو وولوسه معاونت و عدا تمش ایدی) ایله بلاندا کره معیتلرینه
 بکرمی بش سواری آله رق صباح وقتی قوچینو شهرینه مواصلت ایتدیلر .
 شهر اها ایلسند کندوسنه طرفدار اولانلر جنوب طرفده اولان کچوک قپونی
 آچدیلر ، سائر اهایلی بونلری ممنوناً قبول ایلدی . جزیره ده بولنان قرق بش

انشائیہ سنک تمبہ و تدارک ایدلسنی فرمان ایلدی . بوندن ماعدا بزانسک دکزه اوزانمش بر محل فرحفراسنده محشم و امثالنه نسبتله مظنن بر سرای عالی وجوده کتیرلسنی و سفان حریره نك ارزاق و مهمات و اشیا سنی و سائر آلات حریره یی محافظه ایچون انبارلر انشائی خالصه منافع عمومیه یی تأمین و شهرى تزینه خادم اوله جق مؤسسناک سریعاً امکانی اراده ایایهرك بو خصوصده صاحب اختصاص اولان هنرورانی انشائآته ناظر تعیین ایلدی . پادشاه حضرتلری وجوده کتیرله جک مبانی نفیسه و جسمیه ایله شهره معموریت ساقه سنی اعاده ایتک و علم و فن اربابی و ثروت و سامان اصحابی جمع ایدرهك بوراسنی غبطه فرمای جهان اوله جق بر حاله کتیرمک ایستردی .

نزد شهریاریده الك زیاده حائز نفوذ و امور دولته صاحب و قوف اولان محمود پاشادخی شهرک مرتفع بر محلنده سیم و زرله مزین ، شفاف مرمرلری و غایت کوزل ستونلری حاوی محشم بر معبد انشائ ایتدیر . مشدی که شکل بدیعی حیرتبخش ناظرین اولوردی . اطرافنده عمارات (دارالمجزه) و خان و حماملر یایدیردی . محمود پاشا کندیسی ایچون دخی غایت کوزل خانلر بنا و اطرافلرنده چیچک و نباتات باغچه لری طرح و تأسیس و شهره صو اساله ایتدیردی .

فاتح حضرت تلرینک فکر هایونلرندن بری ده سفان حریره سنی تزید ایدرهك یالنکیز قرده دکل دکزدهده حاکم اولوقدی . محافظه مملکت و بالخاصه بحار بعیدهده تأسیس حاکمیت ایچون قوتلی بر دونمنایه احتیاج اولدینی پادشاهک مجزومی و اسفار بحریه نك پک زیاده منافع تأمین ایتدیکی دخی بالتجربه معلومی ایدی . بونکله برابر ازمنه قدیمهده فتوحات عظیمه بحریه ایله اکتساب شهرت ایلان حکمداران تاریخک تدقیق و مطالعه سی دخی بو خصوصده کی فکر هایونلرنی بر قاتدها تقویه به مدار اولیوردی . برآ و بحراً صاحب قوت و مکنت اولان بردواتک نجم اقبالی

ایتالیانلری مؤاخذه واستقلال ایلدیلر . بونک اوزرینه ایتالیان دونماسی مدللینی ترک ایدرک لینی به واورادن ردوسده بولسان لودیویوقسک نزدینه کیتدیلر . اهالی جزیره نهایت وخامت حالی آکلایه رقی یابدققرینه پشیمان اولدققرلندن نزد شهر یاری به سفرای مخصوصه اعزام ایدوب قصورلرینک عفو ومعاهدۀ صلحیه عقد اولتمسنی رجا ویر کولرینی کماکان تأدیه ایدرک جکگرینی تأمین ایلدیلر . ساقز اهالیسی دخی قورقورلندن ویر کولرینی تأدیه وتجدید معاهده ایلدیلر . پادشاه حضرتلری صوکه بهار موسمنی ادرنده کچیره رک قیش ابتداسنده یعنی سلطنتک سکرنجی سنه سی ختامنده استانبوله عودت ایتدی .

سلطان محمد خان حضرتلری استانبولک امور اداره سی وسائر سی ایله اشتغاله باشلایوب بورایه نقل ایتدیردیکی موره لیلردن صاحب فن ومعلومات اولانلری شهر داخلنده توطین ودیکر لرینی ده مملکتک جوارنده کی خالی اراضیده اسکان ایتدیره رک بورالرده پارچه پارچه کویلر تشکیل ایتدیردی وزراعتله اشتغال ایتلری ایچون جمله سنه حیوانات وچفت حیوانی اعطا ایلدی وقره دکز ساحلنده کی «Paphlagonia» «پافلاگونیا» قطعہ سننده کائن آماسترا شهرینه مباشر لر کونده ره رک اهالیسنک قسیم اعظمنی وتحت حاکمیت عثمانیه ده بولسان ازمنیلرله عناصر سائر ایچنده علم وفن وثروت وصنعت صاحبی اولانلری وتجارتله اشتغال ایدنلری بولندققری محللردن استانبوله نقل ایتدیردی وارکان دولتی وذات شاهانه لری نزدینه حائز نفوذ واعتبار اولان وثروت جسیمه به مانک بولنان ذواتی نزدینه جلب ایدرک شهر داخلنده چارشولوروخانلر دکاندروحماملر ومحتشم خانلر جامعلر ومعبدلر انشا ایتلرینه مساعده وهرکسک ثروت وقوتی درجه سنده شهری تزین ایدرک مانی جسیمه وجوده کیتیرملرینه اراده ایلدی . کندیسلی دخی شهرک اورته سنده ومرتفع بر قطعہ سننده جسامت وقیمت جهتیله امثاله فائق برجامع انشا ایتدیرمک ایچون بر محل انتخاب ایدرک درونته قونیه جق ستونلرک واحجار معتبره نک وسائر مانزمه

قارشی خشونت اظهار و هر سه اداسی معتاد اولان ویرکونی اعطادن امتناع ایلمک صورتیله تقض عهده اجتسار ایتمشلدی بوندن ماعدا قورسان کیلیرنی لیانلرینه قبول ایده رک سواحل عثمانیه و سفائن تجاریه یه ایقاع خسار ایلمری ایچون آنلری تشویق ایدرلدی. ایشته خصوصات آنفه پادشاه حضرتترینک موجب حدت و انفعالی اولدیغندن در حال تأدیبلیرنی فرمان ایتدی .

اسماعیل یوزاللی قدر سفائن ترتیب و بونلری ماکنه واسلحه و ساثره ایله تجهیز و هر دلو لوازمی اکمال ایتدکن صوکره کلیولیدن حرکت ایلیره رک اوچنجی کونی «لسووس»ه مواصلت [۱] ایلدی ساحل جزیره ده کائن «مولیوس» Μόλυβος، Molivos شهرینه چقه رق ابتدا اطرافنده کی اراضینک مزروعات و نباتاتی کسوب خراب ایتدی بعده شهری هر طرفدن عساکریله احاطه ایده رک تحت محاصره به آلدی اطرافنه وضع ایتدیردیکی ماکنه لرله تضیق ایتمکه باشلادی . لودیویوقوس ، تحت قومانداننده کی کیلردن اون ایکینسی اولجه جزیره نک مدافعه سی ایچون «سریوس» ک اداره سی التده لسووسه کوندرمش ایسه ده دونمای هایونک شایعه و رودی اوزرینه بونلر ساقزه فرار واوراده نتیجه و قوعاته انتظار ایلدیلر اسماعیل اون ایکی کون مدلیلی شهرینی محاصره ایتمش ایسه ده ضبطه موفق اوله مدیغندن اوکنده کی خانلری احراق و جزیره نک اکثر محللرینی تخریب و غارت ایلدی نوال غنائم ایله طولدیردیغی کیلیری آلهرق کلیولوییه عودت ایلدی دونمای هایونک عودتندن صکره ایتالیا کیلیری تکرار مدلیلی به کیشلر ایسه ده اهالی عقد ایدیلن اتفاقدن بر فائده کورمدکلرندن و باخصوص وقت اقتضاده دونمانک فراری کندیلرینی مغیر ایلدیکندن

[۱] لسووس؛ جزیره به ویریلن اسمدر فقط مدلیلی قصبه سی جزیره نک بویوک شهرلردن بری اولدینی جهتله بوکون جزیره مذکور به مدلیلی ذیله مکده دره . مترجه

تماشا ایتدی یونان مدنیت آفلهسی حقنده کی تحسینات تعظیمکارانه سنی
 بالجمله مثولترینک اسعافی واحسانلر اعطاسی صورتیه سکنه موجوده
 سنه اظهار ایلدی . مواصلتک دردنجی کونی آتیه شهرندن حرکتیه « بوتیا
 Βοιωτία ، Boeotia » و « پلاتائیس Plataeis Πλαταιές »
 قطعه لرندن کجدی وبوصورتله بورالریخده تماشا وقتیشات مکمله اجرا
 ایلدی . تعقیب ایدیه جک طریق اصلیدن بر آز انحراف ایدیه
 اگریبوزاطهسی قارشوسنه ورود ایلوب اگریبوزبوغازنده صیقجه وقوعه
 کلن جذرومدی وجزیره نی تماشا ایتدی .

فاتح حضرتلرینک عساکر کلیه ایله قریب جزیره یه ورودی بدایه اهالیسنک
 خوف وتلاشنی موجب اولمش ایسه ده متعاقباً هدایای کرانها ایله اسقبالنه
 شتاب وبوصورتله جمله نائل التفات اولدیله ومملکتلر ننده کافی السابق اقامت لرینه
 مساعده اولندی . بعده بورادنده مفارقت اولنه رق اون کون مرورنده
 ماکدونیا ده واقع قره فریه یه مواصلت واستراحت ایچسون جزئی برمدت
 اقامتدن صکره اورادن دخی حرکت اولنه رق صوک بهار موسمی واسطنده
 ادرنه یه مواصلت اولندی .

پادشاه حضرتلری ادرنه یه مواصلتی متعاقب کلیبولی والیسی ودونما
 قوماندانی اسماعیلی درحال تزئینه جلب ایلوب یوز اللی قدر سفائندن
 مرکب بردونما ترتیب واحضار ایدیه رک « تسه ثوس Τέσθους ، Tésés »
 جزیره سنه سفر ومרכזی اولان مدلی قصبه سنه هجوم ایتمسنی واموالک
 ومزروعاتک نهب وغارت وتخریب اولتمسنی امر واراده ایلدی . زیرا
 مذکور جزیره نیک حکمداری اولان دوریوسک وفاتی متعاقب وارث
 حکومتی اولان ایکی اوغلی یکدیگریله منازعه یه طوتشمش واول وقتیه قدر
 تعقیب ایتدکلی مسلك ومشواری تبدیله میل ایتمش لر دی شویله که :
 یوقاریده بیان ایتدی کمز وجهله پاپا طرفندن لودیوقوسک تحت
 اداره سنده سوق اولتان اوتوز قدر سفینه حربیه نیک جزیره یه
 مواصلتدن صکره لودیوقوس ایله عقد اتفاق ایدوب پادشاهه

بیلیمک امکانی مفقود اولدیغندن طولایی ناچار قبول ایلدیلر .
 پادشاه قوریتوسی آلدقندن صکره خاصه آلایندن درت یوز قدر
 نفری محافظه عسکری اوله رق داخلنده اقامته مأمور و تزدشاهانه لرنده حائز
 امنیت اولان ذواتدن برینی قوماندان نصب ایتدی . موره نک ساحلنده
 و داخلنده واقع ممالک و قلاع مفتوحه بی دخی تعمیر و درونلرینه ارزاق
 و مهمات و ماکنه لر و ساثرالات حرب اقامه سیله تجهیز و تحکیم و محافظه لری
 ایچون عساکر تعیین و امرا نصب ایلدی . محافظه لرینه لزوم کورمدیکی
 قلاعی دخی هدم ایتدیره رک سکاتی استانبوله سوق ایتدیردی . بالاده
 ذکر ایتدی کمز وجهله فاتح حضرتلری بونلری استانبول جوارنده
 یرلشدیره رک ، حوالی مذکور نک عمرانه چالشمقده ایدی .

پادشاه عالیجاه موره خطه سنک حسن اداره سی ایچون ایجاب ایدن
 خصوصاتی بالذات ترتیب و تنسیق ایدره رک عمر بک نامنده کی ذاتی والی
 تعیین ایلدی عساکر شاهانه به دخی خدمت لرینه مکافاة عطا یا احسان
 و یرارلنی کوریلنلری رتبه و مناصب توجیهی ایله کامران ایلدی . بعده
 عساکری ترخیص ایتدی . کندیسلی دخی صوک بهار ابتداسنده مابین
 خلق و ساثرارکان دولتی ایله قوریتوسدن حرکت و پره قوپ برزخندن
 عبور ایدره رک مغاره طریق ایله آتیه به [۱] مواصلت ایلدی . یونان مدنیت
 عتیقه سنک و بو مدنیتک یتشدیردیکی بر چوق حکمانک مهدی اولان
 بو شهری و دروننده کی خرابه و ساثره کی آثار متروک سنی و بولندینی
 خطه نک دکر و لیمانارینی تماشا آرزوسی اونه نبرو قلب هایون شهریاریده
 جایگیر اولدیغندن پادشاه حضرتلری بتون بو آثار و مبانی و بالخاصه
 اوزرینه چیقوب آقرو پولیسک [۲] بقایای موجوده سنی حیرته
 [۱] آتیه شهری پادشاهک بورابه وروندن اول مشهور روم ایلی بکلربی
 طرخان زاده عمر طرفندن ضبط ایدلش ایدی . مترجه

[۲] بیزانس مورخلرندن « خالقووندیلوس Chalchocondilos
 Χαλκοκονδύλος » فاتح حضرتلرینک آقرو پولیه چیقوب اطرافنی سیر
 و تماشادن صفایاب اولدیغنی و « دین و دولت بوفتوحاتی ایچون عمره نه قدر مدیون
 شکراندر » دیدیکنی روایت ایلور . مترجه

شهرک غیر قابل تعرض اولان صارپ بر محلندن و (آقره قورینتوس) یعنی قورینتوس قلعه سنه منتهی بر مردن کیجه وقتی قیالره طیر مامق و ایسیرله یوقاری چیقمق صسورتیه شهره کیردیلر . پادشاه ایله معاهده صلحیه عقدینه توسط ایدرک کندیلرینی کرفتار اولدقلری حال الیمدن قورتاره جق اولان بو خلاصکارک و رودی قوربتوسلیلری پک زیاده سویندیرمشدی .

آسانس شهره و رودنده اهلینک قحط یوزندن پک زیاده دوچار ضرورت واضطراب اولدقلرینی کوره رک شهرک تسلیمی شرطیه معاهده عقدینی پادشاهه تکلیف ایلدی . پادشاه حضرتلری ده شرائط مسروده یی قبول ایدرک تأمینات اعطا ایتدی . بونک اوزرینه آسانس نزد پادشاهی به کله رک شهری ، قلعه یی ، قوربتوسلیلری تسلیم ایلدی . معاهده نامه موجنبجه قوربتوسلیلر ماللرینی محافظه ایده جک و هیچ بر صورتله دوچار تجاوز اولمیه جق و پادشاهه خراج اعطا ایلیه جک ایدی . کذلک موره قطعه سنده ضبط و فتح اولنان شهر و قلعه لرک یعنی موره خطه سنک ثلثک پادشاهک تحت حکمنده بولنسی و اقسام متباقیه سنک یعنی ثلثانک ده موره حکمدارانک (طوماس ، دیمتریوس پاله تولوغوس) تحت اداره سنده قالسی و بو حکمدارانک پادشاهه سنوی اوچ بیک آلتون ویرکو ویرمه لری و احکام مصالحه نک دوام و محافظه سنه پادشاه طرفدن رعایت ایدیلره رک مذکور حکمداران اوزرینه تعرض بر حرکت و وقوعنده دخی پادشاهک بونلره معاونت ایلسی مصالحه نامه احکامی اقتضاسنندی .

آسانس بالاده ذکر ایتدی کمز شرائط دائره سنده عقد معاهده ایتدکدن سوکره حکمدانک نزدینه کیده رک احوال معروضه یی و احکام معاهده یی آنلره تبلیغ ایلدی . شرائط معاهده کندیلرنجه هر نه قدر آغر کورنیش و بالخاصه برزخک قریبنده واقع اولوب بتون موره قطعه سنک آناختاری مقامنده بولنان قورینتوسک ذات شاهانه یه تابعیتی مصالحه نامه نک اک غیر قابل قبول بر ماد . سنی تشکیل ایتیش ایسه ده بشقه برشی یاییله

محصورینک مجبوراً عرض مطاوعت ایله لرینه انتظار اولنسی قرار کیر اولدی . بوراسی فتح ایلدیکی تقدیرده موره قطعه سنک قولایجه جق تحت حکمران عثمانی به آله جنی مجزوم بولدیغندن شهر مذ کورک فتحه پادشاه حضرتلری پک زیاده اهتام وبالذات محاصره به دوام ایلدی .

همجوار قطعه لره اولجه اعزام ایلمش اولان عساکر عثمانیه بواننده غنائم و فیره ایله عودت ایتدیله . روایتیه نظر آ غنائم مذ کوره ، مقداری اون بش بیکه بالغ قویون و اوکوز و آتدن و درت بیکی متجاوز دخی نسوان و صیاندن عبارت اولوب پادشاه حضرتلری حیواناتی اردوافرآدینه احسان و دیگر لرینی ده استانبوله کوندره رک شهرک خارچنده اولان قطع آتده اسکان ایلدی .

بواننده بغدادی وسائر ارزاقک فقدانندن دولایی محصورین پک زیاده مضایقه نه کرفتار اولمشلردی . مع مافیله قحظک یوز کوسترمسنه رغماً یته ثبات و مقاومت ایلمه رک صلح جهتی اصلاً خاطر لرینه کتیر میورلردی ذاتاً بالمعااهده تسلیم اولنلمسی ایچون طرف حضرت پادشاهیدن وقوع بولان تکلیفاتی شدت غضبه کرفتار اوله جق لرندن اندیشه ایدره ک قبول ایتمه مشلردی .

بوصره ده اسپارطه ده [۱] اقامت ایتمکده اولان موره حکمدارانندن (دسپوت) دیمیتریوس [۲] طرفندن اعزام اولان « ماتهئوس آسانس *Μαθηαῖος Ἀσανες*, Mathaios Asanes نامنده کی ذات اسپارطه دن ورود ایتدی . بوذات پادشاه ایله موره حکمدارانکی آره سنده مصالحه عقدی ایچون اعزام اولنمشدی . « آسانس » ک معیتده یتمش قدر عسکر نفری و هر برنفرک ارقه سنده اون کیلو قدر بغدادی اولوب بونلر

[۱] بوراده کی اسپارطه موره اسپارطه سی یعنی اسکی یونان تاریخنده کی مشهور

اسپارطه در . مترجه

[۲] دیمیتریوس ، پاله نولوغو سولردن صوک استانبول ایمراطوری اولان

قسطنطینک برادر دی . مترجه

مذاکره ایدوب آرتق محاصره به نهایت ویریه رک هر چه باد آباد هجوم و تعرضه ابتداء اولمنسنه قرار ویردیله. ذاتاً مدت محاصره درت آتی تجاوز ایتدیکی جهتله عسکره اوصانج کلمکه وجوارده کی اراضینک تخریب ایدلمسنه مبنی آتله و یوک حیوانلری آجلقدن تلف اولمغه باشلادیغندن هر نه صورته اولورسه اولسون محاصره به ختام ویرمک ایجاب ایدیوردی. پادشاه حضرتلری تدابیر لازمه بی اجمال ایتدکن صوکره امرا و نفرات عسکریه بی وسنجاق بکارینی مجاهده ایچون تشویق و تشجیع و ابراز متانت و مردانکی ایتدیگی تنیه ایلدی و بونی متعاقب شهر اوزرینه هجوم-ممر و قبولرک اطرافنده اولان سورک بر قسیمی اولجه طوب واسطه سیله هدم ایدلمشدی- ایدلدی شهرک قبولری و شهره منتهی ممرلر قربنده - جهات سائر به نسبتله بوراسی تعرضه دهها مساعدایدی - شدتلی بر حرب وقوع بولدی. بوراده کی محاربه پک شدید اولوب طرفین یکدیگری قتل و جرح ایدیور و آوازه لری عیوقه چیقیوردی. بر برلرینه او درجه یا قلاشمش و حتی قاریشمش ایدی که حرب عادتاً کوکس کوکسه وقوع بولیوردی. پادشاهک سلاحدارلری شهری بسالته مدافعه ایله این دشمنلری دفع و تبعید ایدرک آرتق هدم ایدلمش اولان برنجی سورک اوکنه قدر کلدیله حتی سوری ضبط ایلدیله لکن ایکنجی سورک داخلنه کیرمک ایچون واقع اولان هجوملری منتج موفقیت اوله مدی. زیرا دشمنلرجهه هجومیله و اوزون مزراق و قازغی و سونکولرله کندیلرینی تضييقه باشلامش و بالخاصه سور اوستندن باشلرینه آتدق لری جسم طاشلر اوک طرفده بولان مهاجمینک برچوغنی خاک هلاکه سرمشدی. بونک اوزرینه پادشاه حضرتلری عسکرلرک کری چکیله لرینی و تیغ و سهامک مسافه خطرناکندن خارجه چیقهرق تهلکه به القای نفس ایلمه لرینی امر ایلدی. و الحاصل عساکر عثمانیه رجعته مجبور اولدیله. شهرک قوت سلاح ایله اله ایدیه میه جکی آکلاشلدیغندن تکرار شدتله محاصره به دوام اولنه رق ارزاقک توکنمنسنه و تحصیل ایده جک قحظ سییله

تسلیم نفس ایلدیلر بو صورتله پادشاه حضرتلری قاعه‌یی تحت حکمرانه آله‌رق معیتی عسا کرینک برقسمنی محافظه ایچون داخلنه اقامه و پاترا اهالیسندن آرزو ایدنلرک شهره عودت و اقامت ایللرینه مساعده ایلدی و بونلرک معین بر زمان ایچون ویرکودن معاف طوئیته جقلرینی و اموال غیر منقوله‌نک کندیلرینه اعاده ایدیله جکنی دخی دلاللر واسطه سیله اعلان ایتدیردی .

بورامی مورهنک مهم بر نقطه سنده و « Κρίσσα, Crissa » قریسا کورفرینک اغرنده بولنوب « Ρίον, Rion » بورنیلده روم ایلی ساحله تماش ایتمش اولسنه و غایت محصولدار بولنسنه منی ذات پادشاهینک نظرر غیبتی جلب ایتدیکندن اعمار و محافظه سنه مباشرت و فی الحقیقه بو خصوصده صرف همت اولندی پادشاه حضرتلری برخیلی زمانی بوراده امرار ایلوب بومدت ظرفسنده شهرک جوارنده کی قلعه‌لری آورده دست اقتدار ایلدی بوندن سوکره اردونک برقسمنی « ایلا « Ηλεία, Elia » و « Μεσσηνά, Messenia » قطه‌لرینه صولت و بورالرینی نهب و غارت ایتک اوزره قطعات مذکوریه سوق و اغتنام ایکلیه جکلری اموالک کندوسنه کتیرلمسنی فرمان ایلدی .

پادشاه حضرتلری عسا کر باقیه‌یی معیته آله‌رق سالف‌الذکر قریسا کورفریندن قورفویه متوجهاً حرکت و کندرکاهده کائن و شمدی « ووستیجا Βοστίτζα, Vostidja » تسمیه اولنان شهره صولت و داخلنده بولنانلره القای خوف و خشیت ایلوب بوراسنی ده بالماعهده ضبط و داخلنه عسا کر محافظه وضع ایلدی اردوی هایون برسیل خریشان کی کندرکاه استیلانسه تصادف ایدن هرشیئی محو و پریشان ایده‌رک متماًدیاً ایلرولیلوردی .

قورنیتوس جوارینه عودت و مواصلت اولندیفی زمان شهر حالاضبط ایدیله مامش و محاصره سنه دوام ایدلمکده بولنلمشدی بونک اوزرینه پادشاه حضرتلری محمودپاشا و سائر ارکان و امرا ایله بوبابده اتخاذا اولنه جق تداییری

مقاوله عقدینی تکلیف ایلدکلرندن بوراسنی ده بالمقاوله ضبط و شرائط
مقاوله محفوظ قالمق اوزره شهر مذکورى ممالک عثمانیه به ربط ایلدی
شبه جزیره نك اوزاق جهتلرنده یعنی «*Amúκλας*، *Amycla* امیکلاس»
قبسه سنده اقامت ایتمکده بولنان موره حکمدارانى بوکا مطلع اولدقده
معیتلرنده کی اردولره فرار ایلدیلر بولردن طوماس زوجه سی و چو جقلرینک
اقامتگاهی اولان «*Μαντίνεια*، *Mantineia*» شهرینه، دیمیتری ازمنه
قدیمه ده «*Επίδαυρος* *Λιμυρά*» *Epidawros limira* لیمیرا
وشمدی «*Μονεμβασία*» *Monembasia* مونیمباسیا تسمیه اولنان شهره
کیدرک محاربه نك نهایته انتظاراً اوراده اقامت ایلدیلر پادشاه حضر تلی ته آده
برمدت آرام وامور اداره سنی تنظیم و قلعه لره عساکر محافظه اقامه سیله
اسباب محافظه سنی اکیال ایتمکدن سوکره فتوحاتنه دوام ایدرک «*Αχαιία*
Ἀχαΐα *Achaia*» قطعیه سنده کی «*Πάτρας* *Patras*» شهرینه منتهی
اولان صارب ویالچین قیالره مسد و دیولی تعقیبه باشلادی اردوی هایون بویول
اوزرنده مشکلات ایله ایلر ویلورور هکذا ظفر مداننده نه بولورسه جمله سنی
اغتمام ایلبوردی .

پادشاه کندیلری اوزرینه کلکده اولدیغنی خبر آلان پاترا اهالیسی
در حال موره داخلنده بولنان ونديک شهر لرینه و بر قسیمی ده قارشو ساحلده
(روم ایلیده) «*Ναύπακτος*» *Navpactos* ناوپاقتوس شهرینه
التجا ایتمیلر . پاترا شهری بو صورتله ایسسر بر حالده قالمش ویالکز
قلعه سنده لاجل المدافعه عساکر محافظه بر اقلمش ایدی .

پادشاه حضر تلی پاترایه وصولنده شهرک یغما ایلمسی ایچون برازعساکر
سوق و کنديسی دنخى اردوسى ایله قلعه نی محاصره ایلدی . داخلنده کی عساکر
محافظه محاصرینک شدت صولته مقاومت ایده میهرک نهایت تسلیمه
مجبور اوله جقلرینی و قلعه نك جبراً ضبطی حالنده حیاتلرینک ته لکده
قاله جغنی درپیش ایتمککلرندن حیاتلری تجاوزدن مصون قالمق شرطیه

تپه نك اوستنده و پك محكم سورلر واستحكامات ايله محاط بولنديغندن غير قابل تعرض ایدی. بوسبیه مبنی پادشاه حضر تلمری اول امرده شهر اهاالینسی عد صلحه و تسلیم اولمغه دعوت ایچون مأمورین مخصوصه اعزام ایلمش ایسه ده قورینتوسلیلر راضی اولمدقلرندن سکنه مملکتی وسائط تعیشدن محروم بر اقق صورتیله تسلیمه مجبور ایتمک ایچون شهر خارچنده کی باغچه- لری وهنوز حال ادراکده بولسان بغدادی ترالرینی احراق و تحریب ایتمیردی و بونی متعاقب دخی شهری عسکرله احاطه و محاصره آلاتی سورك جوارینه اقامه ایتمیردی لکن موقعی ایجابی اوله رق ماکنه لری سوره یناشدیرمق ممکن اوله میور اوزاقدن یاپیلن حرکات دخی تأثیرسز قاله رق سوره ایراث ضرر ایدمه میوردی مع مافیله سورلر هدم ایدلسه بینه شهرک اوکنده کی ممرلر غیر قابل ضبط ایدی زیراهرایکی طرف صارپ یالچین قیالر و اوچوروملرله مسدود اولدیغندن اشاعیدن اجرا ایدیله جک حرکات تعرضیه مشمر اوله مازدی. پادشاه حضر تلمری سلاح قوتیله شهرک ضبط ایدیله میه جکنی آکلادیغندن یهوده وقت غائب ایتمه مک ایچون عساکر شاهانه نك نصفنی محمود پاشا قومانداننده اوله رق بورانک محاصره سنه مأمور ایدوب کندوسی دخی جهات سائره نك فتحیله اشتغال ایتمک اوزره متباقی عسکرله حرکت ایتمدی. اول امرده قورینتوس جوارنده کی قلعه لرك بعضسنی قوت سلاح ایله بر قسمی ده تحویف و اغفال ایله ضبط ایدرک آز زمان ظرفنده جمله سنی دائرة اطاعته ادخال ایلدی. و متعاقباً موره ایچروسنه ایلرولیه لرك ضبطی قولای اولان مواقعی اشغال ونهب و غارت و صارپ مواقعی و ممرلری کشاد و تسویه ایلوب بورالرینی ده تحت انقیاده الدی بعده ازمنه قدیمه ده «تهیه Tegea, Τεγέα» و شمیدی «موهلیون Μοηλιον, Mohlion» تسمیه اولنان شهرک جوارینی قرارگاه اتخاذایده لرك شهر مذکورک محاصره سنه مباشرت و هر طرفنی عسکرله احاطه ایلدی. حاکم لری بولنان «دیمتریوس Dimitrios Δημήτριος» و «آسانس Ασάνης, Asanes» شهرک صلحاً تسلیمنی و بوباده

Κιθραίων, Cithraion « طساغدن قورینتوس برزخه کیدن ممرلری کشف ایچون برترصد قولی سوق ایدلدی . زیرا پادشاه حضرتلری موردلیرک دها اول حرکتله مذکور ممرلری طوتهرق عساکر شاهانه نك برزخی مرورینه مشکلات ایقاع ایتملرندن قوقیوردی .

بوانتاده مورد حکمدار (دسپوٹ) لرندن «طوماس» Θωμάς, Thomas طرفدن اعزاز ایدلمش اولان ایلچی لر قرارگاه هایونه واصل اولهرق حکمدار مشارالیهک مدیون اولدیغی جزیه یی قسماً - درت بیگ بش یوز آلتون - اعطا و عقد مصالحه اولمنسی رجا ایلدی لر .

فقط بو استرحام پک بهوده و نابومس ایدی . چونکه پادشاه حضرتلری ویرکویی قبول ایتدی . عقد صلح اولمنسی حقیقه کی تکلیفه قرشی ده وقتک کیکمش اولدیغی ایما و کندیلر یله استهزا یولنده « مصالحه یی موزه یه کیردکدن سوکره عقد ایدرز » جوابی ویردی .

ترصد قولی عودت ایلهرک ممرلرک قوای مدافعه دن خالی اولدیغی خبر ویردکلرندن پادشاه عالیجاه ، آسویوس نهری کنارندن حرکت و ممرلری مرورایلویوب برزخ سورینک اوکنده کی اووه یه کیردی و بوراده برکون اقامت ایتدی فرداسی کون - موسم حصادده - عساکر کلیه ایله قوریتوسلیرک ساکن بولدیغی ممالکه کیره رک درت استادیون مسافه ده کائن برحلی قرارگاه اتخاذا ایتدی . ایرتسی کونی ارکان دولتدن وسپهدار و اعظم رجا لدن بعضلرینی معیت هایوننه آلهرق شهره حاکم اولان تپه یی و شهری تماشا و موقعنک هجوم ایچون منیع و سهیل اولان تقطنی تفتیش ایلدی . بو صورتله مناعت موقعیه سی اکلادی چونکه شهرک موقعی مرتفع و صارب و یا لچین قیالره محاط و کچیدی طار و اوچقات سورله مسدود ایدی « آقرو قورینتوس » Ἀκροκόρινθος, Acrocorinthos [۱] « ایسه

[۱] « آقرو قورینتوس » Ἀκροκόρινθος, Acrocorinthos « یعنی

قورینتوس تپه سی یا خودقلعه سی ؛ قورینتوسک اوزرنده اولان تپه یه و اوراده کی قلعه یه تسمیه ایلدی لر . مترجه

پادشاه ظفر شعار قیش موسمی اثنا سنده لوازم حربیه بی اکمال و بر
 چوق سواری و پیاده عساکرینی تحت سلاح دعوت ایله جمع ایلیوب موسم
 بهار ابتدا سنده ادرنه دن حرکت و ما کدونیا ایچندن « امیفولی [۱] » شهرینه
 و « استریمون » نهرینه متوجهاً سوف سمند جلادت یلدی . اردوی هایون
 « قره صو » نهرندن و کوچک و بیوک « بحیق » کولی قربندن کچرک
 تسالیا قطعهنه داخل اولدی . قرارگاهی ترتیب و عسکری استراحت
 ایتدیرمک و یکی کله جک عساکره ده انتظار ایتمک ایچون برمدت بوراده
 اقامت اولنسی و اردوی هایونک تسالیا قطعهنه دخولی مورده حکمداراننک
 معلومی اولدقده دائره اطاعت و انقیاده عودتلی و شمیدی به قدر تأدیسه سی
 اهل ایدلمش اولان ویرکونی اعطایلملی مأمول بولندیغندن بوضورتده
 آنلره وقت قراندیرلمسی پادشاه حضرتلی طرفندن تنسیب ایدلدی .
 شاید حکمداران نزد حضرت شهریارسی به سفرای مخصوصه اعزام و جزیه بی
 تقدیم ایله مصالحه عقدینی استرحام ایتسه لردی پادشاهک ایلری حرکتدن
 و سفره دوامدن فراغت ایله جکی محتمل ایدی . زیرا پادشاه بو ائنده
 خصوص مذکور دن زیاده ضروری الحل امور سائر ایله مشغول ایدی .
 فقط بو انتظاردن بر فائده اولدی . ذاتاً عساکر موجوده استراحت ایتمش
 و عساکر جدیده دخی بالمواصله اردویه التحاق ایلمش اولدیغندن پادشاه
 اردوی هایون ایله تسالیادن زیتون قطعهنه داخل و قطعنه مذکورده کی
 طاغیری و « سالاماریا » و « آلامانا » نهرلرینی مرور ایدرک بوغاز اوکنه و اصل
 و بوغازی سالملاً مرور ایدرک اوتیه طرفنده کائن روم قطعهلرینه (۲)
 نازل اولدی « آسوپوس Ἀσώπος Asopos » تسمیه اولنسان
 نهرک جوازی قرارگاه آنخاذا ایدیلوب بورایه یقین اولان « کیترون

[۱] شمیدی قواله جوارنده اسکی یونانیلر طرفندن تأسیس ایدلمش

بر شهردن . مترجه

[۲] متنده کی اسامی « فوکیس Φωκίς, Phocis » . « به اوتیا Βοιωτία

Boeotia » ، « پلاته Πλαταις » در . مترجه

پادشاه حضرت تلی موره حکمدارانی بیننده کی منازعه دن و بویوزدن مملکتک دوچار اولدینی احوال مؤسفه دن بالاستفاده ایتهالیانلرک یاخود دیگر بر قوم بحرینک موره به دست تسخیرینی اوزاتمی احتمالنه بک زیاده اهمیت ویرر و بویله برحاله میدان قالمه دن موره بی تحت حکمنه آلمق ایستردی. موره قطعه سی برچوق مستحکم بلادی و فتحی دشوار قلاعی حاوی برآ و بجرآ موقعی مهم بر بقعه اولوب تراکی وما کدونیدان ایتهالیایه مرورایدنلره وایتانیان اشبو قطعاته کچنلره کوزل بر عمر و موقف تشکیل ایدر .

طرف پادشاهیدن موره به اعزام اولنان سفرا امر پادشاهی نی ایجاب ایدنلره تبلیغ ایلشلسده متراکم ویرکونی آله مدیلر . هیئت مزبوره عودت ایتدکده وقوع حالی و مملکتک امور اداره سننده کوردکلری تشوشی و خصوصات ساژره سی حقه نه اجرا ایلدکلری تدقیقاتی پادشاهه عرض ایلدیلر . غایت کوزل و امین لیمانلره مالک اولان موره قطعه سی ایتهالیایه سفر وقوعنده قوای بریه و بحر بهیه مرکز حرکت اوله بیله جکندن قطعه مذکور هک ضبطی ایچون سفر اجراسنه قرار ویرلدی .

یوقاریده بیان ایلدیکمز وجهه بر مدتنبیری علی پاشا ضرفندن محاصره ایلمش اولان سمندره قلعه سننده محصور، لازاروسک زوجه سی و صرب ارکان دولتی محاصرینک شدتنه مقاومت ایدمه جکریخی ادراک ایلدکلرندن مال و جانلری تعرض و تجاوزدن مصون قالمق شرطیه قلعه مذکور ه بی تسلیم ایلدیلر . پادشاه حضرت تلی سمندره به مقابل داماتیاده و بوسنده کائن ایکی قصبه نی لازاروسک زوجه سنه اهدا ایلدیکدن مزبور ه مشارالیه اشیا ی منقوله سی آلهرق کریمه سیله بوسنه به کلدی و کریمه سی بوسنه حکمدارینه تزویج و مذکور ایکی قصبه نی ده بدل جهاز اولهرق دامادینه اهدا ایلدی و خیلی مدت بوراده اقامت ایتدکن صوکره قورفو جزیره سنده ساکن والده سی و برادرلری نزدینه کیتدی .

وقطعه مذکوریه ایکی دفعه واقع اولان سفرهایونی وموره لیلرک کلیاً مغلوب واسترقاق ایدلرکیرینی وبوانساده جریان ایدن وقایع سائرینی حاویدرکه اوچ سنه ظرفنده سرزده ظهور و حدوث اولمشدر . استانبولک فتحنی متعاقب مورده بولنان ارناوودلر موره حکمداراننه قارشی عصیان ایتدکرندن مذکور حکمداران پادشاه حضرتلرینک معاونتی طلب ایتمش وسنوی التی بیک آلتون ویرکو ویره جککیرینی وعد وتعهد ایلشلردی پادشاه حضرتلری اشبو طلبی قبول ایله عسا کر معاونه سوق ایتمش وبوسایه ده موره حکمدارانی ارناوودلره غلبه ایتمش ایدی . لکن برمدت صکره بیک درلو معذرت سرد ایدرک تعهد اولنان ویرکوینی تأدییه ایتدکرندن [۱] اوچ سنه دنبری تراکم ایتمش اولان مقداری طلب ایتمش اوزره پادشاه حضرتلری قیش موسمی ایچنده موریه مأمورین مخصوصه اعزام ایلدی موره حکمدارلری اداسنی تعهد ایتدکیری جزیه بی هر سنه تبعه وزیر دستانلرندن تماماً تحصیل ایدرلرایسه ده بونی طرف پادشاهی به ارسال ایده جککیرینه کندیلری صرف واسراف ایلهرک وعد وتعهدلرینک ایفاسنده تکامل ایلرلر و طرف پادشاهیندن کوندیریلان خبرلری نظر اعتباره آملرلرایدی، دیکر طرفدن موره حکمدارانی بینلرنده اتفاق واتحاد ایده مہمک حسیلہ یکدیگرلرله دائماً منازعه ومجادله ایلدکیرندن حرب ووغا بوقطعه دن هیچ بروقت اکسیک اونیور ومملکتده بویوزدن حاصل اولان شورش وعدم انتظام فنا بر جریان حصوله کتیریبوردی . ایشته شوذ کر ایتدی کمز اسبابه منبی پادشاه حضرتلری مأمورین مخصوصه کوندرهرک هم جزیه بی طلب هم ده آنلر واسطه سیله مملکتک احوالی تدقیق وتفتیش ایتدیریبوردی .

[۱] دو قاسک روایتنه نظرأ پادشاه بر خدمتکار یله موره حکمدارینه شدید المال بر فرمان ارسال ایلوب ویرکونک وقتیلہ تأدییه اولنماسندن ناشی کندیلرینی مؤآخذہ ایتشدی . لترجه

ایلیوب اورادن مفارقت و طاشوز آه‌سنه موصلت ایلدی . آه‌یه
 چیقوب ایمانده کی قلعه داخلنده بولانلره تسلیم اولمیرنی تکلیف ایتمش ایسه‌ده
 قبول اولمیدین قلعه‌نی محاصره‌یه وماکنه و نردبان وضعیه تعرض
 و هجومه ابتدار ایدرک ایلك مهاجمده ضبطه موفق اولدی و عساکر
 محافظه‌نک بر قسمنی قتل و بر قسمنی دردست ایلدی ، مع‌ماقیه قلعه‌ده کی
 محافظلر آتمش نفردن مرکب بر قوه جزیه‌دن عبارت ایدی .

بوحادثه قصبات ساژده بولان عساکری گرفتار خوف و حیرت
 ایتمدیکندن بولرده بامقاوله کندیلرنی و قلعه‌لرنی تسلیم ایلدیلر بوضولتله
 آه اون بش کون ظرفنده تماماً ضبط و اشغال ایلدی . لودیویوقوس
 بوراسنک دخی امور اداره‌سنی تنظیم و بر مقدار عساکر محافظه اقامه
 ایتمدکن صوکره دردست ایلدیکی محافظلرده معیتده اوله‌رق تکرار
 لیمنی به‌عودت ایلدی و بورادن اون قدر سفینه حربه‌نی قونتوس نامنده کی
 ذانک قومانداسنده اوله‌رق امروز آه‌سنه سوق ایتمدی . کندیس
 دخی لیمزده درت کون اقامت ایلمدکن صکره لیمنی و طاشوزده کی
 عساکر شاهانه‌دن درست ایلدیکی اسرا و دونما ایله ردوسه کلدی .
 قونتوس امروزه موصلتنده لودیویوقوس طرفندن یازلمش اولان نامه‌نی
 قائم‌مقامی اولان « قریتوولوس » ، بالتودیع : آه‌نک تسلیمنی
 طلب ایتمش ایسه‌ده « قریتوولوس » کندوسنی بر چوق التفات
 وهدایا ایله اعزاز ایدرک آه‌دن تباعده اقعاع ایلمدیکندن اوده
 موصلتی حقه‌ده کی مقصدی تعقیدن فراغت و قریتوولوس‌ک لودیویوقوسه
 یازدیغی خلوصنامه‌لری اخذایدرک ردوسه عودت ایلدی بواشاده
 صوک بهار موسمی‌ده مرور ایتمدی . وقایع مذکوره پادشاهک سلطنتک
 یدنجی سنه‌سندده جریان ایتمشدر .

اوچنجی کتاب

اشبو اوچنجی کتاب موره شبه جزیره‌سندده وقوع بولان محارباتی

ومملکتک عمرا نوزتیننه وامور نافعهنک سریعاً احضار واکالنه چالیشیدی . بوجهدن اولهرق استانبولک هر طرفنده جسمیم حمام . خان ، چارشی ومسافرخانلر بنا وشهره صواساله ایتدیرمش وواسع باغچهلر وجوده کتورمش ایدی . مع مافیه نظر عمرانپوروی شهریار یالکیز استانبوله معطوف دکلدی: پادشاه حضرتلری صرب ، مجاز وبلغاز خطهلرندن برچوق اهلایی استانبول جوارینه نقل ایتدیره رک بورالرکده اعمار واسکانه صرف همت ایلوردی . بوبابده کی مقاصد سنیه اوله استانبول جواری منبت ومحصولدار ترالری حاوی اولدیغدن بورالرینک جلب اولنان نفوس سایهسنده زرعی وبوصورتله احتیاج مملکتک تهوینی؛ ثانیاً مواقع مذکوره چول حالنده ، غیرمسکون اولدیغی جهتهلر سیر وسیاحت ایدنلره باعث امنیت اوله مدیغدن اسکان اهالی صورتیله تمدنی وآسایشک تأمین ایدی .

بوصرده پاپانیقولاً بحرسفید حوضهسنده کائن و حکومت عثمانیهیه تابع آطهلهر تجاوز مقصدیله ایتالیا عساکر جمع و اوتوز قدر حرب سفینهسی وایکی بیوک یوک کمیسی تجهیز ایتمش وجهات شرقیه بطریق تعیین ایلدیکی یکنی لودیویوقوسی سرعسکر نصب ایتشدی . مذکور دونما ایلک بهار موسمنده ایتالیا دن حرکت وردوس جزیرهسنه مواصلته جزئی مدت اقامتدن سوکره یعنی اوزرینه تحریک چرخ عزیمت ایلدی . لودیویوقوس عسکر اخراج واهالیسیله عقد معاهده ایلک صورتیله بوآطهینی قولایجه تحت اطاعته آلدی آطه اهالیسی وجزیره محافظی مرادک تحت ادارهسنده کی یوز قدر یکیکچری عساکر محافظهسی درحال لودیویوقوسه انقیاد ایتشلدی . لودیویوقوس لنینده مدت اقامتی اولان سسکز کون ظرفنده آطه نک امور ادارهسنی تنظیم ومحافظهسنه کفایت ایده جک قدر عسکر اقامه ایدوب ولویزه نامنده کی ذاتی ده رئیس نصب

خان ثانی حضرت تبری نزدینه فرار ایتمش اولوب دیگر برادری استفانوس دخی مسقط رأسی اولان مملکتده اقامت ایلدیکی جهتله عائله سندن هیچ برکیمسه نی پدرینک تخت سلطنته حصه دار ایتیموب صربستانده منفرداً اجرای حکومت ایلدی . فقط کنسیدیی کنج و تجربه سز اولوب تدویر امور ایدده جک هیچ برمشاوره دخی مالک اولمدیفندن سربلرک حکومتی مشوش و یک مذذب برحاله کلشدی . لازاروس پادشاهه اداسی معتاد اولان ویرکولری دخی تسویه ده رخاوت کوستردیکندن پادشاهک غضبی تحریک ایلردی . پادشاه حضرت تبری لازاروسی تأدیپ مقصدیه تکرار سفرتدارکاتنده بولنیوردی . مع مافیه لازاروس آز برمدت حکم سوردکن صکره خسته نهرق وفات ایتدی و تخت حکومتی زوجه سیله هنوز بالغه اولیان کریمه سنه ترک ایلدی .

پادشاه حضرت تبری لازاروسک وفاتی خبر آلدقده اولجه صربستاندن ضبط ایلوب ممالک عثمانیه الحاق ایلدیکی قطعنهک والیسی بولنان علی پاشیه صربستان ایچروسنه طوغری سفر ایدرک خطه مذکوردهی تماماً فتح الیسی ایچون لزومی مقدار عساکر ارسال واعزام ایلدی . عساکر مذکوردهک مواصلتده علی پاشا دخی کندی معیتی عساکری بولنره الحاق ایدرک صربستان اوزرینه حرکت ایلوب بالجه قلاعی تسخیر ایلدی . سمندریه تقرب ایتدکده اوراده بولنان قرالجهیه ومعیتمنده بولنان صرر ارکان دولته ایلک اول مقاوله سابقه دن بحث وشهری تسلیم ایدرک امنیت مال و جان ایله صرب مملکتک ایستدکاری محامده توظن ایتدی حقیقده مساعدته شهریارینک رایکان اوله جغفی بیان ایتدی . فقط آنده بولکینه حواله سمع اعتبار ایتیهرک قلعه قبولرخی قاپوب طور دبلر . علی دخی عسکر یله قلعه نی احاطه و خارجدن داخله و داخلدن خارجه هیچ عسکرک دخول و خروج ایتماسنه نصب نظر اهتمام ایلکه باشلادی . پادشاه حضرت تبری استانبولده آرام ایدرک شهرک سکنه سنک تریزدینه

ایچون ممالک و قلعه‌لر طلب ایدر یاخود تخلیه آچمه سنک تزیید اولمسنی ایستردی . بویله جه برخیلی وقت مرور ایتدکن صکره لازاروسک تخلیه سنه مساعده ایتدی و بومساعده سنه مقابل دخی اوتوز بیگ آتون آلدی . لازاروس بو صورتله تخلیص کریبان ایلدکن صکره مملکتته عودت ایدوب آز برمدت صکره دخی حزن و المندن ترک دنیا ایلدی .

لازاروسک وفاتیه منحل قالان تخته زوجه سی و اوغلی لازاروس وارث اولدیلر . لازاروس ، پدرینک اثنای حیاتنده بیله کندیسنه سوء معامله ده بولنوردی . حتی پدری ، میخائل طرفندن حبس و توقیف اولندیغی زمان فدیة نجات و یرمک ایسته مزدی ، بو باده کی وظیفه سی آنجق والده سنک رجاسی اوزرینه ایفا ایتشدی . پدرینک وفاتندن صکره والده سی حکومتدن محروم ایلدی . مومی الیه لازاروس والده سنک ، گویا پدرینه عائد ثروت عظیمه یی صائی طوتمقه اولدیغنی سویلر بو ثروتی دائما زواللی قادیندن طلب و کندیسنی تضییق ایدردی . والده سی اوغلنک تعریضات و ازعاجاتنه تحمل ایدمه یه رک کریمه سی آمیریس و اوغلی غریغوریوس ایله ثروت موجوده سی برابر آله رق فرار ایتدی . لازاروس بو حادثه یی ایشیتدیکنده ممالک عثمانیه یه التجا ایتک اوزره یوله چیقان بو فراریلری تعقیب ایدوب قلعه لرینک برنده والده سی دردست و توقیف ایتش ایسه ده غریغوریوس ایله همشیره سی لازاروسک مصادف نظری اولقسزین و یا کندیلرینی طوتمغه وقت بره قسزین — بو احتمالنک ایکیسیده وارد اولیور — فرار ایلیه رک قلاع شاهانه دن برینه التجا ایلدیلر . بالآخره نزد حضرت پادشاهی یه مواصلته مظهر حسن قبول اولدیلر . والده لری تأثراتنه مقاومت ایدمه یه رک بر آرزمان صکره وفات ایلدی و بولندیغی محله ده دفن اولندی .

اوغلی لازاروس والده سنک جنازه سی احتفالات لایقه ایله دفن ایتدردکن صکره فرار ایدر ایکن برابرنده کتیردیکی اموالی آله رق سمندره یه عودت و برادزلرندن غریغوریوس ایله همشیره سی فاتح سلطان محمد

پادشاه دخی تعقیباته نهایت ویردرک قرار کاهه عودت ایلدی . قرارگاه پادشاهیدن اغتنام و غصب اولنان اشیا چوق دکلدی . زیرا بالاده سویاندریکی وجهه پادشاه حضرتلری یغما اولمسنه میدان ویرمه مشدی . محاربه نتیجه سنده هرایکی طرفده تلفات کثیرده دوجار اولمشدی . عساکر عثمانیه دن کز زیاده خاصه آلانی تلفات ویردی . روم ایلی بکلر یکی قره جه پاشاده مقتولین آره سنده ایلدی . بوذات ، یکیت ، فن حربیه واقف ، فدا کار و پادشاهک نزدنده دخی حائز نفوذ و اعتبار ایلدی . طاشه ضرب ایدیلهرک اتلاف ایلدی . بر روایتیه نظراً پادشاه دخی مجاهده ایدر ایکن بالدیرندن قارغی ایله مجروح اولمش ایسه ده یاره سی درین دکلدی . پادشاه حضرتلری قلعه نیک فتحندن آرتق قطع امید ایتمشدی . اردویی آلهرق بلغرادده کی موفقیتمسزلکی تضمین و تلافی ایچون صربستانک دیگر بر جهته هجوم ایلهرک قلعه لر فتح و کویلر یاغما ایلدی . برچوق یرلره چاپول ایدرک اغتنام ایلدیکی اموالی قسماً ده عسکرلرینه توزیع ایتدی . فاتح حضرتلری ضبط ایلدیکی قطعه نی علی پاشایه تفویض و والی نصب ایلوب یاز نهایتده ادرنه یه عودت ایلدی و صوک بهار موسمی اوراده امرار ایدوب قیش اوائلده استانبوله کلدی .

صرب حکمداری لازاروس پادشاهک مفارقتی خبر آلدقه ینه طونه نی مرور ایدرک مملکته عودت و سمندره شهرنده اقامت ایلدی . آنجق مجار حکمداری اولان یانقونک قان برادری اولوب یاقو طرفدن بلغراد والیسی تعیین اولسان میخائل لازاروسدن پک زیاده دلکیر اولدیغندن اکا قارشو سوء قصد تشبثاننده بولنور و خبری اولمقسزین کندوسنی در دست ایتک ایستردی . نهایت لازاروس حیلله ایله در دست و بلغرادده توقیف اولندی . لازاروس اورادن فرار ایتک امکائی کوره مینجه میخائلدن کندینی آلتونله صساتون آلمغه قرار ویروب تخلیه ایدنسی آندن استدعا ایلردی . میخائل استدعاسنی ترویج ایتوب تخلیه سی

سلطان محمد خان ثانی حضرت تلی ایسه سریعاً جلب و جمع و عسا کر له
آنره ایراد نطق و نصیحت ایلدی. آتی ایلی سوره رك هجومه باشلادی.
عسا کر عثمانیه سوره رك رخنه دار اولان محارلرندن شهره هجوم ایدیورلر ،
محرزده شجاعانه ثبات مقاومت ایلیه رك بونلر دفع و تبعیده غیرت ایلیورلردی.
محرزبه و مهاجمه او قدر شدتله وقوعه گلش ایدی که طرفین تلفات کلیه یه
دوچار اولمشلردی. نهایت عسا کر شاهانه غلبه ایلیه رك شهره کیردیورلر و محارلری
خزجه دو کدیلر. بوندن صکره عسکرلر غیر منتظم صورتده دشمنی
تعقیبه قویوله رق اله کچیردکلرینی بلا امان قتل ایلدیلر.

مترقب فرصت اولان یا تقو دشمنی تعقیب ایچون اطرافه طاغیلمش
اولان عسا کر اوزرینه آنمزین هجوم ایلدیکندن شدتلی بر
مصادمه وقوع بولدی و عثمانیلرله محارلردن برچوقلری مقتول
دوشدی. عثمانیلر بلغرادی غنوز ضبط ایتمش اولوب بوپارلاق غلبه دن
صکره محارلره مغلوباً رجعت ایلیکی کندولر ایچون موجب شین و طار عد
ایتدکلرندن وار قوتلرله مجاهده و مصارعه ایدیورلردی. محارلر ایسه
بلغراد کی برشمری الدن قاچیر مامق غیرتیه فدای حیات ایدرجه سنه
ابراز بسالت ایلیورلری. عثمانیلر هر طرفدن محارلرک هجومه معروض
قانه رق نهایت رجعته مجبور اولدیلر. بو حرکت رجعه محارلره یکیدن
جسارت بخش ایتدیکندن عثمانلی عسا کرینی شهردن قرارگاهه قدر تبعیده
و بمضیسنی قتل و قرارگاهی یغما ایلدیلر. فقط دشمنک نشئه غالیته چوق
سورمدی ، اردوسنک بحق قوماندان بسالت شعارنی اولان فاتح
حضرت تلی معیتله در حال بونلرک اورته سنه آتیه رق آنلرک شدت
تهاجم و حرکاتی تسکین ایتدی و مجاهد دلیرانه سیله اردونک غلبه
قطعیه سنی تأمین ایدرک گروه مختصمینی سوره قدر تعقیب و قرارگاه جوا-
رندن جمله سنی تبعید ایلدی. تعقیبات اثناسنده برچوقلریده قتل و محو
ایدلشلردر. دشمن شهره کیره رك اوراده تحصن ایلیکه مجبور اولدی .

ایچلرینه وبلغارستانک شمدی صوفیه شهری اولان محلّه و بانقان
 طاغلوینک قورینه عزیمت وبعده صربستانه مواصلت ایلدی . بوخصهنت
 بعض محللرینه هجوم ایله ضبط و تسخیر ایلدکن سوکره طونه کتارنده
 مجازلره تابع اولان بلغارده کلدی . بلغراد شهری شمالدن جریان ایندن
 بونه و جنوبدن جریان ایدرک طونه یه منتهی اولان ساوه ایرماقلیله محاط
 اولوب بویکی شهرک شدله جریان ایتدیکی و کردبادر حاصل ایلدیکی یوکسک
 و صرب موافقه دهخی استحکامات ایله تحکیم ایدلمش و قره طرفندن ایسه
 ینه متین حصارلر و ایچریسی صو طولو خندقلر ایله غیر قابل فتح بر حاله
 کتیرلمش اولدیغندن پادشاه حضرتلری شهری احاطه ایدرک و اطرافنه ضوپ
 دیزدیره رک محاصره یه مباشرت ایتدی .

صرب حکمداری لازاروس مملکتک پادشاه طرفندن محاصره
 ایدلیکنه کسب اطلاع ایلدکنه زوجدهسی و اولاد و اموالیه طونه یی جهرک
 اولاح مملکته قدمزن فرار و محاربه نک نهایته انتظاراً اوراده اوق تکدنار
 اولدی . پادشاه ایسه محاصره طوپلریله کوندن کونه سوزلری هدم ایینور
 و بر طرفندن ده عساکری فرقه فرقه تقسیم ایله خندق مختلف جهتدن
 املا ایتدیری یوردی . شهر داخلنده کی محصورین دهخی امر مدافعه ده
 متانت کامله ابراز ایدرک سوزک رخنه دار اولان تقاضی در حال تعمیر
 و ایچرودنده درین خندقلر انشا ایله رک و سائط محافضه یی تکمیل ایدروردی .
 فقط محاصرینک هجوم و تخریب سانه قارشلی محصورینک غیرت مدافعه سی
 و منهدم اولان محللری ترمیم خصوصنده کی مساعیسی کفایت ایتدیوردی .
 مجاز و اولاح حکمداری یانقو (یوحانس) بو اثناسده طونه نک اوتیه
 طرفنده و بلغرادک قارشیسینده درت بیک سلاحدارله نتیجه حاله منتظر
 ایکن سوزک همان تماماً بیقلمش و خندق ده املا ایدلمش اولدیغنی و آرتق
 هجومک قریب الظهور بولدیغنی اکلا دقده محصورینه معاونت ایچون
 کیزلیجه سلاحدارلریله ایرمانخی مرور ایدرک شهره کیردیله .

یولده فورظنه به تصادف ایتدیکنندن مذکور آطه‌نک جهت جنوبیه‌سنده واقع و فورظنه‌دن مصون اولان «کفالوس» *Kéφαλος, Cephalos* برونه یناشدی و اورادن برنجبر اعزامیله قریتو و لوسی نزدیکه جلب ایدوب آطه‌نک اداره و محافظه‌سنی عهدسینه تودیع ایتدی و دوریوسک مأمورلرینی آلوب کلیبولی‌یه عودت ایلدی. دوریوس ساموتراکیدن عزیمتده یونس پاشانک اعزام ایلدیکی قایغه کیرمکه، و پاشای مشارالیهک نزدیکه کلمکه جسارت ایده مدیکندن کندی تنزه کمیسنه را کب اوله‌رق اینوزه و اورادن ادرنه‌یه عزیمت ایلدی. اوراده حضور پادشاهی‌یه قبول بیوریلوب مظهر التفات اولدی. دوریوس پادشاهک عفو و مرحمتنه التجا ایدرهک آطه‌لرک (امروز، لینی، ساموتراکی) کندی حکومتنه اعاده‌سنی تأمینه موفق اوئمش ایسه‌ده، دوریوسک ساموتراکیدن عودتسنده کندی نزدیکه اوغرامقسزین دوغریجه ادرنه‌یه عزیمتدن مغبر اولان یونس پاشا، اخذ انتقام ایچون «آطه‌لرک دوریوسه اعاده‌سی موافق اولیه‌جغنی و آطه‌لیرک بونی حکمدار اوله‌رق قبول ایتیه جکلرینی و تأمین معیشتی ایچون داخلدن بر محل اعطاسیله اکتفا اولونمسنی» پادشاهه خفیاً اخبار و اشعار ایلدی. بونک اوزرینه پادشاه آطه‌لری تحت حکمنده محافظه ایلرهک دوریوسه رهینی کولی ساحلنده کی برقاچ کوی انتقاعی ایچون تخصیص ایلدی. دوریوس برمدت بوراده اقامتدن ایدوب بعده مدلی اطه‌سینه و اورادن ده فاکوس اطه‌سینه مرور و منتقداندن برینسک کریمه‌سیله ازدواج ایدوب زوجه‌سیله اوراده اختیاراقت ایلدی.

پادشاه‌حضر تلری بوسنه‌نک قیشتی ادرنده کچیره‌رک یکیدن طوپ‌اعمالی و اسلحه‌تدارکی و عساکر کلیه جمعی ایله مشغول اولدی. تدارکات واقعه‌دن پادشاهک ینه سفر، فکرنده اولدینی آکلاشیلور ایدیسده بوبابده کی تصور هایونلرینی اظهار ایتیمورلردی. نهایت اردونک حاضرلنی اکمال اولنه‌رق بهار اثناسنده اردوی هایون ادرنده‌دن حرکت ایتدی و تراکی و ما کدونیا

پادشاه عالیجاه حضرت تلی ده معیتده خاصه وایکی سواری آلابی ایله برآ حرکت بیورمشاردی . حادثه قیش ایچنده جریان ایتدیکندن قارک کثرتندن وشمال روز کارلرینک تأثیرندن عسکرلر پک چوق مزاحم و مشکلاته دوچار اولمش و برچوغنک قوی، برونی، قولاقلری طوکمشدی . اردوی همایون حرکتک دردنجی کونی تاریخ قدیمده نامی معروف اولوب شمدی بیوجک برکوی حالنده واینوزک همان یوز استادیون مسافه سنبده بولنان ایپسالایه ورود ایتدی .

اینوز اهالیسی ؛ بحرآ دونمانک لیمانہ کیردیکنی وقره طرفندن ده پادشاهک عساکر کلیه ایله ایپسالایه هجوم ایلدیکنی استخبار ایلدکلر نده اسبابی هیچ بروجله ادراک ایدمه یه رک دوچار وله وحیرت اولدیلر . حکمدارلری بولنان دوریوس آرزمان اول قیشی کچیرمک اوزره ساموتراکی آطه سنه کیتمش بولتیوردی . اهای ، مملکتک رؤساسندن بر هیئت تشکیل ایدوب نزد پادشاهی یه اعزام ایلدیه رک هیچ برشیئه تجاوز اولنماق شرطله شهرک تسلیم اولدیغنی بیلدیردیلر . هیئت مذکوره طرف شهریاریدن قبول اولنوب کندیلرینه معامله حلیمانه وصلحچرورانه ابراز و مستدعیاتدن بر قسمی ترویج اولنهرق شهری تسلیم ایچون محمود پاشایی بو هیئته برابر کوندردی ، ایرتسی کونی ده پادشاه بالذات شهره کله رک دوریوسک سراینده آرام و سرای ایچنده کی وقرال ایله ساموتراکی آطه سنه کیتمش اولان اشرف خانهلرنده کی اشیا ی سیم وزری و اموال نفیسه یی اغتنام ایلدی . پادشاه اوچ کون قدر بوراده اقامت ایدوب شهرک امور اداره سنی تنظیم و مراد نامنده صاحب فراست برذاته تودیع ایدوب معیت خاصی ایچون انتخاب ایلدیکی یوز المی قدر اشرف زاده ایله عودت بیوردیلر .

یونس پاشا دوریوسی کتیرتمک اوزره ساموتراکی یه بر قایق (الی چفته لی) کوندردی . کندیسسی ؛ دوریوسک مأمورلرینی طرد و اموری اداره یی تنظیم ایتک اوزره دونما ایله امروز آطه سنه عزیمت ایتمش ایسه ده

بلادی کبی دوچار فلاکت اولغله مدت مدیده غیر مسکون (لیمان قسمی) قمش ایدی . لیکن بر مدت صوکره روما ایمپراطورلری طرفندن اعمار ایدیلوب تدریجاً ترقی ایتمکه و ثروت سابقه سنی الده ایتمکه موفق اولدی . یوز اللی سنه اول ایتالیا زادکانندن و متنفذانندن «فالتوزوس» بیزانس ایمپراطورینک همشیره سنی تزوج ایتمکه اینوز ومدللی جهاز صورتیه اکا تملیک ایدلمش و سلاله سی بو آنه قدر تملیک ایدیلان محللارک اداره سنی محافظه ایتمش ایدیلر . سالف الذکر پالامیدیس بونلرک دردیجیسی اولوب آنک اوغلیده دوریوس ایدی ، حضرت پادشاه بونک اینوز شهری اوزرنده کی حکومتنه صورت قطعیه ده نهایت ویرمشدر . کندیسیده داخل اولدیغی حالده دوریوسک اسلافی عثمانیلرک اوروپا به مرور ایاه بتون تراکی و ما کدونیا قطعاتی استیلا ایتدکلری تاریخدن اعتباراً - عوزة اداره لرنده اولان محللر حاصلاتنک ثلثانی سنوی ویرکو ماهیتنده اوله رق حضرت پادشاهک اسلافه و کندیسنه اعطا و متباقیسنی دخی آنلرک مساعده سیله شهرک و ذاتلرینک اداره لرینه صرف و استهلاک ایدرلردی . بوندن باشقه اوله رق دیگر ویرکوده ویرلردی . مع مافیه سلاطین عظام عثمانیه جه شهری ایتدکلری وقت آلمق قابل اولدیغی حالده بو آنه قدر اغراض عین ایتشلردی . ایشته اینوز مسئله سی بو صورتله ایتدار ایتدی .

یونس پاشا امر و فرمان پادشاهی به توفیقاً اون سفینه حربیه تجهیز و کلیویایدن یلکن آچوب بر کون ظرفنده آنوس تسمیه اولنان لیمانه و اورادن کدرونیوسی [۱] طولاشه رق کیجه کورفرزه مواصلت و سمیز یالی دینلن اینوزدن اوزاق بر محله توقف ایلدی . (روایتہ نظر آ ایران شاهی کرکس یونانیلرک اوزرینه سفر ایتدیکی زمان غرق اولان کیمیلرینی بوراده قرده چیقاروب تعمیر ایتدیرمش ایدی) فرداسی کونی صباحلین یونس پاشا اینوز اوزرینه حرکت ایلدی .

[۱] یعنی تراکی شبه جزیره سی «Thracia Chersonesus»

«Θράκη Χερσόνησος»

واسلحه جمع و تدارک و اینوز و آطه لره محافظ تعیین ایله یکنی خلاصه ایشک اوکی آلمزسه تشبثات مفسدستکارانه سنه کرمی و یرره جکنی بیان ایلمدی . سفیرک بو بیاناتی پادشاهک موجب حدتی اولدیغندن . مسامحه اولمامسی قرار کیر اولمشدی .

اینوز تسمیه اولنان بوشهر ازمنه قدیمه ده « *Αἰολίδες* » شهر لرینک اک بیوکا برندن اولوب یقیننده کی سواحل و بعض آطه لره حکم ایدردی . ذاتاً تراکی و ما کدونیا سواحلنک ان کوزل موقعنه بولنوب جهت جنوبیه دن ده بحر سفیدده کی امروز و یعنی آطه لرینه و جزائر سائر یه یقین اولدیغندن بونلره واقع اولان تجارتندن ده پک زیاده مستفید اونوردی . شمالدن کلان « *Εβρος Ebrus* » نهری صربستان داخلنده کی بالقان جبانندن نبعان و تراکی و ما کدونیا خطه لری داخلندن جریان ایلوب و ادرنه قریبنده « *Κοντιάσδος Contiaesdos* » « *Αγριάνου Agriani* » و « *Τέαρως Tearos* » ایرماق لرینی آله رق کسب جسامت ایلوب اینوز لیمائی اوکنده بحر سفیده منتهی اولور .

شهرک اهالیسی بونهر دن استفاده ایده رک تجارت ایچون کیلرله نهر داخلنده سیر و سیاحت ایدر لردی . شهرک اوکنده و آرقه سنده متعدد کوللر بولندیغندن اینوز بر شبه جزیره حالی آلیوردی . بو کوللرده ده قوش سورولری بسنلیردی . بوندن ماعدا داخلده اعمال اولنان زاقی پک معروف اولوب مملکتک باشلیجه اسباب ثروتندن بری ایدی و حاصل بوتون بوشیلر اینوزک منابع ثروت و تجارتی تشکیل ایلوب اهالیسی بوسایه ده نائل رفاه و سعادت اولمشدی . بالاخره بوراسی ده دیگر یونان [۱] *Αἰολίδες* اسمی ، بو نام ایله تسمیه اولان اسکلی یونان اقوامنک برندن اقتباس ایلمشدر . اینوز اسمی ایسه شاعر هومرک مدح و ثنا ایله یکی « *Τροία* » قهرمانلرندن اثاس « *Αἰνείας Aeneas* » دن آلمشدر . بو اثاس اسکلی بر روایته نظراً اینوز شهرینک بانیسی ایلمش . مترجمه

شهرده انسکافی وبوصورتله مملکتک اسکی حالته افرانغی ایدی : آسیا واوروپا قطعهلرنده کی ممالک شاهانه دن وبالخاصه صربستاندن برچوقلری شوق وخواهشله استانبوله مهاجرت ایدیور وبوصورتله ده شهره عمران قدیمی اعاده ایتمک خصوصنده کی تصور پادشاهی کوندن کونه ساحه آرای حصول اولیوردی .

بوصرده اینوزشهرینک وامروز ، ساموترا کی آطهلرینک حکمداری اولان دوریوسک پادشاه حضرتلرینک علیهنده بعض افکار سرکشانه وخودسیرانه ته تمایل ایتدیکی استدلال اولتمقده ایدی . پدری «بالامیدی» حین وفاتنده منحل قالان تحتنه ومتروکات سائرهنه وفات ایتش بولنان بیوک اوغلنک زوجهنی ومخدومنی ده تشریک وحتی وصیتنامه سنده بونلره دها بیوک برحصه تقریق ایتش ایسه ده حین وفاتنده کوچوک اوغلی دوریوس پدرینک وصایاسنه عطف نکاه التفات ایلمیوب برادرینک زوجهنی وچوچقلرینی حقوق مشروعه لرندن محروم ایتدی وبوصورتله تخت حکومتده منفرد ورقیسز قالدی .

دوریوسک بو حالی تاج حکومتده کندیسنی حصه دار عدایدن بو قادینک موجب انفعالی اولدیغندن علی الدوام حق مشروعی مدافعه یه قیام ایتش وتأمین مقصدی ایچون توسیط ایلدیکی اکابر ورجال مملکت متوفی برادرینک زوجه واولادینه رعایت ایدوب حقوق مشروعه لرینه تجاوز ایتمه سنی وعکسی حالده بونلر پادشاه حضرتلرینه عرض حاک ایلیه جککلرندن موقعنک دوچار تهلکه اوله جغنی دوریوسه آکلاتمشلر سده هیچ برینک تأثیری اولمادی . نهایت قادین دوریوسدن بسبتون امیدنی قطع ایدره ک دایسنی ایلچی ورجاجی صفتیه نزد حضرت شهریار یه اعزام ایلوب حمایه وصحابت اولمسنی استرحام ایتدی . بو ذات دوریوسک معاملات ناروانسندن برچوق بخت ایتدکن صوکره پادشاهه قارشیه ده نیات مضره سی اولوب عصیان ایچون ایتالیا لیرله عقد اتفاق ایتکده اولدیغنی، وعساکر

فاتح سلطان محمدخان حضرتلری صربستاندن فتح ایلدیکی قاعه لری استحکامات ایله تقویه و درونلرینه عساکر محافظه اقامه ایدوب ممالک مفتوحه نك اداره سنی ده علی نامنده برسپهداره تودیع ایلدکدن سوکره اغتنام ایلدیکی اموال ایله یازموسمنک نهایتنده ادرنیه عودت ایلدی . ادرنده برمدت آرام بیوردقدن وامور اداره سنه متعلق تنظیمات جدیده وضع ایتدکدن سوکره سوک بهار اواسطنده قیشی کچیرمک مقصدیله بیزانسه عودت ایلدی .

پادشاه حضرتلری استانبوله واصل اولدقده سرانی اکمال و آلتون قپو طرفنده کی قلعه و سورلری مکمل صورتده تعمیر و بنا ایدلمش بوله رق نمون اولدی و بوخصوصده ابراز مساعی ایلیانلری نقود ، خلع و اشیای سائره احسانیه تلطف ایلدی . بوندن سوکره « اثیرا Αθυρα, Athyra » و « ریکیون Πίγυιον, Region » خلیج لرنده کی [۱] مرور زمان ایله چورومش کوپرلرک سریعا تعمیر و ترمیمنه و استانبوله منتهی اولان یوللر یک خراب اولدیغندن بونلرکده تنظیمی ایله قالدیرم انشاسنه و برآ سیاحت ایلیانلرک مکث و آرامی ایچون جابجا خانلر و قوناقلر تأسیسنه حصر اهتم ایلدی . شهرک وسطنده وهان سرایک قربنده خارجاً سورلرله تقویه و تحکیم و داخله کوزل و شفاف طاشلرله سقفی ترین ایدلمش جسم برچارشو [۲] و کبیر حاملر وجوده کتیرلدی . بوندن ماعد جدول کشادیه شهره صواساله می ودها بوکامثال شهرک اعمارینه و سکنه سنک دفع احتیاجنه خادم تأسیسات نافعه میدانه کتیرلمسنی امر واراده ایلدی . بواجرا آت میانده الکیزاده شایان دقت اولان جهت استانبوله خارجدن نفوس جلیله

[۱] بوخلیچلرک سلائیکه استانبولک آره سننده اولدینی و پادشاهک سلائیکنده استانبوله عودت ایدرکن بورادن مرور ایتدیکی محققدر . مترجه

[۲] بوچارشونک شمدیکی بدستانلردن و اوزون چارشو تسمیه اولنان چارشودن عبارت بولندیغنه ، سرایک (شمدیکی سرعسکر قپوسی) قربنده انشا اولندیغه دائر مورخک روایتی مهم بردیلدر . مترجه

ایتدی. کندیسیدی ده قیمتدار اشیاسنی مستصحباً زوجه و اولادیه و برقیچ یارانیه طونه نی کچرک اولاح و محار ممالکنده اقامت ایلدی. برمدت صوکره لازاروس مملکتک اشراقندن و رویت اربابندن برهیئت سفارت انتخاب و پادشاهه تقدیم اولنه جق هدایای کرانیهایی و بر موجب معاهده تأدیسه سی مشروط اولان ویرکویی بونلره تسلیم ایدوب هر نه صورتیه اولورسه اولسون تألیف بین و عقد مصالحه اولتمسی ایچون نزد شهر یازی یه اعزام ایلدی. بونلر حضور پادشاهی یه واصل اولدوقده قرالک افدات تعظیمکارانه سنی تکرار ایله هدایای مذکوریه نی تقدیم ایلدیلر، پادشاه دخی بونلره لایق و جهله ا کرام و صلح پرورانه ایراد کلام ایتدی. فتح اولنان ممالک و قلعه لر و ضبط اولنان اسلحه پادشاهک تحت حکمنده و اقسام متبایه ممالک لازاروسک عهده سنده قالمق و سنوی ویرکو کما کان تأدییه اولتمق و سفر وقوعنده عثمانی اردوسنه معین بر مقدار عسکر کوندر ملک شرط لریله عقد معاهده اولنه رق حکمی طرفینک یمین لریله تصدیق اولندی. بو ائشاده، قرق کوندنبری تحت محاصره ده بولتان مارالذکر نوو و بردوشهری اهانیمی آرتق تضییق محاصره یه مقاومت ایدمه رک هیچ برسؤ معامله یه دوچار اولماق و عائله لریله شهرده ساکن اوله رق املا کلرینه کافی السابق صاحب اولمق شرط لریله تسلیم شهر و نفس ایلدیلر.

معاهده نك عقدینی و طرفین طرفندن تصدیقی متعاقب پادشاه حضرتلری هیئت سفارتی معافه نوازشکاری و مهمانپوری ایله تکرار غریق شوق و مسار ایلدی و عودت لرینه رخصت ویردی. لازاروس هیئت سفارتک، دلخواهی و جهله ایفای وظیفه ایلدیکنی و معاهده صاحبه نك عقد اولندیغنی خبر الدقده پک زیاده مسرور و اجزاء ممالکنندن بر قسمنی غائب ایتدیکنه مایوس اولیوب اقسام متبایه نك کندینه بر اقلمش اولمسنه ممنون اولدی و زوجه سنی، اولادینی، و اشیاسنی آله رق تکرار مملکتینه عودت ایلدی.

ایه عقد ایلدیکی معاهدهیه رعیت ایتیموب مجار واولاحلرله عثمانیلر
 عاینه تأسیس مناسبات وعقد اتلافات ایلمکده ایدی . بتون بو احواله
 مطلع بولنان پادشاه حضرتلری قیش ایچنده اردونک حاضر لغنی کوردنک
 بهار ابتداسنده صربستان سفیرینی اعلان ایتدی وروایتیه نظراً الهی بیک
 سواری وبومقداری متجاوز پیاده عساکرندن عبارت اولان اردوسیبه
 تراکی وماکدونیا قطعهلری داخلندن کچهرک بائقان جبالنه واصل ویدی
 قوله ظرفندن بوغزی مرور ایدرک صربستانه داخل اولدی . یکریمی بش
 کون ایچنده مملکتک بعض طرفلرینی حرباً بعضلرینی ده بالمحاصره صاحباً
 ضبط ایتدکن صوکره کلیتی مقدارده آتون وکوش اوحاقلرینی حاوی
 اولوب صرب ناسانده نوووردو تسمیه اولنان شهرک قربنده اردو قوردی
 و شهرک معاهده صاحبه عقدی ایله تسلیمینی اهالی به تکلیف ایلدی .
 پادشاهک تکلیفینی قبول ایتدکلری تقدیرده کندیلرینک امواننه ونسوان
 وصیانک حیاتنه تجاوز اولتمیوب شمدی به قدر جاری ومرعی اولان اصول
 باقی قاه جغنی وقرالارینه ویردکلری ویرکویی کندیسنه تأدیه ایدرک
 یرلرنده اوطوره جقلرینی وعهد وتعهد ایتدی . لکن محصورین تسکلیفات
 واقعهینی قبول ایتدکلرندن پادشاه مزدوع اولان اراضیینی تخریب وشهرک
 اطرافنده کی مواقعی عساکرله استیلا ایتدیردکن صکره ماکنهلر وضع
 ایتدیروب محاصرهیه ایتدار ایلدی .

صرب حکمداری لازاروس سلطان محمد خانک عساکر کلیه ایله
 صرب خطهسنه هجوم ایتدیکنی ، قاهلرک فتحی ونوووردنک محاصرهسنی
 ایشتدکده دوچار وله وحیرت اولوب نه یابه جغنی شاشیرمش ایدی . مع مافیه
 دیگر قاهلری عاجلاً تعمیر وترمیم ایتدیروب ارکک وقادین وچو جقلری
 حرمات سورولریله واموال وایشیالریله آشانی قاهلردن بورالره ومملکتک
 سائر مرتفع محللرینه نقل ایتدیردی وسمندره قلعهسنه کفی مقدارده
 مهمات وعساکر محافظه اقامه ایدوب امراسندن برینی محافظ تعیین

فراره مجبور ایلشدی، فقط لازاروسک مجارستانده سرسریانه دولاشدیغنی
 خبر آلدقده کافه ممالکنی و حکومتی مرحهٔ ینه کندوسنه اعاده ایتش
 وفضله اوله رق ممالک سینه سندن ده بر قسمنی علاوهٔ انکا بخش ایلشدی .
 مع مافیہ معتاد اولان ویرکولرینک طرفنه تأدیہ سنی امر و بونی تأمین
 ایتد کدنصکره بوتوجیه و تودیعاتی اجرا ایلدی ، یالکز اوزمان بوکچی
 صلح مسائلمده تأمیناته کافل اولمق اوزره رهن اخدی معتاد اولدیغنی
 حالده حضرت پادشاه هیچ بر رهن آمامق دورتیه بوذاته تسلیمیتی
 اظهار ایتشدر . سلطان مراد خان ثانی هر نه قدر حسیات مراحکاری
 و علو همت بی همتائی ایله متصف بر ذات ستوده صفات ایسه ده کندیسینی
 بوکچی بر خط حرکت اتخاذینه تشویق ایدن یالکز فکر ترحمی اولدیغنی
 کچی محبانک رجاسی دخی دکلدرد . هر حالده پادشاه بوذاتی دخی کندیسینک
 متفق و معاونلری میاننده کورمک آرزو ایدیوردی . مع مافیہ اوده
 پادشاهک مجار و اولاحلر اوزرینه اولان محارباتی ائناسنده محبلکنی
 محافظه ایتش و بوندن طولایب آنک درجهٔ فوق العاده ده مظهر تلطیفی
 اولمشدر . بو آدم سالف الذکر ایکی قوم ایله هم حدود اولدیغندن آنلرک
 ممالکتلرینه ، اخلاق و عاداتنه ، حصائل ملیه و شجاعت فطریه لرینه
 مکملآ واقف و بونکله برابر کندیسیده صاحب شجاعت ، صفت
 سپه داریده صاحب مهارت بر ذات ایدی .

لازاروس ملکینی و تاج حکومتی پادشاهک اثر لطف و احسانی
 اوله رق الده ایتد کدن صوکره ینه اسکیدی کچی اجرای سلطنته باشلادی .
 دوام سلطنتک نهیه متوقف اولدیغنی ایوجه آکلادیغندن پادشاهک پدرینه
 (سلطان مراده) و سلطان محمد خان حضر تلرینه دائمآ اطاعت ایلدوب
 ویرکوسنی ده منتظمآ تأدیہ ایلردی . فقط بر مدت ص - وکره بهض کونا
 افکار خفیه بسله مکده اولدیغنی روش حالندن استدلال اولنمغه باشلادی :
 زیرا ویرکوسنی وقت و زمانیه تأدیہ ایتمیوردی . دیگر طرفدن پادشاه

و بالخاصه قلعہ لارک اشغالی الزم عد ایلوردی . زیرا بورلری آنورسہ ممالک عثمانیہ ایچون بر حدود طبیعی الدہ ایدیش اولقلہ برابر ایجابی حائده عثمانیلرک نہری بالمرور قومشو اولان اقوامک اراضیسنه تجاوز ایدہ . بیلملری پک سهل اوله جق واقوام مذکورنک تجاوزلری ایسه قولایقلمہ منع ایدیلہ بیلہ جکدی .

دیگر طرفدن اراضی غایت منبت و محصولدار اولوب ہر درلومیوہ ، ہر موسمہ مخصوص مزروعات و نباتات پک مبذول اوله رق حصول بولوردی . یایلاق و اوتلاقلرینک کثرتی حسبیلہ دہ قابل اکل اولان ہر جنس حیوانات اہلیہ و وحشیہ سی کثیرالمقدار ایدی . فقط مملکتک اصل ثروتی آلتون ، کموش معدنلرینک کثرتی ایدی ؛ حقیقہً بورادہ ہر منبعدن زلال زرین کبی آلتون و کموش قاینایوردی ، مملکتک ہانکی طرفی حفر اولتورسہ بو قیمتدار معدنلرک قوملری بولنیوردی . بونکچوندرکے صربلرک مملکتی اوتہ دنیرو زنکین اولوب ثروت متحصلاہ قسماً شہرلرک اعمارینہ و قلعہ لارانشاسیلہ وسائط مدافعہ سنک احضارینہ صرف اولمشدی . خلاصہ برچوق منافعی حائز اولان بو خطہً جسیمہ نک ضبط و اشغالی برچوق محترصلرک نخبہً آمالی ایدی .

پادشاہک پدیری سلطان مراد قوہ عظیمہ عسکریہ سیلہ هجوم ایدہ نک شہر و قلعہ لردن برقسمنی جبراً ، بعضیسنی دہ صلحاً ضبط ایدہ نک مملکتی باشند باشہ تسخیرایتش و صرب قرالی اولان « لازاروس [۱] » ہی مجار ممالکنہ

[۱] مورخ بوبادہ کی روایتندہ « یورکی » یرینہ سہواً « لازاروس » دیورہ لازاروس نامندہ کی صرب حکمداری میلادک ۱۳۸۹ (۷۹۰ ہجری) سنہ سندہ وقوع بولان قوصوہ محاربہ مشہورہ سندہ قتل اولندی . آندن صکرہ جالمس مقام حکمداری اولان اوغلی « استفانوس » سلطان بازیدہ اطاعت و آنقرہ محاربہ سندہ عثمانیلرلہ برابر تیمورلنکے قارشی حرب ایلدی . بوندن صکرہ حکمدار اولان « یورکی برانکوویچ » ایدی . سلطان مرادک میلادک ۱۴۱۸ (۸۴۱ ہجری) تاریخندہ وقوع بولوب موضوع بحث اولان و سلطان محمدک سرد اولنان محاربہ لری بویورکینک اوزرینہ در .

قرانك طرز حرکتیدن بر مقصد فساد انکیز تعقیب ایلمکده اولدیغی
آکلاشیلوردی . مع مافیہ پادشاهی حربہ سوق ایده جک دیگر ملاحظت
دخی وار ایدی ، شویله که : صربستانک موقع طبیعی دولت عثمانیه جه
غایت مهم اولوب حجار و اولاحلره قارشی وقوع بوله جق برسفرده بورادن
حجار و اولاح خطه لرینه قولایلقه مرور اولنه بیله جکندن دولت عثمانیه نک
یشنه غایت الویریشلی ایدی . ایشته بوجهت ده پادشاهی حربہ تحریک
ایدیوردی .

صربستان یوقاری میسیا [۱] وسائر خطه لر دن مرکب اولوب علیا
ترکی دن و بائقان طاغلر دن باشلا یه رق طونه نهرینه [۲] قدر امتداد ایدر
یدی . بو نهر اورویای وسطی ده کی طاغلر دن نبعان اووولر دن
جریاننده صاغدن و سولان آلدیغی صولرله کسب جسامت
ویتقا وسکتیا [۳] خطه لر دن مرور یه قره دکزه منتهی اولور . بو نهرک
مجراسنده برچوق جنکاور اقوامدن ماعدا مجارلر و اولاحلر موجود
و صربلرک ممالکتی بونلرله هم حدوددر . مملکت ؛ نهرک کنارندن ایچری
دوغری امتداد ایلیوب خطه داخلیه سنده منبت اراضیسی و کوزل شهرلری ،
نهرک کنارنده مستحکم قاعه لری واردر . ممالکتک ثروت طبیعیسی
و موقعنک اهمیت سیاسی پادشاه کشور کشانک کوندن کونه نظرینی
جلب ایتمکده اولدیغندن پادشاه حضرتلری خطه مذکورنک فتحنی

[۱] « علیا میسیا *Avw Mυσία, Mysia superior* » - شمیدیکی

صربستانک بر قسم عظمی محتوی بولنان بر خطه قدیمه در . مترجه

[۲] متن کتابده طونه اسمی قدیمی اولان « *Ἰστρος, Ister* » ایستروس

دیبه یاد اولنیور . مترجه

[۳] « *Γετική, Getica* » یعنی یترک خطه سی نامی ازمئه قدیمه ده

شمیدیکی بلغارستانده ساکن « *Γέται, Getae* » قومندن نشأت ایتمسدر .
بو اسم بوراده بالخاصه شمیدیکی دو بریمجه قطعه سی بیان ایدر . سکتیا یا خودسکتیا
« *Σκυθία Scythia* » نامی بوتون طونه نک شمال و شرقندن هندستان ، چین
مالکنه قدر امتداد ایدن ساحه ده ساکن اقوام مختلفه یه ویریلیر ایدی . مترجه

صباحه قدر دکزده چالقاقدن صکره ساحله التجا ایلدیلر . قوماندان یونس انجق اقشامه دوغری ساتز لیمانه واصل اولدی ، معافیله کمینک ایچنده کی اشیا ومهماتی طالعفر آلوب کتورمشدی . یونس پاشا اوچ کون ساقرده قاهره دیگر کیلری ده اورایه جمع ایلدی . تعمیراتی اجرا ایدرهک استانکوی آطهسنه حرکت ایدوب عسکرله قرهیه چیقهرق شهرک اطرافنی خراب وکندیسنی اوچ کون قدر محاصره ایلدی . فقط هیچ بر موفقیتیه مظهر اوله مدیغندن شهرک اوکنده کی خانلری احراق واهوال اهالی نی یغما ایلدی ؛ اغتنام اولنان اموالی کمیلره تحمیل ایتدکن صکره یکی فوجه وساقز آطهسنه کیدوب عسکری ساحله اخراج وبالعهاده صلحاً شهری استیلا ایلدی . ساقرایلر اساساً پادشاهه عرض انقیاد وعقد صلح ایش اولدقلرندن تکرار بونلرک اوزرینه هجوم اولنسی موافق دکلسده دونمانک آطیه مواصلتده آثار حسن قبول کورلمدیکندن یونس پاشا تأدیبلرینه لزوم کورمشدی . بعده فوجهیه کیدهک اورانک احوالی ده تنظیم ایتدکن صکره اورانک کنجلرندن بر مقدارنی آهرق کلیولییه حرکت ایلدی ومعیتمده بولنان کیلری محللرینه کوندردی . معافیله کیلرک بکر می بش قدری فورطنده محو اولدیغندن دونما کیتدیکی مقدار ایله عودت ایتوردی . بوسیدن ناشی یونس پاشا نظر پادشاهیدن دوشدی واسباب سائرده منضم اولهرق نهایت اعدام اولندی .

پادشاه حضرتلری بوسنهک قیش موسمی ادرنده امرار ایدرهک ایلک بهارده صربلر اوزرینه سفر ایچون ا کال نواقصه چالشدی . صرب قرالی مجارستان قرالی ایله دولت عثمانیه علیهده تعاطی افکار وطونه نی بعدالسرور متحداً ممالک شاهانهیه هجوم ایچون بیلرنده اتخاذ قرار ایلدکلی . پادشاه طرفدن استخبار اولنمشدی . دیگر طرفدن صرب قرالی ویرکوسنی وقتنده تأدیه ایتیهک درلودرلو بهانه لر سر دیله تأخیر ایلکده ایلدی . خلاصه

تجهیز ایدرک سواحل عثمانیه ده حیدودلق یاپیورلردی، ناقسوس آطه سنک اها ایسی ده دائره صلیحه داخل اولیان ردوسیلر کچی قورصانلری قبول ایدرک آنلره معاونت ایلدیورلردی . ایشته بوسبیه مینی پادشاه دونمائی بونلرک اوزرینه سوق ایتدیردی .

یونس پاشا سکسان قدر سفائن حربیه یی تجهیز و نوازم سائر دینی اکیال ایدوب کلیبولی ساحلندن حرکت و چناق قلعه بوغازنی مرور ایدرک آکوس یونامی [۱] [آق باشی قویی، اولکر دره] سمتنه توجه ایلدی و بوغازک اوته کی طرفده بولسان داردانلیا [چناق قلعه] یه تقرب ایتدکن و ریون [کپز] برونی و آشیلوسک تر به سنی کچدکن صکره تده دوس [بوزجه آطه] آطه سنه مواصلت ایلدی ، ایکی کون قدر بوراده اقامت ایدرک دونما ایچون صو و سائر آلدی ؛ ساحل آدملرندن دخی کورکچی طوپلادی . و بوانتاده کریده قالان کمیلر دخی مواصلت ایدرک دونما مجتمعا حرکت ایدوب کیانوس ومدلی آطه لری آره سندن بعد المورور بحرسفیده دوغری ایلروله دی . اوکیجه بحرسفیده یاغ مور و شمشک و کوک کورلتیسی ایله شدتلی برروز کار اسوب عظیم فورطنه ظهور ایتدیکندن کمیلرک برقسعی بربری اوزرینه دوشه رک و قیالره چارپه رق غرق اولدیلر ، دیگرلری ده

«اویریا Iβηρία» دینلدیکی کچی اوراده ساکن اقوامک المهمی دخی «اویرس Iβηρος» تسمیه اولنور ایدی . آسیاده قافقاس طاغلرینک جنوب اتکلرندنه ساکن کرچی قومی کندیلرینه «کیورک» دیدکاری جهته اسکی یونانیلرده بونی «ایویرس» ه تحویل ایتمش و مملکتلرنی یعنی کرجستانی ده اویریا تسمیه ایلشلر ایدی . بوسبیه اسپانیالیلارده غربی آلائی اسمی ویریلدی . «آلائی» نامیله تاریخده معروف اولان بوقوم شمدیکی جنوبی روسیه ده وولغا نهری کنارلرنده ساکن ایکن میلادک دردنجی عصرینک نهایتنده و مهاجرت عمومیه دورنده دیگر اقوام ایله برابر اسپانیاه هجرت ایتشلر دی . ایشته بوندن طولایی مورخ اولجه وولغا نهیرینک کنارنده اولان آنلره و قافقاس طاغلرندنه ساکن «الوانی Alβανοί» تسمیه اولنان قومه نسبة اسپانیالیلره غربی آلان تعبیر ایتشد . (ملترجه)

[۱] یعنی «نیتوس» یا خود «بونتوس» قلعه سی ؟ . (ملترجه)

کیدییوردی. ذاتاً آنک مزیتی هرکس، دشمنلری بیله تقدیرایدییوردی. استانبولک تنظیم امور واحوالی متعاقب پادشاه حضرتلری آسیایه مرور ایتدی وبروسیه [۱] مواصلتله پدیرینک اوراده کی قبرینی زیارت و ذکر جیانی یاد ایله مظنن مراسم اجرا ایلدی و صندوقه سنی ترین ایتدی. متعاقباً آسیای صغرانک تنظیم احوالنه مباشرت ایدرک بعض محملرنده کرک بکلر و کرکسه اهالی طرفدن دولته قارشو کوستریلان خصمانه حرکاتک اوکنی آلهرق آسیایشی تأمین ایتدی و بوراده کی اراضی نی ولایات و سنجاقلره تقسیم و امر اداره سی ایچون ضابط و وایلر تعیین ایلهرک امور دولتی اصلاح ایلدی و حمزه پاشایی آنطولی و ایسی تعیین ایدرک استانبوله عودت ایتدی. بومعاملاتی اوتوز بش کون ظرفنده اکل و اتمام ایتشد.

استانبوله مواصلتده انشاسی اکل ایدلمش اولان مبانی نی زیارت و بویاده بعض اوامر اعطا ایله قیش ایچنده ادرنه حرکات ایلدی و کلیولی و ایسی و دونما قوماندانی اولان یونس پاشایی بوراده نزدیکه جلب ایدرک و نهای هایونک سریراً احضار اولنوب ناقوس (نقشه) آطه سی ردوسک اطر افنده اولان و پاروس [پاره] و زییا [مرتد] و استانکوی جزایرینک و او سمتده بونان دها بعض اطهرک اشغال ایدلمسنی اراده بیوردیلر. بو آطه لر ردوش آطه سندن ماعداسی. اولجه پادشاه ایله عقد معاهده و مصالحه ایتشدردی. یانکز ردوسیلر مصالحه عقد ایتمه ریک دائره مسالمتدن خارج قلمشردی و آطه نک لیماننه یالکیز اسپانیا قورصان کیلرینی قبول ایدییوردی [۲]. بو قورصانلر کیلر

[۱] مورخک استعمال ایتدیکی اسم «بروسانک» یعنی یونان حکمدارینک شهریدر. معلومدرکه بروسه ی «ویتانیا» Βιθυνία, Bithynia حکمداری برنجی بوریاس قبل انیلاد ۱۹۵ سنه سنده انشا ایش و شهری کنندی اسمیله تسمیه ایلش ایدی.

[۲] مورخک متن کتابده استعمال ایتدیکی «غربی یورلر» Ἰβηρος δυτικά و «آلانی» Ἀλανοὶ کله یدر. شمعی اسپانیا تسمیه اولان ممالکک زمانه قدیمده

اسرا نك يونيه آنی ویا دها زیادہ آچھے ایله استخدانی امر بیور مشردی، که بوده روم اسرا نك تأمین حسن حالتہ معطوف برتدیر مصیب ایدی. زیرا بو صورتله اسرای مرقومه معیشتلرینی تأمین ایده جکلر و تصرف ایلیه جکلری پازہ نی اصحاب تیمارہ اعطا ایله نفسلرینی تخلیص ایلیه بیلہ جکلردی. ذاتاً پادشاه حضر تلی ده آنلرک تأمین رفاهی آرزو ایدیور و علی السویه بتون تبعہ سنہ وبالخاصہ بو اسیر لره شفقت معمانہ سنی بذل ایلوردی. شہری تماشا ایچون سرایدن چیقدینی زمان اسرایہ تصادف ایلدکده در حال آتی دور دیرہرق عطیہ احسان ایدر و هر صورتله اظہار آثار مرحمت و قوت ایلردی.

علم و عرفانیہ شہرت شعار اولان ینادیوس نام ذاتی پادشاه حضر تلی نزد ہایونلرینہ جلب ایتدیری. بو ذاتک مزیت و درایتی اولجہ ایشتمش اولدینی جہتہ بعدافتح یک چوق آراتدیرمش ایسہدہ بولدی رہ مامشدی. نہایت بر چوق تحریاتدن صکرہ ادرنہدہ بزکویدہ و اشراقدن برینک خانہ سندنہ اختفا ایلدیکنی خبر آلدی، کہ صاحب خانہ ینادیوس لہ کندی آرسندہ عداوت بولندینی حالہ صرف آنک اقتدار و عرفانہ قارشی پرورده ایلدیکی حرمت حسیلہ نزدینہ قبول ایدهرک لازمہ مهماننوازیہ قصور ایتمہ مشدی. اوافق بر مصاحبہ ایله پادشاه حضر تلی ینادیوسک متانت کلام و سلاست بیانہ و مزیات و عرفانہ واقف اولدق بالذات حضور ہایونلرینہ چیقمق و صورت سر بستانہدہ مکالمہ ایلک خصوصندہ کندیلرینہ مساعده و آبروجہدہ عطایای سنہ اعطایلہ خرستیانلرک اوزرینہ پاتریق و دسپوط تعیین و کلیسا امورینی عہدہ سنہ توجیہ ایتدی. بخش اولنان امتیازات، ازمنہ قدیمہدہ امپراطورلر طرفندن پاتریق لره ویرلمش اولان امتیازاتک دونندہ دکل ایدی. حضور شاہانہ لرنده خرستیانلرک دینہ و خصوصات مذہبیہ لرینہ دائر سر بستانہ ایراد کلام ایتسی ایچون ینادیوسہ مساعده ایدیور و نزدندہ بولنان رجال ایلہدہ بعضاً آنی زیارتہ

خلیل پاشانک تلقیناتی اثری اوله رق برتقریب ایله حکومتی غیب ایتمش ،
آنک دام اغفالنه طوتلشدی . استانبولک محاصره سنده دخی روملرله
خفیاً مناسبتده بولنه رق تصورات پادشاهی بی افشا ایدر و پادشاهی فکرندن
واز کچیرمکه چالیشیردی . مع مافیله کیفیت قتلنده بواسباب ظاهر ددن بشقه
اسباب خفیه بولنمق احتمالی ده واردر . خلیل پاشانک یرینه وزیر شجیع
ونجربه دیده اسحق پاشا تعیین اولندی .

تاریخ عثمانی ایلیزه خیمه سوره سنه ۱۰۹۴

قریتو وولوس

ایکینچی کتاب

بو کتاب اینوزک الحاقده و صربلر او زیننه واقع اولان حرب ایله
صربایلرک تابعیت عثمانیه ایله ادخالنه ولیمنی وطاشوز و سمندرک آطه لرینک
ایتالیانلردن ضبطنه و خلاصه بو اوچ سنه ظرفنده تحدث ایدن وقایعه عائد
تفصیلاتی حاویدر .

پادشاه قسطنطیذیه عودتی متعاقب شهرک اسکانه و اعمارینه مباشرت
ایتدی . ولایادن جلب اهالی ایچون فرامین و ارادات سنیه اصدار ایلدی .
بو صورتله خرستیابلردن ، تورکلردن و حتی یهودیلردن بر چوق عالمی بی
استانبوله نقل ایتدی . بعده سورک بیقلمش و مرور زمان ایله مائل انهدام
اولمش محللرینک یکیدن انشاسنی و شهرک بالذات انتخاب ایلدی کی اک کوزل بر
موقعنده ذات شاهانه لری ایچون بر سرای وجوده کتیرلمسنی و « آلتون قپو
Χρυσέα Chrysea » دایمن حصار قپوسی طرفنده ، بر وقت روم ایمپرا-
طور لرینک قلعه سی بولندیغی محله ده مستحکم بر تلهه یا بلسنی و بوتون بو ایشرک
سریمه ا کمال ایدلمسنی امر ایلدی . دیگر طرفدن پادشاه حضر تلی امر انشا آتده

هجرت ایتمک تشبیه بولنیورلردی. حتی یعنی آطه سندن ایکی یوز قدر عائله کربده ، ساقره ، آغریبوزه کیتمشلردی . قریتووولوس حاله مطلع اولدوقده بعض امیدلرله اهالی نیک هجرتنه ممانعت ایلدی و کلیولی والیسی و دونما قوماندانی حمزه بکه بر آدم کوندروب آطه لره هجوم ایتماسی ایچون معاهده عقد ایلدی و آنک توسطیله پادشاهه برهیئت سفارت کوندردی، که بو هیئت آطه نیک رئیس روحانیسندن و بر قوجه باشیدن عبارت اولوب آطه لر اهالیسینک پادشاهه عرض انقیاد و اطاعت ایلدیکنی و شمدی به قدر مرعی اولان اصول اداره سنک کماکان دوام ایتمسی و -نوی معین برور کوویرلمسی و تعیین اولنه حق بر ذاتک مدیر صفتیله آطه لره کوندرلمسی بیان و استرحام ایلدیلر . بو ائساده اینوز بکی پالامیدی کندی مأمور لرندن برینی ومدللی بکی دوریه مخدومنی ایچی صفتیله پادشاهه کونده روب آطه لره اداره سنک کندیلرینه ویزلمسی استرحام ایلدکلرندن قریتووولوس طرفندن اعزام اولنان هیئت دخی بونلرله توحید مساعی ایده رک رجالری نیک قبولتی استرحام ایلدیلر . طرف پادشاهیدن مسؤلاری اسعاف اولنه رق امروز آطه سی پالامیدی به ولینی طاشوز آطه لری دوریه ویرلدی . آطه لر اهالیسی وقوعی پک ملحوظ اولان تهلیکه دن بو صورتله تخلیص کریبان ایلدیلر، که بونده قریتووولوسک فرا-تتک و دور اندیشلکنک بویوک حصه سی واردر . بوضره لرده صدر اعظم خلیل پاشا توقیف اولنه رق بعده اعدام اولندی . کندیسی پک زیاده ثروت صاحبی اولدیغدن نقودی و بالجمله ثروتی جانب میری به آنوب مخدوملرینه جزئی برشی بر اقیامش ایسه ده بر مدت صکره ثروت مذکوره تماماً اوغللرینه اعاده ایلدی . خلیل پاشانک قتلی شهه سز بعض اسبابه مینیدر، شوبله که :

خلیل پاشا سلطان مراد ثانی زماننده پک زیاده حائر نفوذ اولوب او وقت ولی عهد اولان سلطان محمد خان حضر تلیرینه اکثر امورده مخالفتده بولنوردی . پدری حیاتنده حکومتی اوغلنه تودیع ایتمسیکن

بعده پادشاه حضر تتری سلیمان یکی شهرامینی (صوباشی) نصب و شهرک
 اعمارینی عهده سنه تودیع ایدوب موسم صیفده کنایسی ادرنه به عودت
 ایلدی . صر بلردن ، آنا وودلردن و مورالیلردن و ساقز و مدلی آطه لری
 اهلایی طرفلردن ، ایران شاهندن ، مصر سلطانندن ، قره مان بکندن
 ادرنه به سفارت هیئت لری ورود ایدرک موفقیت حضرت پادشاهی نی تبریک
 ایلدیلر . پادشاه حضر تتری بو هیئت لری قبول و حق لرنده بذل اتفات ایدر
 و عطا یا و غنائمن بعض هدایا اعطا ایلوب عودت لرنده دخی مراسم مخصوصه
 ایله تشییع ایتدردی . بوسفارت هیئت لرندن بعض لری به او صر دهده معاهدات
 صلحیه عقد و بونلر طرفیندن یمینلره تصدیق ایلدی . بر قسمنه استرخاه
 ایلدکلری شیلری بخش و بر قسمنک ویره جکلری ویرکولری عفو ایتدی .
 خلاصه هپسنه قارشی صلح پرورانه اداره کلام و ایضای معامله ایتدی .

قیدر قیته ادخال ایتدیکی اولاد اشرف ایچندن ک ایلی رینی انتخاب ایدرک
 کیسی خاصه آلاینه و کیسی ده خدمات خصوصیه سنه ادخال ایلدی .
 چونکه بونلری عقل و مزیت و حسن تربیه لری ایچون زیاده سیله تقدیر
 و تحسین ایش ایدی . فی الواقع بوکنج آدم لر هم جسماً کوزل همده ماهیه
 نجیب و ذکی و اصیل و صاحب حسن اخلاق ایدیلر .

بو ائنده بحر سفیده بونان جزیره لر دزدخی بر هیئت سفارت ورود ایتدی ،
 بو هیئت ترجمه ایتکده اولدیغمز کتابک مؤافی امروزلی قریتو وولوس
 طرفدن اعزاز اولمشدی ، شویله که : ایمراطور قسطنطنیه تابع بونان
 امروز ، لیمنی و طاشوز آطه لرینه ایمراطور طرفندن تعیین ایدیش اولان
 مأمور لر شهرک فتحی و ایمراطورک و فاتی استخبار ایلدکلرنده مایوساً
 هجرته با- لایوب لیمنیده بولنانلر آطه نک نهایتدن و امروزده کیلر « کفالوس
 Cephalos Kéfalos » بوزندن ایتا ایلسفا تاییه مملکتدن چیقیدیلر . آطه لرک
 اهلایی ایسه مأمور لرک قاچیشد قلی رینی کوردرک و تعرضی بر حرکتدن خوف
 ایدرک (اوزمان دونانک استانبول دن کلیبولی به عودتی مسموع اولمشدی)

تحت اسارتده بولان یزانس صنایدینه کنجه پادشاه حضرتلری بونلرکده اولاد و عیالیه اسکان اولملری ایچون کندیلرینه خانلر و یرمک و معیشتلرینی تأمین ایتمک ایستیوردی . حتی نوتاراسی شهرک اعمار واسکاننه نظارت ایچون شهر امینی تعیین ایتمک ایستیوردی و بو باده آنکله استشاره دخی ایتمش ایدی . فقط نزد پادشاهیده صاحب نفوذ اولان ذواتک تلقیناتی بوتون بوتون صورتک اجراسنه مانع اولدی . روملر برآز استراحت ایدرلر و اسارتدن تخلص کریبان ایلرلرسه راحت دورمیوب طلب حریته قیام ایده جکلرندن و یا دشمنلره اتحاق و التجا ایله علی التوالی علییده حرکتدن خالی قالمیه جکلرندن بحث ایدن ارکان دولت بونلرک محو و افنا اولملری ایچون نهایت پادشاهی اقتاع ایلدیلر . بوتون بوصناید و عقلای مملکتک قتلی امر اولندی . روایتیه نظرآ نوتاراس مقله واصل اولدوقده اولا چو جکلرینک قتل ایدملرینی استرحام ایتمدی و قتل اولورکن متین ، اندیشه سز نظرلرله آنلره باقدی و کندن اول اعدام اولندقلرینه متشکراً جناب حقه دعا ایتمکدن صکره جلاده تسلیم نفس ایدرک بیوک آدملره یاقیشه جق بر اولومله ترک حیات ایتمدی . کندیمی معتقد ، ذکی ، درایت و مزیت صاحبی برذات اولوب وقوف سیاسی یله شهرت شعار ایدی . یانکیز روملر دکل اقوام سائره بیله علو فطرتی تقدیر ایدیوردی . چو جکلرینک کندن اول انلاف اولملرینی آرزو ایتمسی بالاخره تبدیل دین ایتملری احتمالنه مبنی ایدی . نوتاراسک معیتده بولانلر دخی عینی صورتله انلاف اولندیلر ، که بونلرک عددرلی طقوز قدر اولوب جمله سی ده جسارت و بساتله ترک حیات ایلدیلر . مع مافیله پادشاهی بونلرک اعدامنه تحریک ایدن حسودلر دخی پادشاهک نفرت و غضبنی قزاندقلرندن بر مدت صکره اعدام و بعضلری ده رتبه و مأموریتلری نزع اولنه رق بدنام قلندیلر .

ذکر ایتمدیکمز وقایع شهرک فتحی متعاقب جریان ایتمشیدی .

سلطان محمد خان حضرتلری شهری سیر و تماشا ایتدکن صکره، اوردو کاهنه عودت ایله رک اموال غنائمدن انتخاب ایلدکلری کندی ایچون تفریق و متبایسنی معیتی افرادینه توزیع ایتدی. غنائم میاننده شهرک اصل فامیلیارینه منسوب کنج قیزلر و چوققلر بولنیوردی، که بونلرک منتخبلری پادشاه کندی ایچون آلیقویدی. حتی بونلردن بعضیلری عسکرلردن اشترا ایتدی. مملکتک اشرافی و ارباب علم و کانی نردینه جلب ایدرک حقلرنده معامله نوازش و تسلیتکارانه ابراز ایلدی؛ که بونلر میاننده «نوتاراس Notaras Notaraqas» ده بولنیوردی. نوتاراس فراست و کیاسنی، اقتداری و نفوذ سیاسی ایله عظیم شهرت قزائمش اولدیغندن پادشاه حضرتلری حضورینه قبول ایدرک تسلیت و تلطیف ایلدی، رفاقتنده بولنالردخی مظهر التفات اولدیلر. ذاتاً دوچار اولدقلری فلاکت و سفالت حسیهله پادشاه حضرتلری بونلرک حائنه قلباً آجیور و تأمین استراحتلری ایچون حقلرنده افکار رحیمانه و شفقتکارانه پرورده ایلیوردی. فقط بالآخره اورته یه چیتان حسد افکار خیره همایونک موقع فعله خیمه سنه امکان بر امدی. پادشاه حضرتلری محاربه ده ابراز شجاعت و بسالت ایلدانلری بر معتاد رتب و مناصب توجیهی و هدایا احسانی ایله تلطیف و عسکره خطاباً بر نطق ایراد ایدرک افراد عساکر حتمده بذل کلمات ثنا خوانی و ممنونیتکاری ایتدکن صکره اردویی ترخیص ایتدی. بعده ارکان دولتی و خواص معیتی ایله شهری کز مکه باشلادی. اک کوزل موقعی کندیسی ایچون بر سرای انشا اولمق اوزره انتخاب و متحیزان مملکت خانهلری ده خواص امراسنه هدیه ایلدی. بندکانندن بر قسمنده ایچنده ساکن اولمق ایچون محشم معبدلر وردی. کندیسی ایچون انتخاب ایلدیکی اسرای شهرک لیمانی ساحلنده اسکان ایتدیردی و اسرای سائره حتمده معین اولان ویرکونی بر مدت موقته ایچون عفو ایدرک آنلرده اقامتلری ایچون خانهلر وردی.

بوراره الك زياده شايان دقت اولان نقطه شودر كه حياتى هان بيك
ايكى يوز سنه لك بردور مديدى اشغال ايدن ايمپراطورلنگ اقبال وادبارينك
ايكى « قسطنطين » ك زمان حكومتته مصادف بولنسيدير . والدهسى النى
اولان « قسطنطين » بوشهرى بنا ايمش وهردرلو فيوضات ترقى وسعاده
مظهر ايشيديدى ؛ بينه والدهسى النى اولان « زواللى قسطنطين »
دار السلطنتك دشمن انه كچديكىنى كورمش وسلسله اسلافنه خاتمه چكمشدر .
قيصر قسطنطينه معاونت ايجون پاپا طرفندن سوق اونان اوتوزقدر
سفائن ساقز آطه سنه مواصلت ايتدكن صكره مساعد روزكاره تصادف
ايدميهرك اوراده توقفه مجبور اولمش ايدى . برمدت مرورنده شهرك
فتح اولديغنى خبر آلهرق عودت ايلديلر .

قسطنطين عاقل ، اديب و فطین اولوب دائما وقار ، احتياط و شجاعته
حرکت ايدردي . وسعت معلوماتى ، وقوف سياسيسى اسلافى اولان
ايمپراطورلردن اشغى دكلدى . بونكه برابر تشبث ايتديكى هرايشى اجراه
عزمكار ، تبعهسى ايجون غايت فداكار و صوك درجه فعال ايدى . حيات
سلطنت و حكمداريسنك سونمكده اولديغنى آكلايوردى ، زيراه تهللكه
راى العين مشاهده ايدىوردى . تختى دكسهده حياتى قورتارمق هنوز
ممكندى . نزدنده بولنانلردنخى محافظه حياتى كندوسنه توصيه ايدىوردى ؛
فقط بويله برحرکتى پك نامردانه بولدى و ايمپراطورلنگ سقوطنى كور-
مههك ، شهرك دوچار اولهجنى احوال الهميه شاهد اولماق ايجون ده
اول اولمكى ترجيح ايتدى . سورك رخنه دار اولان جهندن شهره هجوم
ايليان عثمانلى عسكرلرينك سونكولرى آره سنده تسليم حيات ايدى . صوك
نفسنده « شهرالدين كيتدى ، بندها بر حياتى يم ؟ » ديديكى روايت اولمقدهدر .
شوحرکتى كنديسنك شجيع و وطنپرور اولديغنه دليلدر . فقط بيجاره نك
عمرى طالع مزلكه كچمش و ترك حيات ايتميهده بيزانس اوجاغى ابدى
سونمشدر .

اولان اموانه ال اوزادلمه مش ایدی . بوسابه مبنی درکه بر مدت صکره حکومت اجنبیه یی دفع واستقلال لرینی یکیدن کسب ایدرک اسکی حانه عودت ایلدیه بیله شلردی ، فقط بوسفرکی ضربه پک تحمافرسا ایدی : اوزمان قسطنطنیه ادبیاتک ، معارفک جای رواجی و مرکز انتشاری ایدی . علم هیئت اربابی ، عالمی ، فاضلر هپ بوراده مجتمع ایدی . هر طرفنده آثار نفیسه صنعت کوزه چاریوردی . صنعتکاران دخی بو محیط ذوق وسفاشته طوپلانمشلر ، ایجاد نفائس وابداع محاسن خصوصده یکدیگریله رقابت ایدیوردی باخصوص مناسیرلر و کلیسارلر کبی بیوک و محتشم مبانی بر مجموعه زینت و احتشام تشکیل ایدیوردی . خلاصه شان و شرف و ثروت وسعادت هپ بوقعهده طوپلانمشدی .

فقط شهر ضبط اولوتجه ، ایجری کیرن میانجی ، حمسود و قیمت ناشناس اللر بتون بو آثار قیمتدار مملکتی محو و تخریبه قوبولمشلر . بوجمعه آثار نفیسه بر انحلال عظیمه اوغرامشدر . نفیس و قیمتدار شیر آلیور و غضب اولنیوردی . شهر واهالیسی صعود ایتدیکی اوج بالای سعادتدن شمدی عمق سیاه سفالته مهیب بر صورتده سقوط ایدیوردی . اسکی شرف وسعادتک بوش قالان برتری نکبت وادبار ایله دولیور . اوچه فخر ایله اسمی تکرار اولانان بومملکتیه شمدی « بدبخت » و حکمدارینه « زواللی » دینلیوردی . مملکتک اسکی حالی ، آثار عمرانی اسیرلکه . کوله لکه تنزل ایلمان رجال ونسوان و صیانتک لسانندن آنجق برحکایه ، برافسانه کبی ایشیدیه بیلیوردی . زیرا میدانده بشقه شاهد قالمشدی . خلاصه بو مرکز ذوق وسعادت مقرادبار وسفالت اولمشدی . بوده مملکتک طالع ناسازی ایدی .

احوال وامور بشریهده ثابت و پایدار هیچ برشی یوقدر . شئونات و حادثات بشریه بر جذر مدطبیعی به مربوط اولوب تحولات حیات بشریه به توفیقاً هر زمان متبدل ، آن بان متحولدر .

بو و قوعانی متعاقب پادشاه ایجری کیره رك و شهرك جسماتی و كوزلكنی و معبدلرله مبانی عمومیه نك كثر و عظمتی تماشاً ایدوب حیران اولدی. متحیزان بلده نك خانلرینك شیرینلكی و داخله ترینات فوق العاده سی پادشاهی حیرت ایچنده بر اقمشدی. پادشاه حضرتلری شهرك دوچار اولدینی حال خرابی و پریشانی بی کوردیکی زمان متخلق اولدینی حسیات شفقتکارانه کندینی تسخیر ایدرك شهرك بویله جه غارت و یغما ایدلمسینه نادم اولمشدی، که اوصیره ده کوزلرندن دو کولن سرشك تأثر و تأسف بو حس ندامتی پك جلی بر صورتده کوستریوردی. فضله اوله رق پادشاه حضرتلرینك « بویله بر شهری یغما ایدرك خرابه زاره چویردك » دیمسی ده نه درجه متأثر اولدقیرینی دها زیاده ایضاح ایدر. فی الحقیقه شهرك دوچار اولدینی تخریبات عظیمه و حصوله کتیریلن وقایع الیمه یالکیز پادشاهی دکل هر کسی متأثر ایده جك درجه ده پك شدید ایدی. واقعا «ترویا» قدیم یونانیلر طرفندن فتح اولمش و بابل شهری ده حوریش « کیمخسرو و Cyprus Kūros » طرفندن ضبط و تسخیر قلمش ایسه ده هیچ بری استانبول کی تخریب ایدلمه مش و اما ایسنه قارشى دها زیاده رفق و ملایمتله معامله اولته رق بند رقیته گرفتار و هتك عرض ، ازاله بکر کی شایان نفرت معامله لره دوچار اولمامشدر .

بوطالعسز شهر ابتدا اقوام غربیه نك یدتسخیرینه دوشه رك آلتمش سنه آنلرك پای تغلبی آلتنده قالدی و تملكتمده و باخصوص معبدلر ده کی بر جوق آثار قیمتمدار غربه نقل اولندی و شهرده قالاندرده آتشدن احراق ایدلدى . مع مایه تحدت ایدن ضرر و فلاکت بو نقطه یی کچمه مش یالکیز قیمتمدار و مادی اولان شیلره تجاوز اولته رق نسوانه و صینانه و معناً ذیقیمت

صریحدر . روجه بشیوز کله سی اولان « پندا کوس » ك بشدیک معناسنه اولان « پندا کیس هیلی » برینه استعمال اولدینی ظن اولور . بو مقدار دخی بعض مورخلرک روایتنه مخالفدر بونلردن بری اولان ساقزلی « له نوانردو » عثمانلی عسکرینك تلغاتی التمش بیکه ابلاغ ایدیور ، که بوه مقدارده پك مبالغه لی عد اولته ماز . (مترجه)

ایلدی. بعده بوتون سفائی خنکار قیوسی [۱] سمتدن قره‌یه یناشدیره رق و مذکور قبونک هنوز قاپالی اولدیغنی کوردکده کلیدی و زنجیرینی قیره رق شهره کیردی. اوراده برآلای ترتیبه کندیلرینی مدافعه ایدن روملره تصادف ایتدکده [قره عسکری شهرک بشقه جهاتی یغما ایله مشغول اولدیغندن هنوز اورایه واصل اولما مشردی] اوز لرینه هجوم ایله هپسینی محو و پریشان ایلدی. بو ائناده قره طرفندن کیرن عساکرده یتشمش و سواحله بولنان دیکر قپولرده تیریله رق باجمله عساکر و کچی طائفه لری شهرک ایچنه یا یلمش ایدیر.

بو ائناده غلطه سکائی آرتق شهرک ضبط اولدیغنی کورنجه پادشاهه عرض تسلیمیت ایلدیلر و قپولری آچه رق عسکریله ایچری کیرن زغنوس پاشایی استقبال ایتدیلر و بوندن طولایی هیج برکدره دوچار اولمدیلر. فقط قره و دکز عساکری علی الصباح شهره کیره رک نهب و غارته مباشرت ایلدکلرندن آز بر زمان طرفنده شهر خرابه زاره دونه رک مخوف برشکل آلدی، شودر جده که آز بر مدت اول بوراسنک بتون زینت و احتشامیه زمانسک اک پارلاق بر شهری اولدیغه و انسانلره مسکون بولندیغه اینانیله مزدی.

مخاربه ده کی تلفاته کلنجه ارکک، چوجق و نسوان ایله برابر اجانبده داخل اولدیغنی حالده مقداری درت بیک راده سنده در. اسیر اولانلرک مقداری ده الی بیکی متجاوزدر. عساکردن وفات ایدنلرک مقداری ایسه بشیوزه بالغدر [۲].

[۱] خنکار قیوسی دیو تفسیر ایتدی که منک کله سی روجه « و اسیا که پیل» Βασιλική Πύλη» در. بو قیو ایسه بالاده مورخن طرفندن سرد ایدین روایته نظر آلمان و زنجیرک داخلنده ایدی. بنابرین نه آلتون قپو «خریس پیل» Χρυσή Πύλη» نه ده شمیدی آخو رقپو عداولنه بیاور. آنجق ایوانسرای قپو سیله باغچه قپو سنک آرسنده کی قپولردن بری اولتی ایجاب ایدر.

[۲] عساکر عثمانیه نکه تلفاتی حقنده بیان اولنان مقدارک بک نقصان اولدیغنی

ملاحزلیله برابر بلا قید و شرط تسلیم نفس ای دیورلردی .
 پادشاه حضرت تارینک عمو جه سی آل عثمان خاندانندن « اورخان » ده سورک
 اوزرنده اولوب روملره معاونت ایتمکده ای دی . بو کسه کندیسنی تلف
 ایتک ایسته مین برادرینک [۱] قورقوسیه قسطنطین نزدیکه فرار ایتمش
 اولوب استانبولده اقامت ایتمکده و قسطنطین ایله بعض امیدلر بسمکده ای دی .
 اورخان شهرک فتح اولندیغنی کوردکده کندیسنی قورقوسیه قیدینه دوشهرک
 و اوزرنده کی عثمانلی کسوه سیله قونشدیغنی عثمانلی لسانندن بالاستفاده
 کندیسنی شهره دخول ای دن عسکرلردن کوستره ک کیزلیجه فرار ایتک
 ایسته مش ایسه ده طانیلوب تعقیب اولندیغنی حسن ایتدکده درحال
 کندیسنی سوردن آشغنی آتهرق تلف اولدی ، عسکرلرایسه همان باشنی کسوب
 پادشاه کتیردی لر .

دوئما قوماندانی حمزه بک آرتق شهرک ضبط اولندیغنی
 وعساکرک شهره کیره ک نهب وغارته باشلادقلمی کوردکده زنجیرک
 اوزرینه کیملره حرکت ایتدی وزنجیری قیره رق لیمانه کیردی . ایتالیا نلرک
 بیوک و کوچوک کیملری سفائن عثمانیه آره سندن چیه رق آچیق دکزه
 دوغری یلکن آچوب کیتدی کسندن [۲] اوراده یالکیز روم کیملری قالمش دی .
 حمزه بک بونلردن بر قسمنی غرق بر قسمنی ده طائفه لرله بر لکده ضبط

[۱] بوراده برادر تعبیر اولنان بالذات سلطان مراد خان ثانی در . حالبوکه
 ذکر اولنان اورخان بیله یرم بایزیدخاک بیوک مخدومی امیر سلیمانک و غلی قاسمک
 مخدومیدر . معنایه بیزانس مورخلردن بعضلرینک روایتنه نظراً مراد ثانی بک
 درت برادری وار ای دی : علاءالدین ، احمد ، اورخان ، حسن . و حالده اورخان
 بونلرک اوچنجیسی اولق لازم کلیور . بو روایت ایسه مورخک قبولنه
 موافقدر . (مترجه)

[۲] قریتووولوسدن ماعدا استنبولک فتحی حننده تاریخ یازمش اولان
 روم ولاتین مورخلرینک روایتنه نظراً ایتالیان کیملری عثمانلی کیملرینک آره سندن
 جبراً مسور ایتیب سفائن عثمانیه طائفه لرینک یغما ایچون شهره داغلمش اوللرلردن
 بالاستفاده یواشجه لیماندن چیه رق قاچشلردر . (مترجه)

پادشاه حضرت تلمری ایسه لوای عثمانی اوکنده موج ریز اولدینی خالدہ سور کیرک اوکنہ کلہرک اورادن تخذت ایدن وقوعاتی تماشا ایدیوردی . کیجه نکلظمتی دخی سنہ لردنبرو بزانیسی احاطہ ایدن سحاب سیاد وسفاهت کبی زائل اولدیرق صبح صادق آفاق تنویرہ باشلامشدی .

عسا کر هر طرفدن شهرک ایچروسنه هجوم ایدرک یولده تصادف ایتدکبری روملری قتل ایدیورلردی . ذالاً صباحلین بو عظیم کورلتی نی ایشیدرک کندیلرینی مسکنلرندن دیشاری به آتمش اولان اہالی بروقعہ ناکہظورہ تصادف ایتمش بولنیوروناجاز برآزده بی رحمانہ حرکت ایلان عثمانی قیلجگری اوکنده اکیلمکہ مجبور اولیورلردی . امید وانتظار اولنمیان بو حال روملری پک زیادہ شاشیرتمش اولدیغندن اوتیہ ، بروہ قاچیشیورلر وارکک ، قادین ، چوجق معبدلرک زیر سقفنہ التجا ایچون اورآزہ دوغری قوشیشیورلردی . قتالک شهر داخلندہ برآزشدتہ وقوعہ کلسی عسا کر عثمانیہ نکل روملرہ قارشلی اولان حدت و انفعالندن نشأت ایتشدی . زیرا اثنای محاصرہدہ بعض روملر تحسناکھلردن عثمانلی عسکرینی ذم و شتم ایلہ تحقیر ایشلر ایدی . فقط صورت عمومیہدہ دینلورکہ جیوش عثمانیہ بوحرکتلریلہ خلق اورکوتمک ، قورقوتمق واسارت آنتہ الملق ایستیورلردی . سورک جہات سائرہ سندنہ بولنان روم لشکری احوال جاریہدن معلومات آلمدیغندن قرہ ودکز جہتلرندہ کماکان امر مدافعہ بہ دوام وعسا کر عثمانیہ نی قلعه یہ چیقارتماق ایچون اللرندن کلدیکی مرتبہ سعی واقدام ایلورلردی . حالبوکہ دیگر طرفدن عثمانلی عسا کری قلعه ایچروسنہ کیرمش وحتی شهر داخلندہ صالدرہرق آرقہ طرفدن آنلری دوکمکہ باشلامش اولدیغندن بونلرک مدافعاتی پک غافلانہ ویسود ایدی . نہایت حقیقت آکلشادی ، جملہ سی غم ویأسہ کرفتار اولوب آنلردہ دیکرلری کبی کندیلرینی قورتازماق ایچون اختیار زاہ فرار ایلدیلر ؛ بعضیلری دہ کندیلرینی سوردن آشانغی آتہرق تلف اولیورلر ویافجہ اوغرامش کبی

و چادرینه نقل ایدلدی. یوستینوسک مجروحیتی روم عساکری اوزرنده يك فنا تاثیر حاصل ایش و قسطنطین عسکرك بوزغونلغنه سمیت ویرمامک ایچون محاربه سکونت بولتجهیه قدر اوراده قالمسنی یوستینوسه رجا ایش ایسهده عساکری سد و سسورک مدافعہ سندن مجانت ایلهرک رئیسارینی و کندیلرینی قورتاره رق کیلرینه قاقغه باشلادقلرندن قسطنطینک ویردیکی او امرک هیچ بر تاثیر اوله مامشدی [۱]. یوستینوس ایله معیتده کی عسکرك چکلمسی اوزرینه قسطنطینک بوش قالان صفوف حربیه بی املا ایدہ جک میدانده عسکری قالمدیغندن معیتده کی آدملری ایله یالکز بولدیغی موقعی محافظه و اورادن مدافعہ و مجاهدیه سعی ایلور ایدی.

پادشاه حضرتلری ایسه سسورک و سدک رخنه دار اولان محللرنده مدافعینک يك زیاده آزالدیغنی و بوسیدن آتش حربک کسه مکده اولدیغنی کوروب آرتق روملرک میدان کار زاری ترک ایله قاقغه باشلادقلرینی آکلادقده معیتده کی افراد شجاعت نهاد عثمانیه بی شو : « اولادلرم ! دشمنلر ثبات ایدہ میوب قاقچورلر و سوزده روملردن کیمسه قلمدی، آرتق شهر المزددره. فقط کوشک داورانمک، صوکنه قدر جسارتله دوام ایدهرک ابراز شجاعت و بسالت ایلیک، بنده سزکله برابر اولمکه حاضریم» سوزلرله تشجیع و تحریک ایلدی. عساکر عثمانیه مدھش کورلنی و شتاترله پادشاهدن اول سدک اوزرینه چیقیدیلر و اوراده بولنان بقیة السیوف دفع و بر قسمی سدایله بیوک سسورک آره سنده کی درین خندقه بر قسمی ده ایسته نلدیکی زمان سده مرور ایتمک ایچون یوستینوسک بیوک سسورده آچدیردیغنی کوچک قپونک ایلروسنه سوق ایدیلهرک قتل اولندیلر. ایمراطور قسطنطین ده بومیانده قتل اولندی. بوندن صکره سلاحدارلر مذکور کوچوک قپودن شهرک داخلنه دوکیلهرک ییغلمش اولان بیوک سسوردن ایچریه هجوم ایدرلردی.

[۱] سائر مورخار بوجریحه یوستینوسک صدرنده اولیوب قاصیفنده اولدیغنی بیان ایدیورلر. (مترجمه)

غالب کلهرك سوری قهرمانانه مدافعه ایدیلورلردی. نه قریب الظهور اولان قحطلق، نه اویقوسزلق لاینتقطع محاربه یه دوام ایتملرینه مانع اوله یور و بوصولته بدایه کوستردکلری ثبات و متانتده جسورانه اصرار ایلدیلورلردی. پادشاه حضرتلری سوق اولتان صفوف عسکرینه نک لاینتقطع حربه دوام ایده رک پک یورغون دوشدیکنی و بویوزدن شایان تقدیر بر موفقیته کوستریله مدیکنی مشاهده ایلدکده همان عساگر احتیاطیه نی تشکیل ایدن و سلاحداران و تیراندازان ایله مزراقیلردن عبارت بولتان جنودی و کندی معیتده بولتان عساگر خاصه و یکچیجری آایلرینی ایلرویه سوق ایتدی و بونلری تشجیع ایده جک سوزلرله برنجی خندقه قدر کلدی. سبور مدافعلرینک آرتق حرب ایتمهک مجاللری قالدیغندن پادشاه حضرتلری اوراده توقف ایده رک تیراندازانه و صپانچی و تفنگچیلره طاش و قورشون و مرملرله سوری ضرب ایتملرینی، دیگر سلاحداران و یاورانده خندقی کچه رک درحال سده تقرب ایتملرینی امر ایلدی. عثمانلی دلاورلری شوق عظیم ایله هجومه باشلایه رق سورلر اوکنه قونلش اولان دستیلری قیرمغه و اوکلرینه کلن هر شیئی پارچه لایه رق قلعه داخلنه کیرمهک چالیشیوردی. اردونک باشنده پادشاه مهابتناهک بولتمسیده کوکره مش عثمانلی عسکرینی دهها زیاده تشجیع ایلدیلوردی.

یوستینوس معیتده بولتان روملر ایسه خنجر، قارغی و مزراق کبی آلات حربیه ایله کندیلرینی مدافعه ایده رک عساگر عثمانیه نی قلعه یه صوقامغه چالیشیوردی. طرفین یکدیگرینه پک زیاده تقرب ایتمش اولدیغندن غوغا کوکوس کوکوسه وقوع بولیوردی. هر ایکی طرفک مشهور و جسور عساگری برصولت غضفرانه ایله یکدیگرینه هجوم ایلدکلرندن ییزانس سورلری اطرافنده صوک و شدتلی بر محاربه وقوعه کلدی. عسکرک آوازه سی عیوقه چیقور و منظره حرب کیتدکجه دهشت کسب ایلدیلوردی. نهایت یوستینوس صدرینه تصادف ایدن بر سهم ایله جریحه دار اولدی

وفداکارانه اوغراشوب غالب کلهرك وسورك وسدك اوزرينه چيقه رق بر مدت طيانرلر، لکن بعض دفعه شدتله کيرويہ دفع و اخراج اولتورلر ایدی . پادشاه ایسه کمال جسارت و شجاعتله بونلرک آرقه سندن کلهرك تشویق و تشجیع ایدر ایدی . اوزمان طوب ماکنه جیلرینه ده ماکنه لره آتش ویرملرینی امر ایلدی . بونک اوزرینه ماکنه لر سور اوستده مدافعه ایدن جنکاورانه احجار رمی ایتمکه باشلادیلر . بو ائنده هر ایکی طرفدن مشغول جنک وجدال اولنلرک اکثریسی تلف اولور ایدی . طرفینک، شجیعانه وقهرمانانه غیرتیه دوام ایدن بو حرب و مجاهده ایله کیجه نك قسم کلیسی مرور ایتدی . روملر ایسه یوستینوس ومعنی افرادی ایله ثبات ومقامت عظیمه ابراز ایتدیلر و اکثریا غالب کلدیلر و سدی جدی بر صورتده محافظه ایلدیلر و هجوم ایدن دشمنی شجیعانه دفع و تبعید ایتدیلر . ایشته حرب بوراده اوصورتله جریان ایدر ایدی .

امرا و سائر سرکرده لر قره طرفندن ، قبودان پاشاده دکر طرفندن سوری تضییق ایدیوردی . سورك اطرافه کوپریلر قوریله رق واسکله وماکنه لر یا قلاشدی ریله رق حرکات تعرضیه اجرا اولتیور و سورك اوزرینه چیقمه غیرت ایدیلوردی . حرکات مذکورہ الکز یاده زاغوس و قره جه پاشالرک مأمور بولندقلری محللرده شدتله وقوع بولیوردی . زاغوس پاشا سورك اوزرینه کوپری و زردبان وضع ایتدی ره رك سلاحدارلری بو واسطه ایله سورك اوزرینه چیقارمغه چالیشیور ، دیگر طرفندن ده لیمان داخلنده بولنان دونما سورك اطرافده طولاشه رق کمانکشان و تفنگ اندازان کیلرک کوپشته لرینی سپر اتخا ذ ایدره رك دشمنی زخمدار ایدیورلردی . قره جه پاشا دخی سورك اطرافه آچیلمش اولان خدقی مرور ایدره رك شجیعانه مجاهده ایلوردی .

روملر ایسه کندیلرینی هر طرفندن شدتله محاصره ایدن شجیع عثمانلی عسکرلرینی رجعته اجبار ایچون فداکارانه چالیشیورلر و هجوملر نده بعضاً

آلاتك يعنى سورنا و نقره لرك تيزدن چالمسنى امر ايلدى. بتون آلايلرك موسيقي لرى هپ بردن نغمات جنك و ستيزه آغاز ايلدكده بروج و حصونه و فضاي كردونه عكس انداز اولان آوازلى زمين و آسمانه اويله برغلغله و ولوله صادى كه شدتندن يراريله جق، كوك چاتلايه جق ظن اولتور ايدى. جنك اشارتى دخى چكلىدى. تيراندازلر و صبانجيلر و طوپچى و تفكجيلر اولجه اتخاذا اولنان ترتيباته توفيقاً ماشياً حزم و تأنى ايله سورك اوزرينه يورديلر. اوق منزلته واصل اولدقلرنده توقف ايله تيراندازانك اسهام و صبانجيلرك احجار متابعه سى و طوپچى و تفكجيلرك آتدينى تيمور و قورشونلر و حاضر لانان قارغى و مزر اقلر بدء حربى ايمايلىدى. محاصرين و محصورين يكديكرينه تقرب ايدرك هر ايكي طرفدن شامت عظيمه پيدا و الفاظ غليظه تحقيره مشدد هيجا اولدى و حرص و خشم ايله مرحتسزجه قتال باشلادى. بوحال دهشت اشمال وقت غروبه دكين ايكي اوج ساعت تمادى ايتدى. مجروحين كثير اولقله برابر مقتولين دخى آز دكل ايدى. بونى متعاقب پادشاه ندای عظيم ايله ياوران و سلاحدارانى و قصور اردواركانى جلب ايدوب آنلره: طاورانك اولادلرم! سزك ايجون بكيك آدملر اولديغكزى كوسترمنك شمدى تام و قيدرديه تشجيع ايتدى. آنلر ايسه در عقب مدهش صيحه و نعره لر ايله ايلرى آتله رق خندق مرور و سور خار جي به تقرب ايتديلر. حالبوكه بوسور طوپلرك صدماتيله كلياً خراب و منهدم اولقله يرنده يالكز بيوك اجاج ديركلردن عبارت سدلر و باغ چوبوغى و چالى چرپى ايله مملو چواللر و طوپراق ايله مملو دستيلر وضع اولمش ايدى. ايشته محاصرين اورايه واصل اولدقلرنده محصورين ايله كوكس كوكسه يعنى هر وقت الله اولوب يقيندن استعمال اولتور اسلحه ايله شدتلى غوطايه طوتشديلر. بر طرفدن ياورلر و سلاحدارلر مدافعه ده بولنان خصمه غالب كلوب سد اوزرينه چيقمغه و ديكر طرفدن روملر و ايتاليانلر آنلرى طرد و تبعيد ايدوب سدى محافظه سعى و غيرت ايلرلردى. سلاحدارلر جسورانه

راحت طورملرینی و بونلرک قسم قسم و بربرینی متعاقب میدان پرخاشه سوق اولنهرق و برفرقه نك حرب ایله مشغولیتی اثناسنده دیگر فرقه احتیاط بکلیه رك بوصورتله بالناوبه جریان ایده جك حرکات عسکریمدن طولایی حربك بلا انقطاع ادامه سنی و جنود محصوره به قارشو تعطیل مخاصات ایلاماسنی تئیه بیوردی . بونکله برابر هرکسه مواقع و اوقات تعیین ایله نه مثللو وزرده و نه وقت حرب ایتمک ایجاب ایده جکنی تعریف ایتمدی . متعاقباً اسبنه سوار اوله رق بتون صفوف عسکریمه سنی نظر دقتدن کچیره رك تقیش و بعضاً صورت عمومیده و بعضاً صورت خصوصیهده هرکسی حربیه ترغیب و تشجیع ایله دی . باخصوص آایلر امراسنی اسمیلله یاد ایدرک توجیه خطاب ایله ایله دی . بوصورتله بتون اردویی نظر تقیشدن و بردکردن دیگر دکره قدر سوری نظر دقتدن امرار و ایجاب ایدن خصوصاتی تئیه و هپسنگ ابراز شجاعت ایلملرینی توصیه ایتمکدن صکره طعام ایدوب جنک هواسنک ترمنه و علامت حربك ظهورینه قدر راحت ایتملرینی امر ایله دی . بومعاملاً نك ایفاسنی متعاقب چادرینه عودت ایدوب طعام ایله رك استراحت ایتمدی .

روملرایسه دشمن اردوسنک بو قدر سکوت و سکونته تعجب ایدرلر و تصورات متخالفه و افکار مختلفه به ذاهب اولورلر ایله دی . بونلردن بعضیلری حادثه یی اردونک فک محاصره ایله عودتی ایچون حاضرلقده بولندیغی صورتنده تلقی ایدیورلر ایسه ده اکثریسی حربیه دائر تهبائده بونیلیر ظنیه حقیقه تقرب ایلرلر ایله دی .

بمنوال مشروح هرکس منسوب اولدیغی آلایه التحاق ایدروسائر کونه تدارکاتده بولنور و حربك ابتدارینه مترقباً آارلرنده سکونت ایله بحث جریان ایدر ایله دی . پادشاه ایسه اقشامه قریب تمام ایکندی وقتنده یعنی آرزوسنه کوره کونش عساکرینک آرقه طرفنه ، دشمنلرینک کوزلرینه قارشو کلدیگی آنده ایلمک اول بوریلرک حرب هواسنی اورمسنی و دیگر

وبالای سوره صعوده چالیش و جری و جسور اوله رق و امثال افرانکه مثال کوسته .
ای اسحق و محمود ! هر بریکز دخی کندی آلاینی معینه آله رق .
سلامته خندق عبوره و زردبانلرایله بالای سوره صعوده غیرت ایدیگز .
کآنکشلر و طویجیلر و تفنکجیلر ایسه انسای مرورکنزده ایقاع
مشکلات ایتمک ایچون تحصنکاهلرده اولان دشمنلری شدتله ضرب
و تضییق ایسونلر .

ای خلیل و صاروجه ! هر بریکز معینکنزده آلایکز اولدینی حلاله
جانحینمده حربه حاضر بروضعیتده بولنه رق بی مجاهده ایدیوروسورک
منهدم اولدینی محلدن سورک اوزرینه چیقمنه جهد ایلور و ایالیانلری
مغلوب ایدیور و معیتده اولنلره شهره کیرمک ایچون یول آچور
کور دیککز آنده سزه قارشی تشکیل صف ایدنلری هر ایکی طرفدن شدیداً
اوره رق تعقیب و بولنلرده هیچ میدان بر اقیه رق بز لر ایله مشغولیتدن وهزیمته
اوغر اتدقلریمزه معاونتدن منع ایلکیز ، صکره کور یله جک ایشلر ایچون
بن کنندم دقت و اهتام ایده جکم . ایمدی سزلر سلامت ایله چادرو آلایلر یکنزه
عودت ایده رک طعام و براز استراحت ایدیگز .

پادشاه بوقدر اداره کلام ایته کدن صکره مجلسه ختام ویرمکله هر کس
آلایلرینه و چادرلرینه عودت ایتمدی . پادشاه دخی بعدالطعام یورغون
باشنی بالین استراحته قویدی .

علی الصباح اولاطویجیلری دعوت ایده رک طویلری تهیه ایدوب سورک
خراب ایدیلان طرفلرینه وضع و توجیه ایلرینی ، وقتی حولنده او جهته
مدافعده بولسانلرک اوزرینه آتش ایتملرینی امر ایلدی . آندن صکره
اطرافنده بولنان بتون آلائی و قوللری و سلحداران و تیراندازانی و بتون
بندکان عساکر خاصه سنی جلب ایله رک بولنلری فرقه ولوا و آلائی و بلوک
اصولنجه ترتیب و تقسیم ایله وقتی حولنده بر قسمنک حرب و تعرض
ایله مشغول و دیگر قسمنک تازه بر قوتله حرب ایتمک ایچون یرنده

خدمت ایتدیگیزی دوشونهرک عطالت ورخاوتدن توفی ایله برابر معیتکزده بولنانلرک بویله برحاله زنهامساعده ایتیکیز. بن جمله کزدن اول ایشه ابتدار وسزلر ایله برابر سعی وغیرت اظهار ایده جکم وهرکس نه کونه ایبای وظیفه ایتدیکنک شاهدهی اوله -حغ .

شمدی سزلره امرلرم شودر : هرکس کندی آلائی وچادرلرینه کیده رک طعام واستراحت ایتسون. مادونکزده بولنانلره تنیهائی تبلیغ ایلکیز. یارین علی الصباح قالفه رق هرکس کندی موقعنده منتظماً ترتیب صفوف ایتسون وشوترتیباً تمزاعیاره اص > ترشح ایتسون ومحسوس ومسموعی اولسون . آلایلری ترتیب وتنظیم ایتدکن صکره صامت وساکت طوریکیز . جنک شرقیسی مسموعکز وعلامت وعا منظوریکیز اولدیغی آنده اوتوسی سزه عاندر .

حزبهک ! سن جانب بجرده اولان سورک مقابلنده کیملر ایله طولاشه رق وبعضلرینه اوق منزله قدر یاقلاشه رق کآنکشلرک وطویجیلرک وتفنک اندازلرک مجهز اولدقلری اسلحه ایله قلعه اوزرینه شدتلی انداخت ایتلرینی امر ایله، تاکه تحضنکاهده بولنان دشمن نقرائی هیچ برطرفده باشلرینی طیشاری چیقارمغه وحرپ ایتمکه میدان بولسونلر ! کیملرک بعضلرینی ده سورک اکثری نقاطنده قرهیه یا ناشدیره رق سوره نردبان اوزاتمغه مأمورا اولان اشخاص ایفای وظیفه یه وسلاحدارلرده بوزردبانلردن بالای سوره صعوده جهد وغیرت ایلسونلر. بویله جه شجاعت ودرایتکی کوستر وامثال واقرانکه وجهاد آرقداشلیکه تفوق ایتمکه چالیش .

زغنوس پاشا ! سنده کوپری بی عبور ایده رک خلیج داخنده کی سورک اوزرینه شدت سریعه وعظیمه ایله هجوم ولیمانده بولن کیملریده لزومنده معاوتنگه جلب ایله. قرهجه بک ! معیتده بولنان عساکر ایله خندقی مرور ودره وراسنده بولنان سورک منهدم طرفه تقرب ایدرک اوراده مردانه مدافعه ده بولنان جنکاورانک بسالتکیزله حقندن کل ؛

قزاقانوب کیتمکدر، حتی بونار شمیدیک بزم آره صره اویونجاق شککنده
 سلاح استعمالزده هر وقت بویله یابه جغز ظن ایدرک ثبات ومقاومت
 کوستریورلر ایسهده هر طرفدن آتش حربک دهشتیز اشتعال اولدیغنی
 وموت وهلاکک تقرب وتحقق ایتدیکنی مشاهده ایلدکلر نده اینی بیلورم که
 اول وقت بو آدملر دقیقه فوت ایتیموب سلاحلریخی آتهرق یوزلریخی
 چوریه جکلر و آرقه لرینه باقیهرق قاچه جقلر وهیچ برشی آنلری فراردن
 منع ایتیه جکلر. مع مافیله فرض محال اولهرق ثبات ایتسه لرده بسالت
 ومهارت وجسارتیز در آن انلرک حقندن کله جکلر. حالبوکه بوفرضیه
 بن اصلا احتمال ویره م. شو افادامدن بادظفر بزم طرفه وزان اولهرق
 شهر قسطنطینیله نیک یدمؤیدمزله مسخر اوله جغه یقین حاصل ایتمشکزدرد.
 کوریورسککز که بوشهر بحرآ وبرآ هر طرفدن برشبکه داخلنده بولنیور
 کی مسدود ومحصوردر. شمدن صکره دست وسلاحزدن تخلیص
 کریبان ایتیمی غیر ممکندر. سزلرده بتون یکیتلککیزی طاقینکزی
 ومعیتمکزی ده حرارت وشجاعتکزه تشریک وشوق تام ایله ایفای
 وظیفه تشویق ایدیکز. آنلره اکلاتیککز که حربده عاقبت کار اوچ
 شیئه وابسته در :

عزم ، ناموس ، اطاعت . اطاعت عسکریه ندر ؟ اطاعت عسکریه
 هرکس بولندیقی موقع ووضعی ایوجه محافظه ایتک وسکوت وانتظام ایله
 حرکت ومعامله دن آیرلماقدر . بو اصول ایله هر بریکز مافوقندن کلان
 امری ایشیدیر ومعیتملیکزه تنبهرلیکزی ایصال ایدیه بیلورسککز. سکوت
 ایله حرکت ایجابنده سکوت ایدیلور و صیحه وندای بلند ایله حرکت
 ایجابنده اولوجهله معامله اولنور . محارباتده وبالخاصه قلعه غوغالرنده
 بو اصول یک مفیددر وبالجمله معاملات سائرده کوزل وانتظام وترتیب
 ایله حرکت ایتک منتج موفقیتردر . ایمدی اطوار مردانه ابراز ونفسکزه
 وماضیکزه لایق برصورتده مجاهده ایدیکز ونه درجه علوی بر مقصده

معلوماته نظر آيا لکز ايکي ويا اوچ کشي عيني مقدارده قله لرك آره سنده
 حربيه اقدام ايدييور . حتی بر جنکاور بو نوبتله اوچ ويا درت
 تحصنکاه اوزرنده حرب و جنک ايدييور ، بو طرزده حرب اي دن آدم
 يآما ما يور کسز و يا خود معنی تا تمام بر صورتده مجهز در . بو حالده او کي آدم لر
 بزم بو غلبه لکمز ه نصل کفايت ايده بيله جکلر . شورايي ده خاطر دن
 چيقار ميه لم که بزم عسا کر من علی التوالی حرب ايده بيلير ، آرالرنده مناوبه
 اصولی جاريدر يعنی عسا کر بری ديکرينی متعاقب ميدان حربيه کله رك
 اولکيلرينی دکشديرر و بو صورتله عسا کر کک ييوب ايچمسنه واستراخته
 و او يومسنده وقت يير اقلير . آنلر ايسه لاینقطع و متادياً آتش جنک
 وجدال ايچنده سائر و دائر در . بزم طرفزدن دائما حربيه معروض و مجبور
 ايدلکلری ايچون آرام و قتلری يوقدر . همده آرتق شمدي به قدر اولديغی
 کي يالکز مسافه بعيددن استعمال سلاح ايله و موقت هجوملر و تعرضلره
 دکل بردفعه حربيه ابتدار ايتديکمزده روز و شب دوام ايله غوغا متصل
 و متادی اوله جق و تعقيب ايدلديکمز مقصد حصول و ختام بولمديجه نه متارکه
 ونه ده تعطيل لمخاصات و قوعوبله جقدر . بناء عليه دشمن بو حرب متادينک
 ايراث ايدلديکی کلفت و زحمت و جوع و بی خوابیدن بیتاب قاله رق تسليم
 نفسه مضطر اوله جقدر . فی الواقع ييقيق سور اوزرنده تشکيل صف ايدن
 ايتاليانلر و بالخاصه قلعه ده کيلرک مغلوبيتی مشکل و مشکوک و اوزرلرينه هجوم
 ايدنلری دفع ايتمه ککافی ظن اولنور ايسه لرده (زیرا مکمل صورتده مسلح
 و مهارت حربيه يه مالک عد اولنور لر) بونلر حقنده جاری اولان مطالعه لرده بکا
 غير مقنع و غایت ناقص کورينور . اولابو آدم لر صاحب عقل اولدجه هيچ بر
 منفعت اکتساب ايتمه کسزين بشقه لرینک فوادی ايچون کنديلرينی
 حرب ورنجشه وهر درلو تهلکه يه معروض ايتمک ايسته ميه جکلر . ثانياً
 بو آدم لرك هر بری بريردن طوپلانمش عناصر مختلفه دن عبارت اولديغی
 جهته ل بونلرک مقصد اصليسی حرب ايده رك اولمک اوليوب بالعکس

و شبانی و تروت قدیمی و سائر بالجمله اموال و مفروشاتی غنیمت نامیده
 سزله ترك ایدیورم . سزبو شهرک ذکر اولنان بتون منافعنه مالک
 اوله رق کویا بر پارلاق ضیافتده کبی دنیا نعمتلیرینه طویاجقسکز او
 ضیافتک بقایاسندن اولاد و احفاد کزی ده متمم و حصه مند ایله جکسکز .
 رأس جهان اولان بو شهر شهرت افشانی فتح ایتمک سزک سرمایه
 شرف و مباحاتکز اوله جق او شهرک عظمت و سلطتی و نام و شهرتی
 انتشار ایتدیکی اقطار ربع مسکونده سزک نام جلا دتکز دوران
 ایده جکدر . شونی ده دوشونککز که دنیا ده اک بیوک صفا و استراحت و اک
 کوزل ثروت و سعادت عزت و شرفه وجوده کلان در . اولدن بری بزه
 قارشی خصومت و عداوت شدید بسلیمان، هر بر مصیبت مزده باشمزه بیتن،
 هر بروجهله بزم دولتمزه سوء قصدده بولنان بوبنده یی فتح ایله اورته دن
 قالدیر مق منافع مزک اک بیوکی دکلیدر ؟ بردشمن قومشودن رهایاب
 اوله رق بعد ازیں عمر مز صلح و آسایش دائمی ایله گذران اوله جق ؛
 قوموزی آجیق براقه بیله جککز و منافع مزی امنیتله حاضر اوله جفوز .

هر نه قدر شو دید کلرم طوغری ایسه ده شهرک فتحی پک او قدر
 قولای ظن و تصور ایتیمکز . مهاجمین ایچون سورلری آشق پک مشکل
 و بونلر بیوک تهلکه یه معروض و ضبط بلده بر امر عسیردر . اما ایشته
 کوریورسکز که بتون خندقلر طولدیرلش و قره یه ناظر اولان قلعه اوچ
 جهتن او درجه تحریب ایدلشدر که سزک کبی مسلح و خفیف مسلح
 اولنلره دکل آتله و آغیر صورتده مسلح سواریلره بیله سهولته مروری
 قابلدنر . شمدی سزله فتحی دشوار بر قلعه یرینه آت و اسلحه ایله مرور
 ایدلسی ممکن براوه و یریورم .

قارشومزده صف حرب تشکیل ایدنلره کلنجه بونلر حقنده ده
 بر قاج سوز سویلک لازمدر . بونلر پک قلیل اولغله برابر اکثریسی
 سلاحسز و صنعت جنکاوریده تجربهمز آدملردنر . فراریلردن آلدیغم

نظر و بصیرت‌کزه وضع ایدیلان مکافاتک کیمت و کیفیتنی و سزله ثروته برابر شان و شرف تأمین ایده جکنی و عزیمز بزی عظیم و مهم آمال و نتایج ایصال ایلده جکنی دخی اخطار ایلکدر . اولاً قسطنطینییه شهری هر نوع اموالند متشکل بر خزینۀ ثروت اولدیغنی بیان ایدرم . بونک بر قسمی سرای ایمراطوریده و اشراف و متعینان نزدنده در . اک کوزل واک جسم قسمی ده معابده مدخردر . بو صوگ قسم اوئی سیم وزری و ذی قیم اجمار و اینجودن معمول حلیاتی و مرصع مفروشات و هر نوع تبرعاتی حاویدر . مقداری حدواحصادن بیرون اولان بو ثروت عمومیهدن ماعدا خصوصی خانه لرده دخی چوق اموال و اشیای کرانها موجود در که ایشته بونلرک هپسنه سزله صاحب اوله جقسکز . ثانیاً بو شهرده ذکور و نسادن کوجلی قوتلی و حسنا و مستثنا افراد واردر که آنلری قید رقیته بالادخال بعضیسنی خدمتکزه استخدام و بعضیسنی بیع و فروخت ایده جکسکز و اینچلرنده سن ازدواجه واصل اولدیغنی حلاله مرآت جالنه غبار نظر رجال هنوز طوقونما مش پایکزه واصل دختر پری بیکرلری لائق اولدق لری سزله کبی شانلی بهادر لره منتظر بوله جقسکز . کیمنی دائرۀ حریمکزه فراش ازدواجکزه بکام و یا خدمت بیتیه کزده استخدام و کیمنی بیع ایله اسباب رفاهکزی آمام ایده جکسکز . بونلر سزک حقکزدر . فقط قسطنطینییه ده نلر یوقدر نلر ؟

صاحب جمال اطفال ، آثار صناعیۀ نفیسه ، بی مثل و بها معابد مزینه ، مبانی جسمیه ، بیوت محتشمه ، حدایق معموره . هر برینک تماشاسی باعث صفای عیون و بادی ذوق درون اولان اشیای کثیره بی دهه تعداد ایده یممی ؟ خایر ! بونلرک هپسنک تعدادینه شمذیلک لزوم یوقدر . ایشته بویه جسم و نفوس کثیره بی جامع و معموریت و شان و شهرتک درجه قصواسنه متصاعد و رومالیلرک اسکی پایتختی و بتون کائناتک مغبوط و محسودی اولان بر شهری و دروننده مبذول و مدخر رجال و نسوان

ایتالیان بردونما یوله چیقدینی و ساقز اطهسنه کلدیکی سوزلری دوران ایتمکه ایدی و پادشاه بونلره واقف ایدی . بناءً علیه آرتق محترزانه و متردانه وضعیت بر طرف ایدوب ودها زیاده تعلیق کیفیت ایتیموب اک صوک و شدید تشبئی بر آن اقدام اجرا ایتمک زمانی حلول ایتمش ایدی . اشته شو اسبابدن ناشی حضرت فاتح بتون قوتیله برآ و بحرآ شهرک اوزرینه برشدتلی هجومه قرار ویردی و بتون ارکان ورجال دولتی ، یعنی وایلیری ، آلائی بکلرینی ، سرکرده لری و بیگ باشیلری و یوزباشیلری و ملازمه لری واردوسنک بیوک کوچ - ضابطاتی و معینده بولنان عساکر خاصه سنی و بونلردن ماعدافرقه قوماندانلرینی و سفائن قبودانلرینی و دوننمانک بتون آمراتی جلب و حضورنده بونلردن مرکب بر مجلس عقد ایدرک بروجه زیر ایراد کلام ایتدی :

ای بنم پاشالرم و بکلرم و اغالرم و حرب حاضرده شریکلرم ! بنم سزلی بورایه جلب و دعوتدن مرادم شمیدی به قدر یاپیلان شیلرده بر تکاسل و یا مسامحه اسناد ایتک ایچون دکل انجق اجراسنی تصمیم ایتدیکم هجوم عمومیده دها بیوک حمیت و شجاعت ابرازینه سزلی تحریک و تشویق ایچوندر . بعضلرکز بووظیفه نک ایفاسنده اوایله بدرجه غیرت و همت ارائه ایدیورسکنز که هر نوع فدا کارلنی بورادن عدم موفقیتله دونمک عارینه ترجیح ایله بیککزی هر بار کورمکده ایم . بعضلرکز بونکلهده اکتفا ایتیموب انواع تشویقات ایله حسیات علویه کزی بشقه لرینه ده القا ایتمکه سکز بوده معلوم و مشهودمدر . ایشه بو سوزلرم تکاسل و مسامحه اسنادی کبی بر مقصده مبتنی اولدیغنی اظهاره دلیل جلیدر . بیان مافی الضمیره کلنجه بو دعوتدن بر مقصدم الحاله هذه حائز اولدیغکز محسنات بنم ایله برابر مخاطره یه سینه کشا اوله رق ابراز ایتدیکنز مسامحی جیهلنک و طالعت بخش و مساعده سندن ایلری کلیوب مزایات و شجاعتنکز مکافاتنی اولدیغنی اخطار ایتمکدر . ایکنجی مقصدم ایسه شمیدی پیش

و دوره دوام استدیله . بووقه فوق العاده فالخیر عد اولغندی و قلوب ناسه خوف و دهشت القا ایتدی . حقیقت حال بوتشأمی و قورقوبنی تأیید ایتسدر . تصویری طولاشدیران آلی اوکله وقتنده برباران طوفان نشانه طوتیلدی ، آردی آره سی کسلیمیان رعد و برق و طولو ایله قاریشیق یغمورک شدتدن آلیه داخل اولان خلق نه برآدیم آغغه نه برنده ثبات ایتکه مقتدر اوله مدی . او یله پریشانلق اولدی که چولق چوجق بیوکلر طرفدن لایقوله حفظ اولنسه سیلابه قاپیلاجنده شبهه یوقدی . بویله غیرمعتاد و دهشت آور طولی و یاغمورک نزولی فلاکت عمومیه نك صورت جریانته نمونه ایدی و سیلاب فلاکتک بتون ممالکده جریان ایدوب همپنی سوروب کورتوره چکنک علامتی ایدی .

بو حادثه نك فرداسی غایت کیف برسیس صباحدن آقشامه قدر بتون شهری احاطه ایتدی . بوده مطلق جناب ربك شهردن مفارقت و عزیمت ایتدیکنی و یا بورانك طرف باریدن کلیاً ترك اولنیدینگی و ربك بوشهره آرقه چوریدیکنی ایما ایدرایدی . چونکه جناب حق بلوط ایله مستور اوله رق کلور وینه عزیمت ایدر . بو وقایعه کیمسه عدم اعتماد کوسترمسون که کرک یرلی کرک اجنبی رأی العین شاهدی پک چوقدر .

سلطان محمد خانك تدارکاتی ختام بولوب اجرا آته مانع و حائل قالماشیدی . شهر هر طرفدن تماماً قوشادیلهرق داخلی و خارجی قلاعی طوب ما کینه لرندن انداخت ایدیلان مرمیات ایله یرله یکسان اولمش و خندقلری طولمش و خلیج آچیلهرق اورایه ناظر سورلر دخی تضییقه باشلامش و زردبانلر و اخشابدن اعمال اولنان قهله و دیگر بالجه لوازمات تعرضیه احضار قلمش ایدی . تقریباً الی کون قدر دوام ایدن حصر و تضییق محاصره وقتک مقدارینی کافی درجهیه ایصال ایلش ایدی . یالکز امید اولنمیان بر طرفدن ناکهانی بر حادثه ظهوری مثلا دکزدن قوتلی بر معاونتک و رودی احتمالندن بشقه جای اندیشه یوغیدی ، واقعا

تهدیدنده اولان قسطنطینیہ کیلری اللریخی چابوق طومشلردر . یوقسه یوستینوس وارقداشلری بومصیبتی حس بیلہ ایتمدن صولوغخی دکزک دیندمہ آله جقلر ایدی .

روملر ایچون بو تشبثده نتیجه لہمامسی اوزرینہ انخاذه توسل ایدیلہ جک تداییر قلیوب یالکز سورلردن سنک انداز ما کنہ لہ طاش و اوق آتمغہ تورک تکنہ لرینی ضرب و سربستانہ حرکاتدن منع ایدرلر ایدی و لیمان اوکنده اخذموقع ایدن کیلردن بعضیسی ده هر کون خلیجده بولتان تورک سفائی اوزرینہ بالمہاجمہ بونلری تعقیب ایله داخل مرصادہ ایراث خسار و مضاردن منع ایلرلر ایدی . چوق کرہ تعقیب اولتان کیلر تحت حکملرنده بولتان ساحلہ جان آتارکن قرہ یہ چارپارلر و بعضاً معقب کیلر عودتہ باشلادقدہ آنلر دخی کیری دونہرک آرقہ سنندن قووارلر ایدی . ایشتہ بوضورتلہ متقابلاً اوروب اورلق جنبشلیری و سلاح اوپونلری دوام ایدر ایدی .

عین ایامده شہرده بروجه آتی حادثات مهمہ سرزده ظهور اولدی کہ بونلر آز وقت صکرہ شہرک دوچار اولہ جنی مصائب و عواقبک علائمی اولوق اوزرہ طرف الہیدن اہالی بلدہ یہ تنبیہ و اشارت اولدینی استخراج قلندی . شہرک اوزرینہ اجرا اولنہ جق هجوم عظیمدن اوچ درت کون اولر رجال و نسوان عون الہیہ مراجعت ایله مریم آنانک تصویر ی اوکلرنده تنی خوان اولہرق زقاقلردہ طولاشور ایکن بو تصویر هیچ بر سبب اولقسزین ناکہان حامللری اللرتدن یوزاوستی برہ دوشدی . حضار جملہ ویکدل ویک آواز اولہرق قالدیرمغہ شتاب ایتدیلر ایسده تصویر قورشون کبی اغیرلاشہرق و کویا زمینہ یاپشمش کبی آشاغیدن جذب اولنہرق طوپراقذن فک ورفعی قابل اولدی . برخیلی کوششندن صکرہ حضارک دلسوز مناجاتی اوزرینہ پاپازلر و تصویر طومغہ اهل اولان ذاتلر تصویر ی قالدیرمغہ موفق اولوب حامللرک اوموزینہ وضع ایله سیر

تہلکہ یہ معروضیت ایدی . فالق بالکز بونکہ قلمہرق پادشاہک انشا
ایتدیردیکی کوری دخی اکمال اولندیغندن سلاح اندازان و کجانشان
اوزندن مرورایدہرک سورہ تعرضہ قیام ایتمکہ بو، سورک محافظہ سنک
تعجیلنہ محصورینی مجبور ایدی . لیماک آغزندہ وزنحیرک یانندہ بولان
سفائ صغیرہ و کیرہ آرتق داخلأ و خارجأ دشمن طرفندن تعقیب اولنہ .
جقلرندن محافظہ لرینہ دہا زیادہ اہتمام ایتمک لازمکدی . بناءً علیہ
محصورینک ضیق و عسرت حالی بر قاندها آرتدی . ینہ روملر بوقدر
صیقتی ایچندہ ممکن و قابل اولان اہتمام و غیرتی الدن بر اقامزلردی .
ایمدی یوستینوس لیماک آغزندہ اولان سفائندن کنڈینسہ عائد
برینی و ایتالیان کیلرندندہ اوچی بولندقلری محلدن تحریک ایہہ خلیجک
آغزی طرفندن تورک سفائٹک بولندیفی محکم قارشوسنہ نقل و اورای
بولنرہ موقع اتخاذا ایتدیردی . بوندن مقصدی بوکیلرلہ حرب ایتمک
و خلیجک مدخلنی سدایدہرک سفائ خصمی اورادہ حبس ایدوب ہیچ
بر محلہ حرکت ولیمانندہ بولنان کیلرہ ایراث ضرر ایتملرینہ میدان بر اقامق
ایدی . بو قرار ایسہ یک مصیب بر تصور و پادشاہک حرکتہ قارشوی احتیاطکارانہ
بر تدبیر متقابل کورینوردی . لکن حکمی یک آزوقت دوام ایدہ بیلدی .
چونکہ حضرت پادشاہک بووقعہ منظوری، بوندن حادث اولہ جق مضرت
ملحوظی اولدقہہ بوکامقابل بروجہ آتی تدبیرہ توسل و طوب ما کنہ جیلرینہ
ہنکام شبدہ ما کنہ لرینی خفیأ ساحلدہ سفائ عدونک بولندیفی محللر
قارشوسنہ نقل و تعیہہ ایلہ رمی احجاری امر ایدی . آنلر سر یعاً امر شہنشاہی
یرینہ کتیر دیلر و سفائٹک بریسنی اورتہ سندن ضرب ایلہ قعر بحرہ ایتدیر دیلر .
طائفہ سندن اکثریسی غرق اولوب نادراً تخلیص جانہ موفق اولانلر
یوزہرک دیگر سفائٹہ التجا ایتمشلردر . دیگر سفائٹک مرتبائی ایسہ درحال
فک لنکر اقامتلہ ممکن اولدیفی مرتبہ اوزا قلا شہرق بر موضع مأمنہ چکلدیلر .
طوب ما کنہ لری انداختہ مہیا اولدقلری سبیلہ بر تہلکہ عظاما تحت

سفائنك يلكنلرینی ایندیردیلر . بویلهجه غلطهدن مسافه قلیلهده اولان صغوق صو خلیجه [۱] وسط قطعده التمش یدی پاره کمی ایندیریلهرك اوراده اخذ موقع ایئدی. رأى العين منظوری اولیانلرك یالکز ایشتمکه اینانماسی غیر قابل اولان بوتماشای حیرتفرزا بنم ایچون اسکی عجم پادشاهی « آخو سور Εἰρήνης » طرفدن حفر و کشاد ایدیلمن اتوسك [اینه روز طانغك] قالدن دهازیاده غریبدر. طوغریسنی سویلك ایسترایسهك سلطان محمدك كوزلرمك اوکنده دون و اولکی کون میدانه کتیردیکی خارقه اخوسور حقنده نقل اولنان روایتك محتی تأیید ایدیور. زیرا بوتشبت فعله کلامش اولسه ایدی اخوسوره اسناد اولنان وقعه مصال کبی بیهوده نقل اولمش برروایت عد ایدیلهجك ایدی .

روملر هیچ بروجهله مأمول وانتظار ایتمدکلری بونا کهان حادثهینی یعنی خلیج داخنده سفائن دشمنك موجودیتی وشهره قارشى تعرضی برموقع الحاذینی مشاهده ایلدکلرنده کندولری ایچون الیم اولان بو منظرهیه قارشى حیرت واضطرابه ویأس وتلاشه دوچار اولدیلر. چونکه آرتق هر برمدار عملدن محروم قالورلردی. ذاتاً نه شهرک اهاالیسی نه ده ممالک اجنیه دن لاجل المعاونه کلنلر قره طرفنده اولان سوری محافظهیه کفایت ایتمدکلرندن وحتی ایکی ویاخود اوچ تحصنکاهك مدافعهسی برجنکاوره تودیغ ایلدلیکندن اوآنه دکین خلیجه ناظر تقریباً اوتوز استادیون مسافده اولان سورك محافظهسنه چندان اعتنایه لزوم کورلماش ایکن شمدی خلیجك خصم دوتماسی طرفندن اشغالی جهتله خلیجه ناظر سوری ده محافظهیه مجبور اولدقلرندن دیگر تحصنکاهلرده کی جنکاورلری اورایه نقل ایتمکه واولکیلری خالی براقغه مجبور اولیورلرایدی. او حالده سورك دیگر قسمتك اکثر محللری عسا کر محافظه دن محروم قاله جفندن امر مدافعه کسب صعوبت ایدر ایدی . بوکوی وضعیت ایسه بدیهی بر

[۱] بوکون ترسانه نك اولدینی محلدلر . لترجه

خلیجہ جبراً ادخال سفان ایدہ مدیکندن زادہ کیاست خاص الخاصی اولان یکی برتدیرایله شواملنہ موفوق اولمش و تشبثاتی نتیجہ ندر مشدر . شویله کہ دونخایہ مأمور اولان ضابطان وامرایہ سریمآ سفانک قرہ طریقیله خلیجہ امراری ایچون بحر خارجیدن (یعنی بشکطاش ساحلی [۱]) بحر داخلیہ [لیمانہ] قدر بریول انشاسنی وقیزاقلرایله تفریشنی امرایتدی . بویکی دکزک آراسندہ اولان مسافہ تقریباً سکز استادیون [۲] اولوب بونک نصفی یعنی تپہ نک رأسنہ قدر اولان محل یوقوش و خلیج داخلنہ قدر اولان محل انیشدر . بویول عملہ نک کثرتی سبیلہ پک آز زماندہ میدانہ کلدی . امرپادشاهی ایله کیلیریولک اوزرینہ سوق اولندیلر ، آلتزینہ بیوک مرتککر و ہر ایکی طرفلرندن وتدلر وضع و خلاطلرله قویاً ربط اولہرق سفانک موازتی تحت تأمینہ آلدقدن و دیرسک تشکیل ایدن یرلر کذلک قایش اورغانلرله احاطہ ایدلر کدن صکرہ کیلرک قیزاقلر اوزرنده جرنی پادشاہ عسکرہ امرایتدی . عسا کر کمال ہوس ایلہ ایپلرہ و مقارہ لرہ یاپیشدی و کیلری یوروتتمکہ باشلادی . سفان قرہ دہدہ دکزده اولدینی کبی مرتباتی تماماً ایچلرنده و لیکن وسائرہ مثللو تجہیزاتی دخی یرلی یرندہ ایدی . اثنای جردہ کویا دکزده سیر ایدیور کبی قوماندا ایلہ یلکنلری آچارلر و کورک چکہ جکلر کبی کورکلری اللرینہ آلیرلر وقو- ماندانلری دخی کوکر تہدہ دیرکلر اطرافندہ اوتہ بہ بریہ قوشارق و ایصلیق چالہرق و ندا ایدہرک و قامچی ایلہ کورکچیلرہ اورہرق غیرتلیری ایقاظ ایلرلر و ہر حالہدہ قبودان و طائفہ کمال مرتبہدہ علامت مسرت و شادمانی ابراز ایدرلر ایدی . کیلر طبقی روی دریادہ کیدیور کبی کورینسور و آچیلان یلکنلرایسہ ووزان اولان روزکاردن شیشرایدی . ایشتہ بوضورتلہ یوقوشدن تہ بہ صعود و اورادن لیمانہ نزول ایدہرک ولولہ عظیمہ ایلہ

[۱] متندہ کی اسمی « Διπλοῦ κίονος, diplou kionos » اولوب

چفتہ دیرک معناسنی بیان ایدر . مترجہ

[۲] ۱۰۱۲ مترودر . مترجہ

صفحاتی کمال دقتله تعقیب و نتیجه سنه انتظار ایدر ایدی و دونمسانک مطلق غالب کله جکی و سفان خصمک ضبط ایدیلهرک مرتبایله برابر حضورینه کتیر یله جکی امید یله مستریج ایدی . فی الواقع جریان ایدن حادثات امیدنی حیز حصوله تقریب ایتمش ایکن بغتةً وزان اولان باد جنوبی ایله سفان دشمنک خلاص اولسی باعث حزن و ملالی اولدی و راکب اولدینی آته اوره رق سکوت و سکونت ایله اورادن مفارقت ایتدی . بوعدم موفقیتی حال حاضرده ذهنی مشغول ایدن امر مهمه قارشی برفال خیر عد ایتیمه رک متأثر و غضبناک اولدی . بالطه اوغلنک کوشکلک و بحری کسزلیکی البته خاطره کلوب حقدنه مجازات شدیدیه ترتیب و فرمان قضا جریان و اصدار اولنه بیلیر ایدی . فقط بالطه اوغلی اثنای مصادمه ده طاش ایله کوزندن مجروح و جانسپارانه خدمتی مشهود اولدینی جهته سفان اعدانک سلامتی مقتضای حکم قدر اولدینی تفکر ایلهرک قوماندان موحی ایله باشقه برغضیه دوچار اولمقزمین مأموریتدن عزل ایله اکتفا ایدلدی . دونما قوماندانغی و کلیولی و الیلکی معنی ارکانندن و امور حریسه ده مسبوق التجربه و امنیت شایان دلیرانندن حمزه یه توجیه و تفویض اولندی . هیچ مأمول ایدلیان بر صورتده ظهور ایدن بو حادثه روملری براز تشجیع و ایجه تسلیه و یورکلرینی ده خیرلی امیدلره تملیه و استبشارت آتیه یه بو وقعنه ک مبدأ اولدینی ظننه دوشوردی . لکن حادثه نك ماهیتی جریان اموری سکتهدلیره جک حالده اولدیغندن امیدلری و سوینجلری آزمدت سورمشدر . مغلوبیت ، اسارت ، قتل نفوس ، نهب اموال ، هتک عرض نسوان و اطفال کبی انواع مصائب باشلری اوزرنده طولاشیور ایدی . اشته روملر ایچون او اتاده موقت براطمشان حاصل اولمشیدی . شهریار جلیل الآثار لیمانک ضبطی ایله سفاننه خایجک کشادینی و او جهتدنده شهرک ضرب و تضییقی حصول مقصدینه مدرس برچاره عد ایدهرک شمدی یه قدر اعمال ایلدیکی تدابیر و تجربه ایتدیکی حرکات ایله

ایله آشانغی براقیرلر و بوصورتله هم القا اولنان آتشی اطفا و همده سفائنه داخل اولغه اوغراشانلرک چوغنی غرق و افسا ایدرلر و بریاندنده مزاراقر و شیشلرله مدافعه نفس ایتدکلری کبی کیلره چیمغه چایشانلرک الیرینی بالطه لرله کسرلر و طوقاق و طوبوزلرله باشلیرینی قیرارلر ایدی. هر ایکی طرف کندی آدملیرینی تشویق و ترغیب مقصدیله چیقاردقلری آوازه تشجیعدن و طرفینک اوران و اوریلانلرینک، قاقان و قاقیلانلرینک و دوشوب قالقانلرینک سب و شتم و تحقیر و تهدید و نعره و فریادلرندن و مجروحینک این و افغانلرندن حاصل اولان ولوله مخوف کنکره آسمانده ظنین انداز اولیور ایدی.

سفائن عثمانیه ده کی محاربلرک کثرتی جهتیله مجروح و مقتول اولنلرک یرلری هیچ بروقت خالی براقلمیه رق سریعاً دیکری اقامه اولنور و صف حربی دائمی صورتده دینچ دلاورلر تشکیل ایلر ایدی. دشمن سفائننده بولنلرک هر نه قدر ثبات و جسارتلیرینه و مدافعه ده کی یرارلقلیرینه دییه جک یوغیسه ده عثمانیلرک دائماً کندیلیرینه متفوق قوت ابرازندن دوچار قور اوله رق خط حربی ترکه مجبور اوله جقلری آنده ناکهان شدید برلدوس روزکاری چیقوب یلکنلری طولدیره رق کیلری قوتله ایلر و طوغری سوق ایتدیکندن دوام پر خاشه امکان قالمدی، کیلر طاغدی. ایتالیان کیجیلری لیان آغزینی طوتدیره رق اوراده بولنان روم کیلیرینه التحاق ایتدیلر.

سفائن عثمانیه ایسه دشمن کیلیرینی تعقیب ایدمه یه رک آرقه ده قالدیلر. اشته سائق قدر بو اوچ کمی بی تهلکه عظیمه دن قورتاردی، واقعا چوق خیر پالانمشلر ایدی. بومصادمه ده دشمن کیلرنده اولنلرک یکر می ایکیمی مقتول و نصفدن زیاده سی مجروح اولمش و سفائن عثمانیه ده مقتولین یوزی و مجروحین اوتوزی تجاوز ایتمش ایدی.

پادشاه بوئانده ساحلده آت اوزرنده طوره رق وقایع حربیه نک بالمله

کتیرملری وعکس تقدیرده نه قوماندان نه ضابط نه طائفه بر حیات اوله رق
 عونت ایتمملری تنبهنی علاوه ایدرک بالطه اوغله حرکت امرینی ویردی.
 بالطه اوغلی بتون سفائی تحت قومانداسنه آلهرق بولندیغی محلدن
 کمال عظمتله فک لئکر عزیمت ایتدی و یلکن کورهک دشمنه طوغری
 ایلرولمکه باشلادی. غرور و امید زیاده ایدی، کویا که دشمن کیملری
 آووچنک ایچنده ایدی .

اوق منزله واصل اولدوقده اولاجزئی برمدت سکونت کوستردکن
 صکره جنکه ابتدار ایلدی. ما کینه لردن آتیلان احجار ایله سفائن خصمی
 و دیرکلرینی ضرب ایدر و سهام آتشیبار ایله بونلری احراقه چالیشور
 ایدی. دشمن کیملرینک جنکجیلری بالمقابله بسالت کوستریور و کیملرینک
 یوکسک مواقعدن بالخاصه دیرکلرندن و چناققلرندن اوق و طاش و مزراق
 یاغدی ریورلر ایدی. طرفیندن جنکاورانک صیحه لری و مجروحینک فریاد
 و نوحه لری اورته لئی بورودی . بو صورتله اوغراشماق خیلی مدت دوام
 ایتدکن صکره بالطه اوغلی صدای بلند ایله ندا ایدرک آرقداش لرینی
 تشدید صولته دعوت ایتمکله برجوش و خروشدر قوبدی و طرفین بری
 برینه کیریشه رک محاربه دهشت انکیز بر صفحه آلدی .

سفائن عثمانیه ده کی مجاهدین یقیندن استعمالی قابل اولان اسلحه نک
 اعمالنه ابتدار ایله سفائن دشمنی آشاغیدن طو تشدی ره رق احراق و قارغی
 و بالطه ایله اوره رق کویشته لرینی کسر ایتمک و کیملرک اوزرینه صحرایوب
 تیمور و خلاطرینه آصیله رق سفائنه داخل اولغه سعی و غیرت ایدرلردی .
 برطاقیده اوق و اوزون قارغی ایله و مزراقله دشمن نفراتی دیار عدمه
 کوندرلر ایدی . لکن بونجه سعی و کوشش ، بوقدر شوق و ورزش
 اوج ایتالان کیسینک حقندن کله میور ایدی . چونکه دشمنک زره پوش
 لشکری دخی فوق العاده بر بسالتله مدافعه ایتمکده ایدی . بونلر صو ایله
 ملو و اریل و دستیلری و آغیر طاشلری مقاره ایله یوقاری چکوب اسلوب

تکرار تنظیم و بولندی موقعدن جزئی انحراف ایتدی رهرک انداخت ایتدیله . طاش مالانهایه بر ارتفاعه وصولدن صکره غایت شدتلی برصدا ایله وسرعتله کیلردن برینک اوزرینه سقوط ایتدی . کمیده بولنانلردن بعضیسی تلف و بعضیسی دخی شدت صدمه دن قعر بجره نزول ایدن کمی ایله برابر غرق و نابید اولدی . قورتیلانلر اقل قلیل اولوب روی دریاده یوزه یوزه یقینلرنده کی دیگر سفاسنه صعوبتله التجا ایتدیله . سفائن سائرتهک مرتباتی کیلرینی تحریک و موقعلرینی براز تبدیل ایله رکه احجار مریمه نکه اصابت ایده میه جکی نقطه لری بولدیله و کماکان خلیجک محافظه سنه نصب نفس اهتمام ایلدیله . مع مافیله بو یوکسکدن انداخت حرکتی هیچ مأمول اولدیغندن محصورین و سکنه شهره القای خوف و دهشت ایلدی و جهلنی خلجان و اضطرابه دوشوردی .

بو وقعه دن اوچ درت کون مرور ایتیمکسزین پاپانک ایتالیدان اعزام ایتدیکی بیوک کیلردن اوچ قطعه سی آچیق دگردن (استانبوله) کلیمکه اولدیغی کورلدی . پاپا حربک کشاد اولدیغی و شهرک مدت قلیله ظرفدن محاصره یه گرفتار اوله جغنی خیر آله رق محصورینه علی العجله بو اوچ کمی ایله ارزاق و مهمات و عساکر معاونه کوندرمشیدی و لاجل المظاهره اوتوز کمی ده حاضر ایورایدی . بوسفائن کیسج قاله رق وقتنده تیشه مامشلردر . بو اوچ کیمیک ورودی پادشاه حضر تیرینه عرض و اخبار اولندی . اوده درحال دونما قوماندانی بالطه اوغلنی نزدینه جلب ایده رکه تقدر کمی وار ایسه کافه سنک حاضر و حرکتیه مهیا اولسنی و طائفه و کورکچی و سلاح اندازانک تمامیه تنظیم و ترتیب اولمنسنی و اسلحه نامنه هر نه لازم ایسه (سپروچوشن و سهام و قالقان و مزراق و اوزون قارغی و بالطه) جمله سندن مقدار کفایه ده آلمسنی و نفرات و ضابطاندن دکر غوغاسیله مأئوف اولمانلر قریبه چیقار بلوب جری و جسور و فرط شجاعته مفضور اولانلرک دونماده آلیقونسنی امر ایلدی و سفائن دشمنی در دست ایله کندیسنه

اوغراش مق بک حرارتی اولمشر . نهایت روملرک متسانته غلبه چالمق
ممکن اولمبوب تورک سفائی کبرو چکامکه مجبور اولدی . روملر براز
نفس آلدیلر .

سلطان محمد بو مهاجمده کی عدم موفقیتی متعاقب بشقه برطوب
ما کینه سی استعمالی تصمیم و بومقصدہ مبنی ما کینه جیلری نزدیکه جلب
ایلدی ولیمانک مدخلنده بولنان دشمن سفائنک ما کینه لردن آتیله جق
احجار ایله بولندقلری موقعلرده محو و غرق اولمیرینک امکان وعدم امکانی
آنلردن استفسار ایتدی . ما کینه جیلر غلطه سورینک بویله برتشنک موقع
اجرایه وضع اولمنسه مانع و محذور اوله جنی مطالعه سنی ایراد و ایضاح
و نتیجه مأموله نک استحصالی غیر قابل اوله جتی افاده ایلدیلر .

بونک اوزرینه پادشاه حضرتلری آنلره طرز جدیدده بشقه برما کینه
یا بلرینی تشکیل و بروجہ آتی صورت انشائی تعریف ایتدی .

شمدی استعمال اولنان ما کینه لرک شکلنده جزئی برتعدیلات اجرا سیله
طاشی یوکسه آتمق ممکن اولدیغی و بویله یوکسه آتیله جق طاشک
حین سقوطده سفائن اورتہ سنه تصادف ایدرک غرق ایدہ بیلہ جکنی و بوکا
دائر اولان برقاچ مقیاس ثقلت و نسبتی و ما کینه نک هدفی اوله جق کیلره
قارشو صورت توجیهی بالا طرف آکلاتدی . ما کینه جیلر مسئله نی تمامیه
تفهم و او بیلہ برما کینه نک وجوده کلمی ممکن برشی اولدیغی تیقن ایلدیلر
و تعریفه موافق برما کینه اعمال ایتدیلر و مواقعی کوزلجه معاینه و تدقیق
ایتدکن صکره اشبو یکی ما کینه نی غلطه ساحلندن بر مقدار اوزاقده
و سفائنک قارشوسنده بولنان یوکسه جک بر تپه نک اوزرینه وضع ایلدیلر
ولایقیله یرلشدیردکن و مقیاسات مخصوصه ایله اولچدکن صکره آتش
ادخالیه اشعال ایتدیلر . لکن برنجی دفعه سنده مقصوده نائل اوله مدیلر ،
چونکه ما کینه نک انداخت ایتدیکی طاش ارتفاع عظیمه واصل اولدقن
صکره نزول ایدرک سفائنک قربنده دکزه دوشدی . ما کینه جیلر ما کینه نی

بالطه اوغلی بتون سفائی آلهرق و بونلره بکیت بهادرلر تعیین ایدهرک ولولهٔ عظیمه و شدت بی‌نهایه ایله روم سفائن صغیره سی و زنجیر اوزرینه یوریدی. سفائنک اوق منزله و رودینه قدر استعمال سلاحدن توقی و بعده اوزاقدن انداخت اصولنک تجربه‌سنه ابتدار قلندی و دشمن کیلریله تعاطیٔ سهام و طوبه باشلانیدی. بالطه اوغلی اعدانک کوچک کوچک کیلری اوزمغه و رامبه مانوره‌سنه کیرشدکده بورده لره دیزیلهرک متیٔ حرب و قتال و یورکلری لبریز شوق و همت اولان معیتی دلاورانی بعضیسی اللریله آتش آتهرق و کیمیسی آتشار اوقلر می ایدهرک سفائن دشمنی احراق ایتکی تصور و بعضیسی ده لنگرلرک خلاطرینی کسمکه و بونلرک و مردیونلرک اوزرینه چیقمغه جهد و غیرت واکثریسی مزراق و سونکو و غارخی ایله کیلرک اوزرنده مدافعه ایدنلری اوروب قتل ایدیورلردی. مع مافیله کمال شوق و غیرت ایله اجرا ایدیلان بومهاجهیه قارشی روم کیلرنده بولنانلرده [سفائن طائفه لری اوزرینه آمر تعیین اولنان و دکز جهتک محافظه‌سنی درعهده ایدن غراندوق [۱] طرفندن بونلر اوکی مهاجمانه قارشی تهیه و احضار اولمشلر ایدی] مرتفع و همده پت مرتفع مواقعدن یعنی سرنلرک ته‌سندن اوق و مزراق ایله مدافعه ایدهرک اصلمش اولان صوایله مملو فوجیلری و ایپار ایله باغلانمش آغیرطاشلری یوقاریدن مهاجم سفائن اوزرینه فرلاتهرق خسارات عظیمه ایقاع ایلورلردی. برطرفدن تورکلر دشمنلرینه غلبه ایله لیمانه جبراً دخوله و دیگر طرفدن ایسه روملر شجیعانه حرب ایله دشمنی دفع ایدهرک لیمانی محافظه‌یه عینی همت ایله چالیشورلر ایدی. هر ایکی طرفدن ابراز سعی فراوان اولندیغندن بو

[۱] روجه بیوک معناسنه اولان (μέγας) ولایتیجه آمر ضابط دینک اولان (دوقس dux) کله لرندن مرکب و سردار اکبر معناسنه اولان (Μέγας dux) کله‌سنی بوضورتله ترجمه ایتدم. ییزانسه برمسندا ولوب احراز ایدنلره ویربلان بو عنوانک مقابلی اوروبالبلرده آمیرال (آمرال یا خود امیر البحر) در.

قلان مواقعی ضرب و تضییق ایدر لر، بعضی‌ری ده کتیر دکلری نردبانلری و تدسینه تقریب ایله سورك اوزرینه صعود ایچون جهد عظیم کوستریرلردی. عینی زمانده طوپ ما کینه لری دخی سورده کی جنکاورانی مدافعه دن منع ایچون اوستلرینه احجار کثیره یاغدی ره رق اضرا عظیمه سبب اولورلردی. ایشته مهاجمین بوضورتله مهاجمانده بولنیورلر ایدی .

یوستینوس و معیتده کی جنکاورانک (آنلر سورك رخنه دار اولان محللرنده تعیبه ایدلش ایدیلر) و بونلرله برابر بولنان روملرک اکثریسی زره ایله مجهز اولدقلرندن مهاجمینک سهام و سائره سندن متضرر اولیه رق شجیعانه مدافعه ایدیورلر و تعرض خصمه بسالتیکارانه مدافعه ایله تشبثاتی عقیم بر اقیورلر ایدی. الحاصل روملر و یوستینوس بومصرانه مدافعه لر ایله غالب کله رک دشمنی دفع و سورك قربندن کیری چکلمکه مجبور ایتدیلر . مع مافیله بونلرک اکثریسی مجروح و مقتول اولمشلردی. بو تعرض اوصورتله دفع ایدلش ایسه ده سورك نقاط مختلفه سنه و بالخاصه رخنه دار اولمش محللرینه محاصرینک هر کون تعرضاتی تجدد و تکرر ایلر و محصورینده عین صورته شجاعت و مقاومت کوستره رک دشمنه میدان ویرمز ایدی . بالطه اوغلی ایسه سالف الذکر پرنکیوس قلعه سنی آورده قبضه استیلا ایتدکن صکره معیتده کی سفائن ایله سفائن سائره نک توقف ایتدیکی محله یعنی لیمانک اوکنه کله رک لنکر انداز اولدی . ایکی اوچ کون مرورندن صکره پادشاه طرفندن کندیسنه اوراده بولنان روم سفائن صغیره و کیره سنه و حائل تشکیل ایدن زنجیره هجوم و ممکن اولور ایسه لیمانه جبراً دخول ایتک ایچون امر ویرلردی. زیرا پادشاه عین حقیقت بولندیغی اوزره دکیز جهتده اولان سور دخی تضییقه باشلانیدیغی تقدیرده محصورینک قلت وضعفی شهرک پک واسع اولان محیطک تماماً محافظه سنه کافی اوله میه جغندن امر فتحک کسب سهولت ایده جکنی تخمین ایتمشیدی. بنسأ علیه شهری برأ و بحرأ تضییق ایچون هر نه صورتله اولور ایسه اولسون لیمانی و خلیجی تحت حکمنه رام ایتک فکرنده ایدی .

مرمیاتدن محافظه خصوصندہ کندیلرینہدہ تحصنکاه و سپر وظیفہ سنی ایفا ایلر ایدی؛ دیگر برفاؤدہ سی دها وار ایدی کہ اودہ: خارجدن شدتہ انداخت اولنان احجار مواد متصلہ اوزرینہ سقوطندہ رخنہ حاصل ایتدیکی حالده بویغینلره اوردقدہ کومولور و برضر حاصل ایلز ایدی. سدویغنک حاصل ایتدیکی بوشلغک اوزرینہ اخشابدن معمول و طوپراق ایله مملو ساقسیلر منتظم صورتده دیزیلیر و بونلر محصورنی محاصرین طرفدن آتیلان اوقلردن محافظه ایدردی .

سلطان محمد خان ثانی بالاده ذکر اولنان قلاعک فتح و استیلا سنی اتمام ایله عودتندن چوق مدت مرور ایتکسزین، آچیلان رخنلر واسطه سیله شهرنی ضبط و تسخیر ایتک ایچون؛ آرتق طولدیرلمش اولان خندقلر اوزرندن هجوم اجرا سنه قرار و بو عزم و نیت ایله سلاحدارانی و یایی و مزراقنی عساکری و معیت خاصه سی بولنان یکیچری آلاینی آلهرق سورک اوزرینہ شدید برصولته امر و یردی . یکیچریلر در حال ولوله عظیمه ایله خندق مرور و سوره تقرب ایتدیلر و اول باول اجرا ایتدکلی تشبث سوره حائل بولنان مانعه یه آتش القاسیله سدی احراق و جهات سائرده امر مدافعه یه سکتہ ایراث و بوضورتله مدافعینک خوف و دهشتنی تکثیر ایله قوه معنویله رینی کسر ایتکک اوغراشدیلر. بو خصوصده صوک درجه صرف غیرت ایتدیلر ایسهده بوتشبات آنلرک مأمول ایتدیکی نتیجه یی منتج اولدی. چونکه و تددسینک اوزرنده تمییه ایدلمش اولان جنکاوران شجیعانه مدافعه ایله آتشی اطفا ایتدیلر. بو عدم موفقیتی متعاقب محاصرین دیگر برتدیره تشبث ایدہرک مزراقلرینک اوچلرینہ ربط ایتدکلی چنکلرله یوقاریده بولنان ساقسیلری ایندیروب قیرمغه و بوضورتله قارشیلرنده حال مدافعهده بولنان جنکاورانی سور و تحصنکاه کبی استعمال ایتدکلی وسائطدن محروم ایتکک باشلادیلر . بونکله برابر یای و صپان و مزراقله مجهز و مسلح عساکر اجرا ایتدکلی انداختله سورک آلت مدافعه دن محروم

قامش و باغ چوبوغی و اوت و سائرہ کی قابل اشتعال مواد چواللرہ طولدیریلوب و سورک قربنہ ییغیلوب مطلوب درجہ ارتفاع پیدا ایتدکن صکرہ ایچندہ کو کورت و قطرانلی آتش یا قدیلمر . مساعد روزکاره مصادف اولان آتش تزید شدت ایله آلورلی قلعه نك تحصنکاهلری آشهرق داخله و لوجه باشلادی . اوراده بولنانلرک اکثریسی بوندن هلاک اوله رق تهلكه عظیمه ایله فرار ایدوب بلاشرط تسلیم اولانلردن یرلیر اسیر و فروخت و اجنیلر اتلاف اولندی و ایشته او حادنه ده بوضورتله وقوع بولدی . روملر و یوستینوس طوپ ما کینهلرینک مرمیاتیله داخلی و خارجی اسوارک خراب اولدیغی منظورلری اولدقده قلعه نك اوزرندن بیسوک مرتکک اوزادوب ، قالین ایپره یوک و بوکا مشابه مواد ایله ملو چواللر آصه رق احجار مرمیهنک تأثیراتی تخفیفه و سوری تخریبدن وقایه بئذ غیرت ایتدیلمر و بوضورتله سوری تخلیص ایدرز ظن ایتدیلمر ایسه ده بوتدایردن حاصل اولان منافع هیچ دینه جک درجه ده جزئی اولدی . چونکه طوپ ما کینهنک مرمیاتی تصادف ایتدیکی نقطه ده بولنان بوموادلی ساووروب طاغیدر و سوری ینه یبقار ایدی .

سور صغیرک قسم اعظمی و سور کبیرک دخی ایکی برچی آراسنده کی قسمی منهدم اولمش ایدی . روملر و یوستینوس بوتدایبرک کارکر تأثیر اولدیغی کوردکلرنده دیگر برچاره ایجاد و اختراعنه توسل ایتدیلمر . اوده عظیم و تدلری بربرینه قویاً ربط و الصاق ایله خارجی سورک رخنهلرینی قپاتمق ایدی . مع مافیہ بوو تدلری یالکز بوحالده بر اقیوب اوکلرینه هر نوع مواد احجاریه و اخشابیه نی و حتی طوپراق ایله قاریشدرمش اوت و باغ چوبوقلری و قامش و سائر مواد نمائله ایله طولو چواللری عظیم بیغین حالنده طوپلارلر بوضورتله حاصل اولان مانعه مطلوب درجہ کسب ارتفاع ایله دکده سهام آتشدن استتار ایچون بوموادلی جلود حیوانیه ایله محافظه ایلرلر ایدی . یایلان بو عظیم بیغیلر یالکز و تدلری حفظ ایتمز ، طرف دشمندن آتیلان

فوائد عظیمه بوصوك عملیاته لزوم اولدیغنی تبیین ایتدی .

ایمدی سورك اطرافنده بووقایع جریان ایتمکده ایکن حضرت پادشاه معیتته آایلردن برقاچ نفرات آلهرق غایت محکم بولنان [تهرابسا] قلعهسی اوزرینه حرکت ایتدی . اطرافنه اقامه ایتدیردیکی طوب ما کینه لرینک مر میاتندن قلعه نك چوق محلی تخریب و محافظینک اکثریسی اتلاف اولمقله بر حیات قلان قرق کشتی تسلیم نفس ایلدیلر، لکن بو مستأمنین با امر پادشاهی قازیقه اورملق صورتیله اتلاف اولندی .

پادشاه اورادن [استودیو Στουδίου Stuidiu] تسمیه اولنان قلعه نك اوزرینه حرکت ایدرهك بونی ده طوب ما کینه لری ایله ضرب و تخریب ایدرهك عینی کونده تسلیم آلدی . تسلیم اولنان لری شهر (استانبول) داخلنده بولنان لرك کورمسی مقصدیله سورینک قرینه کوندروب قازیقه اوردیره رق تلف ایتدیردی .

عینی زمانده دو تنانك آمری اولان بالظه اوغلی هیچ برکینک لیمانه دخول و خروجنه میدان ویرمامک ایچون معیتده اولان سفائنک قسم اعظمنی لیمانک مدخلنده و زنجیرک اوکنده بر اقره رق امر پادشاهی ایله بقیه سفائی بالاستصحاب (برنکیوس Πρίγκιπος, Prinkipos) آطه سنک اوزرینه حرکت ایتدی .

بو آطه ده بر محکم قلعه و درون قلعه ده اوتوز نفر اجنبی جبیلو و ارایدی . بوقلعه شدتله محاصره و جاب ایدیلان طوب ما کینه سی ایله ضرب و تضیق و سورینک بر طرفی تخریب ایدلدیسه ده صرف اولنان امککر سودمند اولمیه رق فتحنه ظفریاب اولنه مدی . عاقبت درون قلعه یه آتش القاسیله ضبطی چاره سنه باقلمسی طرف پادشاهیدن امر اولندی . عسکرک اوشونتسی ایله پک چوق

[۴] شمعی بیوک آطه تسمیه اولنادرکه روجه حالا بویه تسمیه اولنور .

ظن قوی به کوره بواسم یزانلیلر طرفندن استانبولک قرینده و مرمره دکزنده بولنان اوفاق آطه نك هیئت عمومیه سنه ویرلش اولان عمومی تعبیردن یعنی « برنکیسلرک آطه لری νῆσοι τῶν Πριγκίπων-isles des Princes » اسمندن نشئت ایتمشدر . بو تسمیه نك سبی ایسه ایمرطور زاده لر وارکان دولتندا اکثریسنک وقت وقت بو آطه لره نی اولنهرق ا. راده موقوف طو تملر بدر . (مترجه)

(ἄφετήριον aphetirion) آلتسیاله (Helepolis [۸]) کبی ویاخود (آلتسیاله) کبی براسم ویربله بیلسون؛ شمدیکی آدملرک هپسی مشترک براسمه «سلاح» تعیر ایدرلر. ایشته بوما کینه حقدنه بزامکان وخدمز دأره سنجه بوقدر معلومات ویره بیلدک .

ما کینلر تماماً اعمال واحضار اولندقدن صکره حضرت پادشاه ما کینه جیلره بونلرک خط محاصره یه کتیر یله سنی امر ایلدی وابتدا مه سوتیحون یعنی سورك وسطی تسمیه اولنان محله (اوتاغ هایون اوراده ایدی) کتیر تدی . بونلرک اک عظیم وقوی اولنلرندن اوچنی بالتفریق بونلرله سورك اوقسمنک ضرب اولنسنی امر ایلدی و دیگر ما کینلری سورك جهات مختلفه سنه و تعرض و تخریبه مساعد نقاط ضعیفه سنه نقل و تعیبه ایتدیردی. زیرا پادشاه حضرتلری بلده بی سرعت و سهولته آلمغه قرار ویردیکندن برچوق مواقعی بردن دوکمه قرار ویرمشیدی . محال متعدده یه طاغیدیلان ما کینلر سوره پک زیاده یاقلاشدیریلهرق انداخته ایتدار ایدلدیکندن سور دوچار تزلزل و تخریب اولمغه باشلادی و سورك صارصیلوب دوشمه سیله سلاح اندازانک مرورینی و سوره تقرب ایله ده ا یقیندن ضرب ایتلرینی تسهیل ایتک ایسته یین حضرت پادشاه ما کینلره یقین اولان حفره لرک یعنی قلعه خندقلرینک طوپراقله املاسته امر ویردی. بوقدر تهرات و تشبثادن ماعدا خندقلرده، سورك آلتندن شهره طوغری لغم قازیلسنی ده امر ایتدی . بوندن مقصدی آجیله جق لغملردن کیجه لین خفیاً جنکاورانک شهره دخول ایتسی ایسه ده بوعملیات شاقه نک اجراسی مصارف و مزاحم عظیمه بی موجب اولدینی کبی مصلحه تأثیری بولمندی بی ده متحقق اولدی . چونکه ما کینلردن استحصال اولنان

[۸] «اله پولیس Helepolis» اسکی یونان لسانده شهر ضبط ایدمی دیکنر . بونام ایله تسمیه اولنان ما کینلر اسکندر کبیرک اخلافندن محاصره چی دیک اولان «پولیور کیدیس» لقبیله معروف «دیمتیریوس - Δημήτριος» اسمنده اولان سردار و حکمداره اسناد اولنور. (الترجه)

رمی اولنان احجاره قارشى برقوهٔ مقابله متصور دکلدرد سورک درجهٔ
 نهاییه نخبین و متین و محکم بدنلرینک تاب آور مقاومت اوله میهرق خراب
 اولسی موجب حیرت و مرملرک شدت صدمه سنه دلاتدر . ملوک
 و سپهسالاران سلفک نه بویله برما کینه خاطرلرینه لایح اولمش ونهده مالک
 اولمشدردر . اگر مالک اولسه لردی قارشیلرنده کی قلاع نه درجه محکم
 اولور ایسه اولسون ضبط و تسخیری انهن مقابل سور انشاسی وانمیر
 آچلمسی و ظو پراق سورولسی وسائر کبی عملیات شاقه اجراسنی وسائر
 کونه کلفت وزحمتی اختیار ایتیه جکلر و سورلر بوکبی ما کینه لرله تخریب
 ایدیلرک سریعاً تسلیمه مجبور اوله جقلر و بوضورتله محاصره لرده هیچ
 برصعوبته دوچار اولیه جقلر و کندیلرینه مقاومت ایدن قلعه و حصار
 بولنیه جق ایدی . آنجق آنلرک بویله ما کینه لری یوق ایدی بوما کینه لر
 یوز الی سنه و بلکه برازدها اقدم المانیالی اسویچر یلرک [۱] اختراع بدیعدرد .

ثالثاً : بو حرکتی حصوله کترین اونک ترکیب و ترتیبی حقیقه شویله
 دیمک جائز اولور : بوخلیطه کهرچله ، کوکورت ، کمور و حشیش کبی
 حار و یابس مواددن مرکب بر روحدر . بو روح باقردن معمول هیچ
 برمخرجی اولیان قوی برقابک ایچنده ملفوفدر ، داخلأ حاصل اولان
 حرارتدن متأثر اوله رق حجر مرمینک اوقدر عظیم و شدید حرکت و قوتنه
 باعث اولور؛ چوق کره باقرک دخی بانلامسنه سبیت ویرر . بوما کینه نک
 اسکیدن براسمی یوقدر و معلوم دکلدرد ، مکرکه بوکا شهر افکن (*Ελάπολις*)

[۱] متن کتابده « *Γερμανοί Κέλται Germani Celtae* »

دیه محرر اسمی المانیالی اسویچر یلر دیه ترجمه ایتدم . معلومدرکه باروق ایجاد ایدن
 ودها طوغریسی اسلحه ده تطبیق و استعمال ایلان المان اسویچرلی « برتخوله
 شوارتج *Berthold Schwarz* » در . اسویچره حدودنده بولنان المانیای
 شهرلندن فرایبورگده تولد ایتشدرد . شوارتجک ایجادی میلادک ۱۳۲۷ سنه سنه
 مصادف اولدینی مرویدر . (مترجه)

اولاوت (ووتانی) دینیلان ماده ادخال اولسهرق ما کینهنک
 آرقه طرفنده اولان بتون خونوی وما کینهنک اولوغنی طاش استیعاب
 ایده جک ایکنجی اولوغک آغزیننه قدر تماماً طولدیریلیر ایدی ، بعده بو
 آغزنه غایت سرت آغاجدن کبیر پروتد قونیلوب تیمورالوز ایله اوروله
 اوروله اوت ایوجه صیقشدیریلور ایدی؛ اودرجهده که ضربهلرک قوتیه
 آلولنمک تقدیری مستنا اولهرق بشقه طریق ایله اورادن فکی ممکن
 دکل ایدی .

ثانیا ما کینه هدفک قارشوسنه کوتوریلوب رباب کیمسه لر صناعی
 مقیاسلر وحسابلر ایله اولچهرک استقامتی تعیین اولدقدن صکره ما کینهنک
 آلتی بیوک اخشاب دیرکلرله کوزلجه بسرلرلر واوزرینه دخی جسم طاشلر
 دوشرلر ایدی؛ بویله جه ما کینه فوقاً و تحتاً ویمیناً و یساراً صمصیقی مضبوط
 اولغله حرکتک قوت وشدتیه اولدینی موقعدن صیجرا یهرق هدفدن غیری
 بریحلی اورمغه مانع اولوردی . بعده آرقهده اولان کوچک دلیکدن اوتی
 قیلرلرلر و اوتک آتش المسیله مدهش برصدا وزمینک حتی اوزاقلرده اولان
 یرلرک تزلزانی موجب ومثلی نامسموع برطراقه وقوعبولور وبونی متعاقب
 وتد دهشتلی برکورولتی ومدهش برصارضنتی وبتون اطرافنی علولندیرر
 وقراردیر بر آتش ایله یابس و حار برروز کارله صدا ویره رک ایچرودن
 فیرلار وبوشدته طاشه اورمغله طاش دخی شدید برقوت وحرکتله ایلری
 آتیه رق سوره چارپار وبوصدمه نک تأثیریه سوری یقیوب برچوق رخنه لر
 آچار وانقاض پارچه لرینی اطرافه صاچار وهر طرفه طاغیلان پارچه لر
 تصادف ایتدیکی انسانلری خاک هلاکه سرر ایدی . مع مافیله بوتأثیر مساوی
 درجهده اولیوب سورک بعضاً بک بیوک قسمی مصاب اولور وبعض دفعه
 بونک نصفی حصول بولور وبعضاً دخی بالای سوردده کی تحصنکاهلرک
 ایچ وطیش برجلرینک برطرفی یا زیاده ویاخود جزئی رخنهدار اولور
 ایدی .

طولنك درنده بری نسبتده وبلدكه برازدها زیاده ایدی . بوندن بشقه اولهرق ذکر اولنان چاموردن عینی شكلده اولکیسی ایجریسنه ادخال اولنهجق وسعتمده مجوف برورو دها اعمال اولندی . بو ایکنجیسی برنجیسندن برقاریش ویا بر آزدها کنیش اولوب بونلر بربری داخلنه وضع اولندقده قالهجق آچیقلق مذاب برحالده بولنان باقیرایله املا ایددی . مع مافیة بو خارجی بورو بوشلغه املا اولنهجق باقیرك ثقلت عظیمه سیله پانلایهرق ماکنهك بیهوده هدر اولمامسی ایچون تیمور وتخته وطوپراق وطاش چنبرلر ایله کوزلجه صاریش وبوصورتله هر دلو تضییقاته مقاومت ایده جك صورتده متین ومحکم برحاله وضع اولنمش ایدی . بویکی ماکنهك پك یقیننده ایکی اوجاق ایکی طرفدن خونیلر ایچون یایلمش ایدی ، اوجاقلر سمیزطیندن معمول اولوب داخلی طوغاله ایله مکملأ ایشلمش وخارجی بیوک طاشلر وکیرچلی خرج ایله تقویه قلنمش ایدی . خونیلرک ایچنه باقر وقلای کبی معادنن برخلیجه همان بیك بشیوز اوقه قدر (بویله مرویدر) قونیهرق بعده اوزرلرینه کلیتلو مقدارده اودون وکمر بیغیلوب او صورتله که اوجاقلرک خونیلره اولان آغزی مستنا اولهرق هر طرفلری قپادیلیر ایدی . یاننده کی کوروکلر بلا انقطاع ایشدلمک شرطیله اوج کون اوج کیجدهده باقر تماماً اریهرك مایع وسیال برحاله کلوب بعده آغز لرك آچیلیمسیله باقر اولوقلر واسطه سیله سالف الذکر اسطوانه لرك آره سنه دوکیلیر ایدی وخارجی اسطوانه طولدقدن وحقی آغزندن طاشهرق صغودقدن صکره کنارلری اکه نهرک وطراقلرله ایشلنوب دوزلنهرک پارلاق ومجلا اولور ایدی [۱].

اشته ماکنهك اعمال واحضاری بووجهله اولور ایدی . کله لمحرکته :

[۱] مورخک استانبول محاصره سی اثناسنده یابلدیغنی کوستردیکی بو طوپک او زمانک دیگر روم ولاتین مورخلرینک اکثریسی محاصره دن چوق زمان اول ادرنده اعمال اولنهرق اوراد استانبول خارجه کتیرلیدیکی روایت ایدیبورلر . (مترجه)

محفوظ اوتوزبش [۱] استادیون مسافه‌ک محل روملر طرفندن مدافعه‌سز
براقلمش وبقیه‌سی ایسه کمال اهتمامله تحت محافظه‌یه آلمش ایدی .

پادشاه حضرتلری قوای بریه وبحریه‌سنی بویولده ترتیب وتمعیه ایتدکدن
صکره ماکنه جیلری نزدینه جلب وبونلرله ماکنه‌لر وسورک سرعاً
تخریبی حقده مذاکره وتعاطی افکار ایتدی . آنلرده اله بولسان
ماکنه‌لردن ماعدا (زیرا اولجه اعمال اولمش ماکنه‌لر موجود ایدی)
دیگر برماکنه اعمالی شرطیه‌قلعه دیوارلرینک چابوقجه هدم و تخریبی وعد
ایتدیلر . لکن سوزی صارصغه و تخریبه کافی برماکنه‌نک وجوده کلسی
کلیتلی باقرواشیای متنوعه سائرهمتوقف یعنی مصارف کلیه اختیاریی موجب
اولدیفنی بیان ایتدیلر ، سلطان محمد خان حصول مطلب ایچون هیچ
برشیئی دریغ ایتماکله برابر التزام سرعت و ابراز فعالیت ایدر اولدیفندن
بونک اعمال وانشاسی ایچون لزوم کوستربلان اشیای مبذولاً اعطا ایتدی .
ایشته اوزمان ماکنه‌جیلر طرفندن سامعینه اینانلسی ناقابل وناظرینه
دهشت آور مهیب برماکنه وجوده کتیرلدی . بونک انشاسنه وطرز
حرکتته دائر معلوماتم دائره سنده برقاچ سوز سویلیه‌جکم :

متین وصیقی ویاک طوپراق، کونلرله قارشیدیرلمق صورتیه چامور
حصوله کتیرلدی و بوکاربط والصاقه مخصوص وتماماً پارچهلره آیرلمش
کتان وکندیر وبومللو شیلر قاریشدیریلوب تفریق ناقابل مرصوص
برحاله قونیلدی وبوخلیطه‌دن مدورکونک شکلنده وقرق قاریش نولنده
جسیم بوری اعمال اولندی . انداخت ایدله‌جک طاشی استیعاب ایتمکه
مخصوص یعنی آغزطرفنک دائره محیطی اون ایکی قاریش عرضنده ایدی ،
اوت [۲] دنیلن ماده‌نک وضعنه مخصوص آرقه طرفنک عرضی ظنمه کوره

[۱] یعنی ۶ کیلو مترو و ۶۱۵ مترودر . (لترجه)

[۲] متن کتابده «βοτάνη, votani» دیه محرر اولان کله‌نک
ترجه سیدر. که حبشیش ونباتی بیان ایدر . پاروتک برنجی اسمی روملرده بوایدی .
حتی بوگون بیه روملر بعض یرلرده بارونی اوت معناسنه اولان «خورتاری»
«χορτάρι, chortari» دیه تسمیه ایدرلر (لترجه)

احاله ایتدی . بویکی بهادر شجاعت و مهارتله مشتهر و نزد شهریاریده پک منظور و مقبول ایدی .

پادشاه معیتده خلیل و قره جه پاشا لر اولدینی حالدله اجرای تفتیشات ایله بلده نك قره جهتدن سورینك و سطنده الك زیاده قابل تعرض تخمین ایتدیکی بر نقطه نك مقابلنی مرکز اتحاد ایتدی . نزد پادشاهیده بالجمله اندرون هایون طاقمی یعنی یاوران و یکچیریان و کمانکشان و سایر خدمه محشمه موجود بوانیوردی .

جناب شهنشاہ عساکر بریه نی بو صورتله تصنیف و تعمیمه ایتدکن و جانب بره ناظر اولان سوری قوشاندقن صکره امور حریبه بحریه نی بوایشلرده مهارتی مسلم و مزیات و مهارت جنکورانله معروف اولان کلیبولی میرلواسی بالظه اوغلنك کف کفایتنه تودیع ایتدی و مشار الیهی دو نمانك و بالجمله آسیا و آوروپا سواحلنك امیری نصب ایلدی . بالظه اوغلی سورك بحره ناظر اولان جهتنی یعنی شهرک آلتون قپوده کی زاویه سندن غلطه نك ترسانه سنه قدر قرق اوچ استادیون [۱] مسافه و سعق حائر سواحل بعیده سنی و بومسافه نی شامل اولان خلیجك زنجیرنی و زنجیرك بری طرفده یعنی خلیجده بولسان سفان رومیه نی دو نمانی عثمانی ایله محاصره ایتدی و هر کون حرکات تعرضیه ایله مشغول اولغه باشلادی . مقصدی لیمانله جبراً دخول ایله او طرفدن دخی سوری دو مک ایدی . برأ و بجرأ دائره محاصره نك محیطی دقتله حساب اولنورسه تقریباً یوزیکرمی آلتی استادیون [۲] ه بالغ اولدینی آکلایشیلیر ، بتون بو محیطدن خلیجده اولوب زنجیر واسطه سیله

روجه « Χρυσή Πύλη » کله سیله تحریر اولوب یدی قله طرفده ایدی . وجهه تسمیه سی دخی امپراطورلرک و عسکرلرک حربه عریضی و مظفرأ عودتی و یاخود خصوصات سائرله ایچون شهره دخول و خروجی تماماً بورادن وقوع بولدینی جهته محافظه سنه اعتنا و اهتمام ایدلدیکندن طولانی ایدی . (مترجه)

[۱] یعنی ۸ کیلو مترو و ۱۲۷ مترودر . (مترجه)

[۲] یعنی ۲۳ کیلو مترو و ۸۱۴ مترویه معادلدر . (مترجه)

بولنان فرقه‌یه دها برقاچ ضابط علا و سیله غلطه نك محاصره سنی و استانبول خلیج ولیمانك غلطه دن اودون قپوسنه [۱] قدر دوام ایدن ساحلی آنلره احاله ایلدی وزغنوسه کرامیک [۲] ایله قازشوسنده کی استانبول سورینك بیننده اولان خلیجك بوغازینه بر کورری انشاسنی امر ایتدی . چونکه بو طرفدن دخی شهرك اوزرینه سلاحدار و تیرانداز عسا کر سوقتی و بوضورتله شهر ی هر طرفدن ضرب و تضیق ایدرک محاصره دی تمام واکالی تصور و تصمیم ایدیور ایدی وزغنوسك معینته مارالذکر طرفده اولان سوری ضعیف و قابل تعرض اولان تقاطدن اور مق و صارصق مقصدیه برقاچ ماکنه و ماکنه جی و یردی . روم ایلی و ایسی قرهجه اله بشقه امرایه ایسه سورك اودون قپودن تکفور سراینه [۳] متوجهاً اگری قپویه [۴] قدر اوزایان قسمنی تودیع ایتدی و آناتولی بکله بکیسی اسحق (ایساق) و اول وزمان سردار بولنان محموده سورك ادرنه قپوسدن [۵] آلتون قپویه [۶] قدر پک وسیع قسمیه و بو طرفده کی دکزک بر قسمنی

[۱] شمدی « اودون قپو » دنیلن قپودکلدر . بو قپو بو کون آیوانسرای تسمیه اولنان محلك قرینده ترجمه سی اودون قپو اولان روجه « کسلیور پورته ا اودون قپو آی دیمتری کلیسایی معنانه اولان آی دیمتری تیس کسلیور پورتاس » دنیلن محله ایدی ، که بو کونکی کونده مسدوددر . (مترجه)

[۲] طوغله اعمالاخنه سی معنانه اولان « کرامیکا Ceramica Κεραμικά » تسمیه اولنان بو محل شمدیکی خاص کویک یرنده ایدی . (مترجه) [۳] مورخ متن کتابده بورایه « پورفیرویه نیدوس Πορφυρογεννήτου » یاخود « Βασιλεία Πορφυρογεννήτου » دییور . بوسرایک اصل روجه اسمی « تاکیرو Ταχύρου » در ، که « تکور سرانی [تکفور دکلدر] » تعبیر و تسمیه سی آندن نشئت ایشدر . (مترجه)

[۴] متن کتابده « حاریسو قپوسی Πυλη Χαρίσου » دینلمشدر . بو قپونك دیگر براسمی ده « قالیقاریا » در . (مترجه)

[۵] متن کتابده بونك اسمی اون بیک کشی قپوسی معنانه اولان روجه « μυριάδριον, myriandrion » در ، که روایت نظرأ سورك انشای انشاستنده استخدام اولنان او مقدار عمله ایکی طرفدن اعمالانده دوام ایله محل مذکورده بربرلرینه تصادف ایشلدر . (مترجه)

[۶] متن کتابده بوراسی آلتون یاخود یالیزلی قپو معنانه اولان

اوزرینه داخلدن بر خروج حرکتی اجرا ایدیله رک تلفات و مجروحین وقوعنه سبب اولدیلر . لکن عساکر منتظمه درحال امداد لرینه شتابان اوله رق روملری بالتعقیب شهره التجایه و قپولری سد و بنده مجبور ایتدیلر . آندن سوکره محصورین هیچ بردفعه خروج حرکتی اجرا سنه جسارت ایده مدی ، یالکز شهری محافظه نصب نفس همت ایلدی .

سلطان محمد خان ادرنه قپوسی ایله اگری قپو آرد سنه کی سوری هدف تعرض اتخاذا یایوب عسکر یله براوق آتیمی مسافه سنه قدر صوقوله رق بر مقتضای شعار جلادت و مروت استعمال سلاحدن اول روملری امانه دعوت ایتدی . کوندردیکی مکلمه مأمور لری روملره تکلیفات آتیده بولندیلر : روملر شهری بامقاوله و تأمینات تسلیم ایتسونلر ، اولادو عیال لری و اموال لری ایله هر بر تعرض اتدن مصون اوله رق کمال حضور و راحتله شهرده قالب و ثروت لردن انتفاع ایلسونلر . اهالی بلده بوتکلینی قبول ایتیوب شرائط سائره ایله صلحی قبول ایتمکه حاضر بولندقلرینی و فقط شهری تسلیم ایتمک ممکنمز اولدیغنی جواباً بیلدیردیلر . بوجواب رد واصل سمع پادشاهی اولدقده ویردیکی امر اوزرینه درحال شهرک اطرافده بولنان اراضی و اشیای سائره تخریب ایدلدی . اعظم رجال دولندن اولان زغنوس و خلیلی واردو ارکانندن و قوفلی و معتمد بر قاچ ذاتی دهامعینه آله رق کشت گذار ایله شهرک قرهیه ناظر اولان دیوارینی نظر تفتیشدن کچیردی . وهانکی طرفنک تعرض و تهاجمه مساعد وهانکی جهنتک نامساعد بولندیغنی و تخریب سور ایچون ماکنه لری زریه وضع واقامه ایتمک لازم کله جکنی تدقیق ایتدی .

بوتفتیشی متعاقب بتون اوردویه یعنی ظابور و آلائی و سائر قطعات عسکر یه نك امرا و ضابطاتی اتخاب و هر کسک حرب و تعرض ایده جکی مقامات و مواقعی تعیین ایلدی و وظیفه و خدمت لرینی امر و تنبیه بیوردی و شهرک قره و دکز طرفلر نده کی سورینی اقسامه آیره رق زغنوس قوماندان سنه

ظرفنده آثار ذکا و مهارت مجربه سنی کوسترمکین طرفیندن مقابله ویریلان و آلتان و عدی متعاقب امپراطور وارکان دولتی و بالجمله رجال حکومتی طرفلرندن حسن قبوله و اعزاز و تشریفاته مظهر اولدی و جنگ دوام ایتدیکی مدتیجه حربک ادارهسی بالاستقلال عهده کفایته تودیع ایدیلرک خفی و جلی کافه مصالح و معاملاتده و اسلحه و سایر جنکه دائر لوازمت و مهمات استحضاراتی مسائننده صلاحیت تامه بی حائز ایدی. ایوستینوس مأموریت جدیده سنک ویردیکی صلاحیت و قدرته بناء قلاعک تعمیراتی تسریع و قره طرفنده اولان سوری و تحصنکاهلری سنک انداز ماکنهلر و سایر هر درلو اسلحه تدافیه ایله تسلیح و مدافعه نقطه لرینی ایوجه تعیین ایله نقاط مذکوریه ضابطان و عساکری مناسبی وجهله اقامه و جهاهنه یکان یکان وظیفه لرینی تعلیم ایتشدر .

بالاده ذکر اولتان اصول اوزره لیمانکده کوچک و بیوک کیلر و هر درلو ماکنهلر ایله تحکیمی چاره سنه باقهرق سورک دکز طرفنده اولان قسمی دخی قره طرفنده کیلر کبی مقدار کفایه ده ترصین و تجهیز ایلمکی فراموش و احوال ایتماشدر. اشته امور حربیه و قوفی و مهاجمه و مدافعه قلاعه دائر ملکه و معلومات و اسعه سی مجرب و مسلم اولان بو آدم پادشاه مهاپتنهاک هیبتلی معسکرینه قارشو سورک مدافعه سنی درعهده ایتشدر. عساکر عثمانیه نک کزیده و توانا قسمی و پادشاهک عساکر خاصه سی و دیوان هایون آتفاً بیان اولتان قبولر حداسنده اخذ موقع ایدوب محاصره ماکنهلری دخی اورایه یرلشدر لیرلک اوزره اولدیغدن شهرک اوجهتی اک زیاده هجوم و تهلکه یه معروض ایدی. بناء علیه سردار مدافع دخی آنلرک قارشیسنده موقع طوتهرق معیتده بولتان جنکاوران و درتیوز جبهلو یهسادران ایله تهلکه لی نقطه بی محافظه و مدافعه یه قرار ویردی . بحربه طائفه سی کیلرده قالمشیدی .

درجنگ اول قلعه یه تعرض و تقرب ایدن برقاچ باشیبوزوق آیلری

روملر ایسه تدارکی مکمل قوای عظیمه بریه و بحریه نیک باشلرینه. مسلط اولدیغی کورنجه هیبت و عظمتته واله و حیران و اوغرایه جقلری حملاتک شدتی متفرس اولدیلر ایسه ده هر چه باد آباد مدافعه اسبابی احضار و اعداده تشمیر ساق جهد و فداکاری ایلدیلر. شوپله که : اولاً وضع ایتدکلری کوچک کیملر و قایقارله فم خلیجی سفائن دشمنه سد و بند ایتدیلر و بونلرک اطرافنده سفائن حربیه یراشدیردیلر. محاربه مقصدیه اولیه رق آنجق کنسیدیلرینه مخصوص بعض خدمات ایچون اوزمان تصادفاً استانبوله کلش بونان آلتی عدد وندیک کیسینی وکندلک امتعه ایله محمول اوله رق ورود ایش اولان کرید سفائنی محاربه ده استعمال ایده بیلمک اوزره استانبوله قالغه راضی ایلدیلر.

عینی زمانده « ایوستینوس Ioustinos Justinus [۱] » نامنده بر ذاته استانبوله ورود ایتدی. بو آدم صنف زادکندن و امور حربیه واقف شجعاندن ایدی و کندی طرفندن انشا و اسلحه مختلفه ایله تجهیز ایدلمش ایکی کیمی ده برابر کتیرمش ایدی. درون سفائنده طائفه دن بشقه درت یوز جنکاور رفقاسی بولنمقده ایدی. بو ذات استانبوله کلزدن اولساقز و ردوس آطلرینک اطرافنده کیلریله جولان ایتمکده و کندینک خصمی اولان برقاچ کسه لری ترصد و آنلره کین قوره رق فرصت کوزتمکده ایدی. سلطان محمدخان ثانی طرفندن بلده قسطنطینییه اوزرینه اولان عزم و قصدی خبر آغله بلاتکلیف روملره و ایمپراطور قسطنطینه لاجل المعاونه استانبوله وصول بولدی. دیگر بعض روایتیه نظراً بو جنکاور ایمپراطورک تکلیفی و ایده چکی خدمت و معاونته مقابل ختام حربده کندیسینه منی آطه سنک اعطاسی و عدی اوزرینه استانبوله کلش اولیور. بو ذات مدت قلیله

[۱] بو ذاتی مورخ « یوستینوس » دیه یازیور ایسه ده بونک اصل اسمی « جوانی لونقودی جوستینیانی Giovanni Longo di Giustiniani » در. جنوونک یوستینیانی دینان نجیب برعائله سندن نشئت ایتشدرد. (مترجه)

بر دوئنا و روی دریاچه بو مثللو جنبش نه کورنش و نه ایشیدلشیدی .
 زواللی روملرک نه حاللره دوچار اولدقلری ادنی ملاحظه ایله تظاهرایلر .
 وقایع گذشته و محاصرات سالفه ده دکر جهتی آجیق اولمغه قره دن
 کوردکلری تعرضات و تصدیقاتی وسائط بحریه ایله تلافی ایده کلشیر و بو
 سایه ده پاتختلری قورتارمشلر ایکن شمدی حاکمیت بحرک دخی اللرندن
 چقمسی حضور و شعورلری سلب ایتشیدی . دوئنا ی هیون ایسه
 رهنمونی توفیق باری ایله سمت مقصوده طوغری بادبانکشای اجلال ایدی .
 دوئنا کله طورسون شهنشاه عظمت پناه دخی سواری و پیاده جنود
 ظفر نمودینی بالاستصحاب ادرنه دن حرکت و استانبوله متوجها تحریک
 سراق سطوت ایلدی . موکب هایونک دارات وحشمتی انشای راهده
 یاز و اغیاری انکشت بردهان حیرت براقدی . ادرنه دن استانبول سفری
 جنک ماکنه لری برابر اولمق اوزره اون کون سوردی .

اونجی کون خارج قسطنطنیه به مواصلت قلنهرق قلعه دیوارینه همان درت
 ستادیونه [۱] قدر تقرب ایلدی و رومانوس قپولری [۲] حذاسنده
 اردو قورولدی . سفائن حربیه دخی یتیشه رک با امر شهنشاهی شهرک
 مقابلنده و مواقع مختلفه لنگر انداز اولوب بتون سواحلی قوشاتدی .
 شایع اولان بر روایت کوره عساکرک مقداری آرقه دن کلوب بعده
 اردویه التحاق ایدن فرق کثیره داخل اولدینی حالده اوچوز بیکی
 تجاوز ایتکده ایدی .

[۱] متده کی هان درت استادیون تعبیری یارم کیلومتره قریب برمسافه دره .

یعنی ۷۵۶ مترودر . (مترجه)

[۲] رومانوس قپوسی بالآخره طوب قپو تسمیه اولنان قپودر . حال بوکه
 استانبولک فتح و محاصره سی حتمده کی دیگر بتون روایتله نظرأسلطان محمدک
 اردوکاهی شمدی اگری قپو [اول وقت حاریسو یاخود حاریسیانی یاخود حاریسو
 Charsiou, Charsiani, Charisou, Χαρσιού, Χαρσιάνι,
 Χαρσιού] تسمیه اولنان قپونک قارشوسنده کی تپه ده بولنیورایدی . (مترجه)

حریه انشا و دیگر طرفدن مرور زمان ایله بوزولش اولانلری تعمیر
 و صودن متضرر اولانلریده آروجه ترمیم ایتدیریور ایدی که
 سفائنک بعضلری زرهللی [۱] اوله رق یاپلمشدر. اوتوز واللی چفت
 کورکه حرکت ایدر سریع السیر سفن خفیفه ده یاپدیرمشدر. انشآت
 و تعمیراتده خرج و مصرفی وسیعی و همتی اسیرکه مامشدر. حکم ایتدیکی
 ممالک وسیعنه ک یعنی اوروپا و آسیانک سواحلنده موجود کیلیری طوپلایوب
 بونلرک مرتب اتندن بشقه خدمات داخلیه و خارجیهلری ایچون دهالزومی
 اولان طائفهلری اتخاب و سفائنک قبودان و دو منجیلرینی و فریق و امیرلرینی
 نصب و درونلرنده بولنسی ایجاب ایدن سلاح انداز طوائف عسکریه نی
 کمال اهتمام و مسارعتله تدارک ایلشدر. محاربه و محاصره ایچون قوه بجریه دن
 بکلدیکی خدمت قوه بریه دن زیاده اولدیغندن دونمایی دهالزیاده نظر
 اعتباره آلهرق بونک اتمامی واکمال تهیاتی ایچون کمال کرمی و سماحت
 ایله ابراز غیرت و صرف ماحصل مقدرت ایتمشدر.

شهنشاه عالیجاه بتون قیش بوکلی اشتغالات و تدارکات ایله مشغول
 بولندی. موسم بهار تقرب ایتدکده کلیولی بیشکاهنده متحشد اولان
 دونماییه کلیولی و الیدی بالطه اوغلنی قوماندان و امیرال تعیین و درحال
 استانبول اوزرینه سوق ایلدی. سفائنک عددی روایتله نظرآ اوچیوز اللی
 پارچه یه قریب اولوب فقط بومقداره نقلیه و خدمات متباقیه ایچون
 استخدام اولنه جق کیلر داخل دکل ایدی.

دونمانک امواج ایچنده جوش و خروشی طائفه و مرتباتک ولوله
 شوق و سروریه هم آهنک اوله رق و اثنای سیر و سفرده سفائن بربرینه
 داعیه مسابقتله کورکلی و یلکنجیلرینک یاریش صدرلی آفاق طوته رق
 چناق قلعه بوغازنده طنین انداز اولمش و ناظرین و سامعینی بحر حیرت
 و دهشته صالمشدر. الحق مدت مدیده دنبرو هیچ بریده بویه هیبتلی

[۱] بوراده زرهللی تعبیری صرف باقیر قابلی دیمکدر. (لمترجه)

واسطه سیاه عسکر و بغدادی طلب و نیازنده بولندیلر (زیرا محاصره نك اوزون سوره جگنی تخمین ایتمکده و شهرک ویره ایله ضبط اولته بیله جگنی طوغریسی هیچ اومامقدمه ایدیلر). کذلک معاونتی زیاده امید ایتدکلری. پاپایه وسائر حکمداران ایتالیا به واقوام غریبه یه ایلجیلر اسراسیله بولندقلری تهلکه عظیمه دن تخلیص کریبان ایچون آنلرک سریعا اتفاق و معاونتترینه نائل اولغنی تمنی ایلرلر ایدی؛ اشته اهالی قسطنطنیه امر مدافعه یه بوضورتله حاضر لانیورلر ایدی.

سلطان محمد خان ثانی ایسه آرتق علناً حال حربیه وضع قدم ایدوب خارج قسطنطنیه ده شمعی یه دکن روملر انده قالان نقاط و مواقعک بعضیسی جبراً بالاستیلا نهب و یغما و بعضیسی صلحاً کندویه جلب ایدرک حکمنه ارضا ایتمش اولمغله ایلك بهارک حلوننده قسطنطنیه یی برآ و بحرآ ضرب و تضیق ایتک عزمنده ایدی.

بومقصد ایچون اول بول قطعات عسکریه دن یعنی کرک اوروپا و کرکسه آسیادن سواری و پیادکانی جلب و جمع ایله بولنری ترتیب و مواقع مناسبه به تعیبه ایله مشغول اولدی. سلحداران و تیر اندازانی و قارغی و صاپان ایله مسلح اولانلری تفریق و تنظیم وزره و قالقانلری نظر تفتیشدن امرار و جنکاورلرک قارغی ایله محافظه سنه مخصوص اسلحه اعمال و قلعه کوب ما کینه و آلات حربیه نك اعدادینه اعتنا ایلدی.

بویاشلرده التزام سرعت و اسلحه و ادواتک اعمال و استحضاراتی کمال اهمیت ایله تعقیب ایلور ایدی. قلعه یی دوکمک ایچون اوزمان ایجاد اولنان سنک انداز ما کینه لر دخی واردی، که ایشیدیلوبده اینسانیه جق درجه ده شایان حیرت اولوب تجربه ایله اهمیت فوق العاده سی تبین ایدن بومثللو ما کینه لر ایشک نتیجه سنی حصوله کتیردی.

شهریار عظیم الاقدار بومشاغل مهمه دن بشقه قوه بحریه نك تهیه واحضارینی کمال دقتله امر و تعقیب ایدیور و برطرندن سفائن جدیده.

ایله تأیید ایلرلر ایدی . بو کهانتارک باطنی تفحص اولنهرق استقبالك فلاکت عظیمه سی یولنده حل اولنور ایدی . خیره متدائر اولمیان بوخبرلر خلقك خوف واضطرابنی آرتدیرر و ذهنلرینی طولدیره رق جسارت وماتلرینی قیرار ایدی .

مع هذا بوکبی الم ونکبت ایچنده یینه اللرندن کلنی دریغ ایتمزلر و خندقلرک تطهیری وسورک ضعفیت پیدا ایتمش نفاطنک تعمیری و حصارلرک دیشاری طرفلرینک ترمیمی وقه لری بیننده کی سپرلر و تحصنکاهلرک تسلیحی مثللو حاضر لقلرده بولنورلر ایدی . سپرلره اسلحه کافیه وماکینه لر و محافظ بلوکلری اقامه ایدرلر ایدی . حتی اطه لریده تحکیم ایلیه رک بیوک لیماندن صکره استانبول خلیجنک مدخلنی غلطنک ترسانه سندن او یه نیوس [۱] قپوسنه قدر ایچرویه دخولی منع ایده جک بر صورتده تیمور زنجیرلرله کلیدلرلر ایدی .

مؤسسات عمومیه ومعابددن و ثروت خصوصیه لر دن اجه جمع ، ارزاق ولوازمات سائره اشترا و شهره ادخال و ادخار ایدرلر و برآ و بجزراً محصوریته مهما امکان طیانه بیلمک ایچون هر نه مقتضی ایسه تدارکنده غفلت ایتمزلر ایدی .

بنا برین هر زرده برامداد گوشه سی کوررلر ایسه او طرفه سفرا اعزام ایدرلر دی . نته کیم موره دسپوتلرینه [۲] کوندر دکلری ایلچیلر [۴] او یه نیوس قپولری (Πύλαι Ευγενίου) نه ، کوزل قپو معناسنه اولان آورده آپیلی (ὄρατα Πύλη) تسمیه ایدرلر ایدی . بو قپو شمدیکی باغچه قپونک موقعنده اولدینی محققدر . (لترجه)

[۵] بوراده دسپوتس (δεσπότης despotes) تسمیه اولنان ذوات عادی حکمدار ایدیلر که بوکله نک معنای حقیقی سی دخی بودر . ایمراطورلر دسپوت عنوانی آلیرلر دی بو عنوان آنلردن پاتریق و متره پولیدلره دخی انتقال ایتمشدر . بونک کی اصل افندی عنوانی ده روم ایمراطورلرینه متعلق برلقب ایدی . بو افندی کله سی رب معناسنه اولان روجه افندیس ده ها دوغریسی آفتندیس (Αὐθέντης) در . (لترجه)

مدافعه قنور و سورک اطراف سائرہ سی تعرضدن مصون قالیر ایدی .
 دکزک ہر ایک طرفہ سفائن صغیرہ و سائر سفائن حربیہ ایله مرور
 و عبور ممکن ایدی . بوضورتہ اخذ و اعطا انقطاع ایتمز و مهمات و لوازمات
 و اشیای سائرہ بی شہرہ مبدولاً ادخال ایدہ بیلورلر ایدی . نفس شہر
 اجانب و اہالی ایله مالا مال ایدی . عمومی خصوصی خزائنہ و معاہدہ
 احتیاطاً نقود کثیرہ محفوظ ایدی . سفائن و سهام کبی اساحہ و اشیای
 سائرہ بہ دائر تدارکات و تجهیزات مرتب اولدیغندن اوزمانلر اجرا ایدیلان
 محاصرہ لر تأثیرینی احساس ایتدیرمز کی ایدی . شمدی ایسہ احوال
 برعکس ایدی ، یوقاری آشاغی بوغازلردہ کی حصارلرلہ دکز مسدود و مرور
 و عبور غیر قابل اولدیغی کبی قطعات بریہ مخاصمات ایله محاط و سوری
 جانب بگردن دوکمک اوزرہ دونمانک ظہور و ورودی منتظر ایدی .

حربک دوامی انسانندہ سکان شہرک قلتی سبیلہ محیط سورک ہر
 نقطہ سنی محافظہ یی غیر ممکن فرض ایدرلردی . عمومیت و خصوصیت
 اعتباریہ درون شہرہ ثروت و نقود مفقود و سائر لوازمات ناقص ایدی .
 هیچ برطرفدن ورود امدادہ قطعاً امیدلری یوق ایدی . بوندن بشقہ
 بعض خارج العادہ ظہورات و علائم من طرف اللہ بر اشارت کبی تلقی
 اولنہرق روملرک قوہ مغویہ سنی کسر و تخریب ایلر ایدی . مثلاً شدتلی
 تزلزلات ارضیہ وزمینک ذوبانی و متادی رعد و برق و کثرتہ یاغانیہ مورلردن
 مدہش سیلر حصولی و سرت روزکارلر اسمہ سی و سہادہ ثابت و سیار
 کواکب غریبہ طلوعیہ غیر منتظم صفحات کسب ایتمسی و بونلرہ بکزر
 خدشہ آور و فوق المعتاد حالات ظہوری استقبالہ تبدلات جسیمہ وقوع
 بولہ جغنہ بر علامت مغویہ عدا و لئیمور ایدی . حتی معاہدہ اعزہ قدیمہ نک
 تصویرلری و مزار طاشلری و ہیکلری دہ ترلیور ایدی . قادین ارکک
 جملہ بہ برخلجان نوعا برجت عارض اولوب کاهنلر ایسہ استقبال حقندہ
 برطاقم اوغورسز خبرلر و یررلر و کشف و کرامتہ متعلق تعیرات قدیمہ

چهارمینی ده بلا امان ضبط و تسخیر و اداره لرینی تنسیب ایتدیکی وجهله
تنظیم ایلدی .

ایمپراطور قسطنطین و اهالی استانبول ایسه بویله بر زمان قصیرده
وقوعه کلان تبدلات عظیمه یی و هیچ بر زمان عقل و فکره کلیه جک
طرزده اولان تعرضات شدیدیه کوردکلرنده دوچار حیرت اولدیلر
و چند زمان اول عقد صلح ایلدکلری حالده بلا اعلان حرب بویله تعرضات
شدیده به اوغرامه لرندن آرتق سفرا ارسالیه بحث مکمله و احکام عهدی
اخطار و ادعا کبی حرکاتک بیسود اوله جغنی استدلال و آندن استکفاف
ایلدیلر . چونکه پادشاهک حرکت و نهضته نظراً اول و آخر تصمیماتی
کندی حقلرنده هیچ بر آثار خیریه یی منتج اولدیغنی سنجیده میزان
تدقیق ایدوب ادامه صلحک بر امر محال اولدیغنی آکلادیلر و آز زمان
ایچنده محاربه نك ظهوریه برآ و بجرأ محصوریه منتظر اولدیلر .

بو حربک نتیجه سی اوله جق فلا کتئر، یعنی بلده نك فتحی و کنج و اختیار
دینیموب نفوسک اتلافی و اموالک نهب و غارتی و معابدک و درونلرنده کی
اشیای مقدسه نك « تلویت و تکفیری » و نسوان و اطفالک هتک عرضی
کبی بتون مصائب و آفات پیش نظرلرنده تجسم ایدر ایدی . برآ و بجرأ
وقوعه بوله جق تجاوزات شدیدیه قارشو مدت قلیله ثبات ایده جکلرینی
امید ایتزلر ایدی . بونک ایراث ایتدیکی یأس و فتور دنطولای درکه محاربه نك
تا ابتدا سنده ذهن و خیال لرینی ملال و کللال بورومش ایدی . آرتق کندیلری
حقنده هیچ بر خیر کوزتیمورلر و برامل بسلمیورلر و ناکهانی ظهوراته
تسایم نفس ایدیورلر و هر خصوصه مهیا و متوکل و امید نجاتلری مقطوع
بولنیورلر ایدی . بواحواله سبب شودر : ازمنه سابقه ده و توعه بولان محاصره لرده
امدادلری کثیر و غالب کلکه امیدلری و فیر ایدی . زیرا اول زمانلر قرب
شهرده اولان بحر تحت حکملرنده بولندیغدن محاربه یالکز قره جهننده
جریان ایدر و دشمنه مقابله تحکیم و ترصین اولسان قره طرفی سهولته .

صنعت حرب و ضربه جاهل و غیر ماهر اولدقلری حالدہ برای تعلم اظهار
 رغبت ایدیورلر ایدی . کرچه محارباتک مشکلات کونا کوتی و نتیجه نک
 هر وقت دلخواه موافق دوشمدیکنی بیلوب درپیش ایدن بعض ذوات
 کار آزموده هر نه قدر محاربه نک حرارتلی طرفداری دکلسده بو باده .
 بر طرفدن حضرت پادشاهک کوستردیکی متانت و تمایلی و دیگر جانبدن
 بتون اعضای مجلسک ابراز ایتدکلری نمایش و کرمی بی کوردکلرندن
 و ظنمه کورده ده دوچار خوف اولدقلرندن شق شفهیه جسارت ایتدکسزین
 اکثریته تابع اولدیلر . ایسته بوصورتله محاربه اتفاق آرا ایله قرارگیر اولدی .
 سلطان محمد ثانی روم ایلی بکلر بکنی [۱] مأمور ایدوب قسطنطینیه
 وحوالیسیه روملرک زیر تابعیتده قالان بلاد وقری اوزرینه همان عسکر
 سوق ایتسنی امر ایلدی . بکلر بکی بلا افاته وقت طویلادینی قوت ایله
 قسطنطینیه اوزرینه حرکت و شهرک قپوسنه قدر تقرب ایلدیرک بتون
 جوارینی تالان و یغما ایلدی . کذلک سلوری قصبهسی اوزرینه یوریرهک
 او جهته دکز ساحلنده پرتوس و بوکا مشابه قصبات و بلدان حوزه
 حکومت عثمانیه داخل اولدی و ایوانیه قلعهسی ده با مقاوله الحاق
 ایلدی و قره دکر ساحلنده حالا روملرک تحت حکمنده اولان بتون
 قلاع دخی عثمانلی ممالکنه مضاف اولدیلر و مه سیوری قلعهسی ده بونلردن
 اولوب عنوة آندی . بونلردن ماعدا روملرک النده اولان ممالکنک

[۱] مورخک اروپا ساترابی دیه اولان افاده سنی بز روم ایلی بکلر بکی دیه

ترجه ایتدک . مورخ بو σατραπης satrape کله بی اسکې یونانیلردن اقتباس
 ایتدیرکه آئزده فارسی لساندن آلهرق یونانیلشدیرمشلردر . بو مورخک اصل
 اسمی بیان ایتدیکسی سرداری دیگر ییزانس مورخلری قاراجیا (Καρατζίας
 Caratzias) یا قاره جاییس (Καρατζίας πέγης Caragiabeys)
 یا خود قاراتس پاشا (Καρατες πασα Caratespacha) تسمیه
 ایدرلر . مورخده آشاغیده بر فصلده (فصل ۲۷) قاراجیا و اروپا والیس
 (Ευρώπης ἑπαρχος Europis éparchos) دیور . ترکیه .
 قره جه بک در . (مترجه)

نیجه مخاطرات و صعوبات ایله آز وقت ظرفنده بتون آسیا و آوروپاده کی بوخطه لری آورده قبضه ضبط و تسخیر ایدرک حاکم و وارثی اولدیلر. نیجه بلاد جسیمینی تحت حکملرینه آلدیلر، قلاع متینه و مستحکمه یی فتح و استیلایه موفق اولدیلر و بی حساب ملل و اقوامه غالب کلدیلر. بزده بوشهری جزئی برزحمت و کلفتله تسخیر ایتدکن صکره برقلعه دن خروج ایدرکی هان حرکت ایدرک زمان یسیرده قطعات باقیه اوزرینه هجوم ایده جکنز، هیچ برحائل بزى ایلر و لمکدن منع ایدمه جهک و اقوام سائره نک هیچ بریسی قوت و سطوت مزه مقاومت ایلهمیه جکدر. عون حق ایله مدت قلیله ظرفنده بر و بحرك صاحبی اوله جغز.

آرتق امهال و تعلیقه سبب و لزوم یوقدر. اویله بر فکری تعقیبه اوویله بر مقصده خدمته وقف وجود ایدلم که یا بوشهری آله لم و یا خود نتیجی اوغورینه مجاهده اییه رک جمله من موته توطین نفس ایدلم.

بن اظهار همت و حمیتده سزله مسابقه و کمال من و مفخرتله مشاقتزه اشتراک ایده جکم. اردومک باشنده برنجی صفده بونه جغم، هر کسی استحقاقی نسبتنده تلایف و تکریم و خدمتلی سزاوار تحسین اولنلی مکافاتلرله تجلیل و تعظیم ایده جکم؛ بو صورتله هر کسه مهالک لر ایچنده شان و شرف قزانی اوکرده جکم.

پادشاه انجم سپاه ایراد ایتدیکی نطقی بویله ختامه ایصال ایتدکن صکره تکلیف ایتدیکی حرب حقنده مجلسده حاضر ذواتک رأینی صورتی. حضار جمله نطق پادشاهینک مألئی تصویب ایلدیلر و بیان بیوریلان افکار حکیمانیه و جلاد تکارانیه آلتشلایه رق جنک خصوصنی تعجیلده حریرص کورندیلر. بونلرک اکثریسی عزت نفس و علو جناب سوا نقدن ماعدا جلب منفعتده هوسکار ایدی. زیرا محاربه واسطه سیله دسترس اوله جقلری منافع استقبالده رفاه و ترقی عظیم تأمین ایده جک ایدی. بعضیلریده رضای شهر یاری دأرهنده کورینه رک ظهور اتدن استفاده یه نکران ایدی. کیمیسیده

مکمل و مجهز در. بونکه برابر قومز کده « باب عالی » نفوذی الحاله هذه. بیو کدر. آچه مز دخی بالغاً ما بالغ کافی و وافی اولوب. بوده سنوی آنسان ویر کولردن طوپلانمشدر. بزده اسلحه و ما کینه لک و سائر تدارکات و تجهیزات بریه نك مبذولیتی و سفائن حربیه نکده کثرتی وارد در. آلات و وسائط حربیه مز هر حالده دشمنه فائقدر، حتی بعضری آنده یوقدر. ذکر اولانان استحضارات بویله برتک شهرک دکل تقسیم اولند قلمری تقدیرده بوکا معادل متعدد شهرلرک حقندن کلکه کفایت ایدر. بوندن ماعدا ممالکمزک اطرافنده اولان ابچاره مالک اولدیغمز کجی بوشهرک اطرافنی محیط اولان دکزده صاحبز. بز بود کزک حاکمیتی یوقاری و آشاغی بوغازلرله و بونلرک سواحلنده کی قلعه لرله کندیمز ایچون تأمین ایتدک. قره دن و دکزدن بوشهری بتون آیردق. لهمزه اوله رق دها بشقه جهده محسنات واردر که ایشته بونلرک هپسنه استناداً شهرک بز قارشو ثبات ایتدی ویدمز دن خلاص اولمسی احتمالی یوقدر. بونی سلاح بدست اوله رق بالمهاجه جبراً فتح و تدمیر ایده جکمز و یا خود مدت مدیده محاصره و تضییق ایدرک آورده قضیه ضبط و تسخیر ایله جکمزه قطعاً امنیت و قناعت وجدانیم واردر. آنجق بز الزم اولان خصوص بوبانده تأخیر و تعلیق کیفیت ایتیمه لک و دشمنک علیهمزه حرکات و تحریکاتنه وقت و یرمیه لک ممکن اولدینی مرتبه سرعتله قوت و شجاعت می کوستر ملی و قسطنطنیه الی الان بقاسی اعمال و جبانان و یا خود ضعف مز دن ایلر و کیوب امهال مز دن نشئت ایلدیکنی عالمه ابراز و اثبات ایدم. بونکه برابر آباء و اجداد مزک امور معظمه سنی و آثار شجیعانه لرینی و سجایای بر. کزیده لرینی رزایل ایتیمه لم. بوقدر کسب وسعت و عظمت ایدن حوزه حکومت مزک و سطنده بولنان بر شهرک علیهمزده متغلبانه بر وضعیت آلمسنه و دولتمزده دائماً هر بروجه له سوء قصد ایتسنه مساعده ایتیمه لم. کندی میزی اجدادیمزده نالایق خلف اوله رق ارانه ایتیمه لم. بالعکس آنلرک الک خاص نسلی اولدیغمزی و شجاعت و مز یاتی تقلیده مقتدر بولدیغمزی ابراز ایدم. زیرا آنلر

یوقدر که نه کبی بر قوت جسمیه ایله شهرک اوزرینه حرکت ایتدی. تشبث ایتدیکی محاربه و محاصره ده موفقیات متوالیه ایله شهرک سورلرینه اوقدر یا قلاشمشیدی که اردوسندن آتیلان اوقلر و احجار مریمه محصورینه اصابت ایلور ایدی. بوصورتله شهرک ضبطی قوه قریبه یه کتیرلمش اولدینی حالده امنیت هایونی حائر مقربانک سوق منافع خصوصیه لریله و محصورینه کوستر- دکبری توجه و تمحض ثمره سیله و بلکه تسویلات خفیه لریله عنوة تسخیرینه رمق قالمش اولان شهرک بوکره دخی رها بولمنه سبب اولدیلر .

هایدی فرض محال اوله رق فرض ایدلم که بو شهر اولوقت کندی قوتیه استیلادن رهایاب اولدی. لکن الیوم بزور و روملر عینی حال و وضعیتده می یز؟ او زمان بو شهرک حکمداریده امراسیده ده ماهر وضعت سپهداریده ده فائق وامور اداره یه ده آشنا ایدیلر و مقدار نفوس و مدافعین ده زیاده و دکز جهتی زیر حکملرنده ایدی و همده ایتالیا نلردن بر طرفدن امداد آیلرلر و ده زیاده آله جقلری نی امید ایدرلر و بشقه یرلردنده معاونت کورملری ممکن ایدی . فقط شمیدیکی حاللری اکا قیاس اوانه بیلیرمی؟ ده ضعیف و علی العموم ده فنا دکلی در؟ اهالی بلده عدداً ناقص و دکز طرفندنده حکم و قدرتی تماماً منقطع در. قیصره و اتباعنه کلنجه بونلرک ماهیتی اویله در که هر کس بونلر کبی خصم و دشمنی اولسنی جناب حقدن تمنی ایتمک لازم کور دیه بیلورم . ایتالیا نلرک محتمل اولان امداد و معاونتنه کلنجه بوندن طولانی امیدلری بوشنه در. بالعکس آرا لرنده موجود اولان منازعه مذهبییه جهتیله مناسبتری غایت خصمانه در و بوزاع مذهبی یوزندن شهرک داخلنده حضور و آسایش مختل و احوال عمومیه مذذبدر و نظر امعان ایله باقیلیرسه ده بر چوق نقائصلری نمایان اولور . زه کلنجه دولتمزک سطوت و قدرتی پک زیاده تزايد و اعتلا بولدی . کرک سواری و کرک پیاده بالعموم عساکر من اولجه مثل کورلماش مرتبه ده در . هم مقداری چوق هم پک منتظم و همده اسلحه جهتیله غایت

ایتدیکم فکرده بولوب بوشهره ناقابل صلح برحرب آچهرق قوه کلاه
ایله احاطه ومحاصره مدیده وشداؤد قحط وغلا ایله تضییق ایتدیلر، لکن
مغلوب ورام ایدهمدیلر.

حالبوکه اگر اول وقت بوشهر کنسدی قوت وقدرتیه مقاومت
ایدیره قارشیسنده کی محاربلره تفوق کوسترمش وعسا کر و آچه واسلحه
وبالجه تجهیزات عسکریه سائر جهنده محکم ومکمل بولمش ویاخود
پدر وجدمک ظفریاب اوله مامسی قوا وتهیات حربیه لرینک دشمنه نسبه
تقصانندن نشئت ایتش اولسه ایدی شمدی تردد واحتیاط بدرجهیه قدر
محق کوریه بیلیر ایدی . جمله کزجه معلومدرکه سلطان بایزیدخانک دست
تهدیدندن فوق المأمول شهری تخلیص ایدن برحادثه ناکهظهور وتجلی
امر مقدور ایدی . طالع ناهموارک بویله جلوه لری کثیرالوقوع دکلیدره
اهالی قسطنطینیه آرق جوع عظیمه ومحاصره مدیده تاپ آور مقاومت
وثبات اوله مدقلرندن معین ومعدود اولان کونلرک ختامنده کندبیرلیله
برابر شهری تسلیم اتمکه آردلرنده قرار ویرمشلر ایکن آورو با طرفندن
مجار واولا حلقه قرانک علی الغفله خاک عثمانیه به تجاوزی وپک آز وقت
صوکره آسیا جانبندن بابلی تیمور [۱] غائله مدهسه سنک حدوثی خاقان
مغفوری استانبول محاصره سنی رفع وفکه مجبور ایتدی وآنلرک اوزرینه
اجرای حرکاته اجبار ایلدی وقسطنطینیه بوصورتله قورتیش اولدی .

پدرم جنتمکانه کلنجه زمان سلطنتی ادراک ایدنلره ایضاحه حاجت

[۱] مورخ تیموری (بابلیونیوس یعنی بابلی) تسمیه ایدیور . اولجه ده
بونک بغداددن حرکتی یازمشدی . مورخ تیمورک بابلی اولیوب مغول اولدیغنی
بیلیمز . یوقاریده بونلری (سکیتیس Scythes) تسمیه ایتش ایدی .
مورخک بوصورتله تسمیه سندن مقصدی تیمورک بغدادی تحت حکمنه آلدیفندن
یاخود اوطرفدن ممالک عثمانیه به هجوم ایتدیکندن طولایی اولسه کرک . شونیده
علاوه ایدم که مورخ بونک اسمنی ایلك اول تیمیریوس دیه تحریر ایتش ایکن
بوراده (تیمیریس Temirtis) (Τεμῆρτις) دیه یازمشدرکه بوده آنک تیمور
اسمنی مشهور روم ایلی بکلرکی تیمور طاشک اسمی ایله عینی ظن ایتسندن ایلری
کلشدر . (لترجه)

اولندقلرندن طولایی برمتفق الده ایتمکه موفق اولورلر ایسه بوتقدیرده هر زمان محاربات ایله اشتغاله مجبور اوله جغز، اطرافتر مضرات و مخاطرات ایله محاط اوله جغندن محارباتک نتیجه سی دخی مجهول اوله جقدر. زیرا بر چوق حادثات واردرکه هیچ مأمول ایدلیان ازمه وامکنده، همه هیچ بکلنمیان احوالده وقوعولور. حربک تمانیسی ایسه اکثریا مشکلات عدیده حدوشنه سبیت ویرر. روملر شهری کنسیدیلری حفظه مقتدر اولیهرق امر محافظه یی کنسیدیلرندن زیاده قوتلی واسلحه وسائر مهمات حربیه ایله مجهز وعساکر کثیره وسفائن حربیه وثروت وسامانه مالک کیمسه لره تودیع ایدرلر ایسه وبونلر شهری اوز ملک لری کبی عد ایله دها زنده برثبات ومقاومت ابراز ایلرلر ایسه دوشونک که اوزمان دولتمز نه کبی برحال قارشوسنده بولنه جقدر. برآ وبجرآ بر موقع معنایی حائر بولنان ودائماً ایراث ضرر ایتمک وهر برطالعسرلکمزده باشمزه مسلط اولمق ایچون مکین فرصت اولان وعلی التدریج قوتی قوتمزه معادل براده یه واردیره بیلن بویله برشهر عظیمک بزم ایچون نه مرتبه ده آفت انکیز اوله بیله جکنی تخمین ایدیورم. انجق بونی سزه شرح ایتمک ایستمم (کاشکه دشمنک اومدینی کندی باشنه کسه!). بویله شیلرک تلفظ واستماعی هر نه قدر بادی تأثر وتلفف ایسه ده بعونه تعالی بزه که جک وبزم موافقتمزی انتاج ایده جک شیلر دکلددر. بناء علیه بز آرتق لیت ولعل ایله تأخیر مسئله واضاعه وقت ایتمیوب جمیع قوت وقدرتمزله شهرک اوزرینه هجوم ایتملیر. لطف باری بزه یاور اولدججه محاربه ایچون هیچ برشیء : نفوس، آچه، اسلحه وسائره یی دریغ ایتمالی وبشقه برخصوصی بوکا ترجیح ایتمالی بز. تا که بوشهری یاتماماً محو و برج وباروسنی یرله یکسان ایدرک تهلکه سندن قورتیله لم ویا خود قبضه حکم موزه آله م. پدر و اجداد مک ایامنده وقوعولان حادثاتی تفکر ودرخاطر ایدرک هیچ بریکز بوشهرک فتعی غیر ممکن برشیدر ظن ایتمه یک. فی الواقع پدرمده جدمده دمین بحث

نتیجه‌سنی تعیین و استدلال ممکن دکادر ارباب بصیرت اولان ذوات بوکبی احواله دائماً میدان براقاز مترقب فرصت بولتوب آن مناسبتده دشمنلرک حقدن کلایدر دشمنلرک دوچار غدیری اولدینی او آندده مدافعه‌یه قیامتک ایچون بکله مک یرینه دوچار تعرض اولمقسنزین حرکت ایتملی و دشمنلرک سوء قصدلرینه مقابله و مدافعه ایتمک یرینه آنلره تقدم ایدوب ده اول طاورانملی و بوکبی احوالده هرکس دوشمنلی یا حیلده و یا خود حرب ایله برشی قبض ایدرسه آنی کار عد ایتملی زیرا طبیعت حرب بویله در و بونک شرایط و اصولی یوقدر هرکیم اعمال حیل و خدع و یا خود سرعت حرکات کبی فائق براقداره مالکسه غالب اولان اودر .

ای تجر به صاحبی بهادرلرم ! بن بوضورتله تلتقی احوال ایددرک ، اسباب موجبه بوله رق و شکایات عظیمه دن متأثر اوله رق و احوال حاضرده بی تحمل فرسایظن ایددرک سزلی بوریه جمع ایلدم بوبابده جمله کزک و یردیکم ایضاحاته قانع اوله رق افکارمده مشترک اولدینکزی محقق ظن ایدرم و دیرمکه : سریعاً اجرای ایجابنه تشبث و شوق و سرور عظیم ایله محاربه‌یه مبادرت ایتملی و بوشهری ضبط ایلملی . عکسی تقدیرده شمدیکی دولتمزیده و بوندن نشئت ایدن منافع مزیده کندیمزک عدایتمه‌لی و بونلری قوی عد ایلمه‌لی چونکه بوشهر طرفزدن فتح و یا خود کندی کندی نه تماماً محو او ایوب روملر الندده قالدقجه دولتمزک متزلزل و متردد برحاله بولننامه‌سی ممکنسزدر . الحاصل بوشهری دولتمزده الحاق ایتمکی ایسترم بونده موفق اوله‌مز ایسه‌م دولتیده بونک ایچون غائب ایتمکی ترجیح ایدرم زیرا انی بیلیرسیکزرکه بوشهر المزده اولدینی حالده موجود اولان قدرتمزرا کتساب سطوت ایدده جک و شمدی‌یه قدر ضبطی ممکن اولمیان یرلرده قابل تسخیر اوله جقدر لکن المزده اولمادقجه و یا خود شمدیکی حالده قالدقجه المزده اولان محللرکده هیچ بری امین و المزده بولنمیانلرکده ضبطی مأمول بولنیه جقدر چونکه اگر روملر شهری المرنده طوته رق بزدن تصدیق

بر مدت صکره ینه روم قیصری مغول [۱] جنسندن تیموری بغداددن
 قالدیره رق اوزرمزه مسلط ایتدی . بیلیرسکزکه بوتیموردن نه لرچکدک
 آز قالدی اوجاغمز سونه جک ایدی لکن صون صمدانی خاندانمزه معین
 اولدی . اشته زرده اولورسه اولسون بزه دشمن بولوب غائله چیقارمق ،
 آدملمزدن کندیلمینه فرار ایدنلری اقدار وتسلیح ایله بزى بررمزه
 چارپشدرمق ، دولتمزى مشغله وتصعیباتدن خالی براقامق مسلکی روملرده
 حالانمایاندر .

حتی دونکی کون دنیله جک بر زمان قریبده بیله علیهمزه تحریک
 ایتدیکی اولاحلی یانقو ایکی اوچ دفعه طونه بی مرور ایتمش و پدرم خاقان
 مغفوری بر حال اضطراره گرفتار ایلشدر . کرک حر و کرک قول طائفه سندن
 طرفزدن آنلر فرار ایدنلر یوزندن ظهور ایدن مسائل هر نه قدر شایان
 اهمیت و بوندن نشئت ایدن ضرر و زیان عظیم موجب اندیشه ایسه ده
 اومسئله دن بوراده بحث ایتمکدن صرف نظر ایدرم و دیرم که : بز
 بوشهری بالکلیه آوردئ قبضه تسخیر و یاخود تماماً اید حکم مزده زبون
 ایتدیکه کندی حانه براقدیغمزدن انتهاز فرصت ایده جک دائماً بزه مخالف
 و مخاصم بولمقدن فراغت ایتیه جک و علیهمزه حرب و تحریک ایله اشتغالدن
 کیری طور میه جقدر .

بوشهر علیهمزده خفی و جلی هر سوء تصده تصدی ایتمکدن بر آن
 خالی قالمقده ایکن نیچون بوندن بزه تولد ایدن و ایده جک فنا لغک اوکنی
 آلق ایچون استیلا سنه مسارعت ایتیم . بز حال سفر بریده بواندججه
 هر وقت اوشهری تحت حکم مزده طوتارز کی ظن وتلقی ایدیوروز .
 هر احتمالک وارد و محاربه لر وقت و حالک مؤثر لینه تابع اولدیغنی بیلیموروز .
 ای بیلملی که چرخ ناهموار بر گردشده دوار دکلدز و بالجمله احوالک

[۱] مورخ بوراده اسکیتس (Skythes Σκυθης) تعبییری

خوللاشمشدرکه بزانی « مغول » ایله ترجمه ایتدک . (مترجه)

اولدیغمیزی اثبات ایده جکز ایزلرینه کیدهک روحلرینی شاد ایلیه جکز .
 بزدن خیرسزاق بکلیانلر پک غافلدر ؛ تابلک وقدر ناشناسلق اومانلر
 احقدر . اویله ایسه او غافل احقلره چوق یایلدقلرینی ابات ایده لم .
 سزله تعریفه حاجت یوقدزکه قسطنطینییه شهری ممالکمزک اورته سنده
 معتابر موقع اشغال اتمکده در . حال حاضرده کزدینه کووه نه جک برحالده
 دکادر ؛ سکانی بوشالمش ، طول مدت بزله محاربه ایده ایده قوتی
 قیریلهرک ضعف وعجزه دوشمش وشهرت کاذبه دن بشقه برشیئی قالماشدر .
 دقت ایدرسه کز کوررسکزرکه اراضیسی باغچه و اوتلاقدن عبارت ، بنالری
 ویران ، سورلری تهی در . روم حکومتک بزله اولان محارباتی ، بزه
 ویردیکی ضررلری ، ایضاع ایتدیکی مشکلاتی ، حالا چویرمکده اولدیغی
 دولاب تزویراتی بیلیرسکزر . الا آن کین انتظارده اخذ ناره فرصت
 قوللامقده در جدم سلطان بایزید مرحوم زماننده روم قیصری طیش دکزدن
 (بحر آتلاتیق) وایچ دکزدن (آق دکز) نیجه اقوامی وغربی فرانسه دن
 وپیره نه طاغلرندن کلت وکلتیورس [۱] طوائفی وراین نهری طرفندن
 جیرمانلری و محار واولاح قرالارینی علیهمزه تحریک وتشویق وعساکر
 وفیره لرینی طونه ده کیمیره تسویق ایتدیمی ؛ بوجسیم جماعت طونه یی بالمرور
 سرحد مزده خیمه زن غرور اولوب بنای دولتمیزی تخریب وزلری
 اوروپادن وحتی آسیادن دفع وتغریب ایله مشغول دکلی ایدی ؛ برکت
 ویرسون جدم مغفور سایه لطف یزدانده جمعیت متفقهلرینی بالحرب مهزم
 وپریشان وصغار وکبارینی طعمه تیغ بران وبقیه السیوفی طونه یه
 دوکوب غریق امواج نیران ایلهرک سلطنت عثمانیه یی قورتاردی [۲] .

[۱] کلت Celte فرانسه بلجیقاسکان قدیمه سنه کلتیورس Celtibers

وتیله اسپانیاه پیره نه طاغلرندن کچهرک یرلشان قومه اطلاق اولنور . (لمترجه)

[۲] مورخ مز بوبیاناتیاه نیکبولی ملحه کبراسنی ایما ایلور (لمترجه)

ایمدی بزله دوشن ندر؟ مرف میراث یدیلر کبی المزدده کی ملکی چوروده جگمی بز؟ آثار نفیسه اسلافی محو و نابود ایده جگمی بز؟ خایر! اصلاً و قطعاً! بونجه نضائل و مزیات ایله هیچ بر یرده مغلوب اولماقوله کسب ایتدی کمز نام و اشتهاری اعلایه چالیشه جغز اسلافه زه خیر الحلف

ستایشکارانه بی هن لفظاً اسکی یونان مورخی توکیدیدسک قدیم آتله لیلر حقدده کی بیاناندن آلمشدر. بز ترجمه کنندی شیوه مزه اویدردق. سائر بیژانس مورخلری فاتح حضرتلرینک بویه نطقلرندن بحث ایتمورلر. مورخ دو قاس که نزد پادشاهیده دخی مزوف ایدی، شو وجهه حکایت ایدر:

« پادشاه کیجه و کوندوز، حتی یتاغنه کیرر ایکن قاققارایکن، سراینده، سرای خارچنده هپ دوشوندیکی قسططینیه نک فتحی ایدی. صور و اسبابی تفکر ایدر والده کاغد و قلم شهرک اطراف و جوانبی ترسیم ایلر ایدی. »

ینه دو قاس روایت ایدر که پادشاه حضرتلری بر کیجه ینه فتح قسططینیه اندیشه لرله مایوب الحضور اولوب صدر اعظم چندرله زاده خلیل پاشایی قوناغندن چاغیرتدی خلیل پاشا بویه بیوقت جلب ارنمندن توحش ایلیه رک التده آنون ایله طولو بر تپسی ایله حضور شهریاریه کلدی و آقاقرینه قیانه رق تپسی بی تقدیم ایدی. بونه؟ دیو واقع اولان سوال هایونه جواباً پاشای مشارالیه « اندم بویه فوق العاده بر ساعتده جلب اولنان بندکان حضور ولی نعمته الی بوش چیقمازلر. العبد وما یملکه کان لمولاه » دیمسی اوزرینه جناب فاتح « بکا آنلر لازم دکل بکا استانبول لازم شورایه اوطور قونوشالم » بیوردی. خلیل پاشا کنیش نفسی آلارق دیدی که ممالک رومک اقسام عدیده سنی افندمه نصیب ایدن نصرت الهیه استانبولک فتحندن محروم براقیه جقر. بتون صادق قوللرکز بری برلرینه مسابقت ایدرجه سنه ایثار جانه آماده در. « جناب فاتح « لالا باق خواب و راحت مختلدر کیجه لری یتاقده بر یاندن بر یانه دو نمکدن بشته کلام یوق. بو امر عظم رؤیامه کیربور سندن جدی یاردم ایسترم اما زنه ار رومک مغلوب مال و قالی و مجلوب دانه احتیالی اوله. نصرت باریه توکلم بر کالدر » سوزلریله عودته رخصت ویردی.

استانبولک فتحی حکایه ایدن لاتین مورخلرندن یوسقولو دخی سلطان محمد خانک استانبول جواننده ایدیله جک محاربه بی مذاکره و مشاوره ایتک ایچون بر مجلس عقد ایتدیکنی وزیر اعظم خلیل پاشا فتح قسططینیه نک مشکلاتندن بحث ایله محصره دن صرف نظر ایدلک وادیسنده اداره کلام ایلدیکنی و بالعکس زغنوس پاشا تصورات هایونی شدتله الترام ایلدیکنی ذکر ایدر. (مترجه)

اولورمی؟ فدای نقدجان ایتمیان عاشق وصاله ایزرمی؟ نیجه قانلردو کولدی
 نیجه جریجه لر آچیلدی نیجه ایتم وازامل کوزلرندن ماتم یاشلری
 آقیتدی نیجه آه و فغانلر کنکره آسمانه چیقدی نیجه مستحکم قلعه لر
 آیلندی نیجه انکین دره لر وجوشغون و کیدسز ایرمقلر کچیلدی نیجه
 یالچین قیالر آره سنده دربندلر آچیلدی ویوجه وصارپ طاغیرلر آشیلدی.
 نیجه کیجه لر اویقوسوز نیجه کونلر بر دم آرامسز کچدی، نیجه مشکلات
 ومهالك اقتحام اولندی. اشته آبا واجدادمز فوق التصور آلام ومشاق
 کوزه آدیروب تحمل ایتدیلر قارشولرینه چیقان جبار و عنود دشمن
 اردولرینک حقدن کلدیلر کو کسلرینه اوزانان قارغیلرینی قیردیلر لوای
 نخوت وجبروتلرینی سر نکون ایلدیلر یأس وقفور، اھمال وعطالت نه
 ایدوکنی بیلمدیلر. زمان اولدی که طالع کندولرینه کولر یوز کوسترمدی.
 یینه استقبالدن قطعاً امید کسمدیلر و دشمنه غلبه ایدنیجه قدر سرفرو
 ایتدیلر. هانکی بر مصلحت که کندولرینه اوفق کورینور اجرا آتسه در حال
 قیام ایدرلر ایدی. آرزو ایتدکلری بر شئی اده ایتمک ایچون مشاق
 سفریه و بعد مسافه حائل اولمز ایدی. نفسلرینه، علوهمت لرینه اعتمادلری
 کمالده ایدی. قزاندقلری شئی کافی کورمیوب دائماً یکیلرینی آرزو
 ایتدکلرندن طوروب اوطورمز لر و خدمت جهاد یولنده بذل استطاعت
 ایدرلر و محن کونا کونه قاتلانیرلر ایدی. مصیبت آتنده متأثر و مکدر
 اولمز لر نسکیم موفقیت جینده آشوری مرتبه سسوینمز لر ایدی. بو
 سایه ده شانلی بر دولت اقامه ایتدیلر سطوت و شوکتی اوج بالایجه چیقاردیلر.
 عدالت، همت، یوکسک بر حکومت نصل اولدیغنی جهانه کوستردیلر.
 حضرده و سفرده اداره و محافظه ممالکده حذاقت فوق العاده ابراز
 ایتدیلر. جان، مال، سلاح، کمی والحاصل بتون موجودلرینی فدا
 ایتمک صورتیله بزله من کل الوجوه عالی و مکمل بر دولت بر اقدیلر [۱].

[۱] قریتووولوس فاتح لساندن اوله رق عثمانیلر حتمده یازدیغنی شو قفرات

چناق قلعه بوغازندن قارشویقهیه کچمک بدایهٔ پک آزلیرینه نصیب اولدی زیرا وسائط بحریه لری کافی اولدیغندن حرباً روم ایلییه کذار ایتمک ممتنع ایدی روملرک دریاده قوتلری کثیر ایدی مع مافیہ قورسانلق و آقینجیلیق ایشلرینه کلیر برکار و طریق عزم لری کیشاد ایدر بر رهبر اولدیغندن ابتدالری انلرله اکتفا ایلدیلر .

ابتدا اوروپا قطعہ سنه مرور ایدنلر کلیبولی شبه جزیره سنک برزخی اوکنده کی «هللی» نک مزارینک پیشنده اولان طاعنک تپه سنی و تپه ده کائن حصاری یا تعرض یا حیلہ ایله انه کچیردیلر و اورانی اس الحركات اتخاذه آقین و تاراجه باشلادیلر ؛ بعده یواش یواش ایلر و ایه رک و کوندن کونه چوغاله رق جوارده بولسان قلعه لرک کیمنی جبراً ، کیمنی احتیالاً ضبط ایدوب حکومتلری یرلشدیردکن صکره اووه لره نازل اولدیلر و بلا موانع و مزاحم قراونواحی تی تسخیر و غارت و حصارلرک سورینی هدم ایدرلر ایدی . و الحاصل مهاجمات دلیرانه ایله آز وقت نظر فنده تراکی و ما کدونیا ال کالرینی و طونه ساحلنده و ایچر و لرده ساکن بلغار ، ارنوود ، صرب ، یونان و امثالی اقوام عیدیه بی ربقه اطاعتلرینه و قلاع جسیه و وساحل و داخله نیجه بلاد عظیمه نی قبضهٔ تصرفلرینه ادخال ایلدیلرکه تفصیل و تعدادینه لزوم کورم . و خلاصه ایدرده دیرم که طونه نه ری آغزندن صاوا صوینک ملتقاسنه دکن ایچ قره قطمه لرینی و طونه ایله دالماتلرک و صاوانک برو جهتنده کی مجارلر و ارنوودلرک مملکتلرندن جهت جنوبه طوغری تا ادریاتیک دکزینه قدر کشور وسیع الانحای آوردهٔ دست اقتدار و سکانی خراجکذار قیلدیلر . بودکزک سهوا حلنده فتح اولنماش یا لکنز اونیک استاد یوندن [۴] عبارت اولان مورہ قیلری قالدی .

ای اختیار فداکارلر ای شهباز دلیقانیلر ! رعنا بیلیرسکنرکه بو فتوحات عظیمه لاف ایله قولایجه حق حصول بولدی . امکنز دولت

دوشدیلر. تصور و امید لرنده یا نیدیلر می ؟ خایر ! قوهٔ قلبیه فقط صولت
 غضنفرانه ایله چقور اوودن و طور روس جبالی اتکلر ندن توپان شردمه ناجیه [۱]
 الآن منما (Lykia, Λυκία) و تکه (Pamphylia, Παμφυλία) و قره حصار و بالافریکیا (Ano-Phrygia, Ἄνω Φρυγία) قطعه لرینی
 و صاروخان (Lydia, Λυδία) و آیدین (Karia, Καρία) و قره سی (Kato-Phrygia, Κάτω Φρυγία) و کرمان (Mysia, Μυσία) و خط لرینی [۲] و از میر یا لیرینی (Ionia, Ἴωνία) و یونان قدیم مستملکاتی
 اولان بتون سواحلی ضبط و تسخیر ایتدیلر و یونلردن ماعدا انقره
 (Galatia, Γαλατία) و قیصریه (Kappadokia, Καππαδοκία)
 و قسطمون (Paphlagonia, Παφλαγονία) و جانیک (Chalyvia, Χαλυβία)
 و بروسه (Bithynia, Βιθυνία) و چناق قلعه
 اقطاری سکاتی تیغ ظفر لرینه بیون ا کدیردیلر ؛ خلاصه کلام طور روس
 طاغربنک برو طرفنده بولسان چقور اوودن قره د کزد قدر اولان مالکی
 و آسیای زیر [۳] تسمیه ایدیلان قطعه می مع سواحل تماماً و قطعاً کندولرینه
 تابع قیلدیلر و بروسه می سلطنت جدید لرینه مرکز و مقر اتخا ایلدیلر .

[۱] مورخز فاتحه سولتدیکی بونظنده عثمانیلر نه سلجوقیلری بری برینه
 قارشدیریور . چونکه عثمانیلر کوچک آسیایه ورودلرند چقور اووه و جبال
 طور روس سمت لرینه کتیبوب اسیانک غرب شمالی طرف لرینه توجه عزیمت ایشلردر .
 (مترجه)

[۲] مورخز بورادهخی بیانس مورخلرینک عادتته امتتالا عثمانیلرک کوچک
 آسیاده فتح ایتدیکی ممالک و مللی ادبیات و تواریخ قدیمه یونانیده معروف اولان
 عتیق اسملر ایله یاد ایلور بز ایوم استعمال اولنان اسامری یازدق و معترضه
 ایچنده مورخک تحریری و جهله دخی کوستردک .
 (مترجه)

[۳] آسیای زیر تعبیری (Cato-Asia, Κάτω Ἀσία) اک اول
 مورخ هرودوت طرفندن استعمال ایدلشدر تبریل ایرمغک مجرای اسفلنک
 غربنده اولان قطعه دیمک ایدی . کوچک و بویک آسیا تعبیر لری ایسه یونانیلرجه
 معروف اولیوب رومایلر طرفندن ادوار اخیرده استعمال اولمشدر . کوچک
 آسیایی (Mikra Asia, Μικρὰ Ἀσία) بویک آ یادن تفریق ایدن
 حدود فرات نهریدر . (مترجه)

ایلك كوندنبر و جایکین ضمیری اولمش بر کیفیت ایدی. واقعا قسطنطنیه به صاحب
واکناف و جوانبیه حاکم اولان برجها ندر بسالتشعار ایچون توسیع ممالک
ایتمک سهل و آساندر، موانع تصور اولنه مز. سلطان محمدخان ایسه ارباب
کشف و کرامتک رموزات و تبشیراتنه قویاً بل باغلامش و فتح قسطنطنیه کیفیتی
فکرنده ایوجه یرلشمش ایدی. آنک ایچون قیصر روم ایله باب مخاصمه
کشادینه وسیله جوی ایدی. برکون ارکان دولتی و امرا و وزرا و علماسنی
جلب و بر مجلس کبیر عقد ایلیه رک انلره بروجه آتی کشف راز ایلدی :

ای نم امرای نامدار و ارکان صداقتکارم !

تعریفه حاجت یوقدرکه شمدی مالک اولدیغمز شو دولت و مملکت
نیجه مجاهدات و مخاطرات عظیمه ایله قزانیلوب اجداد مزک دست حراستده
اباً عن جد انتقال ایلیه رک نهایت بزه نصیب اولمشدر. ایچکزده اختیار
اولانلر او مجاهدات و مخاطراته رأی العین واقف و یا بالذات شریکدر ،
کنج لکیز سماعاً مطلعدر . تاریخلری اسکی اولمیوب ده ا دونکی شیر
اولدیغدن راویلر شاهدلردن طویه رق بینة تواتر ایله رهین مرتبه ثبوتدر.
نزد اولی الانظارده عیاندرکه دُون و اولکی کون پابرجای قیام اولان قلمه لر
و سورلر صولت مجاهدین اسلاف کزین ایله خاکه یکسان اولمش ،
طوپراقلری خون حیتلریله بویانمش او یکتیلر الیوم مرتحل عالم ابدی
فقط نام بهادرانه و ماتر صفدرانه لری خاطر و وجدانلر مزده حی و باقیدر
یورکلری قورقودن عاری و حسیات علویه ایله مالی اولان اتالرمز انک
مدهش مهالکه کوکس کره رک و صبر و ثبات موجب فوز و نجاتدر قوالیه
عامل اوله رق عزم و متانت و علو همتلریله آز قوتله چوق ایش، کوچک
مقدمه ایله بیوک نتیجه میدانه کتیرمشلردر . اسم سامیلری واجب الابدال
و درجه همتلرینه اثرلری براعه الاستهلالدر. انلر دیار رومه صاحب اولمینی
دها بدایت نشئلرنده هنوز قوت و استطاعتلری جزئیاتدن ایکن تصور
ایتدیله و توسن عظمت و اجلالی بتون آسیا و اوروپاده کزدرمک امیدینه

و کذراکاه بحری کیجهلی کوندوزلی تبصر آتنده بولندیرلدیغندن قلعه دیزدارندن اذنسز حکمک ایستیان کیدر قعر نایاب دریاه سفر ایتکه محکوم ایدی . بوصولته بوغازک طرفینی یکدیگرینه ربط وحق گذار وعبور ضبط اولمش دیمک ایدی . وجه محرر اوزره ترتیباتی اکمال وحصاری ناقابل تسخیر برحال مدافعهیه افراغ ایلدکن صکره شهریار عظیم الاقدار دروننه حدکفایهده محافظ لشکر وباشلرینه امرای عسکریهدن اک زیاده مظهر اعتمادی اولانی سرعسکر تعیین ایدوب و آلات رامیهیی استعمالده ماهر اولانلری انلره ترفیق ایلدوب کوزموسمنه طوغری ادرنه تشریف بیوردیلر . بوترتیبات واجراآت تاریخ هبوطک التی بیک طقوز یوزالمشنجی (میلاد ۱۴۵۲) وجلوس پادشاهینک ایکنجی سنهسی ختام بولدی .

ادر نهیه عودتی متعاقب شهنشاه حشمت اکتناه خارج شهرده مریح نهری قربنده برقصر معلابنا ایتدیردی قصر مذکور رخام صافدن معمول اولوب الحق صنعت معماریه نک بریدعه رعناسی ایدی . تزینات خارجیهسی نظرربا وطلای زر وسیم ایله قاریشیق نقوش رنگارنگ داخلیهسی روح افزا ایدی . اطراف وجوانبی حدائق و بساتین واشجار وازهار بیشمار ایله محاط اولوب جمع اوانسان انواع وحوش و طیور لطافت طبیعیهسنه برقادها آب وتاب ویرمکده ایدی . بو طربکاه صفا صاحبقران عصرک سطوت وعضمتنه سزا و احرا ایدی . مشتملات خصوصیهسنه اقامه قلنان پیاده وسواری عساکر خاصه محفوظیتنی تأمین ایلر ایدی .

شهریار کامکارک عجا بردوشونجه واندیشهسی وارمی ایدی ؟ اوت ! عالی سرایلرده صفا سورمک علوجنابنه کافی کلز ایدی . برامل عظیم ، برعزم متین روزوشب ذهن وقلبنی اشغال ایلمکده واسباب تیسر وحصولی بتون حضور وفعالیتی تسخیر ایتکده ایدی . قسطنطینک لندن رشک انداز هفت اقالیم دوران اولان تختکاهنی آلمق وفتوحات آتیهیه اوبلده غرابی اس الحركات اتخاذ ایلهرک سیف جلادتنه برکنیش جولانکاه آچمق

قالین یرلرنده اون ایکی ذراعدر وار تفاعی ثنك درت مثیدر. جسامتک درجه سنی اکلآمتی ایچون دییه بیلیرزکه ایلك دفعه کورنلر بونی حصار ظن ایتیوب برکوچك شهر تیاس ایدرلر . سور مثلث الشکلدر . زاویئه قائمسی اوست طرفه متوجه یوقوشک تپه سنده در (بو یوقوش مائلا باشلا یوب کیتدکجه دیکله شور) . رأس زاویهدده شاهنشین آسا اوطوران برج متین وعظیم ایکی ضلعی ربطوتألیف ایلدیکی کبی قاعده یی تشکیل ایدن ضلع ساحلی نک ایکی اوجنده کی زاویهلرده خی بر برج مستحکم اقامه ایداشدر . ضلعلر زاویهلرده کی صیق بر جلر قدر مرتفع وجسیم دکاسه ده انلره ظهیر اوله جق توتی حائر ایدی . اشته حضرت پادشاهک حصاره بویله بر شکل و وضعیت و برمه سنده کی مقصد ساحلک بر قسم عظیمی احاطه ایله دروننه وضع اولنه جق سنک انداز آتئر [۱] واسطه سیله بوغازدن سفاسنک مرور و عبورینی منع ایتمک و قره طرفدن تپه لره دخی حاکم اوله رق دشمنی ممکن مرتبه قلعه یقینه صوقامق ایدی . حتی اشاغیدن یوقارو طوغری اوریله جق ضربلر قلاعه ضرر ویرمیه رک طریق فرار دشمنی یالار ایدی .

قلعه آتام اواندقدن صکره پادشاه حضر تلی تجهیز و تسلیحنه صورت مخصوصه ده اعتنا ایلدی . و هر درلو اساجه دن ماعدا (اوق ، یای ، قالقان ، کرز ، طوپوز و امثالی) خارجی داخلی بتون سپرلر اره سنه صغیر و کبیر سنک انداز آتئر قویدردی . اک بیوکارینی دکرک قربنه و سورک اتنه برخط منحنی اوزره یرلشیدر رک صاعده کیلر صول طرفی اوره بیایر ویوکسکده کیلردن اتیلان مر میلر دکرک اورتسه سنه یتیشور ایدی و سکیدر مه طرزنده آتیلور ایسه قارشو یقینی بیاه بولور ایدی . شو وضعیت سفانن جسمه شویله طورسون اک کوچک مرا کب بحریه نک مرورینی منع ایلدیکندن

[۱] بو آتئر دن مقصد طویلر و یامنجه نقلر اولمیدر . چونکه اولوقنلر تاش کله آتیلور

و هاته قدر ایله محاط برکول کبی کورینور . ایچنده بولمانلر کندولرینی بر کوچک کول دروننده فرض ایدهرک هیچ بریردن مخرج یوق ظن ایدرلر . قرده کزک جسم کتله میاهی بوغاز آغزنده صیقشده طارلقدن دالغالانوب ودالغهلر یکدیگریله دوکوشورجه سنه جوشقونلق کوستروب حاصل اولان سرعتلی آندیلر و کردابلر کچن کیلری قیلره آتار و کیجیلر صولری بیلمز لر و مهارت و غیرت کوستر مز لسه تکنهلر قیلره چارپه رق تلف اولور . پادشاه حضرتلری بوغاز ایچنک ائک طار محلتک عرضنی مساحه ایتدیروب یدی « استادیون » [۱] بولدیلر .

جهاندار عالی تبار بوغاز ایچنک هر نقطه سنی و اطراف تپهلرینی تمامیه کوزدن کچیروب ذهنده حاصل ایتدیکی معلوماته نظر آ مساحه ایتدیدیکی طار محله حصاری انشا ایتمه ک قرار ویردی . سورک محیضی کندی اشارتیه تعیین ایلدی . قلعه دیوارینک و برجلرک ارتفاعی ، اوکده و کیروده پایله حق قله لک قاعده سی و یکدیگر نندن بعد و مسانه سی و متر یسلری و قلعه قبولرینی کوزلجه قرارلشدیرد رق تقسیم اعمال قاعده سنه توفیقاً امر انشا آتی متعدد مأمورینه توزیع و حواله ایتدی و الیزم سرعت ایتهلرینی صورت مخصوصه ده اراده بیوردی . وانلرا ایچون مسابقه مکافاتلری احداث ایایه رک دکر جهتی انشا آتی عهدّه هایونلرینه آلدی . اواسط بهارده ایشه باشلانیدی حانده او قوجه حصار عملهنک کبثتی و مصرفک اسیرکنهامسی و ایش باشیلرک و مدیرانک علوه مت و رقابتلری سایه سنده نهایت صیفدن اول حد ختامه رسیده اولمشدر . جسامت و رصاتی امثالی قله لره غبطه رسدر . طاشلری و زاویه لری تیمور و قورشون بند و که نترلره محکم باغلامشدر . خارجی برجلر جسمیم و مرتفع و سایه طوغری سرکش و داخلی برجلر و سپر لر قوی و متین اولوب الحق بو حصار کوزل بر تحصنکاه اولمشدر . سورک ٹخنی ائک

[۱] اسکی یونانیلرک استادیون $\Sigma\tau\acute{\alpha}\delta\iota\omicron\nu$ تعبیر ایتدکلری اولچوفی زمانا

۱۸۹ مترویه معادلدر . یدی استادیون ۱۳۰۳ مترو دیمکدر .

و حرب کیلرینه خصمانه بر حرکت تصادف لرنده مدافعه ایتک مأموریتله لزومی قدر عسکر ارکاب ایله رک اشبو دو تمانی حرب حانده کلیولایدن بوزاز ایچنه اعزام ایلدی ؛ و کندیسیده موکب همایونیه قره طریقیه اول صوبه متوجهاً حرکت ایده رک یدنجی کونی بوزازه واصل اولدی. عسکری یرلشدردکن صکره ارباب و قوف و تجربه و معلوماتدن بعض اختیار ذواتی استصحاب ایله آتیه بینوب بوزاز ایچنک اطرافلی بر کشفنی اجرا ایتدی . و بوزازک پک طار و محدود اولدیغنی و اعوجاجاتی و برون و قوبلرینی و دیرسکلرک دکزه اوزانوب قارشولاشدق لرینی و بوزاز ایچی دکرینک شدتله جریاننی و قره نك دیرسکلری سببیه آقندیلر و کر دابلر و چیرپندیلر حاصل اولدیغنی و بوزازدن مرور و خروجده سفائنه چپاریز و یرن نقاط و مواقعنی رأی العین معاینه ایلدی . معلومدرکه بوزازک احوالنه قدیم یونانیلردخی مطلع اوله رق « سیمپلیغادی » Συμπληγάδες یعنی بری بریله اوروشان قیالر تسمیه ایتشلر و بوزازدن ایلك دفعه قهرمانان اسا- طیریه دن ایراقلیسک (هر کول) و صکره ایاسونک و آرغوناقتلرک [۱] مرور ایتدیکنی حکایه ایتشلردر بو قهرمانلر بوزازک طار اغندن و برونلرک و چقیقتیلرک داخلأ و خارجأ اوزامه سندنشانی مرورده بر چوق کلفت و زحمته دوچار اولشلردر . فی الحقیقه بوزاز اسباب مذکورده دن طولانی

[۱] اساطیر یونانیه ده تسالیاده پلون طاغنک اغاچلرندن (اله دین اغاچی) آرغو نامنده برکمی بایله رق غلوس قرینده کاش عتیق ایولغوس اسکله سندن بوکمی ایله قره دکزه سفره کیدن قهرمانلره « آرغوناقتیس » تسمیه اولمشدرکه معناسی « آرغو سفر برلری » دیمکدر . ارغوناقتیس لرک ربسی ماراند کر ایولغوس شهری خاندانلرندن ایاسون ایدی . بوسفر دن مقصدلری کورجستان قرالی نزدنده بولنان صیرمه تویلی کچی پوستنی اله کچیر مک ایدی . روایت اساطیریه ده نظرأ بوزاز ایچنک طرفینی ساحل لری ارغوناقتیس لرک و رودینه قدر یکدیگر ایله چار پیشیر ایکن آرغونک مرورنده صدمه و دیدنمه لری ختام بولمشدر . بوروایاندن دخی اکلاشیلدیورکه اسکی یونانیلر بوزاز ایچنی بقیندن کورمیوب و ایوبیلمیوب فقط مسموعات مبالغه پرورا- نه لرینی خیالی مصالره تزیین ایتشلردر . (مترجه)

و آسیا کی یکی قطعه ده حکومت جاری و هر ایکسندہ خائف و معارضلم
 کثیر در اکثر بزرگندی ممالک مزی کندی اختیار مزله خصایه بر افاق
 ایستمز ایسه که هر یرده حاضر و ناظر اواق و هر یکی قطعه نک مقتضیات
 کافیه سنه ناقق لازمدر . پدرم مرحومک عهد سلطنتندہ مجار لک الکامزہ
 وقوعبولان تجاوز و هجومی اوزرینہ اناطولی اردومزی روم ایلیہ کچیرہ -
 جکمز زمان ایتالیان کیمیرینک دکزلرمزده طولاشمه سندن و بزہ مانع
 مرور اولسندن نہ بیوک محذورلر ، تہلک لر تولد ایلدیکی جملہ کزک
 معلومدر . لہذا فیما بعد بومثلا و احتمالاتک اوکنی آلق و ممالکمزک منافعی
 تأمین ایتک متحتمدر . عکسی حالده اوغرائیلہ جق ضرر و زیانلردن ماعدا
 دکزلرینہ و الکالرینہ صاحب اولہ میان حکمدارہ خجالت عظیمہ ترتب
 ایدر . شکایت ایتدیکنز بو حصار ی انشا ایده جکم یر ذاتاً بزمدن من القدیم
 آسیادن اورویاہ کذرکامزدر دوام صاجی آرزولایورسہ کز بومسئلہ یہ
 مداخلہ ایتاملیسکنز شاید بز ی حق مرورن محروم ایتک ایستورسکنز
 بحث دکیشور . مع مافیہ سزلر حدکز دائرہ سندن قالدقہ و بز م ایشلمزہ
 قارشیه رق فضله شیلر احداث ایتدکجہ بندہ صاجی نہ اخلال ایدر ونہ
 ایتک ایسترم .

پادشاه حضرتلری سفرایی بوجوابلرلہ اعادہ ایلدی . انلرده عودتلرنده
 قیصر قسطنطنینہ ووزرا و وکلاسنہ و سائر ارکان دولتہ اولدینی کی نقل
 و حکایہ ایتدیلر و سلطان محمدی سوزایلہ الزام ایتک ممکن اولمیه جفتی
 و تشبثدن و از کچیرمک قوہ جبریه استعمالنہ (اکر کفایت ایده جک قوت
 بولنسه ایدی) متوقف اولدینی مکملہ ارہ سندنہ اکلاندیلر . سامعین
 و خامت حالی تقدیر ایتکله برابر کرہا ماشات طریقتندہ دوام ایتکی
 (بشقہ دلر حرکتہ اقتدارلری یوغیدی) ضروری کوردیلر .

خاقان مؤید سلطان محمد حضرتلری موسم بہارک تقریبندہ استحضاراتی
 بعدالاجرا اوتوز سفینہ حربیہ و برخیلی ده سفائن نقلیہ ترتیب و تجهیز

سیرجی کبی طورہ میوب حقلرندہ دہشتلی نتیجہ لر ویرہ جکنہ عقلری ایردیکندن والہ وحیران وخائف وهراسان اولارق تدارکات مذکورہ نی کندولری ایچون ترتیب اولسان قید محکومیتک آشکار برمبدای کبی تاقی ایلورلر و تخمینلرندہ یاللیورلر ایدی . چونکہ حصارک انشاسندن مقصد اصلی بلده لرینہ قصد ایدی . اوہام فیکریہ واضطرابات درونیہ لرینک سوقیہ سلطان محمد خانہ برھیئت سفارت کوندرمکہ وبوصورتلہ تشبثات شہریارینک ممکن مرتبہ اوکنی آلمغہ قرار ویردیلر . کیدن ایلچیلر حضور پادشاهیہدہ بین الدولتین موجود اولان معاهدات ومقاولات احکامنی سرد وتفصیل وایام اخیرہدہ کندی طرفندن تجدید اولنان عہدہدہ موضوع بحث اولان مواقعہدہ حصار واینیہ سائرہ انشاسنک ہر ایک طرف ایچون ممنوعیت قطعہ سنہ دائر اولان احکامی توضیح ایلدیلر واقعا برکیمسہ اورالردہ انشا آتدہ بوانور ویا اسبابنہ تشبث ایدرایسہ انی منع ایتمکی ہر ایک دولتک در عہدہ ایلدیکی مارالذکر عہودہ مذکور ایدی ودولت عثمانیہ بہ قارشو قول آتی مندرج ایدی . « موقع سربستدریانکز سزک عسکر و اشیا کزک ساحلک برندن دیکرینہ کچمسنہ مساعده اولنور . » سفرای مومی الیم برخیلی سوزلر سویوب دہا دون واولیکی کون عقداولتمش بر معاہدہ نک یویلہ براوفاق سبیلہ فسخ ایدلامسنی وحقوق عہدہ رعایت ایدن پادشاهہ قارشو ہیچ بر تعرضدہ بولنمیان روملر کدہ طرف پادشاهیدن عینی معاملہ بہ مظهر اولسنی تمنی ایدیورلر ایدی .

شہریار حکمت شعار انلرہ شو جوانی ویردی : ای روم چلیلری ! بن ظن ایدرم کہ نہ سزہ قارشو بر تجاوزدہ ونہ احکام عہودہ مخالف بر معاملہدہ بولنمورم مقصدم سزلرہ ایراث ضرر ایتیمہ جک صورتدہ کندی منافعی حفظ ایتمکن عبارتدر . متعہدینہ مضر اولماق اوزرہ ہربری کندی فوائدینی کوزتمک ہر حالہ محق ومخذوردن غیر سالم وبتون انسانلرہ مساعده اولنور برشیدر . کوریورسکز کہ یکدی کزندن متفرق اوروپا

خاقان ذیشانک قره دکز بوغازی حقنده برتصور مخصوصی وارایدی .
 بو بوغاز عثمانلی سلطنتک سایه انداز اولدینی ایکی قطعیه یعنی اوروپا
 و آسیایی یکدیگرندن تفریق و فقط قره دکزلی مرمهیه الصاق ایدوب
 ایکی جهتنده محذورلری و منافع دواته ضررلری نظر خرده بیننده معلوم
 ایدی . ایکی برک ینوتی ماضیده ، پدیری زماننده آرزالیدی برینک ضیاعنی
 موجب اوله جق ایدی [۱] . روم قیصری بوغازک اک معتنا نقطه سنده یعنی
 قسطنطنیه ده او طوره رق و بحرین و برینی کوزینک او کندن آیرمه رق حال
 و زمان فرصت و یردکجه دولت عثمانیه یی اضراردن کیرو طور میور و مثلاً
 عثمانلی پرنس لردن کندینه اتجا ایلیانلری محافظه و اقدار و تشویق ایلیور
 ایدی . دیگر طرفدن ای تالیانلر و خاصه و ندیکولور آره لرنده ظهور ایدن
 منازعات یوزندن بو حوالیه صارقیتلیق ایدوب کیملری شرق صولرینه
 طوغری جریان واق دکز و قره دکز بوغازلرینی سدایله ملل سائر سفائنک
 مرورینی منع ایدیور لر ایدی . بناء علی ذلک ایکی قطعیه یی بری برینه ربط
 و بالعکس ایکی دکزک ازه سنی قطع ایتک و کرک قطعدن قطعیه و کرک
 دکردن دکره کیفیت مروره حاکم اولمق و اورالردن اغیارک ایاغنی کسمک
 لزومنی مدرک اولغله بومقصد و وصول ایچون بوغاز ایچنک کطار واک
 سریع الجریان مخلنده ده بر حصار انشاسی جایکیر ضمیر هایونی اولدی .
 باخصوص بویه بر حصارک وجودی عهد قریبده تشبث ایده جکی فتح
 قسطنطنیه نک لوازم ابتدایه سندن ایدی .

اشبو تصورک فعلیاتی ایچون موسم بهارک و رودینه انتظاراً قیش
 اثناسنده مالزمه انشایه نک ، طاش ، کرسته ، دیمیر و لوازمات سائر نک
 سریعاً تدارک اولمنسنی اراده و بوایشلری ماهر و فعال اللره حواله و تودیع
 ایلدی .

برو طرفدن قسطنطنیه حکم داری و اهالیسی پادشاهک بواحضاراتنه

فریکیا و کیلیکیا حاکمی قرمان ایله [۱] کذلک عینی معامله ده بولندی ، زیرا صالح و مسالمتک حال حاضرده فائده سنی جزم ایلور ایدی .
بعده مملکتک امراداره سنی تفتیش و تفحصه ابتدار ایله رک حقلرنده اهلینک شکایتی واقع ولان و لاته و حکامی عزل ایله یرلرینه عقل و کیاست و جسارت و عدالت امحاسبندن نصب و تعیین ایلدی . اقدم آمالی رعایا و برایانک نعمت عدالتله متم اولسی قضیه سی ایدی . صنوف عسکرینه نک ترتیبات و تشکیلات و معاشات و تمیذاتی دخی نظر تدقیقندن امرار ایله برخیلی اصلاحاته موفق اولدی . عساکر خاصه سنک یایا صنفی که کندی لسانلرنده یکی آلائی مغاسنه یکیکچری تسمیه ایدر لر بوصنف عسکرک اجل خدمتی و دولتک حراست و اعتلاسی نقطه نظرندن اهمیتنی رعنا بیلدیکندن یدلرنده کی شمشیر و سهام و سایر اسلحه حریه نک و آلات و ادوات جنکک تجدید و اصلاحنه بذل همت ایلدی .

امور مالیه انظارا هتامندن دور قالمدی پدرندن مدور خزانک حسابنی طوبولاندی و یرکولرک جبایتی انتظام الته الدی محصللری و علی العموم مال مأمورلرینی مسؤل طوتدی اجرا ایتدیردیکی تحقیقات و تفتیشاتده پدریک ایکنجی دوره سلطنتده طاری اولان رخاوتدن طولایی واردات دولتک امر جبایتنده وقوعه کلان یولسزلقلردن و مال مأمورلرینک سوء استعمالتندن واردات عمومی دولتک ثلثه یقین بر مقدارنی هبا و اسراف ایدلیدیکی تین ایتکلکه بونک چارلرینی آرادی ، بولدی و آتیا خزینهنی محافظه و تأمین ایدیحی قاعده لر قوبدی . محصل و جابیلری قورقوته رق ایفای وظیفه یه سوق ایتدی و منحل و قوعنده ناموسلی و امنیتلی و کفایتلی مأمورلر تعیین ایلدی بوسایه ده واردات دولت مدت قلیله ظرفنده تزايد ایتشدرد . حضرت پادشاهک سال نخستین سلطنتنده کوستردیکی فعالیت و اجرا آت رکن رکن دولته رصانت و یردی .

[۱] مورخک قرمان تسمیه ایتدیکی حاکم قرمان اوغلی مشهور ابراهیم بکدر .
(مترجه)

پادشاهی اولدی و آسیاده پدری طرفندن منصوب اولدینی ایالتکاهندن همان اورویا به کچی. سلطان محمدک و لادئنده اولدینی کی حین جلوسنده دخی برچوق خوارق عاده ظهورات وقوع بولدی : حرکت ارض ، ذوبان زمین ، رعد و برق ، فجر شمالی کی علامات احوال عالمده تبدلات و تجددات اوله جغنی ایما ایتدی. کاهنر ، فالجیلر اولیلر و الحاصل غیبدن خبر و یرنلر استقبالده بیوک شیلر اوله جغنی و پادشاه نوجاهک طالعی فرخنده و موثقایی. عظیم و آنک قلیجیه کائناتده بیوک حوادث اوله جغنی خبر و یردیلر .

— ۵ —

ایمدی سلطان محمد خان بردولت جسیمه نك وارثی و لایعد و لایحصا نقود و اسلحه و جنودك صاحبی و آسیا و اوروپانك اك كوزل و اك معمور اقسامنك حاکمی ایکن ید مؤیدنده مجتمع اولان بواققدار و سطوتله اکتفا ایتمه رك فکر جوالی اقطار جهانده سرعت سریعه ایله سیرایدردی و اسکندرلره و پومپلره و یولیوس قیصرلره و امثالنه نصب نظرایلر ایدی . ذکا و استعداد خدا دادی و فعالیت طبیعی سی و علوم و فنون عتیقه و جدیدیه قوف تامی کندوسنی مأر فواق العاده یه سوق ایتمکده ایدی . عرب و عجم ادبیاتنده مسلم اولان و قوف تامی شویله طورسون حکمای یونانیه نك عرب و عجم لسانلرینه ترجمه اولمش اثرلرندن تریپاته تیق و سنو ثقلر تعمیر اولتان مذاهب فلسفیه یی تتبع ایدر و اخذ و توسیع معلومات ایچون مذاهب مذکورۀ فلسفیه نك ماهر و متخصصلرینی خواجه اغنده استخدام ایدر ایدی .

اهمال و امهال نزدنده مجهول شیلر اولوب طوغریدن طوغری مقصده شتاب ایتمک جمله خصائلندن و مقتضای انکار علویه سندن ایدی . اول امرده روم قیصری فسططین ایله عقد صلح ایدوب متعاقباً

حتی اکاسره عجمك دخی منشأی آنلردر . واقعا هرودوتك راوبته نظرأ
 اعجامك بشقه قبائل وعشائری وبطون وانسالی واریسهده بونلرعدای عد
 اولنور . ازقدیم اخن وپرسوسدن [۲] تشعب ایدن قبیلهلر اصالت
 وشرافتله ممتازدر واصلاری داناوس وایکوسه منتهیدر . داناوس ولیکوس
 عن اصل مصردن ومصرک مازه اودیس بتاقلغنده کی هممی شهرندن اولوب
 اورادن یونانستانه نقل خانه ایتشلر وچوق مدت صکره اولاد وانسالی یعنی
 « آخنیان وپرسیان » بعض ایجابات سیاسیة اوزرینه آسیایه هجرت ایدوب
 دیارفرسده بردولت تأسیس ایتشلر واسملرینی هم قومه وهم مملکته
 براتشلردر .

بالاده ذکر اولندینی وجهله سلطان مرادك وفاتنده اوغلی سلطان
 محمد زمام سلطنتی قبضه اقتدارینه آلدی ویکرمی یاشنده یدنجی عثمانلی

مورخین عجم کیانیان تسمیه ایتشلردر . اخنیان اسمی سلاله نك ان نامدار حکمداری
 اولان کیروس (کی خسرو) ك جدی اخنس *Ἀχαιμένως* دن مشتقدر .

پرسیان تعبییه کلنجه تاریخچه براساسی اولیوب اساطیر یونانیه دن منتقل
 براسمدر . روایات اساطیریه یه کوره پرسوس نامنده ونیم مبعودیت صفتی حائز
 قهرمان خطه یونانیه ده و آسیا و افریقا قطعه لرنده کی مناقب رستمانه سیله اشتهار ایتش
 برشخص موهوم اولوب اولادی یونانستانك آرغوس شهرینه نسبت اولنور بر
 خاندان ذیشرف ایدی . اسکی یونانایلر فرس قومك اسمنی اوکرندکارنده مشابهته
 مینی بواسمی کندیلرینك پرسوس نام قهرمانلری اسمله تخلیط ایلهرک ایرانلرک
 پرسوس اولاندن اولدیغنه دائرمصاللر اویدوردیلر ، اشته بوروایت آندن قالمشدر .
 مورخزك عثمانلی ترکاریخی عجمه نسبت ایتمه سنك سببی روملرک سلجوق ترکاریخی
 عجم عدایتدکلرینه قیاسأدر .
 (ملترجه)

[۲] داناوس ولیکوس اساطیر قدینه یونانیه یه کوره مصردن آرغوس
 شهرینه یعنی سالفالدرک پرسوسك مملکته کلرک اوراده حکومت ایتشدر .
 شاعر ، اومیروسك دیواننده مذکور اولان اسامی دلیراندن بریده دانای یعنی
 داناوسدر . اشته بومناسبته مورخز پرسوس ایله برابر داناوس ورفیق لیکوسی
 دخی اعجامك اجدادی صره سنه کچیردی . حتی مورخزك معاصرینی اولان برلاتین
 مورخی دخی اومیروسك اشعارینه استناداً ترکاری اسکی نرویا قومك ذرباتندن
 عد ایلدی .
 (ملترجه)

مؤلف عبرانی یوسپیوس [۱] بوحقیقتہ سلوک ایتدی. قدس شریفک رومالیل طرفین استیلاسنه دائر یازدینی کتابده رومالیلرک معالی و مزایاتی حقیقتہ مقارن اوله رق ذکر و مدح ایله دی. بالعکس کندی وطنداشلری میاننده کی فنا آدملری، فساد پیشهلری تقییح و تشنیع و حسن خدمته چالیشانلرک معصومیتنی اقرار ایتدی. اشته بزده بووجهله معامله و عینی مسلکه سلوک ایده جکز. بلا تردد حق و حقیقتی التزام و محافظه ایله جکز. بو قدر تطویل کلام کافیدر کله لم مانحن فیه :

— ۴ —

خلقت عالمک ۶۹۵۹ سنه سنده (میلاد ۱۴۵۱) [۲] سلطان مراد خان ثانی عزم بقا ایله دی. سنی الی ایکی اولوب اوتوز بر سنه سنی پادشاهلقده کچیردی. کریم و عالیجناب و شجیع و مهیب و عسکر قومانداسنده ماهر ایدی. آثار و افعالی کزیده و پسندیده در. سلطان مراد ائومارک [۳] شرافتو عالمه سندن اوله رق اصیل و نجیب برپادشاه ایدی .

بو عثمانیلر پک اسکی آخه متیلر و پرسیلر [۴] نسلندن نشئت ایتشددر.

[۱] یوسپیوس بنی اسرائیلدن اولوب دین موسونیک فاریسهئی مذهبنه تابع ایدی، لسان یونانی یه ده واقف اولوب میلادک الشمس یدی سنه سنده طائفه یهودک رومالیلر علیه وقوعبولان عصاتدن تاریخی لسان مذکور اوزره قلمه آلمشدر . کندیسئی رؤسای عصیان ایدی اسمی یوسف اولوب روحیه تقلنده شیوه لسانه اویدر مشدر . (مترجه)

[۲] بیزانس روملری خلقت عالمدن تاریخ قورلر و تورانک روایتجه خلقت عالم ایله میلاد عیسی آره سنده ۵۵۰۸ سنه مرور ایتدیکندن بوروایتی معتبر طوتارلرایدی . (مترجه)

[۳] مورخلرک بوراده استعمال ایتدیکی براسم «آتومان» Ἀτουμάνοι در . بز نوکا «قانی خانلر» دیملی بز . بیزانس مورخلرینک چوغی علی العموم عثمانیلر ایچون اوئومانوس تعبیرینی قبول ایتدیلر . (مترجه)

[۴] اخنیاں Ἀχαμένιδαί مورخین قدیمه یونانیه نك روایتنه کوره میلاددن تقریباً بش بحق عصر اول ایرانده حکومت ایتمکه باشلیان سلاله ملو کدر، بوسلا له

بشریه دن غافل دکلم . بحیا بزم بوملت طبایع عمومیه بشردن خارجی بولنیور ،
یاخود بطون سائرہ انسانیه طبیعتک فوقنده بر آفرینشدنی نشئت ایلدیور
و آنلرک تابع اولدینی قاعدهیه استثنا تشکیل ایلیمه جک ماهیتده می بولنیور؟
خایر !

کیم بیلیمزکه انسانلر دنیاده موجود اوله لیدنبرو برتک قوم وملته منحصر
اولیبوش تشکیل ایتدکری دولتور وحکومتلر عین موقعده قلمدی . دور
دائم قانوننه تابع اولدیلر وملتدن ملتله انقلاب وموقعدن موقعه تبدیل
جای ومکان ایلیمه رک هر طرفه یایلدیلر . بروقت آثور یاده ، دیار مجبوسده ،
فرسده بروقتلرده یونانده ، روماده صاحب جمعیات اولدیلر . سنین
واعصارک دورانی کبی کذار ایتدیلر وهیچ بر زمان عینی موقع وحالده بقا
بولمدیلر . اولیمه ایسه جای تعجب دکلمرکه شمدی بو عادت یرینی بوله رق
آنک سوقیله حکومت وطالع بوکون روملری ترک وبشقه لرینی نوازش
و آنلره نقل حیات ایلسون . نصل که کندیلرینه ده بشقه لرندن انتقال ایتدی
ایدی . طبایع وعادات ومقدرات بی بشر هر یرده حکمنی اجرا ایدمگمشدر .
بو حالده نیچون ادامه موجودیت وسعادت ایتدی ، نیچون صدمات طالعدن
صارصلیمه رق محافظه حکومت وشوکت ایتدی دیوملتمزنی نصل ذم
ایده بیلیرز . اوت ! وقتاً فوتماً بعض اشخاص نادان ذمام دولتی اللرینه
آله رق جبلتلرنده کی فساد سوء استعمالته میدان آچوب چوق فناقلره
سبب اولمشلردر . اما بوقباحث بتون ملتله راجع اوله ماز . خطالرک مسئولیتی
فاللرینه عأددر . مدح وقده محله مصروف اولمق کر کدر . حسنت
مدحه شایان وسیئات ذمه لائقدر . بو ، موافق حق وعدلدر . صلحای
ناسک وارباب محاسنک تذکار اوصافی و ذکر جمیلی بشقه لرینک اخلاقی
تصفیه ایدمگچی جهته اولکیلری مکافاتدن وایکنجیلری استفاده دن
محروم براقق ناروادر .

بختلرینی تفصیله اعتنا ایلرز . کرچه بعض مورخلر مباحث مذکورہ فی یازدیلر ایسده ترتیب و تحریرینجه التزام جدیت ایتیمه رک عقلمرینه کلدیکی کبی یازمشلر وفهم واحاطه ایده بیلدکلری شیلردن بحث ایتمشلردر و قلمه آلدکلری شیلره اهمیت ویرمامشلردر . ایمدی بز تصور ایتدی کمز اوتالیف خصوصیده بونلردن وبوصورتله بحث ایتیمه جکزر . پادشاه عالی جاه سلطان محمدک من کل الوجوه اسلافه فائق اولان افعال واجرا آتلرینی حکایه ایدزک بوتالیفی مطالعه کتبدن ذوق معالی طویان ذواته بر تحفه نفاس اولمق اوزره تقدیم ایده جکزر . زیرا بو پادشاه یالکزر همعصری اولان ملوک و تاجدارانه دکل ، ملل حاضره و سالفده یتشمش حکمدارانه و حتی کندی خاندانندن ظهور ایدن وهربری ام سائر ملوکنه فائق و مسابق اولان پادشاهان عظامه مزیت و فضیلت و شجاعت و بسالته حائر رتبه فوق و تقدم در .

— ۳ —

بو اثری کرک شمدی و کرک مستقبله اوقویه جق اولان ذواتدن شونی تمینی ایدر مکه : کندی ماتمک کر قنار اولدینی مصیبت و فلاکتله کویا آجیایور و متأثر اولیورم و سفالتلرینی آچقندن یازد رق قباحتلرینی ممکن مرتبه قیایه جق یرده انظار عامه یه وضع ایتکی ترجیح ایدیورم کبی کورورلر ایسه نیم بو حرکتی نه حماقمه نه ذمه مسدتمه اسناد ایتمه سونلر . چونکه اول امرده بو حرکتیز متمزی تکدیر یا تحقیر و یا تقبیح مقصدیله اولمایور . بو کبی معامله مقصد تالیفدن وبالخاصه بزم اخلاقردن اوزا قدر . بن اودرجه وجدانسز آدمی یم که ملتمک باشنه کلن فالقلمه ملتمه برابر آجیه جق یرده اونلری ذم ایتک ایستیم . مع مافیہ احوال بشریه نک بیقرار و ناعموار و دائماً متغیر اولدینی بیلدی کم حالبه ده رک طاتسز و انتظامسزلنی و طبیعتک مضار و آزاری ایچنده سالمیت ، متانت و ثباتی یالکزر کندی ملتمدن طلب ایده جک قدر احق و صایغیمز و مقدرات .

حقیقی اوزره یازیلان شئون جدیده آرزوایله و مراقایله اوقنور و دیکله نور
 و مظهر تحسین و آفرین اولور. (تقلیات اساطیریہ نیک کهنه لکنه و ذهنآ
 احاطه سنده کی مشکلاته نظرآ) وقوعات جدیده نیک انسانره تعلق زیاده
 اولسی و اوانسبتده آنلرجه معلوم و صریح بولنمی سببیه ده زیاده نظر
 دقلرینی جلب ایدر مطالعه سیله ده زیاده خشنود و لذتیاب اولورلر .

اشته بوکی اسباب دخی بو کتابک تألیفه انضمام ایتدی. زمانم زده دخی
 یونانیلردن و باربارلردن و رومالیلردن صادر اولان افعال و آثار میدانه
 کتیرلدی واک نامدار رجالک فضیلت و شجاعتلرینک بیوک نمونه سی
 کوسترلدی. تاریخجه حائر موقع عظمت اولان دولتلرک اک اسکسی مدت
 قلیله ظرفنده بر صاحب ظهور النده منہزم و منقرض اولدی و بو وقعه
 مهمه احوال علمده بر تحول وجوده کتیردی .

ایمدی حقیقت حالی التزام و اشخاص و اوقات خصوصنده انتظام
 و انسجام طبیعی به مراعات و وقایع و حادثاتی مناسبی و جهله ترتیب
 و یکدیگرینه ربط ایدرک هر واقعه یی تفرعات و تفصیلاتی ایله اولمش کی
 قلمه آله جفم .

— ۲ —

ترک قومنک بزدن ده اسکسی اولان تاریخی و اوقومک عهد قدیمدن
 زمان حاضره قدر امتداد ایدن حیاتلرنده توالی ایدن حکمدارلرینک
 آمال عالیه سی و متشبت اولدقلری محاربات و نازل اولدقلری فتوحات، که
 روملرک دولت عظیمه سنک رفته رفته تذلیل و تدمیری و عاقبت کلیآ
 ضبط و تسخیری بو فتوحات جمله سننددر. اشبو و امثالی وقایعی بزدن اول
 چوقلری روایت ایتدیلر . فقط بزم مقصد من شمدی بو وقایعدن بحث
 ایتمک دکدر . نده بو کتابده بوکا دائر مواد تاریخیه موجوددر. انشالله
 صکره خصوصی بر اثر تألیف ایدرک او اثرده وقوعاتی وقت و زمانیه
 و بونلری اجرا ایدن اشخاصی حال و شانیه ذکر ایتمک صورتیه

جهانگیرانه کی اوگردن کدن صکره عون و غایت باری وقوت بازوی .
 شهر یازی ایله کشیده سلك تحریر ایتمکی کمال مباحات ایله تمهد ایلم .
 طرز تحریر و تصویر رهین پسند عالی بیورلدینی تقدیرده بووظیفه مهمه بی .
 بندن زیاده اقتداری اولانله ترك ایدرم .

قریتو وولوس طرفندن تألیف اولنان

تاریخك برنجی قسمیدر .

قریتو وولوس طرفندن قلمه آنان تاریخك اشبورنجی قسمی خاقان .
 دوران سلطان محمد خانك عهد سلطنتلرینك مبادیسنی و بوغاز ایچنده یکی .
 بر حصار انشا ایتمکی و قسطنطنیه نك محاصره و محاربه سی ایله نهایتده .
 آورده قبضه سطوت ایلمدیکنی حاکیدر ، بونلر اوچ سنه ظرفنده وقوعه کلمشدر .
 ایمرور آطه سی معتبران و متعینان اهاالیسنندن قریتو وولوس معاصری
 اولدینی بونجه وقایع عظما و حادثات حیرت افزانك منسی قالمسنی روا
 کورمدی و اخلافده آنلری اتخاف ایتمک آرزوسنه دوشدی . زیور صحائف
 تواریخ اوله حق بویله نفیس و کزیده وقایع و حوادث مرور دهور ایله
 انسانلرک خاطرندن نابود اولسون و انسال آتیه حصه مند منافع و انتباه .
 اولمقدن محروم قالمسون ، محسناته ساعی اولانلر افعال جمیله نك مؤلفاتده یاد .
 و تشهیر اولندیغنی کورده رك شوق آلسونلر و شجاعت و مزیتلرینی شایان
 امثال بر نمونه اوله رق اخلافه یادکار براقسونلر .

تألیف کتابة باعث برسبب دهاواردر . معلومدرکه وقایع عتیقه فضله .
 طنطنه کلام ایله اغلاق و اعظام ایلمدیکی اجلدن قولایلقله اینانلر ، استماعی .
 بیله انسانه کوچ کلیر ، مبالغه حد معروفي تجاوزایدرایسه طبعه کلال ویرر ؛
 فکری اتعاب ایدر ؛ کلال و تعب نهایته نهایته تنفری دعوت ایدر . بالعکس .

بوندن صکره موریه ایدیلان برنجی وایکنجی سفرلر ایله بوخطه نك
 وداخلنده بوانان بلاد وقلاعك فتیحی وویرکویه ربطی ؛ بعده سینوب
 وطر بزونه دائر حادثات ایله بوایکی بیوک بلده نك با مقاوله تسلیمی وملحقات
 ومضافاتنك حضرت پادشاهه کیفیت تابعیتی ؛ بونلردن صکره اولاح بکی
 دراقوله نك عصبانی واولاحلرك اختلالی وپادشاهك بونلرك اولککسنه
 هجومی؛ دراقوله نك دفع وطر دندن صکره برادری رادوله یه امرشهریاری
 ایله افلاق حکومتك توجیهی ؛ قوت و ثروت وجسامتجه جزیره لرك اك
 مهملرندن اولان مدلی نك تمامیه فتیحی ؛ وآمانلر وبوشناقلر ومجارلر مالککنه
 واقع اولان برنجی وایکنجی هجوملر وممالک مذکور نك تسخیری وتقريباً
 اوچيوزه بالغ اولان قلعه لرك ضبطی وبکلرینك وحا کلرینك درستی ؛
 بعده اوروپانك ساحل دریاسنده ساکن آرنادلرك مملکتلرینه وقوعبولان
 برنجی وایکنجی سفر ایله کشور مذکورك استیلاسی ؛ ونديکلیلر ایله بش
 سنه دوام ایدن محاربه وانلرك مورده عثمانلی سرعسکرلرینه ایکی دفعه
 مغلوبیتی وسطوت پادشاهی ایله دوچار اولدقلری هزیمت ومدلت ؛ وبو
 وقایعدن بشقه استانبولده انشا اوانان ابناء عالیه وسفائن وترسانه وسرای
 وچارشو وکمر وحماملر وحصار وکرك آق دکر وکرك قره دکر بوزازلری
 مداخل وسواخلنده بنا اوانان ثابت فائده لی وبلنکه لزوملی استحکاملر وقلعه لر
 وقصبات وبونلره مماثل برچوق شیلر وپادشاه حضرتلرینك ایراد ایتدیکی
 بلیغ نطقلرك بعض مهملری .

اون بدی سنه ظرفنده پادشاهه میسر اولوب زینتبخش سلك سطوری
 اولدینی کتابك تقریر وتحریری حقیقته موافق وسنك آثارکله متناسب
 اولمقدن ناشی سزاوار تقدیر وقبول وتصویبه جدیر دوشر ايسه ای خاقان
 معظم عالم تاریخه رونق ساز اولان آثار نفیسه موفقیتکی جمع وتدوینه
 موفقیتمدنطولایی جناب حقه عرض شکران وذات شاهانه کزه تحمید ودعا
 ایدرم . عاجزلرنجه مجهول فقط بیلنمی حد ذاتنده الزام اولان مناقب

جهتله بر تفصیل یازده جقلسده لکن عالم بشریت وجهان معرفنده مشتهر اولان روم اساننده کی شیوه لطافتی ویرهمیه جکاردر ، و برده آنلرک یازده جقلسرینک مطالعه سی یا لکز کندی لسانلرینه آشنا اولانلره منحصر قالب حابوکه نم محرراتم منحصر آ روملره عائد اولیوب بتون ملل غریبه نك ، جبل طارق بوغازی خارچنده اولانلرک ، بریتانیا جزائرنده ساکن یونانلرک وسائر نیجه ائم واقوامک لسانلرینه ترجمه اولنهرق [۱] برجهله نفیسه تشکیل ایده جکدر. زیرا آنلر روملره محب ، روجهیه آشنا ، مطالعات و تبعاه هوسکاردرلر. تحریک خامه بیانه بنی سوق ایدن اشته بودر.

بوتاریخک محتوی اولدینی وقایعی بالذات مشاهده ایتماش اولدیغم جهتله ارباب وقوف و معلوماتن تفصیلات صحیحه اخدی ایچون برچوق تکلفات اختیار ایدم و تألیفنه موفق اولهرق بش قسمه تقسیم ایلدم . مبدای سنک سلطنتکک ابتدا سیدر و پدریکک ارتحالدن صکره برنجی دفعه اولهرق اوروپادن آسیایه مرور ایتدیكک زماندر .

کتابک حاوی اولدینی وقوعات بروجه آتی ذکر و بیان اولنور : روملر ایله اولان محاربه و قسطنطنیه نك فتحی و اینوزده وفوجلر قطعه سنده و صربستانده [۲] وقوع اولان مصادمات ایله بوقطعه لرک قطعاً انقیدای ؛

[۱] قریتو و لوسک شوامیدی مع التأسف بوکونه قنر حاصل اوله نامشدر .

(مترجه)

[۲] بیزانس مورخلری کندی عادتلر نیجه ذکر ایتدکلری ملتلری اولمللره ویریلن اسم اصلی ایله ذکر ایتیب یعنی مذکور ملتلر طرفندن استعمال اولنان اسملره تسمیه ایتیه لک انجق اولمللرک محل اقامتنده اسکی یونان و رومالیر زماننده ساکن اقوامک یونان یا خود لاین ادبیاتنده معلوم اولان اسملره تسمیه ایدرلر ایدی .

مثلا صر بلری تریتوالی (Trivoli) اولاحلری غته (Γεταί) بوشنانلری ووستری (Τριβάλα) مجارلره په ارنس (Παλ ονες) بلغارلره میسی (Μισσι) قریتو و لوسک بو اثرنده ملتلر و قطعه لر ایچون وضع ایتدیکی اسملر بتون بویله در . فقط بزبوراده بوکی اسملری مذکور ملتلرک اصل اسملریله توسیم ایدرز .

(مترجه)

مقدمه

بو کتاب مورخ قریتو وولوس طرفدن پادشاه حضر تلیزینه عرض اولان اثرک مقاصدینی و آنده مسرود اولان شیلری اجمالاً بیان ایدر و اسباب موجبہ سنی کوسترر .

پادشاه اعظم ، شهنشاه افخم ، شهریار عالیخت ، مظفر لاینہزم ، بارادہ ازلیہ خاقان بروبحر سلطان محمدہ قریتو وولوس (بو کتابی عاجزانه و حقیرانه تقدیم و اهدا ایدر) .

ای اولو پادشاه ! بی نہایہ آثار عظیمہ فتوحات و موقیاتی وجودہ کترین سطوت و شجاعت و عقل و حصافت قہرمانانہ کہ نسبتله پک کوچک قالان ازمنہ قدیمہ نک یونان و روما اکابر حکام و ملوکنک آثار و مناقبی تواریخ و مؤلفات یونانیہ واسطہ سیلہ بین الناس انتشار ایدہ رک اکتساب ابدیت ایتمش اولدینی خالدہ سنک کی بی مثل و مدانی برسطان جلیل العوانک داستان ظفر پیمانی مرور ازمان ایله متواری پردہ نسیان قالمسنی ، واسکندر رومیدن و آنک معاصری اولان سپہداران و شهریارانندن هیچ کیر و قالمیان آثار موقیسات محتشمہ کک اخلافہ درس عرفان اولہ بیله جک برخاطرہ تاریخہ سنک لسان عذب الییان یونانیدہ شیرازہ بند جمع و تدوین ایدلامسنی هیچ بروجهله موافق شان نصفت کور میورم . چونکہ سن بین الملوک و الامراء یکانہ و بی مانند ، حکیمانہ تألیف ایتدیکنک مآثر سیف و قلمک جهانپسند ، سن (شاعر او میروسک دیدیکی کبی) اداره ممالکده مدبر بینظیر ، میدان و ضادہ شیر دلیر اولوب طالع مسعود کدن جسارت آلہرق کیمہ و کیفیہ اسلافہ قات قات فائق اولان آثار عظیمہ کی دیلم دوندیکی مرتبہ روم لسانیلہ نقل و تصویرہ ابتدار ایتدم . احتمالکہ مؤلفین عرب و عجم سنک آثار کی دها ایو بیلدکلری ، دها یقیندن تعقیب ایتدکلری .

سلطان محمدخان حضرت تارينه كوسترديكى صداقته مبنى قريتو وولوس امنيت و توجه شاهانه به مظهر اوله رق امرو زك اداره حكومتى بيكيدن عهده سنه تفويض اولدى . قريتو وولوس دولت عثمانيه ايله ونديك جمهوريتى آره سنه تكون ايدن محاربه به وبومحاربه انساننده امرو زك موقتاً ايادى دشمنه انتقاله قدر امرو زك حكومتنده قاله رق اوتاربخده (١٤٦٧) استانبوله هجرت ايتمش و بقيه ايامنى دارالسلطنه رومده كچيرمشدر . بويكى اقامتكاهنده امرو زده باشلا ديفى تاريخك تحريرينه دوام ايدرك بونى بالاده مذكور اولان وقته يتشديرمشدر . قريتو وولوسك تاريخى بش قسمدن عبارتدر . بونلردن برنجى ، ايكنجى ، اوچنجى ، دردنجى قسملرك هر برى اوچر سنه لك ويا لكر بشنجى قسم درت سنه لك وقايى حاويدر . بناءً على ذلك بتون تاريخك مندرجاتى اون يدى سنه لك وقايعدن عبارتدر .

قريتو وولوسك شيوه قلمى معاصرى بولنان بتون روم مؤرخلرينه فائقدر . زيرا يوقاروده دنخى ذكر اولنديبى وجهله اسانده قديمه يونانيه نك طرز بلاغته پيرو ومقلد اولمشدر . خصوصيله روح تأليفده مورخ مشهور توكيديديسى كندينه رهبر اتخاذا ايلمشدر .

قريتو وولوس سلطان محمدخان حضرت تارينك نام جلادت اتساميله ديباجه طراز كتاب اولمش ومقدمه يى محامد سنيه پادشاهلرينه حصر ايلمشدر . ايمدى بومقدمه ايله تاريخك بروجه آتى ترجمه سنه ابتدار اولمشدر .

ازمير مبعوفى

قاروليدى

ایمپراطور لغندن او آطه لره تعیین ایدلش اولان مأمورین ترک موقع و مأموریتله فراز ایتیشلر ایدی . قریتووولوس بو حاله واقف اولدقده امروز ولیمنی اهاالینک هجرت مقصدینک اوکنی آلمق ایچون بونلره جسارت ویره رک هجرتدن منع ایتدی . عینی زمانده ده کلیبولیده بولتان عثمانلی دونمائی قوماندائی حمزه پاشا ایله کیزلی محابره ایدرک پاشای مومی الیهک انضمام رأی ورخصتیه فاتح حضرتلرینه امروز اهللی معتبرائی طرفندن بر هیئت کوندردی و بو ائنده دونماترفندن مارالذکر آطه لره هیچ بر تعرض و تجاوز و وقوع بولدی . سلطان محمد ایسه نزدینه کلن هیئتی حسن قبول ایدرک امروزی انوس حاکمی پالامیدینک ولیمنی و طاشوز آطه لرینی مدالی حاکمی رودز یقونک تحت اداره سنه وضع ایتدی . امروزه او وقته قدر جاری و مرعی اولان اصول اداره قدیمه نک هیچ بروجهله تبدله اوغرامامسی پادشاه حضرتلرینک جمله اراداتدن ایدی .

اوچ سنه مرورندن صکره پالامیدینک ولد و خلی اولان شخص طرف سلطنت سنیه خصومت کوستردیکی جهته قبودان یونس پاشا امروزه ضبط ایله اداره سنی و قلعه لرک محافظه سنی قریتووولوسه تقویض و تودیع ایتدی (میلاد ۱۴۵۶) . برسنه صکره (۱۴۵۷) پاپا اوچنجی قالكستوس طرفندن لودوویقوس نامنده برامیرال قومانداسنده بحر سفیده سوق اولمش اولان دونما ردوس جزیره سنه مواصلتده دونمادن بالافراز قونتوس نامنده بر قبودانک قومانداسیله اون کمیدن عبارت بر فیلو هنوز عثمانلی تابعیتنه کیرمش اولان آطه لر اوززینه کوندرلدی . مفرز فیلو لیمنی و سمندرک آطه لرینی یدضبطه کچیردکن صکره آطه نک تسلیمنی قریتووولوسدن طلب ایتدی و بوکا دائر اولان امیرال لودوویقوس جانبندن قریتووولوسه یازیلان مکتوبی ویردی . قریتووولوس قبودان قوندوسی احترامات فائقه ایله قبول ایدوب و برچوق هدایا ایله کوکلنی آلوب ایتالیا کیلرینک امروزه هیچ بر تعرض ایتکسزین ردوسه عودتنه خدمت ایتدی . بو و بوکا مماثل

تحتنده ال یازیسيله محرر اولان کتابی بولوب تماماً استساخ ایتدکن .
صکره اوروپایه عودتنده پارسده فیومن دیدو مطبعه سنده طبع ایتدکه .
اولدینی مجموعه یه [۱] درج ایله نشر واعلان ایلشدر (۱۸۷۰) .

بوسایه ده قریتووولوسک اسمی و اثری بتون عالم ادبانه معلوم اولمشدر .
اثر مذکورک موزه هایون مدیر اسبقی دو قنور ده تیر طرفندن فرانسجه یه
وېشته انجمن دانشی طرفندن مجارجه یه ترجمه اولدینی روایت ایدلمکده .
وحتی مجارجه ترجمه سنک انجمن دانشک هر نه سیدن ایسه موقع انتشاره
قومدینی یکر می ویا یکر می بزنجی جلدنده مسطور اولدینی سویلمکده
ایسه ده بو ترجمه لره هنوز دسترس اولنه مامشدر . یالکر سلانیک والی
معاونلکندن متقاعد قسطنطینیدی پاشا طرفندن قسماً ترجمه اولنهرق
بوندن اوتوز بش سنه قدر اقدم روزنامه چة جریده حوادته تفرقه ایدلمشیدی .
بش قسمدن عبارت اولان بوتاریخ فاتح سلطان محمدخان ثانیکن جلوسنه
مصادف اولان ۱۴۵۱ سنه میلادیه سندن ۱۴۶۷ سنه سنه قدر وقایعی حاوی
قریتووولوسک ترجمه حالنه دائر براز معلوماتی محتوی بولنیور .

بومعلوماته نظراً مورخز امروز جزیره سی معتبران و متحیزان اهل بسندن
ایدی . قسطنطینیه نك فتحنی متعاقب دونمای هایونک کلیولی به عزیمتنده
کرک امروز و کرک او آنه قدر روم ایمپراطور لغنه تابع دیکر اوقاق اطه لر
اهالیسی قورقه رق آغریبوز، ساقز و کریدکی بحرسفیدده و ندیک ویا خود
جنوزیلیره تابع بولنان جزیره لره هجرته حاضر لندقلری کبی بیزانس

[۱] اکثری عتیق یونان مورخینک آثارندن پارچه لرینی حاوی ویش جلددن .
عبارت اولان مجموعه نك بشجی جلدینه قریتووولوسک تاریخی درج ایلشدرکه .
تاریخ مذکور ۵۲ صحیفه دن ۱۶۱ صحیفه یه قدر یوز صحیفه اشغال ایدر .

Fragmenta Historicorum graecorum

Editio . Carolus Müller

Parisi

MDCCCLXX

مورخ قریٹووولوس

قریٹووولوس فاتح عصری رجالتدن بروم مورخیدر . جلوس محمد خان نائیدن اعتباراً اون یدی سنهلك وقایعی قلمه الهرق بالتیض تقدیم ایتمش ونسخه میبضه طوپوقوسرای هایونی کتبخانهسندہ حفظ اولمشدر . بشقه نسخہسی اولمدیغندن مورخ مومی الیهک اسمی وائری نزد معار - فندانده بوندن قرق الی سنه اوله کلنجهیه قدر مجھول قالمشدر . کندوسی فاتح مشارالیهک مقتون جلادت وسیاستی اولدیغندن مداحینده اطرا ایلدیکی کبی ییزانس ادبیاتنک دور انحطاطی محررینندن ایسده بلاغت یونانیهک عصرکائنده اشتهار ایدن قدمای سخنپردازانک اسلوب انشاسنی تقلید ایلدیکی جهتله ممدوخنک مناقب جهانگیرانهسنی طمطراقلی برشیوه ایله تصویر ایلمشدر . شمدییه قدر بشقه لسانه ترجمه اولنیمان تاریخی بودفعه لسان عثمانییه نقل ایله مجموعهمزده تفرقه صورتنده نشرینی تنسیب ایلدک .

پارس معاهدهسندن صکره استانبوله کلان روسیه سفیری آلکساندر لوبانوف درسعادته اقامتی اثناسنده طوپوقو سرانی زیارت ایتدیکندن اوراده قریٹووولوس نامنه منسوب وتیرشه اوزرنده محرر بتاریخ بولوب بتاریخک مقدمهسنی حاوی برقاچ صحائف تیبيض و آلمانیاده دوستی اولان مشهور عالم « تیشندورف Tischendorf » ارسال ایلمش ایدی . ذکر اولتان صحائف تیشندورف طرفندن آلمانیاده نشر واعلان ایلمسی اوزرینه قریٹووولوس اسمنده ییزانس عصرنده یشامش برمورخک موجودیتی اکلاشمسنه مبنی آلمانیالی ادیب مشهور قارل مولرا استانبوله کلوب و طوپوقو سرانی کتبخانهسندہ موجود و قریٹووولوس سرنامهسی

DR
501
K719
1910



قریتووولوس

Kritoboulos

تاریخ

سُلْطَانِ مَحْمُودِ ثَانِي

مترجمی

از میر مبعوثی

قارولیدی

Tārīh-i Sultān Mehmed

Hān-i  Sānī

استانبول

مطبعه مطبعه عثمانیه

طبعه مطبعه عثمانیه

۱۳۶۸

تاریخ عثمانی انجمنی بجزعاصک علاوه سیدر.

2303

suppl 1

1/79

DR
501
K719
1910

Kritoboulos
Tārīḥ-i Sultān Mehmed
Hān-l Sānī

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY
